

بخش اول

بخش اول



نمایز

مختصر
دریہ بخش اول



در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می‌آوریم:



نماز امام زمان عجل الله تعالى فرجه

قطب راوندی علیه السلام می‌نویسد: نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به «إِلَّا كَنَعْبُدُ وَإِلَّا كَنْسْتَعِينُ» رسید، آن را صد مرتبه باید گفت، و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهما صلوات فرستاده، و از خدا حاجتش را بخواهد.^۱

این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است.



نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالى فرجه

سید بن طاووس علیه السلام می‌فرماید: نماز حضرت حجت ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در

۱. دعوات راوندی: ۸۹

هر رکعت سوره «حمد» را تا **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** می خوانی، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می کنی، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره «اخلاص» را یک مرتبه می خوانی و پس از نماز این دعا را می خوانی:

اللّٰهُمَّ عَظُمُ الْبَلَاءُ، وَبَرَحَ الْخِفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَضَاقَتِ

خداوندا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد، و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد)، و پرده کنار زده شد،

الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُسْتَكِنِيْ، وَعَلَيْكَ

و زمین (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان، و شکایت ما تنها به سوی توست، و اعتماد

الْمَعَوْلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّحَاءِ. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تکیه ما در هر سختی و سستی بر توست. خداوندا؛ درود بفرست بر محمد و آل محمد،

الَّذِينَ أَمْرَتَنَا بِطَاعَتِهِمْ. وَعَجَّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْهُمْ

کسانی که ما را به اطاعت‌شان امر کردی. خداوندا؛ فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما،

إِعْزَازَهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا

و عزت و بزرگی او را ظاهر کن؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید

كَافِيَيَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا

که شما کفایت‌کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا یاری کنید، که شما

نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ احْفَظُانِي فَإِنَّكُمَا

یاری‌کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا حفاظت کنید که شما

حَافِظُايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

حافظ و نگهدار من هستید. ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ ای مولای من؛ ای صاحب

الرَّزَّامِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوثَ الْغَوثَ الْغَوثَ،

الزمان؛ ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس،

أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْآمَانَ الْآمَانَ الْآمَانَ.

مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب، امام ده امام ده امام ده.

۳

نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله علیه السلام می‌گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله عليه به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیایند)، و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دور رکعت برای تحيیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «اخلاص»، و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دور رکعت برای امام زمان صلوات الله عليه به گونه‌ای که ذکر می‌شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به آیه ﴿إِنَّا نَعْمَلُ وَإِنَّا كَنْسَتَيْنٌ﴾ که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوّم را نیز همین گونه بخواند.

و چون نماز را به پایان برد، تهلیل^۱ گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فمن صَلَّا هَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ .

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است.^۲

۱. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ».

۲. جنة المأوى: ۲۳۱.

نماز امام زمان ارواحنا فداء در مقام آن حضرت در حله و نعمانیه^۱

محدث نوری علیه السلام می‌گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبدالله اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می‌گوید:

ایشان از کسانی است که در زمان غیبت کبری، امام زمان صلوات الله علیه را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خط شیخ زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حاییری (شاگرد شهید) نیز دیده‌ام که ابن ابی جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداء را دیده و از آن حضرت سؤال کرده است: مولای من؛ آیا شما مقامی در نعمانیه و مقامی در حله دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟

حضرت فرمودند:

شب و روز سه شنبه در نعمانیه هستم، و شب و روز جمعه در حله؛ اما اهل حله، ادب رادر مقام من بجای نمی‌آورند؛ و کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و با رعایت ادب بر من و ائمه سلام کند، و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دورکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر این که خدا آنچه می‌خواهد به او عنایت کند که یکی از آن‌ها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.

حضرت فرمودند: بگو:

۱. نعمانیه: شهری بین واسط و بغداد در کشور عراق است.

أَللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبَ مِنِّي، حَتَّىٰ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

بالله: مجازات و مكافات اعمالم به سراغم آمد، تا این که به سختی و بدخلای گرفتار آدم و تو مهریان ترین

الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ أَسْتَحِقُّ بِهِ أَضْعَافَ

مهریانی. و هر چند گناهانی که مرتكب شدم مرا سزاوار چندین و چندین برابر این مجازات‌هایی که

أَضْعَافَ مَا أَدْبَتَنِي بِهِ وَأَنْتَ حَلِيمٌ ذُوْ أَنَاءٍ، تَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتَّىٰ

با آن‌ها مرا ادب فرمودی کرده است، ولی تو بردبار و مدارا کنندماهی، از گناهان زیاد چشم‌پوشی می‌کنی تا

يَسِّبِقَ عَفْوَكَ وَرَحْمَتُكَ عَذَابَكَ.

بخشن و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد.

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم.^۱



نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداء برای برآورده شدن حاجت‌ها

خاتون آبادی علیه السلام این نماز را در «جنت‌الخلود» به امام زمان ارواحنا فداء نسبت داده است: شب قبل از خواب، ظرف تمیزی را که پراز آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را بپوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی مانده آن وضو بسازید. رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که خواستید بخوانید.

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید: «يا غیاث المُسْتَغْیَثِینَ» (ای فریاد رس داد خواهان). سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین کار را در سجدۀ اول و بعد از سجدۀ اول، و در سجدۀ دوم و بعد از سجدۀ دوم تکرار کنید.

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید، که

۱. جنة المأوى: ۲۷۰.

در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته‌اید. سپس تشهید خوانده و سلام نماز را می‌گویید، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید و سی مرتبه بگویید: «مَنِ الْعَبْدُ الْذَّلِيلُ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ»؛ (از سوی بندهای خوار به سوی مولایی بزرگوار)، و حاجت خود را بگویید که به اذن خدای متعال زود اجابت می‌شود.^۱

نگارنده گوید: محدث قمی رحمه‌للہ علیہ این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقيات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان ارواحنا فداء نسبت نداده است.



نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه



احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه‌ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء عرض کردم.
به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.
به من گفت: خدا به این اشتیاقت پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تونشان دهد. اما ای ابا عبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی‌شود^۲، چرا که این اراده

۱. جنات الخلود: ۴۱.

۲. گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمه‌للہ علیہ داشته‌اند و اجابت شده است.

زهربی می‌گوید: خیلی می‌خواستم امام زمان ارواحنا فداء را ببینم، حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداء را به من نشان بدهد.

گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت: فردا صبح بیا. صبح فردا که رفتم شیخ به استقبالم آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبوی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجارت نشان می‌داد. چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان بروم، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سوالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد، سپس خواست داخل خانه‌ای شود که به آن اعتنایی نمی‌شد.

شیخ عمری گفت: اگر می‌خواهی از او سوال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید. (الإحتجاج: ۲۹۷).

خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجه کن.
اما کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری
کرده‌اند آن توجه به صاحب الزمان ارواحنا فدای است با خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت
نماز که به صورت دو رکعتی انجام می‌دهی و «**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**» رادر تمام این رکعت‌ها
می‌خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می‌گویی سخن خداوند عز و جل را:

﴿سَلَامٌ عَلَى الْأَلِ يَا سَيِّدَ﴾، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،
 سلام بر آل یاسین، این همان فضل آشکار است از جانب خداوند،
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ، قَدْ
 و خدا صاحب فضل بزرگ است، پیشوای او کسی است که او را به راه مستقیم خداوند هدایت کند؛

اَتَاكُمُ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا الَّلَّا يَا سَيِّدَ... ۱

به تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای آل یاسین.



نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه ؓ» می‌گوید: ابو حسین
کاتب گفت: کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او
پیش آمد کرد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می‌کرد.
مدّتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه‌ای که باد و باران می‌وزید به قبرستان
قریش رفتم. آنجا برای دعا در حجره‌ای نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را
بینند و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیاش با خدا خلوت
کنم، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش

۱. بحار الانوار: ۱۷۴/۵۳. و زیارت را به طور کامل -إن شاء الله -در باب زیارات ذکر خواهیم کرد.

بیمناکم. ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی‌توانست بیاید.

من دعا و زیارت و نماز می‌خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به گوشم رسید، در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می‌خواند. در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولو العزم علیهم السلام و هر یک از ائمه اعلیٰ درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد. از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی‌داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولای مان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. در حالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی‌شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس‌های سفیدی بر تن داشت و عمامه‌ای که دارای تحت‌الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت.

به من گفت: ای ابا الحسین پسر ابی العلا؛ چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟

گفتم: چگونه است ای سرور من؟ فرمود:

دور رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَرَّ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ

ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشانید، ای آن که به گناه مُواخذه نکرده

وَلَمْ يَهْتِكِ السِّترَ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا مُبْتَدِئَ

و پرده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است، ای آغازگر

النَّعَمْ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا حَسَنَ التَّجَاوِزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا

نعمتها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو، و آمرش فراغیر، ای

بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، وَيَا غَایَةَ كُلِّ

آن که دستان رحمتش باز است، ای نهایت هر نجوا و رازگویی، و ای پایان هر

شَكْوِيٌّ، وَيَا عَوْنَ كُلٌّ مُسْتَعِينٌ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمَ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا،
 شکوه و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمت‌ها قبل از استحقاق آن،
 «يَا رَبِّاهُ» ده مرتبه، «يَا سَيِّدَاهُ» ده مرتبه، «يَا مَوْلَاهُ» ده مرتبه، «يَا
 ای پروردگارم؛ ای آقا و سوروم؛ ای مولایم،
 غَايَتَاهُ» ده مرتبه، «يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه. أَسْأَلُكَ بِحَقٍّ هَذِهِ
 نهایت مقصودم؛ ای نهایت اشتباهم؛ از تو می خواهم به حق
 الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا
 این نامها و به حق محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که
 كَشَفْتَ كَرْبَليٰ، وَنَفَسْتَ هَمَيٰ، وَفَرَّجْتَ عَنِيٰ، وَأَصْلَحْتَ حَالِيٰ.
 بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی، و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می خواهی دعاکن، و حاجت را بطلب؛ سپس گونه راست
 صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می گویی:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيٰ، يَا عَلِيٰ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُما كَافِيَانِي،
 ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت کننده اید
 وَانْصُرْانِي فَإِنَّكُما نَاصِرِانِي.
 و یاریم کنید که شما مرا یاری کننده اید.

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می گویی: «أَدَرِكْنِي» (مرا
 دریاب) و آن را بسیار تکرار کن. و سپس به اندازه یک نفس می گوئی: «الْغَوْثَ»
 [الْغَوْثَ] [الْغَوْثَ] (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس)؛ بعد سر از زمین بردار
 که خداوند با بزرگواریش حاجت را برآورده می کند إن شاء الله.

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد. بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم
 تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم. دیدم درها بسته و قفل هستند،
 تعجب کردم و با خود گفتم: شاید او از ابتدای شب اینجا بوده و من نمی دانستم. ابن
 جعفر قیم را صدا زدم. ابن جعفر از اطافی که روغن چراغ‌های حرم در آنجا بود آمد.

از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سئوال کردم. گفت: همان طور که می بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده ام. دوباره جریان را از او جویا شدم، گفت: آن مرد مولای مان امام زمان صلوٰت‌الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده ام.

با شنیدن این حرف، تأسف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم. نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم. آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان‌نامه‌ای از وزیر و نامه‌ای به خط خودش سراغ مرا از دوستانم می‌گرفتند و به دنبال من می‌گشتند. با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم.

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداء شکایت مرا نمودی؟ گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوٰت‌الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم.

پس گفتم: لا إِلٰهَ إِلٰهُكَ شَهَادَتْ مَنْ دَهْمَ كَهْ أَئَمَّهَ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ بِرَحْقَ اَنْدَ وَ حَقَّ بِهِ آنَانَ خَتَمَ مَنْ شَوَدَ؛ من دیشب آفایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم.

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد. و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء آنچه فکر آن را هم نمی‌کردم، از سوی امیر درباره من انجام شد.^۱ علامه شیخ علی اکبر نهادنی در «العقرب الحسان» می‌گوید: من این دعا را چندین بار تجربه کرده‌ام و در استجابت و رسیدن به مقصد مؤثر دیدم. سپس سخن آیه الله عراقی در «دارالسلام» را نقل کرده است که آن به این شرح است:

آثار عجیبی از این دعا دیده‌ام و اوّلین اثر آن را در شهر تهران در سال ۱۲۶۶

۱. تبصرة الولي: ۱۹۲، بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۱، دلائل الإمامة: ۵۵۱.

مشاهده کردم. من در منزل ملک التجار، مهمان حاج میرزا باقر امام جمعه بودم. ایشان از وطنش تبعید شده بود و از طرف حاکم اجازه نداشت به تبریز برگردد. من هر چند مهمان او بودم و تهیّه خوردنی و آشامیدنی بر من لازم نبود اماً به خاطر مخارج دیگر، چون غریب بودم و با اهل آنجا مأнос نبودم قرض برایم امکان نداشت، ولذا به شدّت در تنگدستی بودم.

یک روز با امام جمعه در صحن خانه نشسته بودیم. من بلند شدم و به اتاق بالا برای استراحت و نماز رفتم. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر کتابی را در اتاق دیدم. آن را برداشتم و دیدم ترجمة جلد سیزدهم «بحار الأنوار» است که در احوالات امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشریف نوشته شده است.

چون کتاب را باز کردم این دعا را در باب معجزات حضرت دیدم. با خود گفتم: آن را امتحان می‌کنم. پس بلند شدم، نماز خواندم و دعا کردم و سجده انجام دادم. سپس پیش شیخ رفتم و در کارش نشستم که در این هنگام مردی با کاغذی در دست وارد شد و آن را به امام جمعه داد و پارچه سفیدی را در پیش او گذاشت.

امام جمعه بعد از خواندن نامه، آن را به همراه پارچه به من داد و گفت: این مال توست.

وقتی پارچه را باز کردم دیدم تاجر علی اصغر تبریزی بیست تومان در پارچه گذاشته و در نامه نوشته که به من برسانند. به زمان نوشتن نامه که نگاه کردم دیدم درست همان زمانی است که از دعا فارغ شدم. تعجب کردم و در حالی که خدا را تسبیح می‌گفتم تبسمی کردم، امام جمعه علت را از من پرسید و من داستان را برایش گفتم.
امام جمعه گفت: سبحان الله؛ من هم این کار را به خاطر برطرف شدن مشکلم انجام می‌دهم.

به او گفتم: بلند شو و شتاب کن.

به اتاق رفت و پس از خواندن نماز ظهر و عصرش همان کارهایی را که من انجام داده بودم بجا آورد و زمانی نگذشت که حاکمی که او را به تهران احضار کرده بود برکنار شد و شاه از او معذرت خواهی کرد و او را با احترام به تبریز برگردانید و از آن

پس، این کار ذخیره‌ای برایم در گرفتاری‌ها بود و آثار عجیبی از آن مشاهده کردم.

سالی نیز در نجف، بیماری وبا زیاد شده بود و بسیاری بر اثر آن جان خود را از دست دادند و مردم مضطرب و پریشان خاطر گشته بودند. چون این گونه دیدم از شهر بیرون رفته و این کار را انجام دادم و از خدا خواستم وبا را برطرف کند. سپس وارد شهر شدم و به کسی نگفتم چه کاری انجام داده‌ام. ولی به نزدیکانم خبر برطرف شدن وبا را دادم.

به من گفتند: از کجا می‌گویی؟ گفتم: مستند خود را در این گفتار به شما نمی‌گوییم.

گفتند: فلانی و فلانی دیشب به وبا مبتلا شدند. گفتم: این طور نیست به طور حتم، قبل از دیشب مبتلا شده بودند. و بعد از تحقیق درستی گفتارم ثابت شد. چندین بار دوستانم گرفتار سختی‌ها شدند و من این کار را به آنان یاد دادم و به سرعت مشکلاتشان رفع شد.

روزی در خانه یکی از دوستان بودم، از گرفتاری و سختی حال او اطلاع پیدا کردم و این کار را به او یاد دادم و به خانه‌ام بازگشتم. بعد از زمان کوتاهی صدای کوییدن درب را شنیدم و همان مرد به خانه من آمد و گفت: از برکت دعای فرج، مشکلم رفع شد و مالی بدست آوردم؛ چه مقدار نیاز داری تابه تو بدھم؟

گفتم: من به برکت این دعا هیچ گونه احتیاجی ندارم ولی برایم ماجرا یات را بگو.

گفت: جریان این بود که بعد از رفتن تو از خانه‌ام به حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشرف شده و این کار را انجام دادم وقتی از حرم شریف بیرون آمدم مردی را ملاقات کردم و او به اندازه نیاز به من بخشید.

خلاصه این که من اثر این کار را خیلی زود دیدم. اما فقط به کسی که در تنگنا و نیاز شدید باشد این دعا را یاد می‌دهم و خودم انجام نمی‌دهم مگر این که در چنین حالی باشم؛ چون نامگذاری این دعا به دعای فرج توسط امام زمان صوات الله عليه این مطلب را می‌رساند که در زمان شدت گرفتاری و در تنگنا اثر می‌کند.^۱

۱. العبری الحسان: ۱۲۹/۱ المسک الأذفر و دار السلام عراقی: ۱۹۲ با اندکی تصریف در عبارات.

٨

نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالى فرجه

سید علیخان علیه السلام در «الكلم الطيب» می‌گوید: این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداء است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور، آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَاملُ التَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُ، وَصَلَواتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند، و درودهای همیشگی و برکات

الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حَجَّةِ اللَّهِ وَوَلَيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيقَتِهِ

پاینده و کامل خدا، بر حجت خدا و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او

عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ وَالصَّفْوَةِ،

بر آفریدگان او و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی‌مانده عترت و برگزیدگان،

صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُلِقَّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ

حضرت صاحب الزمان، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیم‌گر احکام قرآن، و پاک کننده

الْأَرْضِ، وَنَاسِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ

زمین، و نشر دهنده عدل در طول و عرض (جهان)، و حجت قائم

الْمَهْدِيُّ، الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ الْمَرْضِيُّ، وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ،

مهدی، امام منظر پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک،

الْوَصِيُّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومُ بْنِ الْأَئِمَّةِ

وصی که فرزند اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان

الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ،

هادیت‌گر معصوم است. سلام بر تو ای عزت‌بخش مؤمنانی که آن‌ها را ضعیف شمرده و به ناتوانی و اداشته‌اند،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذْلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ

سلام بر تو ای خوار کننده کافران متکبر ستمگر؛ سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَللَّاهُمَّ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ

بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند رسول

اللهِ، أَللَّاهُمَّ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَللَّاهُمَّ عَلَيْكَ يَابْنَ

خدا؛ سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان؛ سلام بر تو ای فرزند

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَللَّاهُمَّ عَلَيْكَ يَابْنَ الْأَئِمَّةِ

فاطمة زهرا بانوی زنان جهانیان؛ سلام بر تو ای فرزند امامان

الْحَجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْأَئِمَّامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَللَّاهُمَّ عَلَيْكَ

که حجت‌های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای تمام خلائق؛ سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ سَلَامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَئِمَّامُ

ای مولای من؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد (تنها ولایت و محبت تو را دارد). شهادت می‌دهم که همانا تو پیشوای

الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَّأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

هدایت شده و هدایتگری از جهت گفتار و کردار؛ تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد بر خواهی کرد

بَعْدَ مَا مُلِئَتِ الْجَوْرًا وَظُلْمًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ،

بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند، و خروجت را آسان

وَقَرَبَ زَمَانَكَ، وَكَثَرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدْكَ،

و زمان ظهورت را نزدیک نماید، و یاران و یاوران تو را زیاد گرداند، و به آنچه به تو وعده داده است وفا

فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمْنَعَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي

کند، که او راستگوترین سختگویان است (آنچا که می‌فرماید): «می‌خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند

الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمْ الْوَارِثِينَ»^۱. يَا مَوْلَايَ يَا

مقت گذاشته و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم». ای مولای من ای

صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا، وَبِهِ جَائِي «كَذَا

صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا؛ حاجتم چنین و چنان است؛

وَكَذَا» حاجت خود را ذکر نماید، فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ

تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن، که من

إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَاماً

به شما برای رفع حاجتم روی آورده‌ام؛ چون می‌دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام

مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنِ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ

ستوده است؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای اسرار خود برگزید، و به آن شأن

الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نُجُحِ طَلَبِتِي،

و مقامي که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و اوست از خدا بخواهید که خواسته‌هایم را برآورده ساخته

وَاجْبَاتِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي.

و دعایم را مستجاب گرداند، و اندوهم را برطرف سازد.

و هر چه دوست داری دعاکن و بخواه که ان شاء الله برآورده می‌شود.^۱

علّامه شیخ محمود عراقی در کتاب «دارالسلام» -که در آن جریان کسانی ذکر شده است که به ملاقات و عرض سلام خدمت امام زمان ارواحنا فداء شرفیاب شده‌اند- می‌فرماید: این عمل را خودم تجربه کرده و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده‌ام، بعضی از علماء از یادداهن آن به نااهلان خودداری می‌کردند و از کارهایی بود که در گرفتاری‌های بزرگ آن را تجربه کرده بودند.^۲

ایشان در «دارالسلام» می‌فرماید: به نظر می‌رسد سوره «فتح» و «نصر» برای بعد از سوره «حمد» تعیین شده و فاضل معاصر آن را معین فرموده است؛ و بعید نیست که انجام این عمل در نیمه شب معین شده باشد؛ چون راوی در آن وقت مأمور به انجام شده بود و اطلاقی در کلام نیست تا غیر آن وقت راهم شامل شود، لذا قدر متيقن و آن وقت حتمی و يقينی همان نیمه شب است.

فضل معاصر از قول کفعمی عليه السلام قبل از نمازو و زیارت علاوه بر تعیین این دو سوره، غسل رانیز افزوده است، هر چند در کتاب «مصباح الزائر» سوره معین نشده است. بنابراین، آنچه از فرمایشات این بزرگواران ظاهر می‌شود این است که تعیین سوره‌ها و تعیین وقت گرچه اقوی نیست ولی به احتیاط نزدیک‌تر می‌باشد و انجام دادن غسل شرط نشده گرچه آن هم مطابق با احتیاط است.^۳

۱. مفاتیح الجنان: ۲۴۳، به نقل از الکلم الطیب: ۸۳.

۲. التحفة الرضوية: ۱۳۴. ۳. دار السلام عراقي: ۱۹۷.

نمازِ هدیهِ خدمت امام زمان عجل الله تعالى فرجه

سید جلیل القدر علی بن طاووس رض می فرماید: ابو محمد صیمری گفته است: ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی با سندی که آن را به ائمه علیهم السلام رسانده، گفته است: ... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به یکی از ائمه علیهم السلام هدیه کند. شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت، یا سه و یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»؛ (درود خداوند بر محمد و آل پاک و پاکیزه او باد)، و چون تشهد خواند و سلام داد (بعد از نمازی که به امام زمان ارواحنا فداء هدیه می کند) بگوید:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ صَلِّ

بار خداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست؛ ای صاحب بزرگی و احترام؛ درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَبْلَغُهُمْ

بر محمد و آل محمد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکارانند، و بهترین سلام و تحيیت

مِنِي أَفْضَلَ التَّحْيَةِ وَالسَّلَامِ. أَللَّهُمَّ إِنَّ هَاتِينِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ

از طرف من به ایشان برسان. خدایا؛ همانا این دو رکعت هدیه‌ای است

مِنِي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ فِي

از من برای بندهات و فرزند بندهات و ولی تو و فرزند ولی تو، نوہ پیامبر و فرستادهات در

أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ

روی زمین تو و حجت بر مخلوقات تو؛ ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ .

مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان.

اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالى فرجه در روز پنج شنبه

شیخ طوسی علیه السلام در کتاب «مصباح کبیر» خود می‌گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا علیه السلام و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می‌کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا علیه السلام و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداه هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

أَللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حَيْنَا

بار خداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و اینمنی هستی) و سلام از جانب توست، و به سوی تو باز می‌گردد.

رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامُ. أَللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْ

پروردگار؛ سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا؛ این چند رکعت نماز، هدیه‌ای است از من به

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ^۱، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلَّغَهُ إِلَيْهَا،

حجت بن الحسن، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و این هدیه را به او برسان

وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمْلَى وَرَجَائِي فِيهَا، وَفِي رَسُولِكَ صَلَواتُكَ

و به من فزون‌تر از آرزو و آمیدی که در مورد تو و رسولت - که رحمت و درود تو

۱. نام امامی را که نماز را به او هدیه می‌کنی بگو.

عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَفِيهِ]. و هر چه دوست داری طلب کن و دعاکن.^۱

بر او و آل او باد - [و در مورد حجتت] دارم، عطا فرما.



نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداء در شب‌های پنج شنبه و جمعه

در کتاب «التحفة الرضوية» آمده است: عالم جلیل القدر سید حسین همدانی

نجفی علیه السلام به من فرمود:

هر کس حاجتی دارد، شب پنج شنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای بر هنر دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و ۵۹۵ مرتبه بگوید: «یا حُجَّةُ الْقَاتِمِ».

سپس به سجده رفته و در سجده هفتاد مرتبه بگوید: «یا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَغْثِنِی»؛
(یا صاحب الزمان به فریادم برس)، و آن گاه حاجتش را بخواهد.

این نماز در مورد حاجت‌های مهم تجربه شده و اگر در هفتۀ اول حاجتش برآورده نشد هفته بعد آن را بخواند و اگر باز هم برآورده نشد در هفتۀ سوم نماز را بخواند که به طور حتم حاجتش برآورده خواهد شد.

سید محمد علی جواهیری حائری به من فرمودند: برای حاجتی این نماز را خواندم و در همان شب در عالم خواب حضرت مهدی ارواحنا فداء را دیده و حاجت خود را به ایشان عرضه کردم و خداوند به برکت آن حضرت، حاجتم را برآورده ساخت.

و نیز فرموده‌اند که: من خود این نماز را تجربه کرده‌ام.^۲



۱. جمال الأسبوع: ۳۴، دعوات راوندی: ۱۰۸، مصباح المتهجد: ۳۲۲.

۲. التحفة الرضوية: ۱۳۵.

نماز استغاثه به نحو دیگر

همین نماز را صدر الإسلام همدانی در کتاب ارزشمندش «تکالیف الأنام فی غیبة الإمام» با کیفیّت دیگری آورده است:

ایشان از سید مورد اعتماد، استاد و عالم ربّانی، حکیم صمدانی، فقیه و مجتهد کامل سید محمد هندی نجفی و او از عالم بزرگوار سید حسن قزوینی، و او از سید حسین شوستری - امام جماعت - با سند خود از سید علیخان - شارح صحیفة سجادیه - نقل کرده‌اند:

در شب پنجمین شب جمیعه دو رکعت نماز در زیر آسمان و بر بالای بام با سر بررهنه می خوانی و بعد از نماز با سر بررهنه «یا حُجَّةُ الْقَائِمُ» به تعداد عدد آبجدش ۵۹۵ مرتبه می گویی که تجربه شده است.

و بدآن که عددش «۰۰۰(ی) + ۱۱۱(ا) + ۲۲۲(ح) + ۳۳۳(ج) + ۴۴۴(ة) + ۵۵۵(ل) + ۶۶۶(ن) + ۷۷۷(س) + ۸۸۸(د) + ۹۹۹(پ)» است که مجموع آن ۵۹۵ می شود. ایشان فرموده اند: این عمل را (از غیر اهلش) مخفی بدار، چون از اسرار است و من آن را چند بار تجربه کردہام!

نماز امام زمان عجل الله تعالى فرجه

در شب جمعه

سید بن طاووس رض می فرماید: در کتاب «كنوز النجاح» نوشته ابو علی فضل بن حسن طبرسی رض آمده است: احمد بن دربی از خزانمه و او از ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدسه وارد شده است:

١. تكاليف الأنام في غيبة الإمام: ٢٥١

هر کس از درگاه ربوی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و در رکعت نماز بخواند. در رکعت اول سوره حمد را بخواند تا بر سرد به آیه «إِنَّا كَنَّا نَعْبُدُ وَإِنَّا كَنَّا نَسْتَعِينُ» و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعای را که ذکر می شود بخواند، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می کند؛ مگر آن که قطع صله رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

أَللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمُحَمَّدَةُ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ،

خداؤندا؛ اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت و دلیل تو بر من تمام است،

مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ

آسایش و راحتی و حل مشکلات از ناحیه توست، پاک و منزه است کسی که نعمت داد و شکر گزارد، پاک و منزه است کسی که

قَدَرَ وَغَفَرَ، أَللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي

قدرت داشت و بخشید. خداوندا؛ اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در

أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ

محبوب ترین چیزها نزد تو که ایمان به توست، تو را اطاعت کردهام؛ فرزندی برای تو نگرفتم؛ و

أَدْعُ لَكَ شَرِيكًاً، مَنَاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنًاً مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ

شریکی برایت نخواندم؛ و اینها منتی از تو بر من است نه منتی باشد از من بر تو؛

عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابِرَةِ، وَلَا الْخُرُوجُ عَنْ

خدای من؛ تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنشی و نه برای خارج شدن از

عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي

مرتبه بندگی تو، و نه برای انکار روبیت تو؛ بلکه از هوای نفسم پیروی کردم و

الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذِنْوُبِي غَيْرَ

شیطان مرا دچار لغوش ساخت؛ پس حجت و بیان تو بر من تمام است، پس اگر عذاب کنی به خاطر گناهاتم می باشد و تو

ظالم، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا
 ستمگر نیستی و اگر مرا بیامزی و ترحم نمای همانا تو بخشندۀ بزرگواری، ای بزرگوار ای
کَرِيمٌ، (این کلمه رابه قدر یک نفس تکرار کند)، سپس بگوید: **يَا أَمِنًا مِنْ كُلّ**
 ای آن که از هر چیزی اینم
 بزرگوار،
شَيْءٍ، وَكُلّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِيرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلّ
 هستی، و همه از تو ترسان و بیناکند؛ از تو میخواهم به امنیت و امان تو از هر
شَيْءٍ، وَخَوْفٌ كُلّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ
 چیز و ترس هر چیز از تو، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی
مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِينِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي، وَسَائِرِ مَا
 و به من در مورد خودم و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمت‌هایی که به من داده‌ای
أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا، وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا،
 امنیت و آسودگی عطا کنی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیناک نباشم؛
إِنَّكَ عَلَى كُلّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسِبَنَا اللَّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِيَ
 همانا تو بر هر کاری قادر و توانایی. و خداوند، ما را پس است و او خوب وکیلی است. ای کفایت کننده
إِبْرَاهِيمَ نُمْرُودَ، يَا كَافِيَ مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّي عَلَى
 ابراهیم از شر نمرود، و ای کفایت کننده موسی از شر فرعون، از تو میخواهم که بر
مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِينِي شَرَّ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ.
 محمد و آل محمد درود بفرستی و مرا از شر «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعاکننده از شرّکسی که از او می‌ترسد در امان خواهد
بود. آن گاه سجده کرده و حاجتش را می‌طلبید و به سوی خدا تضرع و ناله

می‌کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص نیت دعاکند مگر
این که برای او درهای آسمان برای احابت باز شده و در همان وقت و همان شب
هر که باشد دعاویش احابت می‌شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است.^۱

۱. مهج الدعوات: ۳۵۱، المصباح: ۵۲۲ با اندکی تفاوت.

نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نمازی که ذکر شد در کتاب «نجم الثاقب» از کتاب سید فضل الله راوندی به عنوان نماز مولای مان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نقل شده و بعد از نماز صد مرتبه صلووات بر محمد و آل محمد علیهم السلام ذکر شده است. دعای دیگری بعد از نماز گفته نشده و زمان خاصی برای آن معین نشده است.^۱

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

ابوالعباس احمد بن علی بن نوح علیه السلام می‌گوید: ابو احمد محسن بن عبدالحكم سجری به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتیم که در کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هیثم نوشته شده که این نماز از ابوالقاسم حسین بن روح علیه السلام نقل شده است:

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره‌ای که توانست می‌خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می‌دهد و این دعا را می‌خواند:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،

ستایش خدایی را که فرزندی نگرفته و شریکی در ملک و سلطنت ندارد،

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلُّ وَكَبِّرُهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي،

و برایش سرپرست و یاوری از جهت خواری و ذلت نمی‌باشد، او را به عظمت و بزرگی یاد کن. ای ساز و برگ من در مدت زندگی،

وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا غِياثِي فِي

و ای همد من در سختی و گرفتاریم، و ای سرپرست من در نعمت، ای فریادرس من در هر

رَغْبَتِي، يَا مُجَبِّي فِي حَاجَتِي، يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَائِنِي
 نیازم، ای اجابتگر من در درخواست من، ای حافظ من در غیاب من، ای نگهدار من
فِي وَحدَتِي، يَا أُنْسِي فِي وَحْشَتِي. أَنْتَ السَّاٰتِرُ عَوْرَتِي، فَلَكَ
 در تنهایی من، ای مونس من در وحشت من. تنها تو پوشاننده رشتیهای من هستی؛ پس
الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقْبِلُ عَثْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْفَسُ
 ستایش تو راست و تو از لغزش‌هایم در می‌گذری؛ پس حمد، تنها سزاوار توست، و تنها تو بر طرف‌کننده
صَرْعَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلٌّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْ
 زمین افتادنم هستی. پس حمد تنها سزاوار توست، بر محمد و آل محمد درود بفرست و
عَوْرَتِي، وَامِنْ رَوْعَتِي، وَأَقْلَنِي عَثْرَتِي، وَاصْفَحْ عَنْ جُرمِي،
 عیوب مرا بپوشان، و مرا از ترس ایمنی بخش، و از لغزش درگذر، و از جرم چشم‌بوشی کن،
وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصَّدِيقِ الَّذِي
 و از گناهانم درگذر و در میان اهل بهشت که وعده صدق به
كَانُوا يُوعَدُونَ.

آیان دادند (مرا داخل گردان).

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی، هر کدام از سوره‌های «حمد»، ﴿ قُلْ
هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴾، ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴾، ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴾،
 ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴾ و «آیة الکرسی» را هفت مرتبه می‌خوانی، سپس هفت
 مرتبه می‌گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.
 معبدی جز خدا نیست و خدا بزرگتر و منزه است و جنبشی و نیروی نیست مگر به سبب خدا.
وَهُوَ أَنَّا أَنَّا لَنَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و «آیة الکرسی» را هفت مرتبه می‌خوانی، سپس هفت
 مرتبه می‌گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

خدا، خدا پروردگار من است، به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هر چه دوست داری دعا می‌کنی.^۱

نماز شب نیمة ماه شعبان

ابو یحیی صناعی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت کردند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هرگاه شب نیمة شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» صد مرتبه می خوانی، و چون نمازت تمام شد، می گویی:

**اللّٰهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ . اللّٰهُمَّ لَا تُبْدِلِ
خداوندا؛ من فقیر و محتاجم و از عذابت ترسان و به تو پناهندهام. خداوندا؛ نامم را (با نام دیگری) عوض مکن،**

**اسْمِي ، وَلَا تُعِيْرِ جِسْمِي ، وَلَا تُجْهِدْ بَلَائِي ، وَلَا تُشْمِثْ بِي
و بدنم را دگرگون مسار، و بلایم را سخت مگران، و دشمنانم را سرزنش کننده من قرار مده.**

**أَعْدَآئِي ، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ ،
از کیفرت به بخششت پناه می برم، و از عذابت به رحمت پناه می برم**

**وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، جَلَّ ثَناؤكَ ، أَنْتَ
و از خشم تو به خشنودیت پناه می برم و از تو به خودت پناه می برم، ستایش تو والاست؛ تو،**

كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْفَاقِلُونَ .

آن چنانی که خودت خود را ستودهای و برتر از گفتار گویندگانی.

نماز دیگر در شب نیمة شعبان

ابو یحیی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمة شعبان سئوال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمة شعبان بعد از شب قدر، برترین و بافضیلت‌ترین شبها است. در این شب خدا فضل و رحمتش را شامل حال بندگانش می‌گرداند و ایشان را به بزرگواری خود می‌بخشد. در این شب سعی کنید به خدا تقرب جویید.

زیرا شبی است که خداوند بر خود لازم کرده و قسم یاد نموده که هیچ درخواست کننده‌ای رارد نکند مگر این که درخواست معصیت و حرامی بکند. و شبی است که خدا در عوض شب قدر که برای پیغمبرمان علیه السلام قرار داد، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است.

پس در دعا و ستایش خدا تلاش کنید؛ زیرا هر کس در این شب صد مرتبه خدا را تسبیح نموده یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را ستایش نموده یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را به بزرگی یاد کرده یعنی «أَلَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌بخشد و از حاجات دنیا و آخرت آنچه را بخواهد، و آنچه نیازمند آن باشد - هر چند آن را نخواهد - خداوند به خاطر بزرگواری و رحمتش بر بندگان، آن‌ها را برآورده می‌سازد.

ابو یحیی می‌گوید: به سرورم امام صادق علیه السلام عرض کردم: بهترین دعا در این شب چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اول بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «جحد» یعنی «فُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «توحید» را بخوان. وقتی سلامدادی سی و سه مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و سی و سه مرتبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و چهار مرتبه: «أَلَّهُ أَكْبَرُ» بگو، و سپس این دعا را بخوان:

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهْمَمَاتِ، وَإِلَيْهِ يُفْزَعُ الْخَلْقُ فِي

ای کسی که پناهگاه بندگان در سختی‌ها و مشکلات به سوی او است، و مخلوقات در بلا و مصیبت به او پناه می‌برند؛

الْمُلْمَاتِ، يَا عَالِمَ الْجَهَرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفِي عَلَيْهِ

ای دنای هر چه آشکار و پنهان است، ای کسی که خطور فکر و اندیشه‌ها و رفت و آمد

خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ، يَا رَبَّ الْخَلَاقِ وَالْبَرِيَّاتِ،

خیالات و خاطرات بر او پنهان نیست؛ ای بروبدگار خلائق و آفریدگان؛

يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلْكُوتُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

ای کسی که ملکوت زمین‌ها و آسمان‌ها به دست قدرت اوست؛ تو ان خدایی هستی که جز تو خدایی

أَنْتَ، أَمْتُ إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِجْعَلْنِي فِي

نیست؛ من به وسیله «لا إله إلا الله» تو را قصد می‌کنم و به تو روی می‌آورم، پس به خاطر این که اعتقاد دارم جز تو خدایی نیست،

هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ، وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ،

در این شب مرا از کسانی قرار بده که نظر لطف به او کرده پس به حالش ترحم فرموده‌ای و دعايش را شنیده پس آن را اجابت

وَعَلِمْتَ اسْتِقْالَتَهُ فَأَقْلَتَهُ، وَتَحَاوَرْتَ عَنْ سَالِفِ خَطْبَتِهِ، وَعَظِيمٌ

کرده‌ای، و درخواست گذشت او را دانسته پس از او درگذشتی، و از خطاهای گذشته و گناهان بزرگ او گذشت کردی.

جَرِيرَتِهِ، فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِيِّ، وَلَجَائِنُتُ إِلَيْكَ فِي سَرْ

پس من از گناهانم به تو پناه اورده‌ام و برای پوشاندن زشتی‌هایم به تو تو پناهنده گشتم.

عُيُوبِيِّ. أَللَّهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرِمَكَ وَفَضْلِكَ، وَاحْظُظْ حَطَايَايِ

ای خدا؛ تو به فضل و کرمت بر من بخشش و احسان فرما و با بردبازی و عقوت گناهانم

بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَغْمَدْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِعِ كَرَامَتِكَ،

را بریز و مرا در این شب با کرامت و بزرگواری فراوان‌تر غرق احسان نما.

وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أُولَى أَئِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ، وَاخْتَرَتَهُمْ

و مرا در این شب از دوستانت قرار بده که آن‌ها را برای فرمانبرداری از خودت برگزیدی،

لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتِكَ وَصِفْوَتِكَ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ

و برای عبادت انتخاب فرمودی و از خاصان و خالصان خود قرار دادی. خداوندا؛ مرا از آنان قرار بده که

سَعَدَ جَهْدُهُ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظْهُ، وَاجْعَلْنِي مِمْنَ سَلِيمَ فَنَعِمْ

از کوشش خود به سعادت رسیدند و از خیرات و خوبی‌ها بهره‌کامل برداشتند؛ و از آنان که در زندگی سالم ماندند پس متنع گردیدند

وَفَازَ فَغَنِمَ، وَاكْفِني شَرَّ ما أَسْلَفتُ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْأَزْدِيادِ في

و پیروز گشته‌اند پس غنیمت یافته‌اند؛ و مرا از شر کارهای گذشته‌ام کفایت فرما و از این که در آینده بر نافرمانی تو بیفزایم حفظ

مَعْصِيَتكَ، وَحَبَّبْ إِلَيَ طَاعَتكَ وَمَا يَقْرِبُنِي مِنْكَ وَيُزْلِفُنِي عِنْدَكَ.

فرما، و فرمان برداری از خود را آن چه را باعث نزدیک شدن به حضرت توست و به من نزد تو منزلت می‌دهد محیوب من گردان.

سَيِّدي إِيلَيَ يَلْجَأُ الْهَارِبُ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَعَلَى

ای اقای من؛ گریختگان به سوی تو پناهندگی شوند و جویندگان به درگاه تو التماس می‌کنند، و

كَرِمِكَ يَعْوِلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ، أَدَبَتَ بِالْتَّكَرُّمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ

آن که طلب گذشت می‌کنند و توبه کار شدند اعتمادشان بر کرم توست؛ تو بندگان را با رفتار بزرگوارانهات در حالی که بزرگوارترین

الْأَكْرَمِينَ، وَأَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِنْدَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. أَللَّهُمَّ

کریمان هستی، ادب کردی؛ و به بندگان دستور بخشش دادی در حالی که خودت بخشند و مهربانی.

فَلَا تَحْرِمنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرِمِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِعِ نَعْمَكَ،

ای خدا؛ مرا از امیدی که به بزرگواری‌ات دارم محروم مکن، و از نعمت فراگیر و فراوانت نامید مگردان،

وَلَا تُخْبِنِي مِنْ جَزِيلِ قِسْمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لَا هُلْ طَاعَتكَ،

و از قسمت‌های بزرگت برای فرمان برداران در این شب مرا هم ناکام مساز،

وَاجْعَلْنِي فِي جُنَاحِهِ مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتكَ. رَبِّ، إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ

و مرا از آفریدگان شرور و بد رفتارت در حفظ خود بدار. باربرور دگارا؛ اگر من قابل آنچه درخواست کردم نیستم،

ذُلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ

لیکن تو اهل بزرگواری و بخشش و آمرزشی؛ بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرامت فرما

أَهْلُهُ لَا بِمَا أَسْتَحْقَهُ فَقَدْ حَسْنَ ظَنِّي بِكَ، وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ،

نه آنچه شایسته من است؛ چون به تو خوش‌گمان بوده و امیدم به سوی توست،

وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرِمِكَ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ.

و جانم به کرامت بسته است؛ چون عقیده دارم که تو مهربان‌ترین مهربانان و بزرگوارترین بزرگواران هستی.

أَللَّهُمَّ وَاحْصُنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسْمِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ

بازارها؛ مرا از راه بزرگواریات به قسمت‌های بزرگ خوبیش مخصوص گردان، من از کیفرت به بخشش تو پناه می‌برم.

عَقُوبَتِكَ، وَاغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ، وَيُضِيقُ

آن دسته از گناهان مرا ببخش که خوی و سرشت را بر من محبوس و روزی را

عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتَّى أَقْوَمَ بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ،

بر من تنگ می‌سازد، تا به خشنودی نیکوی تو پردازم و با بخشش بزرگت بهره‌مند شوم

وَأَسْعَدَ بِسَابِعِ نَعْمَائِكَ، فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ، وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ،

و به نعمت‌های فراوان‌تر نیکبخت گردم؛ زیرا، من به حریم قدس تو پناه آورده و خود را در معرض بزرگواریات درآورده‌ام؛

وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ، وَبِحَلْمِكَ مِنْ غَضِبِكَ، فَجُدْ بِمَا

واز کیفر و مجازات به بخشش و از خشمت به برداشی از پناه جسته‌ام؛ پس مرا آن‌چه خواستم عطا فرما

سَأَلْتُكَ، وَأَنِلْ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ لَا يُشَيِّءُ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ.

و به آن‌چه از تو التماس نموده‌ام برسان، من از تو چیزی را می‌خواهم که از تو بزرگ‌تر نیست.

سپس به سجده می‌روی و بیست مرتبه: «یا ربُّ»، هفت مرتبه: «یا اللهُ»،

هفت مرتبه: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ»، وده مرتبه: «ما شاءَ اللهُ»، وده مرتبه:

«لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» گفته و بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ صلوات می‌فرستی و از خدا

حاجت را می‌طلبی.

به خدا سوگند؛ اگر به تعداد قطرات باران از خدا حاجت بطلبی، از بزرگواری و

فضلش تورا به حاجات می‌رساند.^۱

* * *

مؤلف می‌گوید: چهار رکعت نماز وارد شده که در ظهر روز عاشورا خوانده

می‌شود و بعد از نماز، دعایی قرائت می‌شود که به مناسبت دعاهای هر ماه آن را در

بخش ادعیه‌ماهها ص ۲۷۱ بیان می‌کنیم. و نیز در بخش یازدهم، نمازی را برای

وسعت رزق، از جناب محمد بن عثمان نقل می‌کنیم.

۱. مصباح المتهجد: ۸۳۱

بخش دوم

فناز دیگر در شب نیمه شعبان
۱۴۳

دعاهای قوت

مختصر
دریں بخشان



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالى فرجه در قنوت نمازها

شهید اوّل ع در کتاب «ذکری» می‌گوید: ابن ابی عقیل، این دعا را که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقْلِتِ الْأَقْدَامُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي،

بار الها؛ چشمها، به تو دوخته شده است، گامها به سوی تو برداشته شده، دستها به سوی تو بالا آمد،

وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ، وَإِلَيْكَ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

گردنها به سوی تو کشیده شده است. توبی که با زبانها، فرخوانده می‌شود؛ و کارهای پنهانی و رازهای (مردم)

فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

به طرف توست؛ پروردگار؛ بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو بهترین

الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَا نَشْكُوَ إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ

حکم کننده و قضاؤت کننده هستی. بار الها؛ از عدم حضور پیامبرمان، کمی نفراتمان، فراوانی

عَدُوِّنَا، وَتَظَاهِرُ الْأَعْدَاءُ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتْنَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذُلْكَ اللَّهُمَّ

دشمنان، پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما وجود فتنه‌های فراوان برای ما؛ به تو شکایت می‌کنیم. بار الها؛ با عدالتی که آشکارش می‌کنی، و

بَعْدُ تُظْهِرُهُ، وَإِمَامٌ حَقٌّ تُعَرِّفُهُ، إِلَهُ الْحَقٌّ أَمِينٌ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

امام و پیشوای راستینی که به همگان معرفی می‌کنی، این گرفتاری‌ها را بطرف کن و گشایشی فرماده ای معبد به حق، اجابت کن؛ ای پروردگار جهانیان.

وی می‌افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق علیه السلام همواره به شیعیان خود دستور می‌فرمودند پس از کلمات فرج، در قنوت این دعا را بخوانند.^۱



قنوت حضرت امام سجاد علیه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان

این قنوت را سوّمین نایب امام زمان ارواحنا فداء، جناب حسین بن روح نوبختی، از نایب دوم یعنی جناب محمد بن عثمان رضوان الله عليهما نقل فرموده است:

**أَللَّهُمَّ إِنَّ جِبْلَةَ الْبَشَرِيَّةِ، وَطِبَاعَ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَمَا جَرَتْ عَلَيْهِ
بَارِخِيَّا، بِهِ رَاسِتِيَّا كَهِ سِرِشتِيَّا بَشَرِيَّا، وَ طَبِيعَتِيَّا آدَمِيَّا، وَ آنَّ چَهَّا زَ**

**تَرْكِيبَاتُ النَّفْسِيَّةِ، وَانْعَقَدَتُ بِهِ عُقُودُ النَّشَيَّةِ [النَّسَبِيَّةِ، خَ]
ترکیبات روانی بر آن عارض گشته، و امور وراثتی که آغاز خلقت بر آن بسته شده؛**

**تَعْجِزُ عَنْ حَمْلِ وَارِدَاتِ الْأَقْضِيَّةِ إِلَّا مَا وَفَقَتْ لَهُ أَهْلَ
نمی‌توانند احکام قضا و قدرت را تحمل کنند؛ مگر در مواردی**

**الْأَصْطِفَاءِ، وَأَعْنَتَ عَلَيْهِ ذَوِي الْجِبَائِءِ. أَللَّهُمَّ وَإِنَّ الْقُلُوبَ فِي
برگزیدگان را موقّی ساخته و نخبگان را بر آن یاری نمودی. بارالهاء؛ به خوبی آگاهم که قلب‌ها در**

**قَبْضَتِكَ، وَالْمَشِيَّةَ لَكَ فِي مَلْكَتِكَ، وَقَدْ تَعْلَمْ أَيْ رَبٌّ مَا الرَّغْبَةُ
اختیار توست و تضمیم‌گیری در دائره فرمان روانی ات برای تو می‌باشد. و خودت خوب‌می‌دانی - ای پروردگار من - که آنچه را که مشتاق**

**إِلَيْكَ فِي كَشْفِهِ وَاقِعَةٌ لَأَوْقَاتِهَا بِقُدْرَتِكَ، وَاقِفَةٌ بِحَدَّكَ مِنْ
برطوف شدنش هستم، در زمان مقرر و با قدرت و توان خودت به وقوع می‌پیوندد، و همان جایی که**

بِحَمْنَه
بِلِه
بِلِه
بِلِه



إِرَادَتِكَ، وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ لَكَ دَارَ جَزَاءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مَثُوبَةً

خواست و اراده تو تعیین کرده، متوقف گشته و من به خوبی می دانم که تو سرایی برای پاداش خوبی ها

وَعَقْوَبَةً، وَأَنَّ لَكَ يَوْمًا تَأْخُذُ فِيهِ بِالْحَقِّ، وَأَنَّ أَنَاتَكَ أَشْبَهُ

و کفر بدی ها داری؛ و روزی را برای می کنی که در آن، به حق مؤاخذه می کنی. و این که مهلت دادن تو، شبیه ترین

الْأَشْيَاءِ بِكَرَمِكَ، وَأَلْيَقَهَا بِمَا وَصَفْتَ بِهِ نَفْسَكَ فِي عَطْفِكَ

چیزها به کرامت و بزرگواری، و شایسته ترین آن ها به چیزی است که خود را به آن توصیف فرموده ای و آن لطف و مهربانی

وَتَرَاءُفِكَ، وَأَنْتَ بِالْمِرْضَادِ لِكُلِّ ظَالِمٍ فِي وَخِيمٍ عَقْبَاهُ وَسُوءِ

تو است؛ و تو در کمینگاه هستی برای هر ستمگری که او را به پایان و سرنوشتی بسیار ناهنجار و جایگاهی بد چار کنی.

مَثْوَاهُ. أَللَّهُمَّ وَإِنَّكَ قَدْ أَوْسَعْتَ خَلْقَكَ رَحْمَةً وَحِلْمًا، وَقَدْ بُدْلَتْ

بارالها؛ تو، رحمت و بردباری را برای همه مخلوقات فراگیر نمودی؛ با این که

أَحْكَامُكَ، وَغُيْرُتْ سُنْنَتِنِيكَ، وَتَمَرَّدَ الظَّالِمُونَ عَلَىٰ خَلْصَائِكَ،

دستورات تو عوض شده، و سنت های پیامبر تغییر داده شده، و ستمکاران، نسبت به سفارشات در مورد برگزیدگان

وَاسْتَبَاحُوا حَرِيمَكَ، وَرَكِبُوا مَرَاكِبَ الْإِسْتِمَارِ عَلَى الْجُرْأَةِ

حالست، سریچی کرده اند، و حریم تو را شکستند، و به طور دائم و پیوسته بر تو با مرکب جرات و پرروی تاختند.

عَلَيْكَ. أَللَّهُمَّ فَبَادِرْهُمْ بِقَوَاصِفِ سَخَطِكَ، وَعَوَاصِفِ تَنْكِيلِتِكَ،

خدایا؛ هرچه سریع تر آن ها را با صدای سخت خشمت، و طوفان های عقوبت و تنبیه شدیدت،

وَاجْتِثَاثِ غَضِيبَكَ، وَطَهْرِ الْبِلَادَ مِنْهُمْ، وَاعْفُ عَنْهُمْ أَثَارَهُمْ،

و غصب ریشه کن کنندهات گرفتار کن، و سرزمین ها را از آن ها پاکسازی کن، و آثار بجای مانده ایشان را از آن محو کن،

وَاحْظُطْ مِنْ قَاعَاتِهَا وَمَظَانِهَا مَنَارَهُمْ، وَاصْطَلِمُهُمْ بِبَوَارِكَ حَتَّىٰ

و فرو بریز از دشت ها و راهها، نشانه های ایشان را، و آن ها را به هلاکت و نابودی ریشه کن ساز تا

لَا تُبْقِي مِنْهُمْ دِعَامَةً لِنَاجِمَ، وَلَا عَلَمًا لِامٌّ، وَلَا مَنَاصًا لِقَاصِدٍ،

باقی نماند تکیه گاهی از آنان برای جستجو کننده و پرجمی برای روی آوردنده و گزینی برای قصد کننده

وَلَا رَائِدًا لِمُرْتَادٍ. أَللَّهُمَّ امْحُ أَثَارَهُمْ، وَاطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ

و پیشرو و راهنمایی برای آنها بی که از دنیا می آیند. بارالها؛ نشانه های ایشان را محو و نابود ساز، و دارایی ها



قنوت حضرت امام باقر علیہ السلام

این قنوت را مرحوم سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعومی در «البلد الأمین» از امام باقر علیہ السلام نقل کرده‌اند:

يَا مَنْ يَعْلَمُ هُوَاجِسَ السَّرَّائِرِ، وَمَكَامِنَ الضَّمَائِرِ، وَحَقَائِقَ

ای کسی که نسبت به خطوطات نهان، و آن چه در اندرون و باطن‌ها مخفی شده است، و حقیقت و واقعیت

الْخَوَاطِرِ، يَا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حَاضِرٌ، وَلِكُلِّ مَنْسِيٍّ ذَاكِرٌ، وَعَلَى

آن چه در خاطر افراد است؛ آگاه هستی. ای کسی که برای هر پنهانی، حضور داری؛ هر فراموش شده‌ای را به یاد داری؛ بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَادِرٌ، وَإِلَى الْكُلِّ نَاظِرٌ، بَعْدَ الْمَهَلِ، وَقَرْبَ الْأَجَلِ،

چیزی توانایی و بر همه نظارت و سربرستی می‌کنی؛ زمان پیشی جویی در خیر و نیکی دور گشت، و مرگ نزدیک گردید،

وَضَعَفَ الْعَمَلُ، وَأَرَابَ الْأَمَلُ، وَأَنَّ الْمُنْتَقَلُ. وَأَنْتَ يَا اللَّهُ

و عمل‌ها ضعیف و ناتوان شده‌اند، و آرزوها به نامیدی کشیده شده‌اند، و زمان انتقال به جهان دیگر فرا رسید. تو، ای

۱. مهج الدعوات: ۶۹، البلد الأمین: ۶۵۰ با اندکی تفاوت.

الآخر كمَا أَنْتَ الْأَوَّلُ، مُبِيدٌ مَا أَنْشَأْتَ، وَمُصَيِّرٌ هُمْ إِلَى الْبَلْيِ،

خدا؛ همان گونه که آغاز هستی، پایان نیز تو هستی؛ هر چه را که ایجاد کرده‌ای خودت نیز نابود می‌سازی، و به فرسوده شدن و

وَمُقْلِدُهُمْ أَعْمَالَهُمْ، وَمُحَمِّلُهَا ظُهُورَهُمْ إِلَى وَقْتِ نُشُورِهِمْ مِنْ

پوسیدن می‌کشانی، و اعمال و رفتارشان را هم چون قلادهای بر گردن شان می‌اویزی، و برشت‌شان بار می‌کنی؛ تا آن‌گاه که

بَعْثَةٍ قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّورِ، وَانْشِقَاقِ السَّمَاءِ بِالنُّورِ،

با دمیدن در صور اسرافیل از قبرها برانگیخته و پراکنده شوند؛ همان زمان که آسمان، به سبب نور روشنی شکافته می‌شود،

وَالْخُرُوجُ بِالْمَنْشَرِ إِلَى سَاحَةِ الْمَحْشَرِ، لَا تَرْتَدُ إِلَيْهِمْ أَبْصَارُهُمْ

و پس از آلام گردهم آیی از قبر به میدان محشر می‌آیند؛ چشمانشان به سوی شان نمی‌گردد،

وَأَفِئَدَتُهُمْ هَوَاءُ. مُتَرَاطِمِينَ فِي غُمَّةٍ مِمَّا أَسْلَفُوا، وَمُطَالِبِينَ بِمَا

و دل‌های شان هواست. پیوسته در اندوه و غم رفتارهای ناشایست گذشته خود غرق‌اند، و به خاطر تباہی‌های گذشت‌شان مورد

اِحْتَقَبُوا، وَمُحَاسِبِينَ هُنَاكَ عَلَى مَا ارْتَكَبُوا، الْصَّحَافِفُ فِي

بازخواست قرار می‌گیرند، و در این جاست که بر آنچه مرتكب شده‌اند مورد حساب قرار می‌گیرند. نامه عمل‌ها به

الْأَعْنَاقِ مَنْشُورَةٌ، وَالْأَوْزَارُ عَلَى الظُّهُورِ مَأْزُورَةٌ، لَا انْفِكَالَّ

گردن‌ها آویخته شده، و بارهای سنگین بر پشت هر کس نهاده شده، و هیچ جدایی

وَلَا مَنَاصَ وَلَا مَحِيصَ عَنِ الْقِصاصِ قَدْ أَفْحَمَتُهُمْ الْحُجَّةُ،

و رهایی و گریزی از قصاص وجود ندارد. حجت و دلیل روشن الهی، همه آن‌ها را ساکت و لال کرده است

وَحَلُّوا فِي حَيَّرَةِ الْمَحَاجَةِ وَهَمْسِ الضَّجَّةِ، مَعْدُولُ بِهِمْ عَنِ

و ضجه کنان گرفتار حیرت و سردگمی در برابر دلیل‌های خداوند شده‌اند. آن‌ها را از

الْمَحَاجَةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى، فَنَجَا مِنْ هَوْلِ

راه برگردانند؛ مگر کسی که از پیش‌تر (دنيا)، مورد لطف و نیکی خداوند قرار گرفته باشد؛ چنین شخصی، از هراس و ترس

الْمَشَهِدِ وَعَظِيمِ الْمُؤْرِدِ، وَلَمْ يَكُنْ مِمْنُ فِي الدُّنْيَا تَمَرَّدَ، وَلَا

چنین محلی که سیار مهم و جایگاه حضور است، نجات می‌یابد. او در دنیا از کسانی نبود که سریع‌چی کرده‌اند و

عَلَى أُولِيَاءِ اللَّهِ تَعَنَّدَ، وَلَهُمْ اسْتَبَعَدَ، وَعَنْهُمْ بِحُقُوقِهِمْ تَفَرَّدَ.

بر اولیای الهی عناد ورزیدند، و از آنان دوری کردند، و حقشان را مخصوص خودشان دانستند.

أَللَّهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَنَاجَرَ، وَالنُّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِيَّ،

بارها، واقعیت آن است که قلبها به حنجرهای رسیده است؛ روانها به گلوگاه بالا آمده؛

وَالْأَعْمَارَ قَدْ نَفَدَتِ بِالْأَنْتِظَارِ، لَا عَنْ نَقْضِ اسْتِبْصَارٍ، وَلَا عَنِ

و عمرها، با انتظار رو به پایان است؛ این نه از روی نقض کردن و برهمند زدن بینش است، و نه به خاطر

اَتْهَامِ مِقْدَارٍ، وَلَكِنْ لِمَا تُعَانِي مِنْ رُكُوبِ مَعَاصِيكَ، وَالْخِلَافِ

درگیری با تقدیر؛ بلکه، گناهای خاطر فراوان، مخالفت با

عَلَيْكَ فِي أَوْ اِمْرِكَ وَنَوَاهِيْكَ، وَالْتَّلَعْبِ بِأَوْلِيَائِكَ وَمُظَاهَرَةِ

دستورات و نواهی تو، به بازی گرفتن اولیات، و پشتیبانی کردن از

أَعْدَائِكَ. أَللَّهُمَّ فَقَرِّبْ مَا قَدْ قَرُبَ، وَأَوْرِدْ مَا قَدْ دَنِيَ، وَحَقَّ

دشمنانت میباشد. خداها؛ گرچه فرج و ظهور نزدیک است، ولی نزدیکتر شناس؛ و اگرچه به نزدیکی ما رسیده است، ولی آن را

ظُنُونَ الْمُوقِنِينَ، وَبَلَغَ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِيلَهُمْ، مِنْ إِقَامَةِ حَقَّكَ،

برسان؛ و گمان اهل یقین را محقق ساز؛ مؤمنان را به آرزوی شان که برپایی حق تو،

وَنَصْرِ دِينِكَ، وَإِظْهَارِ حُجَّتِكَ، وَالْإِنْتِقامِ مِنْ أَعْدَاءِكَ !

و یاری دین تو، و آشکارشدن حجت تو و انتقام گرفتن از دشمنان توست برسان



قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد رانیز آن دو بزرگوار از امام رضا علیه السلام نقل کردہ‌اند:

الْفَزْعُ الْفَزْعُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمُحَاضَرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يَا مَنْ

پناه، پناه، به سوی توست ای خدایی که همه را در حضور دارد؛ اشتیاق، اشتیاق، به سوی توست ای خدایی که تنها

بِهِ الْمُفَاخَرَةُ، وَأَنَّ اللَّهُمَّ مُشَاهِدُ هَوَاجِسِ النُّفُوسِ، وَمُرَاصدُ

به او میتوان افتخار کرد؛ خدایا؛ تو به خطوط روانها شاهدی؛ و مراقب

۱. مهج الدعوات: ۷۲، البلد الأمين: ۶۵۱.

حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطَالَعُ مَسَرَّاتِ السَّرَايرِ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ وَلَا

و در کمین حرکت‌های قلب آدم (به این سو و آن سو) هستی؛ و بدون هیچ زحمتی و مشقّتی از پنهان کاری‌های درون‌ها،

تَعْسُفٌ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوِيٍّ، وَلَكِنَّ حِلْمَكَ

اطلاع داری. خدایا؛ به خوبی آن چه را که از تو پیچیده نشده است می‌بینی؛ لیکن حلم و بردباری تو

آمَنَ أَهْلَهُ عَلَيْهِ جُرْئَةً وَتَمَرْدًا وَعَتْوًا وَعِنَادًا، وَمَا يُعَاينُهُ أَوْلِيَاؤَكَ

ایمنی بخشیده به افرادی که چنین بدکاری‌هایی دارند، و باعث شده بیشتر جرأت و سریعی و لجیازی و دشمنی با تو کشند؛ می‌بینی

مِنْ تَعْفِيَةِ أَثَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِمِهِ، وَتَزَيِّدُ الْفَوَاحِشِ،

رنج‌هایی را که اولیای تو می‌کشند به خاطر نابودی آثار حق و ناپدیدگشتن نشانه‌های آن، و افزایش بافتون فحشا و کارهای زشت،

وَاسْتِمْرَارُ أَهْلِهَا عَلَيْهَا، وَظُهُورُ الْبَاطِلِ وَعُمُومُ التَّغَاشُمِ،

و ادامه‌دادن بدکاران بر زشتی‌های خود، و آشکار شدن باطل و نادرستی، و ظلم و ستم همگانی،

وَالتَّرَاضِي بِذِلِكَ فِي الْمُعَامِلَاتِ وَالْمُتَصَرِّفَاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ

و راضی شدن طرفین به ظلم و ستم در معاملات و کارها که عادات به آن جاری گشته است

الْعَادَاتُ، وَصَارَ كَالْمَفْرُوضَاتِ وَالْمَسْنُونَاتِ. أَللَّهُمَّ فَبَادِرْنَا مِنْكَ

و همانند واجبات و مستحبات شده است. خداوندا؛ به سرعت، ما را دریاب

بِالْعَوْنَ أَلَّذِي مَنْ أَعْنَتْهُ بِهِ فَازَ، وَمَنْ أَيْدَتْهُ لَمْ يَخْفُ لَمْزَ لَمَازِ،

به امدادی که هر کس را با آن مدد رسانی رستگار شود، و هر کس را موفق گردانی دیگر از عیب‌جویی هیچ کس نمی‌ترسد،

وَخُذِ الظَّالِمَ أَخْذًا عَنِيفًا، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَلَا بِهِ رَؤُوفًا. أَللَّهُمَّ

ستمگر را به شدت گرفتار کن، و هیچ رحم و مهربانی نیز در حقش روا مدار. خدایا؛

اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ بَادِرْهُمْ. أَللَّهُمَّ عَاجِلُهُمْ. أَللَّهُمَّ لَا تُمْهِلْهُمْ. أَللَّهُمَّ

خدایا؛ خدایا؛ شتاب کن. خدایا؛ (در مورد آن‌ها) عجله کن؛ خدایا؛ مهلتشان مده. خدایا؛ آن‌ها

غَادِرْهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسُحْرَةً وَبَيَاتًاً وَهُمْ نَائِمُونَ، وَضُحَىً

را بامدادن و در وسط روز و در سحرها و شب هنگام که در خواب هستند و هنگام روز که سرگرم‌اند و مشغولند گرفتارشان کن؛

وَهُمْ يَلْعَبُونَ، وَمَكْرًا وَهُمْ يَمْكُرُونَ، وَفُجَاهًا وَهُمْ أَمِنُونَ. أَللَّهُمَّ

و فریشان بده، وقتی حیله می‌کنند، بر آن‌ها مکر کن؛ و هنگامی که خود را در آرامش می‌بینند، ناگهان گرفتارشان ساز. خدایا؛



قنوت حضرت امام جواد علیه السلام

أَللّٰهُمَّ مَنَّا إِلَّا حُكَّ مُنْتَابِعَةُ، وَأَيَادِيكَ مُتَوَالِيَّةُ، وَنِعْمَكَ سَابِغَةُ،
 خدایا؛ بخشش‌های خاص تو، بیدربی است، خوبی‌هایت یکی پس از دیگری می‌رسد؛ نعمت‌های فراگیر و فراوان است؛

وَشُكْرُنَا قَصِيرُ، وَحَمْدُنَا يَسِيرُ، وَأَنْتَ بِالْتَّعَطُّفِ عَلَى مَنِ اعْتَرَفَ
 سپاسگزاری ما نارسا و اندک، و ستایش ما نسبت به تو بسیار ناچیز است؛ و تو، سزاواری که اگر کسی اعتراف (به بدی‌هایش) کرد،

جَدِيرُ. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ غُصَّ أَهْلُ الْحَقِّ بِالرِّيقِ، وَأَرْتَبَكَ أَهْلُ الصَّدْقِ
 به او مهریانی کنی. خدایا؛ به راستی که اهل حق آب دهان از گلوی شان (به خاطر شدت ناراحتی) پایین نمی‌رود؛ و راستگویان،

فِي الْمَضِيقِ، وَأَنْتَ اللّٰهُمَّ بِعِبَادِكَ وَذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقُ،
 به شدت گرفتارند و در تنگنا قرار دارند؛ و تو - خداوندا - نسبت به بندگان و مشتاقانت مهریان و دلسوزی؛ و به حقیقت نسبت به

وَبِإِجَابَةِ دُعَائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقُ. أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى
 پاسخ دادن به درخواست‌شان و شتاب کردن در گشایش کارشان شایسته و سزاواری. خدایا، بر

مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنَ الَّذِي لَا خِذْلَانَ بَعْدَهُ،
 محمد و آل محمد درود بفرست؛ و کمک و امداد سریعی از ناحیه خودت به ما برسان که دیگر بعد از آن خواری و بیچارگی نباشد؛
وَالنَّصْرِ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادُهُ، وَأَتْحَنْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ مُتَاحًا فَيَّا حًا
 و آن گونه پیروز گردان که هیچ باطی نتواند آن را دچار مشکل سازد؛ و چنان راحتی از ناحیه والا و گسترش خود برسان که
يَأْمَنُ فِيهِ وَلِيُّكَ، وَيَخِبُّ فِيهِ عَدُوُكَ، وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ،
 ولی و دوست در آن ایمن باشد، ولی دشمنت ناکام شود؛ آثار و نشانهای تو بربا گردد،
وَيَظْهَرُ فِيهِ أَوْ أَمْرُكَ، وَتَنَكَّفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَاتِكَ . أَللَّهُمَّ بَادِرْنَا
 و دستورات آشکار شود، و بهرهایی که وعده دادی فراهم و آمده گردد. خدایا، شتاب کن
مِنْكَ بِدَارَ الرَّحْمَةِ، وَبَادِرْ أَعْدَائِكَ مِنْ بَأْسِكَ بِدَارَ النَّقِمةِ . أَللَّهُمَّ
 نسبت به ما شتاب رحمت، و شتاب کن نسبت به دشمنان از روی خشم و غضب، شتاب انتقام و مجازات. بار الهاء،
أَعِنَا وَأَغِثْنَا، وَارْفَعْ نَقْمَتَكَ عَنَّا، وَأَحِلْهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ .
 به ما کمک کن و به فریدمان برس؛ و گرفتاری و کیفر و خشمت را از ما بردار، و آن را نصیب گروههای ستگرکن.



دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

أَللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ بِلَا أَوَّلَيَةَ مَعْدُودَةٍ، وَالآخِرُ بِلَا أُخْرَيَةَ مَحْدُودَةٍ،
 بار الهاء؛ تو اول هستی، ولی اولیت تو شمارش شده عددی نیست؛ و پایان هستی، ولی انتها و محدودیت نداری؛
أَنْشَأْتَنَا لَا لِعَلَّةَ اقْتِسَارًا، وَأَخْتَرْتَنَا لَا لِحَاجَةٍ اقْتِدَارًا، وَابْتَدَعْتَنَا
 به وجود آورده ما رانه به خاطر علی از روی اکراه و اجراء، و آفریدی ما رانه به خاطر حاجتی و نیازی از روی اقتدار و توانمندی
بِحِكْمَتِكَ اخْتِيَارًا، وَبَلَوْتَنَا بِأَمْرِكَ وَنَهَيْكَ اخْتِيَارًا، وَأَيَّدَتَنَا
 و پدید آورده ما را به حکمت از روی اختیار، و با فرمان و نهی خود؛ ما را آزمایش کردی؛ و با وسایلی که در اختیارمان قرار دادی،
بِالْأَلَاتِ، وَمَنَحْتَنَا بِالْأَدَوَاتِ، وَكَلَفْتَنَا الطُّاقَةَ، وَجَشَّمْتَنَا
 زمینه موقعيت مان را فراهم نمودی، و ادوات مختلف به ما بخشیدی؛ تا حدی که توان داریم بر ما تکلیف فرمودی، و فرمان برداریت

الْطَّاعَةُ، فَأَمْرَتَ تَخْيِيرًا، وَنَهَيْتَ تَحْذِيرًا، وَخَوَّلْتَ كَثِيرًا،

را به ما تکلیف کردی؛ دستوردادی ولی ما را در اطاعت مختار کردی، و بازداشتی و ما را بحدرداشتی؛ نعمت‌های بسیاری دادی، ولی

وَسَأَلْتَ يَسِيرًا، فَعَصَيَ أَمْرُكَ فَحَلُمْتَ، وَجُهْلٌ قَدْرُكَ فَتَكَرَّمْتَ.

درخواست (عبادت) کمی نمودی؛ دستورت، نافرمانی شد ولی بردباری کردی؛ ارزش و منزلت دانسته نشد، ولی رفتار بزرگوارانه

فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَالْبَهَاءِ، وَالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ، وَالْإِحْسَانِ

در پیش گرفتی (ومجازات را به تأخیر انداختی). بدین سان، تو پروردگار صاحب عزت و فخر و شکوه و عظمت و کبریایی، و احسان

وَالنَّعْمَاءِ، وَالْمَنْ وَالْأَلَاءِ، وَالْمِنَحِ وَالْعَطَاءِ، وَالْإِنْجَازِ وَالْوَفَاءِ،

و نعمت و لطف و عنایت و بخشش و عطا هستی، وعدهات را تحقق می‌بخشی و وفا می‌کنی.

وَلَا تُحِيطُ الْقُلُوبُ لَكَ بِكُنْهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ لَكَ صِفَةً،

قلبها به گننه و حقیقت تو احاطه نمی‌یابند؛ وهمها و خیال‌ها نمی‌توانند صفات تو را دریابند؛

وَلَا يُشَبِّهُكَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقَكَ، وَلَا يُمَثَّلُ بِكَ شَيْءٌ مِنْ صَنْعَتِكَ،

هیچ یک از آفریدگانت شیشه تو نیستند؛ هیچ یک از ساخته‌های تو را نمی‌توان به تو مثال زد؛

تَبَارَكْتَ أَنْ تَحْسَ أَوْ تَمَسَّ أَوْ تُدْرِكَ الْحَوَاسِ الْخَمْسُ، وَأَنِّي

بالاتر از آن هستی که حس شوی، یا لمس شوی، یا با حواس پنج‌گانه دریافت شوی. کجا می‌تواند

يُدْرِكُ مَخْلوقُ خَالِقُهُ، وَتَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ

آفریننده خود را درک کند؟! خدایا؛ تو از آن چه ستم‌کاران می‌گویند،

عُلُوًّا كَبِيرًا. أَللَّهُمَّ أَدْلِ لِأَوْلِيَائِكَ مِنْ أَعْدَائِكَ الظَّالِمِينَ الْبَاغِينَ

برتر و بزرگ‌تر هستی. بار‌هایا؛ دوستانت را بر دشمنان ستم‌کار، متاجوز،

الثَّاكِشِينَ الْقَاسِطِينَ الْمَارِقِينَ، الَّذِينَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ، وَحَرَّفُوا

پیمان‌شکن و نابکار و از دین بیرون روندگانت غلبه و چیرگی و استیلا بیخش؛ دشمنانی که بندگانت را گمراه، قرآن را تحریف،

كِتَابَكَ، وَبَدَلُوا أَحْكَامَكَ، وَجَحَدُوا حَقَّكَ، وَجَلَسُوا مَجَالِسَ

دستورات دینیت را عوض کرده، و حق تو را انکار کردن؛ و جایگاه مخصوص اولیای تو را اشغال کردن،

أَوْلِيَائِكَ، جُرْأَةً مِنْهُمْ عَلَيْكَ، وَظُلْمًا مِنْهُمْ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ،

و این کار را از روی بی‌باکی و حرأت بر تو انجام دادند و از روی ستم کردن بر اهل بیت پیامبرت

عَلَيْهِمْ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَّكَاتُكَ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا

- که درود و سلام و رحمت و برکات برا ایشان نثار باد - انجام دادند. و با این کارشان گماهی خود را ثابت کرده،

خَلْقَكَ، وَهَتَّكُوا حِجَابَ سِترِكَ عَنْ عِبَادِكَ. وَاتَّخَذُوا اللَّهُمَّ

مردم را نیز گمراه نمودند، و پرده پوشش تو را از بندگانت دریدند. خدایا؛ این دشمنان پست،

مَالِكَ دُولَّاً، وَعِبَادَكَ حَوَّلَاً، وَتَرَكُوا اللَّهُمَّ عَالَمَ أَرْضِكَ فِي

دارای های ویژه تو را به عنوان دولت و سرمایه در اختیار خود گرفتند، و بندگان را غلام و کنیز خودشان کردند. خدایا؛ عالم و دانشمند روی زمینت

بَكْمَاءَ عَمِيَاءَ ظَلْمَاءَ مُدْلَهَمَةَ، فَأَعْيُنُهُمْ مَفْتُوحَةُ، وَقُلُوبُهُمْ عَمِيَّةُ،

را راهکردنده؛ در حال کری و کوری و در فضایی که تاریک و فاسد بود. بدین سان، شرایطی پیش آمد که چشمان شان باز بود و می دید،

وَلَمْ تُبْقِ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّةٍ، لَقَدْ حَذَرْتَ اللَّهُمَّ عَذَابَكَ،

ولی قلب های شان کور بود. خدای بزرگ؛ حجتی بر تو برای ایشان باقی نماند، و آنها را از عذاب ترسانیدی،

وَبَيَّنَتَ نَكَالَكَ، وَوَعَدْتَ الْمُطَبِّعِينَ إِحْسَانَكَ، وَقَدَّمْتَ إِلَيْهِمْ

و تهدیدهای شدیدت را بیان نمودی؛ به فرمان بردارانت، وعده نیکی و احسان دادی، و پیش تر برای

بِالنُّذْرِ فَامَّنْتُ طَائِفَةً. فَأَيَّدِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ أَمْنُوا عَلَى عَدُوِّكَ

آن بیم دهنگانی فرستادی و از عذاب ترسانیدی؛ تا در نهایت، گروهی ایمان آور دند. بارالها؛ آن گروهی را که ایمان آور دند بر دشمن

وَعَدْوُ أَوْلِيَائِكَ، فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ، وَإِلَى الْحَقِّ دَاعِينَ،

خودت و دشمن اولیا و دوستانت تأیید و یاری کن، تا چیره و پیروز گردند، و به حق و حقیقت فرا خوانند،

وَلِلَّامِ الْمُنْتَظَرِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ تَابِعِينَ، وَجَدَّدِ اللَّهُمَّ عَلَى

و دنباله رو پیشوای مورد انتظاری باشند که برای برقراری عدل و داد قیام می کنند. خدایا؛ آتش جهنم و عذاب خود را

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَائِهِمْ نَارَكَ وَعَذَابَكَ، الَّذِي لَا تَدْفَعُهُ عَنِ الْقَومِ

- که از گروه ستمگران، بر طرف نخواهی کرد - را بر دشمنان و دشمنان اولیایت پیوسته تازه کن.

الظَّالِمِينَ. أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقُوٌّ ضَعْفَ

خدایا؛ درود پیوستهات را بر محمد و آل محمد بفرست؛ و ناتوانی کسانی را که دوستی و محبت خالصانه با تو دارند، تبدیل به

الْمُخْلِصِينَ لَكَ بِالْمَحَبَّةِ، الْمُشَ�يِّعِينَ لَنَا بِالْمُوَالَّةِ، الْمُتَّبِعِينَ لَنَا

قوتمندی و نیرو کن؛ همان دوستانی که با موالات و دوستی فرمان بردارانه شان، از ما پیروی می کنند، و

بِالْتَّصْدِيقِ وَالْعَمَلِ، الْمُوازِرِينَ لَنَا بِالْمُوَايَسَةِ فِينَا، الْمُحِبِّينَ

با تصدیق زبانی و عملی و قلی دنیاله رو ما هستند، و با مواسات و رفتار دوستانه با یکدیگر به خاطر ما، به ما کمک می رسانند،

ذِكْرُنَا عِنْدَ اجْتِمَاعِهِمْ، وَشَدِّ اللَّهُمَّ رُكْنَهُمْ، وَسَدِّ اللَّهُمَّ لَهُمْ

و هر گاه گرد هم می آیند عاشق یاد ما هستند. خدایا؛ پایه و اساس ایشان را محکم و قوی فرما و استوار گردان برای ایشان

دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَيْتُهُ لَهُمْ، وَأَتْمِمْ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ، وَخَلِصْهُمْ

دینشان را که برای آنها بسندیدهای، و نعمت را بر آنها کامل گردان، و آنها را خالص گردان

وَاسْتَخْلِصْهُمْ، وَسُدِّ اللَّهُمَّ فَقَرَهُمْ، وَأَلْمُمْ اللَّهُمَّ شَعَثَ فَاقَتِهِمْ.

و برگزین، و نیازشان را برطرف کن، و گرفتاری و بیجارگی و پرشانی فرشان را جبران فرما.

وَاغْفِرْ اللَّهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَخَطَايَاهُمْ، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ،

و گناهان و اشتباهاتشان را ببخش، و پس از هدایتشان دل‌هایشان را منحرف مساز،

وَلَا تُخْلِهِمْ أَيْ رَبٌّ بِمَعْصِيَتِهِمْ، وَاحْفَظْ لَهُمْ مَا مَنَحْتَهُمْ بِهِ مِنْ

و به سبب نافرمانیت - ای پروردگار؛ - تنها و رهایشان مساز،

الْطَّهَارَةِ بِوْلَايَةِ أَوْلَيَاكَ، وَالْبَرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ سَمِيعٌ

و پاکی و طهارتی که به واسطه ولایت و دوستی ما (اهل بیت) و دشمنی و بیزاری از دشمنان ما نصیب‌شان ساختی برای ایشان

مُبِحِّبُّ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّبِيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. ۱

نگه دار؛ به راستی که تو شنو و اجابت‌کننده هستی؛ و خداوند، بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش درود پیوسته نثار کند.

أَللَّهُمَّ مَنَاهِلُ كَرَامَاتِكَ بِجزِيلِ عَطْيَاتِكَ مُتْرَأَةُ، وَأَبْوَابُ مُنَاجَاتِكَ

بارالها؛ چشم‌های کرامت و بزرگواری تو، با بخشش‌های شایانی پرآب است؛ درهای مناجات و رازگویی تو،

لِمَنْ أَمَكَ مُشْرَعَةُ، وَعَطُوفُ لَحَظَاتِكَ لِمَنْ ضَرَعَ إِلَيْكَ غَيْرُ

برای هر کسی که تو را قصد کرده باز است؛ نگاه‌های مهریانهات پیوسته به کسانی که در نهایت خواری و فروتنی به

مُنْقَطِعَةٍ، وَقَدْ الْجَمِ الْحِذَارُ، وَأَسْتَدَ الْأَضْطَرَارُ، وَعَجَزَ عَنِ

درگاهت روی آورده‌اند می‌رسد؛ این در حالی است که ترس و هراس به نهایت و اضطرار و سردگمی و بیچارگی شدید گشته،

الْأَصْطِبَارِ أَهْلُ الْإِنْتَظَارِ. وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِالْمَرْصَدِ مِنَ الْمُكَارِ

و منتظران نیز از صبر بیشتر ناتوان شده‌اند. خدایا؛ تو در کمینگاه حیله‌گران هستی،

وَغَيْرُ مُهْمَلٍ مَعَ الْأَمْهَالِ، وَاللَّائِذُ بِكَ أَمِنُ، وَالرَّاغِبُ إِلَيْكَ

و با وجود مهلت‌هایی که می‌دهی ولی کار را رها نکرده‌ای؛ تهها، هر کس به تو تکیه کند در آرامش و امنیت است، و هر کس مشتاق

غَانِمُ، وَالْفَاصِدُ اللَّهُمَّ لِبَابَكَ سَالِمٌ. أَلَّهُمَّ فَعَاجِلٌ مَنْ قَدِ امْتَزَّ فِي

تو باشد بهره‌مند است، و تنها هر کس - خدایا - آهنج دربار تو کرده، سالم می‌ماند. بار الها؛ محاجات را زودتر به کسانی برسان که

طُغْيَانِهِ، وَاسْتَمَرَ عَلَى جَهَالَتِهِ لِعْقَبَاهُ فِي كُفْرِإِنَهِ، وَأَطْمَعَهُ حِلْمُكَ

سرکشی را به نهایت رسانیده، و ادامه داده است به خاطر نادانی اش نسبت به سرانجام کارش در کفر ورزیدن و ناسپاسی اش، ویرباری

عَنْهُ فِي نَيْلِ إِرَادَتِهِ، فَهُوَ يَتَسَرَّعُ إِلَى أُولِيَّاءِكَ بِمَكَارِهِ،

تو، موجب طمع او نسبت به پیگیری مقاصدش شده است و بدین جهت به سرعت نسبت به دوستان و اولیای تو

وَيُوَاصِلُهُمْ بِقَبَائِحِ مَرَاصِدِهِ، وَيَقْصُدُهُمْ فِي مَظَانِهِمْ بِأَذْيَتِهِ.

بدی می‌کند، و دامهای زشت خود را پیوسته در راهشان قرار می‌دهد، و به قصد اذیت ایشان به موضع و محل آنان می‌رود.

أَلَّهُمَّ اكْشِفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْعَثْهُ جَهَرًا عَلَى الظَّالِمِينَ.

خداوند؛ عذاب و کیفر خود را از مؤمنان برطرف کن و به صورت آشکار آن را بر ستمگران برانگیز،

أَلَّهُمَّ اكْفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَاصْبِهِ عَلَى الْمُغَيَّرِينَ.

بار الها؛ عذابت را از کسانی که به تو پناه آورده‌اند باز دار، و بر سر تغییردهندگان بریز.

أَلَّهُمَّ بَادِرْ عُصَبَةَ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَبَادِرْ أَعْوَانَ الظُّلْمِ بِالْقَضْمِ.

خدایا؛ کمک سرعت را به جمعیت حق و حقیقت برسان، و شکست و نابودیت را به سرعت نصیب کمک‌رسانان ستم و ظلم کن.

أَلَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَامْنَحْنَا النَّصْرَ، وَأَعِذْنَا مِنْ سُوءِ الْبَدَارِ

خدایا؛ با سپاسگزاریت ما را خوشیخت گردان، و پیروزیت را نصیب ما کن، و از بدی‌های شتابان،

وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَتَرِ. ۱

و بدی عاقبت، و فریفتدهشدن در امان دار.

دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت

امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را می خواندند؛ هنگامی که مردم قم از موسی بن بغی به آن حضرت شکایت کردند، دستور فرمود این دعا را (در قنوت) بخوانند:^۱

۱. در کتاب «مکیال المکارم» می نویسد: این دعای قنوت، از مولای ما، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است، و شیخ طوسی علیه السلام در کتاب «المصباح» و نیز «مخصر المصباح» خود در باب دعاها قنوت نماز و تر پادآور شده است. سید بن طاووس علیه السلام در کتاب «مهج الدعوات» در باب دعاها قنوت امامان علیهم السلام ذکر کرده است، لیکن بر اساس برخی روایات - به نظر می رسد که این دعا به وقت خاصی تعلق ندارد؛ گرچه بهتر است در اوقات ویژه و مخصوص و دارای فضیلت بیشتر، خوانده شود.

از روایت سید بن طاووس علیه السلام و دیگر روایات بر می آید که این دعا دارای اثری ویژه و کامل برای راندن ستمگر، و گرفتن حق ستمدیدگان از ستمگران است؛ به همین جهت، می توان از این مطلب استفاده کرد که یکی از فایده های این دعا اگر برای درخواست فرج و ظهور و یاری امام زمان علیه السلام خوانده شود آن است که ستمگر و بدی و سلطنه او دفع گردد. سید بن طاووس علیه السلام در مورد این دعا می فرماید: امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده و به مردم قم - که از موسی بن بغی شکایت کرده بودند - نیز دستور خواندن این دعا را داد. (پایان سخن سید بن طاووس علیه السلام).

نویسنده کتاب «منح البرکات» - که شرحی است بر کتاب «مهج الدعوات» - از کتاب «اعلام الوری فی تسمیة القری» (نوشتۀ ابو سعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی) نقل می کند که: موسی بن بغی بن کلیب بن شمر بن مروان بن عمرو بن غطه؛ از یاران متولّ عباسی لعنه الله و از کارگزاران او بود که بر قم فرمان روایی می کرد. این خبیث نایاک، همان کسی است که متولّ ملعون، دستور ویران کردن قبر مولای مان حضرت امام حسین علیه الصلاة والسلام و تبدیل آن جا به یک مزرعه را؛ به او داد. وی، ستمگری خون ریز و حرمت شکن، و حاکم قم بود و بیش از ده سال بر مردم این شهر حکمرانی می نمود. مردم قم به شدت از او می ترسیدند، چون به شدت نسبت به پیشوایان بزرگوار علیهم السلام عناد می ورزید و در میان مردم قم ایجاد فساد می نمود و آنها را با قتل و کشتار تهدید نموده و بر این امر مصمم بود. تا آن که از او به امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کردند، و آن حضرت دستور دادند که مردم قم، «نمای مظلوم» را بخوانند، و موسی بن بغی (حاکم وقت قم) را نفرین کنند و برای نفرین به او این دعا را بخوانند. پس از این که مردم قم این کار را انجام دادند، خداوند حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن به آن حاکم ستمگر مهلت نداد، و به سختی و مقتدرانه او را تابود کرد.

نویسنده کتاب مزبور می گوید: این گفتار نگارنده کتاب «منح البرکات» را نقل به معنا کردم؛ چون، آن کتاب به زبان فارسی است، وی چگونگی خواندن «نمای مظلوم» را بیان نکرده است؛ لیکن، در بخش نمازها به بیان «نمای مظلوم» که در کتاب «مکارم الأخلاق» یافته ایم، می پردازیم. (مکیال المکارم: ۸۵/۲).

الْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا لِنَعْمَائِهِ، وَاسْتِدْعَاءً لِمَزِيدِهِ، وَاسْتِخْلَاصًا لَهُ

سپاس و ستایش سزاوار خداوند است، از جهت شکرگزاری نعمت‌هایش، و درخواست فزونی آن، و طلب رهابی

وَبِهِ دُونَ غَيْرِهِ، وَعِيَادًا بِهِ مِنْ كُفُرِهِ وَالْأَلْحَادِ فِي عَظَمَتِهِ

به سبب آن نه غیر آن، و پناه بردن به سبب آن از ناسپاسی او و انکار عظمت

وَكِبْرِيَائِهِ، حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا بِهِ مِنْ نَعْمَائِهِ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّهِ،

و کبریایی‌اش. ستایش کردن کسی که می‌داند هر نعمتی دارد از پروردگارش است،

وَمَا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ فَيُسُوءِ جِنَانَةَ يَدِهِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و هر بدیختی و مجازاتی که به او رسیده است از جنایت و بدکاری‌های خودش است. و خداوند، بر محمد -

عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ، وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى

که بنده و فرستاده اöst، و برگزیده الهی از بین مخلوقات او می‌باشد، و وسیله مؤمنان برای رسیدن به رحمت

رَحْمَتِهِ، وَالِّهِ الطَّاهِرِينَ وُلَّةُ أَمْرِهِ. أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ نَدَبَّتَ إِلَى

خداؤند می‌باشد - و نیز بر آل آن حضرت، خاندان پاکی که امر و فرمان الهی را عهددارند درود پیوسته فرستد. بار الهاء؛ به راستی

فَضْلِكَ، وَأَمْرَتَ بِدُعَائِكَ، وَضَمِّنْتَ الْإِجَابَةَ لِعِبَادِكَ، وَلَمْ تُخِيبْ

که تو، تشویق به فضل و احسان کردی، و دستور دادی تو را بخوانند، و پاسخ مثبت خود را برای بندگانی که دعا کنند تضمین

مَنْ فَزَعَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ، وَقَصَدَ إِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ، وَلَمْ تَرْجِعْ يَدُ

نمودی؛ اگر کسی با اشتیاق خود به تو پناه آورد و برای براوردهشدن حاجت خویش به درگاه تو روی آورد او را نامید نمی‌کنی؛

→ نویسنده «مکیال المکارم» در بخشی دیگر از کتاب خود می‌گوید: نماز مظلوم بدین صورت است که دو رکعت نماز -

با هر سوره‌ای که خواستی - می‌خوانی، و هر قدر توانستی بر محمد و آل محمد لَا يَلْهُلُهُ إِلَّا هُوَ صلوات می‌فرستی؛ سپس می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ لَكَ يَوْمًا تَتَقَبَّلُ فِيهِ الظَّلَمُومُ مِنَ الظَّالِمِ، لَكَ هَلْعَى وَجَزَعِي لَيَبْلَغَنَّ بِي الصَّرْطُ عَلَى أَنْتَكَ

بارالها؛ تو، روزی را داری که در آن روز برای ستمکر انتقام می‌گیری؛ لیکن، بی‌صبری و زورزی من نمی‌گذرد بتوانم نسبت به مهلت دادن و بردباری تو (با ستمگران) صبر

وَجْلِمِكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ فُلَانًا ظَلَمْتَ، وَاغْتَدَى عَلَيَّ بِقُوَّتِهِ عَلَى ضَغْفِي. فَأَشَّاكَ يَا رَبَّ الْفَرْوَانِ،

کنم و تاب بیاورم. خدایا به خوبی می‌دانی که فلان شخص بر من ستم روا داشته است؛ و با قدرت و توانی که دارد و با توجه به ناتوانی من در برابر او، نسبت به حقوق من تجاوز کرده است

وَقَاسِمَ الْأَرْزَاقِ، وَقَاصِمَ الْجِنَابِرَةِ، وَنَاصِرَ الْمَظْلُومِينَ، أَنَّ ثُرَبَةَ قُدْرَتِكَ، أَقْتَنْتَ عَلَيْكَ يَا رَبَّ

بس ای خدای صاحب عزت؛ ای تقسیم‌کننده روزی‌ها؛ ای کوینده زورگیان؛ ای باور و بیروز کننده ستمدیدگان؛ از تو درخواست می‌کنم توان و قدرت را به او بدمایانی و شنان دهی. ای پروردگار

الْعَزَّةُ، الْأَشْأَعَةُ الشَّاعَةُ.

عَزَّتْ منْدَ تُوا سُوكِنَدِ مِنْ دَهْمَ کَمْ کَارْ رَاهْمِنْ حَالَهُ وَدَهْمِنْ سَاعَتَهُ، دَهْمِنْ سَاعَتَهُ، انجام دهی.

(مکیال المکارم: ۸۶/۲)

طَالِبَةُ صِفْرًا مِنْ عَطَائِكَ، وَلَا خَائِبَةً مِنْ نَحْلِ هِبَاتِكَ، وَأَيْ رَاحِلٌ

دستی را که به درخواست به سویت آمده است، خالی از بخشش و عطای خود برمنی گردانی، و از هدیه‌های خوبت محروم

رَحَلَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيبًا، أَوْ وَافِدٍ وَفَدَ عَلَيْكَ فَاقْتَطَعْتَهُ

نمی‌گردانی، تا به حال، کدام کوچکنده‌ای به سوی تو کوچکرده است و تو را نزدیک نیافته است؟ با کدام واردشونده‌ای بر تو وارد

عَوَّاقِقُ الرَّدِّ دُونَكَ، بَلْ أَيْ مُحْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمْهِهِ فَيُضْ

شده، او را رد کرده و پذیرای ننموده‌ای؛ بلکه کدام کسی است که فضل تو را کاوش کند و از سرچشمۀ جود و

جُودِكَ، وَأَيْ مُسْتَبْطِ لِمَزِيدِكَ أَكْدِي دُونَ اسْتِمَاحَةِ سِجَالِ

بخشنده تو سیراب نگردد؟ و کدام کسی است که در جستجوی فرونی از جانب تو باشد، و از عطای فراوان

عَطِيَّتِكَ. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِي، وَقَرَعْتُ بَابَ فَضْلِكِ

تو بهره‌مند نگردد؟ بارهای؛ و من با شوق و علاقه‌ای وصفناپذیر، به قصد حضرت تو آمدم؛ و با دست خواهش خود، درگاه فضل و

يَدُ مَسَأَلَتِي، وَنَاجَاكَ بِخُشُوعِ الْإِسْتِكَانَةِ قَلْبِي، وَوَجَدْتُكَ خَيْرَ

فرونیخش تو را کوییدم؛ و قلیم در نهایت بیچارگی و خاشعانه به مناجات و رازگویی با تو پرداخته است؛ و تو را بهترین

شَفِيعٍ لِي إِلَيْكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ مَا يَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ

واسطۀ خود برای شفاعت به سوی تو یافتم؛ و به خوبی می‌دانی خواسته‌های نو و تازه‌ام را، پیش از آن که از انديشه من بگذرد،

بِفِكْرِي، أَوْ يَقْعَ في خَلْدِي، فَصِلِ اللّٰهُمَّ دُعَائِي إِلَيْكَ بِإِجَابَتِي،

یا در روان من بیفتند. پس، - خداوندا - دعایم را به اجابت برسان،

وَأَشْفَعْ مَسَأَلَتِي بِنُجْحٍ طَلِبَتِي. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ شَمَلَنَا زَيْغُ الْفِتَنِ،

و درخواستم را به دست‌یابی به خواهش برآورده ساز. بارهای، فتنه‌های گمراه‌کننده، ما را در برگرفته است؛

وَاسْتَوْلَتْ عَلَيْنَا غَشْوَةُ الْحَيْرَةِ، وَقَارَعَنَا الذُّلُّ وَالصَّغَارُ، وَحَكَمَ

و فرو رفتن در حیرت و سردرگمی بر ما چیره شده است؛ و خواری و کوچکی، ما را درهم کوییده است؛ و کسانی که

عَلَيْنَا غَيْرُ الْمَأْمُونِينَ فِي دِينِكَ، وَابْتَزَ أُمُورَنَا مَعَادِنُ الْأَبْنِ مِمَّنْ

امین در دین تو نیستند، حاکم بر ما شده‌اند؛ و امور ما به دست افرادی از معدن‌های آینه و عیب افتاده از کسانی که

عَطَّلَ حُكْمَكَ، وَسَعَى فِي إِتْلَافِ عِبَادِكَ وَإِفْسَادِ بِلَادِكَ. أَللّٰهُمَّ

تعطیل‌کننده دستورات تو، و تلاش‌گر در جهت تلف کردن و نفله کردن بندگان تو، و خراب کردن و به فساد کشیدن شهرهای تو هستند. خدا یا؛

وَقَدْ عَادَ فِيْنَا دُولَةً بَعْدَ الْقِسْمَةِ، وَإِمَارَتُنَا غَلَبَةً بَعْدَ الْمَشْوَرَةِ،

پس از این که غنیمت ما را - بعد از تقسیم میان خود - مایه چیرگی و استیلای خوبیش قرار دادند؛ و پس از آن که فرمانروایی را

وَعُدْنَا مِيرَاشًا بَعْدَ الْأَخْتِيَارِ لِلْأُمَّةِ، فَاسْتُرِيتِ الْمَلَاهِيِّ وَالْمَعَازِفُ

به ما دادی، آن را بر اساس شوری به کسی دیگر دادند؛ و پس از آن که برگزیده الهی بودیم به عنوان ارث آنها شدیم. بدینسان،

بِسَهْمِ الْيَتِيمِ وَالْأَرْمَلَةِ، وَحَكْمَ فِي أَبْشَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ الذِّمَّةِ،

وسائل لهو و لعب و خوشگذرانی با بهره و نسبت بیتمن و بیوه زنان از بیتالمال خردباری شد، و اهل ذمه، حاکم و فرمانروای مؤمنان راستین

وَوَلِيَ الْقِيَامَ بِأُمُورِهِمْ فَاسِقُ كُلٌّ قَبِيلَةٍ، فَلَا ذَائِدَ يَذُوذُهُمْ عَنْ

شدند؛ و فاسقان هر قبیله‌ای، سربرست امور آنها شدند، دیگر در این شرایط نه کسی بود تا ایشان را از

هَلَكَةٍ، وَلَا رَاعٍ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ، وَلَا ذُو شَفَقَةٍ يُشْبِعُ

نابودشدن و هلاکت نجات پختند؛ و نه سربرستی که مراعات کند و با دیده رحمت به سوی ایشان بنگرد؛ و نه کسی پیدا شد تا

الْكَبِدَ الْحُرُى مِنْ مَسْغَبَةٍ، فَهُمْ أُولُوا ضَرْعٍ بِدَارٍ مَضِيَّةٍ، وَأَسْرَاءٍ

دلش بسوژ و جگر سوزان آنها را از گرسنگی نجات بخشد و سیر کند؛ بدین سان، آنان در سارای تباہشده با خواری بسرمی برندند؛ و اسیرانی

مَسْكَنَةٍ، وَخَلْفَاءٍ كَابَةٍ وَذَلَّةٍ. أَللَّهُمَّ وَقَدِ اسْتَحْصَدَ زَرْعُ الْبَاطِلِ،

بیچاره، و جانشینانی غم و اندوه و خوارشده گشتند. بارالها؛ در واقع، زمان برداشت کشتزار باطل و نادرستی فرا رسید،

وَبَلَغَ نِهَايَةَهُ، وَاسْتَحْكَمَ عَمُودُهُ، وَاسْتَجْمَعَ طَرِيدُهُ، وَخَذَرَفَ

و به نهایت رسید و پایه و ستونش محکم شد و رانده شدگانشان گردآوری شدند، و نسلشان زیاد شد،

وَلَيْدُهُ، وَبَسَقَ فَرْعُهُ، وَضُرِبَ بِجَرَانِهِ. أَللَّهُمَّ فَأَتْخُ لَهُ مِنَ الْحَقِّ

و شاخ و برگ دواندند، و پایه‌های حکومتشان استوار و مستقر گردیدند. بارالها؛ دست توانایی از حق را

يَدًا حَاصِدَةً تَصْدَعُ قَائِمَهُ، وَتَهْشُمُ سُوقَهُ، وَتَجْبُ سَنَامَهُ،

برای برکتمند ریشه و اساس باطل آمده ساز؛ تا بازارش را کسد، و علو و برتری آن را از بین ببرد،

وَتَجْدَعُ مَرَاغِمَهُ، لِيَسْتَخْفِي الْبَاطِلُ بِقُبْحِ صُورَتِهِ، وَيَظْهَرَ الْحَقُّ

و دماغشان را به خاک بمالد؛ تا در نتیجه، باطل مجبور شود چهره زشنش را پنهان کند، و حق و حقیقت نیز

بِحُسْنِ حُلْيَتِهِ. أَللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمَتَهَا، وَلَا

چهره زیبا و نیکوی خود را آشکار گرداند. خدایا؛ تمام ارکان و پایه‌های باطل را درهم بشکن؛ تمام

جُنَاحَةُ إِلَّا هَتَّكَتَهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَقَتَهَا، وَلَا سَرِيَّةَ ثِقْلٍ
 سپرهایش را دریده، و اجتماع کلمه و اتحادش را پراکنده، و لشکر سنگینش را
إِلَّا حَفَقَتَهَا، وَلَا قَائِمَةً عُلُوًّا إِلَّا حَطَطَتَهَا، وَلَا رَافِعَةَ عَلَمٍ إِلَّا
 بی ارزش (و خلع سلاح) فرما، تمام پایه‌های بلند و برتری اش را به زیر کشیده، و تمام علمها و پرچم‌های برافراشته‌اش را
نَكَسَتَهَا، وَلَا حَضْرًا إِلَّا أَبْرَثَهَا. أَللّٰهُمَّ فَكُوْزُ شَمْسَةُ، وَحُطَّ
 سرنگون، و تمام سبزه‌زارهایش را خشک کن. خدایا؛ خورشید باطل را تاریک و خاموش گردان، و روشنی اش را از بین ببر،
نُورَةُ، وَاطْمِسْ ذِكْرَهُ، وَأَرْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ، وَفُضَّ جُمِيُّشَهُ،
 و بادش را محو و ناپدید گردان؛ به واسطه حق و حقیقت، سرش را بیفکن؛ و سپاهیاش را پراکنده ساز؛
وَأَرْعَبْ قُلُوبَ أَهْلِهِ. أَللّٰهُمَّ وَلَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَ، وَلَا
 و دلهای آن‌ها را پر از رب و وحشت کن. خدایا؛ از باطل هیچ باقی‌مانده‌ای مگذار، و همه را نایود ساز؛
بُنْيَةً إِلَّا سَوَّيْتَ، وَلَا حَلَقَةً إِلَّا قَصَمْتَ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكْلَلْتَ،
 تمام ساختمان‌هایش را با خاک یکسان کن؛ تمام حلقه‌های محاصره آن‌ها را بشکن؛ تمام سلاح‌های آن را بی‌اثر کن؛
وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَلْتَ، وَلَا كُرْاعًا إِلَّا اجْتَحَّتَ، وَلَا حَامِلَةَ عَلَمٍ إِلَّا
 لبه‌های تیز آن‌ها را بشکن؛ تمام چارپایان‌شان را نابود و بیچاره کن؛ و تمام پرچم داران‌شان را بر
نَكَسَتَ. أَللّٰهُمَّ وَأَرِنَا أَنْصَارَهُ عَبَادِيَّدَ بَعْدَ الْأَلْفَةِ، وَشَتِّيَ بَعْدَ
 زمین بزن. خدایا؛ به ما بنمایان که یاران باطل، پس از آن که از یکدیگر جدا نمی‌شدند به برداگی رفته‌اند؛ و پس از آن که با یکدیگر
اجْتِمَاعَ الْكَلِمَةِ، وَمُقْنِعِي الرُّؤُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّةِ،
 وحدت داشتند و هم پیمان شده بودند، پراکنده گشته‌اند؛ و بعد از غلبه و چیرگی بر امت، سرافکنده و خوار شده‌اند.
وَأَسْفِرْ لَنَا عَنْ نَهَارِ الْعَدْلِ، وَأَرِنَاهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَنُورًا
 (خدایا؛ روز عدل و دادگری را برای ما آشکار کن، و آن را به ما بنمایان در حالی که پاینده است و هیچ تاریکی در آن نیست، و
لَا شَوْبَ مَعَهُ، وَاهْطِلْ عَلَيْنَا نَاصِيَّتَهُ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ، وَأَدِلْ
 روشنی اش بدون هیچ شانه‌ای است، و از باران همیشگی آن بر ما نازل، و برکتش را به ما برسان، و هر کسی
لَهُ مِمَّنْ نَأْوَاهُ، وَانْصُرْهُ عَلَى مَنْ عَادَاهُ. أَللّٰهُمَّ وَأَظْهِرِ الْحَقَّ،
 قصد بدی راجع به او دارد مغلوبش گردان، و او را بر تمام دشمنانش پیروز گردان. بارالهای حق را آشکار کن،

وَأَصْبَحْ بِهِ فِي غَسْقِ الظُّلْمِ وَبِهِمُ الْحَيْرَةِ. أَللَّهُمَّ وَأَخِي بِهِ
وَصَبَحَ وَپَایان تاریکی‌ها و سرگردانی‌ها را برسان. خدایا؛ به وسیله او قلب‌های مرده را
الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَالْأَرَاءَ الْمُخْتَلَفَةَ،
زنده گردان، و گرایش‌های پراکنده را گرد هم آور، و نظرات متفاوت را یکی کن،
وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعَطَّلَةَ، وَالْحُكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَأَشْبِعْ بِهِ
و حدود تعطیل شده را برپا دار، و دستورات دینی وگذاشتده را دوباره به جریان بینداز، و
الْخِمَاصَ السَّاغِبَةَ، وَأَرِخْ بِهِ الْأَبْدَانَ الْلَّاغِبَةَ الْمُتَعَبَّةَ، كَمَا
گرسنگان را سیر گردان و بدن‌های رنجیده و سختی کشیده را آسوده و راحت گردان؛ همان گونه که
الْهَجَّتَنَا بِذِكْرِهِ، وَأَخْطَرَتِ بِبَالِنَا دُعَائِكَ لَهُ، وَوَفَّقْتَنَا لِلَّدُعَاءِ
زبان ما را به یاد او گویا کردی، و بر قلب ما گذراندی که تو را به خاطر او بخوانیم و دعاویش کنیم، و موفقی مان گرداندی تا مردم
إِلَيْهِ، وَحِيَاشَةً أَهْلِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَأَسْكَنَتِ فِي قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ،
را به سوی او فرا بخوانیم، و غافلان را از او دور کنیم؛ محبت و دوستی نسبت به او را در دل ما جای دادی،
وَالْطَّمَعَ فِيهِ، وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، لِاقْامَةِ مَرَاسِيمِهِ. أَللَّهُمَّ فَأَتِ لَنَا
و گرایش یافتن و میل کردن به او را، و خوش‌گمانی به خودت نسبت به برپا شدن دولت او را، در دل مان گذاشتی. بار الها؛
مِنْهُ عَلَى أَحْسَنِ يَقِينٍ، يَا مُحَقِّقَ الظُّنُونِ الْحَسَنَةِ، وَيَا مُصَدِّقَ
بهترین یقین نسبت به او را به ما بده؛ ای تحقق‌بخشن خوش‌گمانی‌ها؛ ای راست آورنده؛
الْآمَالِ الْمُبْطِنَةِ. أَللَّهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِ الْمُتَآلِيَنَ عَلَيْكَ فِيهِ، وَأَخْلِفْ
ازوهای درونی؛ بار الها؛ به وسیله او کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می‌کنند، تکذیب کن؛ و
بِهِ ظُنُونَ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَالْآِسِيَّنَ مِنْهُ. أَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
به واسطه او گمان‌های کسانی را که از رحمت تو نامید و از او مایوس‌اند، نادرست گردان. خدایا؛
سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِهِ، وَعَلَمًا مِنْ أَعْلَامِهِ، وَمَعْقَلًا مِنْ مَعَالِيهِ،
ما را وسیله‌ای از وسائل او و برجمی از بترجمه‌ای او و بناهگاهی از بناهگاه‌ای او قرار ده؛
وَنَضْرٌ وْجُوهَنَا بِتَحْلِيلِهِ، وَأَكْرِمَنَا بِنُصْرَتِهِ، وَاجْعَلْ فِينَا خَيْرًا
و چهره‌های ما را به واسطه زینت‌بخشیدن او زیبا گردان؛ و ما را با یاری نمودن او گرامی بدار؛ و خیر و نیکی در ما قرار ده

تُظْهِرُنَا لَهُ بِهِ، وَلَا تُشْمِتْ بِنَا حَاسِدِي النّعْمَ، وَالْمُتَرَبّصِينَ بِنَا

تا به وسیله آن ما را در نظر او قرار دهی؛ و ما را مورد شمات و سرزنش کسانی که به نعمت‌های ما حسادت می‌ورزند، و در کمین پشیمان شدن و

حُلُولَ النَّدَمِ، وَنُزُولَ الْمُثَلِّ، فَقَدْ تَرَى يَا رَبِّ بَرَآئَةَ سَاحَتِنَا،

گرفتار شدن‌مان و نازل شدن عقوبات‌ها هستند قرار مده. پروردگارا؛ تو به خوبی می‌بینی که دل ما پاک است،

وَخُلُوَّ ذَرْعِنَا مِنَ الْإِضْمَارِ لَهُمْ عَلَى إِحْنَةٍ، وَالْتَّمَنِي لَهُمْ وُقُوعَ

و قلب ما از پنهان کردن کینه‌ای نسبت به افراد خالی است، و آرزوی گرفتاری و نایبودی‌شان را نیز

جَاءِحَةٍ، وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَحْصِنِهِمْ بِالْعَافِيَةِ، وَمَا أَضْبَوْا لَنَا مِنْ

نداریم؛ و می‌بینی آنچه را که بر ایشان نازل می‌شود از حفظشدن آنان به وسیله عافیت؛ و در مقابل، آنان در کمین نشسته‌اند تا

أَنْتَهِازِ الْفُرْصَةِ، وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا عِنْدَ الْغَفْلَةِ. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ

فرصتی علیه ما به دست آورند، و غافلگیرانه بر ما هجوم آورند. بار الها؛

عَرَّفْتَنَا مِنْ أَنفُسِنَا، وَبَصَرَّنَا مِنْ عُيُوبِنَا خَلَالًا نَخْشِي أَنْ تَقْعُدَ

خودت را از راه خویشتن‌مان به ما شناساندی، و عیبها و زشتی‌هایی که ما داشتیم به ما نشان دادی به گونه‌ای که ترسیدیم

بِنَا عَنِ اشْتِهَارِ إِجَابَتِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِينَ،

نگذارند به پاسخ‌گویی آشکار تو دست یابیم. این در حالی است که تو به کسانی که استحقاق ندارند مهربانی و فضل و بخشش

وَالْمُبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِينَ، فَأَتَ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا عَلَى

می‌کنی؛ و نسبت به کسانی که درخواست نیز نمی‌کنند، خودت شروع به احسان و نیکی می‌کنی. بدین سان، کار ما را بر

حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ،

حسب کرامت و بزرگواری، سخاوت، فضل و مت نهادنت، درست کن. همانا، تو هر کاری بخواهی انجام می‌دهی؛

وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَمِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِنَا تَأْبِيُونَ.

و به هر چه اراده کنی، حکم می‌کنی. ما به سوی تو اشتیاق داریم، و از تمام گناهان‌مان توبه می‌کنیم.

أَللّٰهُمَّ وَالدّاعِي إِلَيْكَ، وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، الْفَقِيرُ إِلٰي

بار الها؛ همان کسی را که تنها به سوی تو فرامی خواند، و از بین بندگانت برای برقراری عدل و داد دست به قیام می‌زند، و خود را

رَحْمَتِكَ، الْمُحْتَاجُ إِلٰي مَعْوِنَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، إِذْ ابْتَدَأْتَهُ بِنِعْمَتِكَ،

نیازمند رحمت می‌داند، و احتیاج به کمک تو برای فرمانبرداریت دارد؛ همان کسی که ابتداءاً نعمت را به او مرحمت کردی،

وَأَلْبَسْتَهُ أَثُوابَ كَرَامَتِكَ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ، وَثَبَّتَ

و لباس‌های کرامت و بزرگواری خود را بر او پوشانیدی، و دوست داشتن فرمان برداریت را بر دلش افکنیدی، و از روی محبتت

وَطَأَتُهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَوَفَقْتُهُ لِلْقِيامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ

جایگاهش را در قلب‌ها محکم گردانیدی، و موقق کردی بعضی از دستورات را که

أَهْلُ زَمَانِهِ مِنْ أَمْرَكَ، وَجَعَلْتُهُ مَفْزِعًا لِمَظْلومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا

مردم زمانه از انجامش خودداری کرده‌اند، انجام دهد؛ و او را گریزگاه و پناه‌گاهی برای بندگان ستمدیده‌هات، یاور

لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتابِكَ،

کسانی که جز تو یاوری نیافته‌اند، تازه‌کننده احکام تعطیل شده و فراموش شده قرأت،

وَمُشَيدًا لِمَا رُدَّ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَّنِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و محکم‌کننده آن دسته از نشانه‌های دینت که رد شده است، و محکم‌کننده و برپاکننده سنت‌ها و روش‌های کنار زده شده

سَلَامُكَ وَصَلَواتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَرَكَاتُكَ. فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي

پیامبرت - که درود و سلام و رحمت و برکت‌های تو بر او و آل او باد - قرار دادی. خدایا؛ (بدین جهت‌ها)

حِصَانَةٍ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، وَأَشِرْقَ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلَفَةَ مِنْ

او را در پناه‌گاهی قرار ده تا از شر متجاوزان در امان باشد؛ و دل‌هایی را که از

بُغَاةِ الدِّينِ، وَبَلْغَ بِهِ أَفْضَلَ مَا بَلَّغَتَ بِهِ الْقَائِمِينَ بِقَسْطِطَكَ مِنْ

ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب او روش‌گردان؛ او را به برترین چیزهایی برسان، که قیام‌کننده‌گان برای عدالت - در

أَتَبَاعِ النَّبِيِّينَ. أَللَّهُمَّ وَأَذْلِلْ بِهِ مَنْ لَمْ تُسْهِمْ لَهُ فِي الرُّجُوعِ إِلَى

بن پیروان پیامبرات - بدان‌ها دست یافته‌اند. خدایا؛ کسانی که سهمی برای بازگشت به محبت خودت برای ایشان قرار نداده‌ای

مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَدَاوَةَ، وَأَرْمِ بِحَجَرِكَ الدَّامِغَ مَنْ أَرَادَ

را به دست آن حضرت، خوار و ذلیل گردان؛ نیز، کسانی را که بنای دشمنی با او دارند، خوار کن. و بیفکن سنگ عذاب‌ناپدکننده‌ات را

الْتَّأْلِيبَ عَلَى دِينِكَ بِإِذْلَالِهِ، وَتَشْتِيتِ أَمْرِهِ، وَأَغْضَبَ لِمَنْ لَا

به طرف تمام کسانی که قصد دارند با شوراندن مردم علیه‌هی دین تو، او را به خواری و بیجارگی بکشانند و آمورش را برآکنده کنند. (خدایا) غضب

تِرَةَ لَهُ وَلَا طَائِلَةَ، وَعَادَى الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فِيكَ مَنْ لَمْ

نما برای شخصی که طلب‌کننده خونی برای او نباشد و قوت توانگری برای او نباشد و دشمنی می‌کند بازدیکان و دوران در راه تو، این کارها را به

عَلٰيْهِ، لَا مَنًا مِنْهُ عَلٰيْكَ . أَللّٰهُمَّ فَكَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضًا فِيكَ

عنوان منتبی از تو بر او می‌دانیم، نه این که او بر تو منتبی داشته باشد. بار الها؛ همان گونه که جان خویش را به خاطر تو در تیررس

لِلْأَبْعَدِينَ، وَجَادَ بِبَذْلِ مُهْجَتِهِ لَكَ فِي الذَّبِّ عَنْ حَرَمِ الْمُؤْمِنِينَ،

مخالفان قرار داد، و سعی نیکو نموده است به بذل خون از برای دفاع نمودن از حریم مؤمنان؛

وَرَدَ شَرَّ بُغَاةِ الْمُرْتَدِينَ الْمُرْبِيبِينَ حَتّى أَخْفَى مَا كَانَ جُهْرَ بِهِ مِنْ

و در رَدَ شَرَّ و بدی ستم کاران، بی دین شدگان و شکنندگان؛ تا جایی که گناهانی که آشکار شده بود پنهان کرد

الْمَعَاصِيِّ، وَأَبْدَأَ مَا كَانَ نَبَذَهُ الْعُلَمَاءُ وَرَأَءَ ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذْتَ

و چیزهایی را آشکار کرد که دانشمندان دینی پیمان داده بودند آن چیزها را

مِيَثَاقَهُمْ عَلٰى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ، وَدَعَا إِلٰى إِفْرَادِكَ

برای مردم تبیین و روشن کنند و کتمان نکنند؛ ولی آن امور را به فراموشی سپرده بودند؛ و مردم را تنها

بِالطَّاعَةِ، وَإِلَّا يَجْعَلَ لَكَ شَرِيكًا مِنْ خَلْقِكَ يَعْلُوْ أَمْرُهُ عَلٰى

به فرمان برداری از تو فراخواند، و اینکه کسی از مخلوقات را برای تو شریک قرار ندهد و دستورش را

أَمْرِكَ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فِيكَ مِنْ مَرَازِاتِ الْغَيْظِ الْجَارِحةِ

برتر از دستور تو قرار ندهد. افزون بر آن چه گفته شد، تلخی سختی‌ها و رنج‌های خشمی را که

بِحَوَاسٍ [بِمَوَاسِيْخٍ] الْقُلُوبِ، وَمَا يَعْتَوِرُهُ مِنَ الْغُمُومِ، وَيَفْزَعُ

قلب را مجروح می‌کند، در راه تو جرعه جرعه می‌نوشد؛ غم‌هایی را که پیوسته به او می‌رسد، تحمل می‌کند؛

عَلٰيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْخُطُوبِ، وَيَسْرَقُ بِهِ مِنَ الْغُصَصِ الَّتِي

امور دردنگی که تازه به او می‌رسد که هر لحظه تازه‌تر می‌شود؛ غصه‌هایی که در

لَا تَبَتَّلُهَا الْحُلُوقُ وَلَا تَخُنُ عَلٰيْهَا الْضُّلُوعُ عِنْدَ نَظَرِهِ إِلٰى أَمْرِ

گلوی مانده و از حلقوم فرو نمی‌رود، پهلوی انسان توان تحملش را ندارد؛ تحمل می‌کند. این‌ها در هنگامی است که به دستوری

مِنْ أَمْرِكَ، وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَهُ إِلٰى مَحَبَّتِكَ . فَأَشْدُدِ

از دستورات و کارهای تو می‌نگرد، ولی دستش کوتاه است و نمی‌تواند آن دستور دگرگون شده را تغییر دهد و آن گونه که تو دوست داری قرارش

اللّٰهُمَّ أَزْرَهُ بِنَصْرِكَ، وَأَطِلْ بَاعَهُ فِيمَا قَسْرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرَادِ

دهد. خدایا؛ با یاریت پشتیش را محکم گردان، و توانایی اش بده در مورد آنچه نتوانسته انجام دهد از دور کردن

الرَّاعِينَ فِي حِمَّاكَ، وَزِدْهُ فِي قُوَّتِهِ بَسْطَةً مِنْ تَأْيِيدِكَ،

خوشگذران‌ها در راه حرام و مصیبت تو؛ و نیروی او را از جهت باز شدن دستش با تأیید خودت افزایش بدء؛

وَلَا تُؤْحِشْنَا مِنْ أُنْسِهِ، وَلَا تَخْرِمْهُ دُونَ أَمْلِهِ مِنَ الصَّلاحِ

ما را از آنس گرفتن با او مگریزان (به وحشت مینداز)؛ آزویش را - که درستی و اصلاح

الْفَاشِي فِي أَهْلِ مِلَّتِهِ، وَالْعَدْلُ الظَّاهِرُ فِي أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ وَشَرِّفْ

فراغیر امور مردمش و عدالت آشکار در بین‌شان است - بر باد مده و نامیدش مساز. خدایا؛ هنگام

بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدْيِ مَوْقِفِ الْحِسَابِ مَقَامَهُ،

حساب و کتاب بندگانست. جایگاه او را به خاطر آنچه استقبال کرد از برپا داشتن فرمانات، شرافتمند گردان؛

وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاللهِ بِرُؤْيَتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَىٰ

پیامبر حضرت محمد را - که درود تو بر او و آل او باد - با دیدن آن بزرگوار و کسانی که دعوتش را پذیرفته و از او پیروی

دَعْوَتِهِ، وَأَجْزِلْ لَهُ عَلَىٰ مَا وَأَيْتَهُ قَائِمًا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ شَوَّابَهُ،

کردند؛ شادمان گردان. و به خاطر این که به دستور تو قیام کرده و دستورات را اجرا می‌کند، ثوابش را بر آنچه وعده کرده‌ای افزون

وَابْنِ قُرْبَ دُنْوِهِ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ، وَارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ،

و شایسته گردان؛ در زمان زندگانیش نیز او را به مقام قرب خود نزدیک بگردان، و به بیچارگی و بدیختی ما پس از او رحم کن؛

وَاسْتِخْذْأَنَا لِمَنْ كُنْتَ نَقْمَعْهُ بِهِ إِذَا فَقَدْتَنَا وَجْهَهُ، وَبَسَطْتَ أَيْدِيَ

(خدایا)؛ به ما رحم کن آن گاه که پس از گم کردن روی مبارک او، مجبور به فروتنی در برابر کسانی شویم که با او نابودشان

مَنْ كُنْتَ نَبْسُطْ أَيْدِيَنَا عَلَيْهِ لِنَرْدَهُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَافْتَرَاقَنَا بَعْدَ

می‌کردیم؛ و کسانی که ما برایشان مسلط شده بودیم تا آنها را از نافرمانی آن حضرت باز داریم، بر ما مسلط شوند؛

الْأُلْفَةِ وَالْاجْتِمَاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنْفِهِ، وَتَلَهَّقَنَا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلَىٰ مَا

رحم کن بر ما که پس از هماهنگی و دوستی و گرد آمدن در زیر سایه حمایت او، دوباره پراکنده شویم؛ رحم کن حسرت خوردن

أَقْعَدْنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ، وَطَلَبَنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقٍّ مَا لَا سَبِيلَ لَنَا

ما را - هنگام از دست دادن - بر آنچه ما را بازداشتی از باری او و طلب برپایی حق آنچه برای ما راهی

إِلَى رَجْعَتِهِ. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشَفَّقُ عَلَيْهِ مِنْهُ، وَرُدَّ

به سوی بازگشت آن نیست. خدایا؛ او را در امان بدار از چیزهایی که برایش می‌ترسیم؛

عَنْهُ مِنْ سِهَامِ الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنَاعَانِ إِلَيْهِ وَإِلَى

وَاز او دور گردن تیرهای نیرنگی را که کینه توزان و بدخواهانش برتاب میکنند به سوی او

شُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ، وَمَعَاوِنِيهِ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الَّذِينَ جَعَلْتُهُمْ

(و همراهان و کمک رسانان او در راه فرمانبرداری از پورودگارش؛ همان مددکارانی که آنان را

سِلَاحَهُ وَحِصْنَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأَنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ

اسلحه، دش، پناهگاه و منس آن حضرت قرار دادهای؛ همان عزیزان و یاورانی که از خانواده و فرزندان شان دست کشیده،

وَالْأَوْلَادِ، وَجَقَوْا الْوَطَنَ، وَعَطَلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ، وَرَفَضُوا

و وطن را ترک کردن، و از بستر و خواب آرام گذشتند، و

تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضَرُّوا بِمَعَايِشِهِمْ، وَفَقِدُوا فِي أَنْدِيَتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ

تجارت‌ها و بازرگانی خود را رها کردند، و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند؛ و بدون پنهان شدن

عَنْ مِصْرِهِمْ، وَخَالَلُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاصَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَقَلَوْا

از شهرشان در مجالس و محافل عمومی و مهمشان پیدایشان نشد؛ و با افراد دوردستی که نسبتی نداشتند، به خاطر کمک و یاری

الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهِهِمْ، فَأَتَتَلَّفُوا بَعْدَ التَّدَابِرِ وَالتَّقَاطِعِ

انها در کارشان، رابطه‌دوستی برقرار کردن؛ و نزدیکانی را که سد راهشان می‌شوند، کنار گذاشتند؛ و پس از آن همه اختلاف و دشمنی و

فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلٍ حُطَامِ الدُّنْيَا.

قطع رابطه در روزگارشان، گروهی تشکیل دادند؛ و همه وسیله‌هایی را که آن‌ها را به خار و خاشاک زودگذر دنیا می‌رسانید از بیخ و

فَاجْعَلْهُمُ اللّٰهُمَّ فِي أَمْنٍ حِرْزِكَ وَظِلَّ كَنْفِكَ، وَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ

بن برکنند. بار الها؛ بدین ترتیب، ایشان را در امان نگهداریت، و سایه حمایت خودت قرار بده؛

قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَجْزِلْ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ

و بدی و شتر هر یک از بندگان‌ت را که قصد دشمنی با آنان را دارد، از ایشان برگردان؛ و به خاطر دعوتشان به سوی تو،

كِفَايَتِكَ وَمَعْوَنَتِكَ، وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْيِيْدِكَ وَنَصْرِكَ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ

سرپرستی و امداد خویش را برای آن‌ها زیاد کن؛ و با توفيق و یاری و پیروزیت، حمایتشان کن؛ و به وسیله حق و حقیقت آن‌ها

بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ. أَللّٰهُمَّ وَامْلأْ بِهِمْ كُلَّ أُفْقٍ مِنَ

باطل را از کسانی که قصد خاموش کردن نور تو را دارند، نابود گردان. بار الها؛ به وسیله ایشان، تمام افق‌های هستی،

الْآفَاقِ، وَقُطْرٌ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرْحَمَةً وَفَضْلًاً،

و تمام گوشها و اقطار جهان را، پر از داد و عدل و رحم و مهربانی و احسان گردان،

وَاشْكُرُهُمْ عَلَى حَسْبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَمَا مَنَّتْ بِهِ عَلَى

و به ایشان (باران آن حضرت) پاداش بده بر حسب کرامت و سخاوتمندی و منتھایی که نسبت به بندگان

الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَادْخُرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا يَرْفَعُ

عدالتمند داری، و ثوابهایی که برای شان ذخیره کرده‌ای، و درجه ایشان را به آن بالا می‌بری،

لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ . ۱

به راستی که تو هر چه را بخواهی انجام می‌دهی، و آنچه را اراده کنی، حکم می‌فرمایی.

در کتاب «البلد الأمین» این عبارات نیز وجود دارد:

وَصَلَى اللَّهُ عَلَى خَيْرِتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ. أَللَّهُمَّ

و خداوند، درود پیوسته‌اش را بر برگزیده مخلوقاتش یعنی حضرت محمد و خاندان پاکش نثار کند. بار الها؛

إِنِّي أَجِدُ هَذِهِ النُّدْبَةَ امْتَحَثْ دَلَالَتُهَا، وَدَرَسْتُ أَعْلَامُهَا، وَعَفَتْ

این گونه فکر می‌کنم که این ندبه و زاری دلالتش محو شده، و نشانه‌های آشکارش کهنه شده، و تنها

إِلَّا ذِكْرُهَا، وَتِلَاوَةُ الْحُجَّةِ بِهَا. أَللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ بَيْنَكَ

یادش و قرائتکردن استدلال به آن مانده. خدایا؛ من، بین خودم و تو،

مُشْتَبِهَاتٍ تَقْطَعْنِي دُونَكَ، وَمُبْطِئَاتٍ تَقْعُدُ بِي عَنْ إِجَابَتِكَ،

اشتباهاتی می‌بینم که مرا از تو جدا می‌سازند؛ و مواعی که مرا از اجابت تو باز می‌دارند،

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنِّي عَبْدُكَ وَلَا يُرِهَ حَلُّ إِلَيْكَ إِلَّا بِزَادٍ وَأَنَّكَ لَا تَحْجُبُ

و به خوبی می‌دانم که من بندهات هستم، و نیز معلوم است که تنها با زاد و توشه می‌توان به سوی تو کوچ کرد؛ تو،

عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ يَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ زَادَ

از مخلوقات فاصله نداری، و این کارهای بندگان است که ایشان را از تومحجب و محروم می‌سازد. خدایا؛ به خوبی می‌دانم که توشه

الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمٌ إِرَادَةٌ يَخْتَارُكَ بِهَا، وَيَصِيرُ بِهَا إِلَى مَا يُؤَدِّي

کوچ کننده به سوی تو، همان اراده و تصمیم قطعی است که تو را به آن برمی‌گریند - تا به سویت بباید -

۱. مهج الدعوات: ۸۵، البلد الأمین: ۶۴۰، و مصباح المتهجد: ۱۵۶ با اندکی تفاوت.

إِلَيْكَ . أَللَّهُمَّ وَقَدْ نَادَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَاسْتَبِقْنِي نِعْمَتَكَ

و بدين وسیله برای رسیدن به سوی تو حرکت می کند. بار الها؛ قلب من، با تصمیم قطعی خود تورا ندا می دهد؛ پس، نعمت را

بِفَهْمٍ حُجَّتِكَ لِساني وَمَا تَيْسَرَ لِي مِنْ إِرَادَتِكَ . أَللَّهُمَّ فَلَا

برایم به سبب فهمیدن حجتت پایدار کن، و هر چه ممکن است با اراده خودت برایم فراهم کن. بار الها؛

أُخْتَرَلَنَّ عَنْكَ وَأَنَا أَمْلَكَ ، وَلَا أُخْتَلِجَنَّ عَنْكَ وَأَنَا أَتَحْرَكَ . أَللَّهُمَّ

من تو را قصد کردم؛ پس، مرا از خود جدا مساز؛ و من در جستجوی تو هستم، پس مگذار از تو بربده شوم. خدا؛ و

وَأَيَّدْنَا بِمَا نَسْتَخْرِجُ بِهِ فَاقَةَ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا ، وَتَنْعَشُنَا مِنْ

به طوری ما را موفق گردان که فقر و نیاز دنیوی را از قلبمان بیرون کنیم؛ و ما را بلند کن از

مَصَارِعِ هَوَانِهَا ، وَتَهْدِمُ بِهِ عَنْنَا مَا شُيِّدَ مِنْ بُنْيَانِهَا ، وَتَسْقِينَا

محل‌های سقوط پست و بی‌ارزش دنیایی؛ و پایه‌های محکم علاقه به دنیا در درون ما را ویران ساز؛ و

بِكَأسِ السَّلْوَةِ عَنْهَا حَتَّى تُخَلِّصَنَا لِعِبَادَتِكَ ، وَتُورِثَنَا مِيراثَ

به ما جامی از جدایی و رهایی از آن بنوشان تا برای بندگیات ما را خالص گردانی. و میراث جاودانه

أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ ضَرَبْتَ لَهُمُ الْمَنَازِلَ إِلَى قَصْدِكَ ، وَأَنْسَتَ

دوسستان خودت را نصیب‌مان کن، همان دوستانی که جایگاه‌هایی برای رسیدن به خودت برای‌شان درست کردی،

وَحْشَتَهُمْ حَتَّى وَصَلُوا إِلَيْكَ . أَللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَ هَوَى مِنْ هَوَى

و وحشت‌شان را تبدیل به آنس و آرامش نمودی تا در نهایت به وصال تو رسیدند. خدایا؛ اگر از خواهش‌ها یا

الْدُّنْيَا أَوْ فِتْنَةً مِنْ فِتْنَهَا عَلِقَ بِقُلُوبِنَا حَتَّى قَطَعْنَا عَنْكَ أَوْ حَجَبَنَا

فتنه‌ها و فریبندگی‌های دنیایی، باز هم چیزی به دل‌مان چسبیده بود تا ما را از تو جدا سازد یا از

عَنْ رِضْوَانِكَ ، وَقَعَدَ بِنَا عَنْ إِجَابَتِكَ ، فَاقْطَعَ اللَّهُمَّ كُلَّ حَبْلٍ مِنْ

رضوان و خشنودیات محروم سازد، و از دست‌یابی به اجابت تو بازمان دارد؛ (خدایا) هر رشته علاقه دنیایی را که بخواهد

جِبَالِهَا جَذَبَنَا عَنْ طَاعَتِكَ ، وَأَعْرَضَ بِقُلُوبِنَا عَنْ أَدَاءِ فَرَآئِضِكَ ،

ما را از فرمان‌برداری تو برگرد و جذب دنیا کند، با قلب‌های ما را از انجام واجبات تو باز داشته و روگران کند؛ از بیخ و بن برکن.

وَاسْقِنَا عَنْ ذِلِكَ سَلْوَةً وَصَبِرًا يُورِدُنَا عَلَى عَفْوِكَ ، وَيُقْدِمُنَا

و جام رهایی و استقامت در برابر آن را به ما بنشان که ما را به عفو و بخشش تو برساند، و ما را وا دارد

عَلَى مَرْضَاتِكَ، إِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ. أَللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا قَائِمِينَ عَلَى

تا به رضوان و خشنودیت دست یابیم؛ به راستی که اختیار این کارها در دست باکفایت توست. بار الها؛ ما را چنان کن که

أَنْفَسِنَا بِأَحْكَامِكَ حَتَّى تُسْقِطَ عَنَا مَؤْوِنَ الْمَعَاصِي، وَاقْمَعْ

خود را وادر به انجام دستورات و احکامت کنیم تا رنج و سنگینی گناهان را نیز از ما بیندازد؛ و

الْأَهْوَاءَ أَنْ تَكُونَ مُسَاوِرَةً، وَهَبْ لَنَا وَطْءَ أَثَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

هوس‌های مان را از این که همواره به ما حملهور باشند، سرکوب کن؛ و پیمودن راه و روش حضرت محمد و آل او را

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاللَّهُحُوقَ بِهِمْ حَتَّى يَرْفَعَ الدِّينُ

- که درودت بر او و ایشان باد - و ملحق شدن به آن بزرگواران را بر ما ارزانی بدار، تا در نهایت، دین،

أَعْلَمُهُ ابْتِغَاءَ الْيَوْمِ الَّذِي عِنْدَكَ. أَللَّهُمَّ فَمَنْ عَلَيْنَا بِوَطْءِ أَثَارِ

پرچم‌هایش را برافرازد؛ به امید روزی که نزد تو باشد. بار الها؛ این ملت را بر ما بگذار که آثار و آنچه بجای مانده از

سَلَفِنَا، وَاجْعَلْنَا خَيْرَ فَرَطٍ لِمَنِ ائْتَمْ بِنَا، فَإِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرٌ

گذشگان (و پیشوایان)مان را بیماییم؛ ما را بهترین پیشگامان برای کسانی قرار ده که می‌خواهند دنیا و رومان باشند. به راستی که توهم توان

وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

این کار را داری، و هم انجام آن برایت آسان است؛ و تو، مهریان ترین مهریانان هستی؛ و خداوند، درود

مُحَمَّدٌ سَيِّدُنَا وَآلِهِ الْأَبْرَارِ وَسَلَّمَ. ۱

و سلام پیوسته اش را بر محمد - سرور ما - و خاندان نیک رفتارش، نثار کند.



دعای قنوت حضرت بقیة الله عجل الله تعالى فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رض در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد

الأمين» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء نقل نموده‌اند:

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَكْرِمْ أَوْلِيَائَكَ بِإِنْجَازِ

بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و اولیا و دوستانت را با عمل به و عدهات

۱. البلد الأمين: ۶۶۳.

وَعْدِكَ، وَبَلَّغُهُمْ دَرْكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ، وَأَكْفُفْ عَنْهُمْ

گرامی بدار، و آنان را به دستیابی آنچه آرزو دارند از باری تو برسان، و باز بدار از ایشان

بَأَسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَتَمَرَّدَ بِمَنْعَكَ عَلَى رُكُوبِ

سختی و شکنجه و عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو را دارد، و از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی نموده

مُخَالَفَتِكَ، وَاسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ عَلَى فَلٌ حَدَّكَ، وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ

و به کمک و عطای تو باری جسته بر شکستن حرمت؛ و به وسیله خوبی‌ها و نعمت‌هایی که از توست، قصد فریبدادن

بِأَيْدِكَ، وَوَسِعْتَهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى جَهَرَةٍ، وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلَى

تو را دارد. البته تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده‌ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و - با وجود قدرتی که یافته -

عِزَّةٍ. فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿٤٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ

او را به سختی مستاصل و بیچاره کنی. خداوندان؛ تو در قرآن فرموده‌ای و گفته تو حقیقت دارد: «تا آن که زمین

زُخْرَفَهَا وَأَرْسَيْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا

آیسته و دارای زر و برق شد، و اهلش گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما،

لَيْلًاً أَوْ نَهَارًاً فَجَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًاً كَأَنْ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذِلِكَ

شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن‌ها را درو شده ساختیم؛ به گونه‌ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٨﴾ ، وَقُلْتَ ﴿فَلَمَّا أَسْفُونَا انتَقَمْنَا

نشانه‌ها را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می‌کنیم، و نیز فرموده‌ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند،

مِنْهُمْ ﴿٤٩﴾، وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَإِنَّا لِغَضَبِكَ غَاضِبُونَ،

از ایشان انتقام گرفتیم». (خدایا؛) واقعیت آن است که ما به آخر خط رسیده‌ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو به خشم می‌آییم،

وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ،

و برای باری حق و حقیقت به هم پیوسته‌ایم، و مشتاق رسیدن دستورت هستیم،

وَلَا نَجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَلَحِلُولٍ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

و انتظار محقق شدن وعدات را می‌کشیم، و انجام تهدیدهایت علیه دشمنان را متوقع هستیم.

أَللَّهُمَّ فَأَذْنِ بِذِلِكَ، وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَسَهَّلْ خُرُوجَهُ، وَوَطَّأَ

بارالهای؛ اجازه این کار را صادر کن، و راههای آن را بگشا، و قیام او را آسان گردن، و

۱. سوره یونس، آیه ۲۴. ۲. سوره زخرف، آیه ۵۵.

مَسَالِكَهُ، وَأَشْرَعْ شَرَائِعَهُ، وَأَيَّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ، وَبَادِرْ بَأْسَكَ

محل پیمودنش را آمده و هموار ساز، و راههای او را آشکار ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند و قوی گردان، و ستم کاران

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ،

را به سرعت گرفتار شکنجه و عذابت کن، و شمشیر انتقامات را بر دشمنات که آگاهانه مخالفت و سریچی می‌کنند مسلط ساز،

وَخُذْ بِالثُّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ.

و انتقام را بگیر، که تو بخشندۀ چاره‌جویی هستی.



دعای دوم حضرت بقیة الله اروحنا فداء

در قنوت

این قنوت را سید بن طاووس علیه السلام در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمين» از امام زمان اروحنا فداء نقل نموده‌اند:

[قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ

(بگو): خدای؛ مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان فرمایی را به هر کسی که بخواهی می‌دهی؛ و از هر که بخواهی می‌گیری؛

مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعَزِّزُ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذَلِّلُ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرِ، إِنَّكَ

هر کسی را که بخواهی عزیز می‌گردانی؛ هر که را بخواهی خوار می‌کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ،

بر هر چیز توانایی. ای شکوهمند؛ ای سخاوتمند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری،

يَا بَطَاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

ای بسیار سخت‌گیر؛ ای صاحب سخت‌گیری شدید، ای انجام دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای صاحب نیروی

الْمَتِينِ، يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ، يَا لَطِيفُ يَا حَيٌّ حِينَ لَا حَيَّ.

قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطفکننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده‌ای نبود؛

أَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونَ الْمَكْنُونَ الْحَيِّ الْقَيُّومَ، الَّذِي اسْتَأْثَرَتَ

از تو می خواهم به واسطه است که ذخیره شده، پنهان، زند و پایدار است؛ که

بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطْلُعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسَأَلُكَ

در دانش پنهان خود، مخفیش کرده‌ای و هیچ کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْضِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَبِهِ

به واسطه آن است که آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هر گونه بخواهی صورت می‌بخشی؛

تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ

و روزی ایشان را در طبقه‌های تاریک، از بین رگ‌ها و

وَالْعِظَامِ، وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتَ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ،

استخوان‌ها به ایشان می‌رسانی؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن است که با آن بین دل‌های دوستانت پیوند و الفت برقرار

وَالْفَتَ بَيْنَ الشَّلْحِ وَالنَّارِ، لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ

کردی؛ و برف و آتش را باهم گرد آورده، به گونه‌ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش نماید؛

هَذَا. وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَأَسَأَلُكَ

واز تو درخواست می‌کنم به واسطه آن است که با آن، به آب‌ها طعم بخشدی، و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ

به آن است که با آن آب را در بین لایه‌های زمین در ریشه‌های گیاه جاری ساختی،

الثَّرَى، وَسُقْتَ الْمَاءُ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ،

و از میان سنگ‌های سخت، آب را به سوی ریشه درختان روان نمودی،

وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الشَّمَارِ وَأَلْوَانَهَا. وَأَسَأَلُكَ

واز تو درخواست می‌کنم به آن است که به وسیله آن طعم و رنگ‌های مختلف را به میوه‌ها دادی؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبَدِّئُ وَتُعِيدُ، وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرِدِ الْوَاحِدِ،

با آن نامی که با آن، آغاز می‌کنی و بازمی‌گردانی؛ و از تو درخواست می‌کنم با آن اسم یکتای بگانه‌ات،

الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ

اسجی که به یکتایی اشاره دارد، و برای بی‌نبیاری، یگانه است؛ و از تو می خواهم به واسطه نامی که

الَّذِي فَجَرَتْ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَسُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ

با آن، آب را با نیرو و فشار از تکه‌سنگ‌های سفت و محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی؛

شِئْتَ . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ

و از تو می‌خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگان را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه

شِئْتَ وَكَيْفَ شَأْوُوا، يَا مَنْ لَا يَغِيرُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا

که خواستند آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها و شبها، در او ذکرگویی ایجاد نمی‌کنند؛ می‌خوانم تو را با

دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ، وَأَهْلَكْتَ قَوْمَهُ،

همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا داد خواند، پس او را همراهانش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر)ش را نابود کردی؛

وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ

و تو را می‌خوانم با همان دعایی که ابراهیم - دوست - هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی،

وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى

و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی، و تو را می‌خوانم با همان دعایی که موسی

كَلِمْكَ حِينَ نَادَاكَ فَقَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ،

- هم‌ساخت - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، پس دریا را برایش شکافتی و او را با بنی اسرائیل نجات دادی،

وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ. وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى

و فرعون و سپاهش را در آب غرق فرمودی. و تو را می‌خوانم با دعایی که عیسی

رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ

- روح تو - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، در نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا برده؛ و تورا

بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

می‌خوانم با همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگردیده و پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند،

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصَرْتَهُ.

پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروههای متسلک نجات بخشیدی، و بر دشمنانت یاری اش نمودی؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ

و از تو می‌خواهم با آن نامت که هرگاه با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می‌دهی. ای کسی که آفرینش و دستور

وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَخْطَطَ بِكُلٍّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ

و حکم فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛ ای کسی که تعداد همه چیز را می داند؛

عَدَادًا، يَا مَنْ لَا تَغْيِيرُهُ الْأَيَّامُ وَاللّٰيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ،

ای کسی که روزها و شبها در او دگرگونی ایجاد نمی کند؛ و صدای های مختلف او را به اشتباہ نمی اندارد؛

وَلَا تَخْفِي عَلَيْهِ الْلُّغَاتُ، وَلَا يُبَرِّمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلْحِينَ. أَسْأَلُكَ أَنَّ

ولغت ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری اصرار کنندگان او را به سته نمی اورد؛ از تو درخواست می کنم

تُصَلِّي عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِتَكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلُّ عَلَيْهِمْ

بر حضرت محمد و آل محمد که برگزیدگان از آفریدگان هستند درود بفرستی. پس بر آنان

بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ، وَصَلُّ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ

به برترین درودهایت، درود بفرست. و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی های تو را

بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَىٰ، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاثِيقَ بِالظَّاعَةِ، وَصَلُّ عَلَىٰ

به درستی و به طور کامل به بندگان رسانده و پیمان های محکم برای فرمان برداری با تو، بستند؛ درود بفرست، و بر

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي،

تمام بندگان شایسته و نیکوکارت درود فرست. ای کسی که خلاف وعده اش رفتار نمی کند؛ و عدهای را که به من دادی، وفا کن؛

وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبَرْهُمْ، وَانْصُرْنِي عَلَىٰ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ

و تمام یارانم را برایم گرد آور، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و دشمنان

رَسُولِكَ، وَلَا تُخْيِبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ، إِنِّي عَبْدُكَ، إِنِّي

پیامبرت - حضرت محمد ﷺ - پیروز فرما؛ و دعايم را بی بهره مگردان؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو، و فرزند

أَمَتِكَ، أَسِيرُ بَيْنَ يَدَيْكَ، سَيِّدي أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ عَلَيَّ بِهَذَا

کنیز تو هستم، در پیشگاه تو اسیرم. سرور و آقای من؛ تویی که چنین مقام و منزلتی را بر من منت نهاده ای

الْمَقَامِ وَتَفَضَّلَتِ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ

و مرا به وسیله آن از بسیاری از آفریدگان برتری داده ای، از تو درخواست می کنم که

تُصَلِّي عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ

بر محمد و آل محمد درود فرستی و به عدهای که به من دادی وفا کنی، که به راستی

أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

تو راستگو هستی، و خلاف وعدهات رفتار نمی‌کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.



دعای سوم آن حضرت در قنوت

آیة الله سید نصرالله مستنبط علیہ السلام، در حرم حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام به دیدار امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شد، در حالی که آن حضرت نماز می‌خواند؛ به آنچه آن حضرت می‌خوانندند گوش فرا داد و شنید که آن حضرت در قنوت‌ش این گونه دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ قَدْ عَادَى عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،

بار الها؛ به راستی که معاویه پسر ابوسفیان، با علی بن ابی طالب علیہ السلام دشمنی سرسختانه‌ای کرد؛

فَالْعَنْهُ لَعْنًا وَبِيَلًا.

پس او را به شدت لعنت کن.



دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالى فرجه

پسر مُقاتل روایت نموده که امام رضا علیہ السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می‌گویید و چه دعایی می‌کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می‌خوانند.

۱. مهج الدعوات: ۹۱، البلد الأمين: ۶۶۵.

۲. معجم رجال الفكر والأدب في النجف خلال ألف عام: ۱۱۹۹/۳.

فرمود: آن طور که آن ها دعا می کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

أَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيقَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرَسُولَكَ ،

بارالها؛ به وسیله آپچه که کار پیامبران و فرستادگان را اصلاح فرمودی، أمور بند و جانشینت (امام عصر^ع) را نیز اصلاح فرما؛

وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَأَيَّدْهُ بِرُوحِ الْقَدْسِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَاسْلُكْهُ مِنْ

و با فرشتگان گردانگردش را فرا بگیر؛ و او را با روح القدس از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی

بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَداً يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلٌّ سُوءٍ ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ

در پیش رو و از پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرابط

بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا ، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا ، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ

ترساناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند؛ و

خَلْقَكَ عَلَى وَلِيّكَ سُلْطَانًا ، وَأَذْنَ لَهُ فِي جَهَادِ عَدُوّكَ وَعَدُوّهِ ،

و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگان را برولیت قرار مده؛ و به او اجازه بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلٌّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو بر هر چیزی توانا هستی.



بخش سوم

دعا در قنوت نماز جمعه ...



ادعیه بعد از نمازها

سچنڈل
بخاری



۳۰

**دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء
بعد از هر نماز واجب**

در کتاب «جمال الصالحين» از مولای مان امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند: همانا از حقوق ما بر شیعیان مایین است که بعد از هر نماز واجب دست‌هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

یا ربَّ مُحَمَّدٍ عَجْلُ فَرَجَ أَلِ مُحَمَّدٍ، یا ربَّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ
ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد؛ محافظت کن (دین را در) غیبت

مُحَمَّدٍ، یا ربَّ مُحَمَّدٍ انتَقِمْ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

محمد، ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد علیه السلام را بگیر.

۳۱

**دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء
پس از نمازهای واجب**

امام جواد علیه السلام فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:

رَضِيَتْ بِاللهِ رَبِّاً، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِمُحَمَّدٍ
 خشنودم که خداوند پروردگار من، اسلام دین من، قرآن کتابم، حضرت محمد ﷺ

نَبِيًّاً، وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ،
 پیامبرم، حضرت علی سرپرست و صاحب اختیارم، حسن و حسین و علی بن حسین

وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرٌ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، وَعَلِيٌّ
 و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی

ابْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ
 ابن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن

عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَئِمَّةً。 اللَّهُمَّ وَلِيُّكَ الْحُجَّةُ
 علی و حجت بن الحسن بن علی امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا، ولی تو حضرت حجت است،

فَاخْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ،
 پس او را از رو به رو و پشت سرش و از طرف راست و چپش،

وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَامْدُدْ لَهُ فِي عُمْرِهِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ
 و از بالا و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیامکننده

بِأَمْرِكَ، الْمُتَّصِرِ لِدِينِكَ، وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقْرِبِهِ عَيْنِهِ فِي نَفْسِهِ
 به امرت قرار بده، تا یاری گر دینت باشد و آنچه دوست می دارد و باعث چشمروشنی اش می شود در مورد خودش

وَفِي ذِرِّيَّتِهِ، وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ، وَفِي شَيْعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ
 و فرزندانش و خانواده اش و مالش و پیروان و دشمنانش به او نشان ده، و آنچه دشمنانش در

مَا يَحْذَرُونَ، وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقْرِبِهِ عَيْنِهِ، وَاسْفِ بِهِ
 مورد او پرهیز دارند به آنان نشان ده، و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود به او نشان

صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

و سینه های ما را و سینه های مؤمنان را به وسیله ا او شفا بخش.

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولای مان حضرت حجت ارواحنا فداء را بعد از هر

نماز واجب مورد تأکید قرار می دهد.^۱

۱. مکیال المکارم: ۳/۲، و مانند آن در «نزهه الزاهد: ۹۱» وارد شده است.

دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء
که بعد از نمازهای واجب خوانده می‌شود

روایت شده است:

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالى فرجه الشریف) مشرف گردد.

آن دعا چنین است:

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ

خداوندان، بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من؛ همانا رسول راستگو

الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي

و تأیید شدهات - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است: که همانا توفیقدهای در مورد هیچ کدام

شَيْءٍ إِنَّا فَاعِلُهُ كَتَرَدَدْتُ فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيِّ الْمُؤْمِنِ، يَكْرُهُ

از کارهایی که انجام می‌دهم مثل قبض روح بندۀ مؤمنم دچار تردید نشدهام؛ زیرا او

الْمَوْتَ وَإِنَّا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ. أَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او را نمی‌پسندم. خداوندان، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست

وَعَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ، وَالنَّصْرَ وَالْغَافِيَةَ، وَلَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي،

و فرج و گشایش کار ولیت و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما و موجبات ناراحتی مرا در مورد خودم

وَلَا فِي فُلانِ.

و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که می‌خواهد به جای «فلانی» نام ببر.^۱

۱. مکارم الأخلاق: ۳۵/۲، و در مصباح المتهجد: ۵۸ و الصحيفة الصادقية: ۱۷۸ با اندکی تفاوت.

دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، هماناً و حضرت حجت علیه السلام را در بیداری یا خواب می‌بیند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخششده مهریان

أَللَّهُمَّ بَلَّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَيْنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا كَانَ، مِنْ
خداوندان؛ به مولایمان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد در

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهَلِهَا وَجَبَلِهَا، عَنَّى وَعَنْ وَالْدَيَّ،
شرق و غرب زمین، بیان و کوه آن، درود و تحيیتی از طرف من

وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ
والدین و از سوی فرزندانم و برادرانم به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی

عَرْشِ اللَّهِ، وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابَهُ، وَأَخْطَطَ عِلْمَهُ. أَللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ
عرش الهی و آنچه کتابش دربردارد و داشتنش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندان؛ همانا من

لَهُ فِي صَيْحَةٍ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامٍ حَيَا تِي، عَهْدًا
در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او عهد

وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنْقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ. أَللَّهُمَّ
و پیمان و بیعتی را که از او برگردانم است تجدید می‌کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی‌شوم و کنار هم نمی‌زنم. خداوندان؛

اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ الْذَّابِينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَشِلِّينَ لَاَوْاْمِرِهِ
مرا از یارانش و جان‌نثارانی که از او دفاع می‌کنند قرار بده، و از آنان که دستورات

وَنَوَاهِيِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشَهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ
و نهی‌هایش را در دوران حکومتش فرمان می‌برند و نیز از شهادت‌جویان در رکابش قرار بده. خداوندان؛ اگر

بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلَتْهُ عَلَىٰ عِبَادِكَ حَتَّمًا مَقْضِيًّا

بین من و او مرگ فاصله انداخت: - مرگی که برای بندگان حتمی و قطعی فرار داده ای -

فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيِّفي، مُجَرَّدًا قَنَاتِي،

پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته، شمشیرم کشیده، نیزمام آمده و بیرون کشیده شده

مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِيِّ . اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ

و دعوت دعوتکننده را در شهر باشم یا صحراء، لیک گویم. خداوندان، به من طلعت

الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَأَكْحُلْ بَصَرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ ،

راه گشا و چهره ستوده شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن،

وَعَجْلُ فَرَجَهُ، وَسَهْلُ مَخْرَجَهُ . اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَزْرَهُ، وَقُوّظَهُرَهُ ،

و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندان، پشتیش را محکم، و کمرش را قوی و نیرومند گردان

وَطَوْلُ عُمَرَهُ، وَأَعْمَرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ

و عمرش را طولانی کن و - خداوندا - به وسیله او، سرزمنی هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگان را زنده گردان؛ زیرا تو

قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

گفتی در حالی که سخن تو حق است: «فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با

أَيْدِي النَّاسِ^۱، فَأَظَاهَرَ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ،

دست خود انجام دادند. پس خداوندان، ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را

الْمُسْمَى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لا يَظْفَرَ

- که همانم است با رسولت که درودهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر چیزی

بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ، وَيُحِقَّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ .

از باطل دست نیابد مگر آن که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند و آن را محقق سازد.

أَللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ

خداوندان؛ این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را

بَعِيدًا، وَنَرَاهُ قَرِيبًا، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ .^۲

دور می بینند و ما نزدیک می بینیم؛ و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد.

۱. سوره روم، آیه ۴۱. ۲. بحار الأنوار: ۶۱/۸۶.

دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاوس در کتاب «مصابح الزائر» می‌نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فدah با آن زیارت می‌شود:

أَللَّهُمَّ بَلَّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ

خداآند؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که درودهای خدا بر او باد - از سوی تمام

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرَّهَا

مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین و در خشکی

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيْ وَوُلْدَيْ،

و دریا و بیابان و کوه، زنده و مرده آنها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم

وَعَنِّي مِنَ الصَّلَواتِ وَالْتَّحِيَاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ،

و خودم درود و تحيتی همسنگ عرش الهی، و گستردگی کلمات او

وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَخْصَاهُ كِتَابَهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. أَللَّهُمَّ

و نهایت رضایتش، و آن مقدار که کتابش گردآورده و علمش به آن احاطه دارد. بار الهاء؛

إِنِّي أَجَدَّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَهْدًا وَبَيْعَةً

در امروز و در هر روز، عهد (زیانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او

[لَهُ] فِي رَقْبَتِي. أَللَّهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي

بر گردنم است تجدید می‌کنم. خداوند؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرافراز کردی،

بِهَذِهِ الْفَضْيَلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلَّ عَلَى مَوْلَايَ

و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی، پس بر مولایم

وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ،

و آقایم صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاوران و پیروان



وَالذَّابِينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعاً

و مدافعتش قرار بده، و مرا از شهادت طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده که با تمام شوق آرزوی شهادت می‌کنند

غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفَّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ ﴿صَفًا﴾

نه با اجبار؛ در صفحی که اهل آن را در قرانت وصف کردہای و گفتی: «صف بسته‌اند،

كَانُهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾^۱ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ

گویی اینان بنیانی آهین هستند» در فرمانبرداری تو و رسولت و آل او

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. أَللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةُ لَهُ فِي عُنْقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۲

- که بر ایشان درود باد - خداوندا؛ این بیعی است برای او در گردنم تا روز قیامت.

۳۵

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالى فرجه

در تعقیب نماز صبح

شیخ بهایی در تعقیب نماز صبح می‌گوید: در حالی که محاسن خود را در دست راست گرفته‌ای و کف دست چپ را رو به آسمان بالا برده باشی، هفت مرتبه می‌گویی:

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ

ای پروردگار محمد و آل محمد؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و در

فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.^۳

فرج محمد و آل محمد شتاب فرما.

۱. سوره صفحه، آیه ۴.

۲. زاد المعاد: ۴۸۷، مصباح الزائر: ۴۵۴

بعضی از بزرگان این دعا را در بخش زیارت‌ها ذکر کرده‌اند؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان صلوات الله عليه است.

۳. مفتاح الفلاح: ۲۰۶، مصباح المتهجد: ۵۳ (با کمی تفاوت).

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

پس از نماز صبح

در «منهاج العارفین» آمده است: مستحب است نمازگزار بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۖ ۱.

خداؤندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما.

دعای دیگری برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالى فرجه

بعد از نماز صبح

عالّامه مجلسی ؑ در کتاب «مقباست» در تعقیب نماز صبح روایت می‌کند: پیش از آن که کلامی بر زیان بیاورد صد مرتبه بگوید:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار من؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی آل محمد شتاب فرما،

وَأَعْتِقْ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ ۲.

و ما از آتش رها و آزاد کن.



۱. منهاج العارفین: ۱۰۸.

۲. مکیال المکارم: ۱۳/۲.

دعاهايي که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

محدث نوری علیه السلام در «دارالسلام» می‌گوید:

عالی عامل ملا فتحعلی سلطان آبادی علیه السلام به من گفت که: فاضل مقدس پرهیزگار ملا محمد صادق عراقی علیه السلام در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبوختی از هر سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می‌باشد و قبه‌ای بر بالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حجت قائم، حضرت مهدی و امام متظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاریش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی حال خانواده‌اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود.

حضرت او را به سیدی از فرزندانش حواله کرد و به خیمه‌اش اشاره کرد. شیخ از حضور حضرت مرتّخص شده و به آن خیمه رفت. در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجّاده‌اش نشسته و در حال نیایش است.

بعد از سلام، آنچه حجت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت.

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود. سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی‌کرد از سید کناره می‌گرفت و نمی‌خواست او را ببیند.

وقتی به خانه سید و داخل شد سید را دید که بر روی سجّاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می‌گوید و استغفار می‌کند. به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده‌ای بر لب داشت، گویا قضیه را می‌داند و از اسرار پنهانی آگاه است. شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت.

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد. همیشه استاد ما دام ظله آن سید را با احترام تعریف می‌نمود، در حالی که او رادر اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱ - بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشت، هفتاد مرتبه «یا فتح» بگوید.

کفعمی نیز در کتاب «مصباح» می‌گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲ - آنچه کلینی در کتاب «کافی» آن را روایت کرده است که:

یکی از اصحاب رسول خدا چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا به او فرمودند:

چه چیزی تورا از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟
مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البته، ای رسول خدا.
حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَمِيِّ الَّذِي

هیچ جنیش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]؛ توکل کردم بر (خدای) زنده‌ای که

لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِللهِ الَّذِي لَمْ يَتَخَذْ [صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ

هرگز نمی‌میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدای است که [همسر و فرزندی ندارد،

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلُّ، وَكَبِيرٌ.

و در فرمانروایی شریکی برایش نیست، و برای او از روی خواری و ذاتی و سرپرستی نیست؛ و به بزرگی از او یاد کن.

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا ﷺ بازگشت و گفت: ای رسول خدا؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد.

۳- آنچه ابن فهد حلی در کتاب «عدة الداعی» از رسول خدا ﷺ روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند، هیچ حاجتی از خدای تعالی

نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهم او را کفایت

نماید:

بِسْمِ اللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ،

به نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد، و کارم را به خدا و اگذار می‌کنم؛

إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقِيهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا

همانا خدا نسبت به بندگان بیناست. پس خدا او را از بدی‌های آنچه مکر و حیله کرده‌اند محفوظ داشت؛ هیچ خدایی جز تو

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَا

نیست؛ پاک و منزهی تو، همانا من از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای او را اجبات کردیم و او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذِلَكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَحَسِّبْنَا اللَّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ،

از غم و اندوه رهانیدیم و این گونه مؤمنان را نیز نجات می‌بخشیم و خدا ما را کفایت می‌کند و او خوب و کیلی است.

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللهِ، وَفَضْلِ لَمْ يَمْسِسُهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللهُ لَا

پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان در حالی که هیچ بدی به آنان راه نرسید دگرگون شدند. آنچه خدا بخواهد

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، مَا شَاءَ اللهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللهُ

همان شود و هیچ جنیش و توانایی نیست مگر به سبب خدا؛ هر چه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا

وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ . حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ

بنواحد همان شود؛ هر چند مردم خوش نداشته باشند. پرورش دهنده، مرا از پرورش یافتنگان کفایت می‌کند؛

مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ

آفریننده، مرا از آفریدگان کفایت می‌کند؛ روزی دهنده مرا از روزی خواران کفایت می‌کند؛ خدابی که پروردگار

الْعَالَمِينَ ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِيُّ ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِيُّ ،

جهانیان است مرا کفایت می‌کند. کفایت می‌کند مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می‌کند مرا آن که همیشه کفایت می‌کند؛

حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُذْكُنْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبِيُّ ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

کفایت می‌کند مرا آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می‌کند؛ خدابی مرا کفایت می‌کند که جز او خدابی

هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است، زیرا که فهم و درایت و خبر، این

اذکار و دعاها را تصدیق کرده است.^۱



دعا برای ظهرور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز



امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداؤند؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل بفرماد،

نمی‌میرد تا این‌که حضرت قائم مهدی (صلوات الله عليه) را درک کند.^۲

۱. دار السلام: ۲۶۶/۲

۲. مصباح المتهجد: ۳۶۸، بحار الأنوار: ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹، و در «الصحيفة الصادقية: ۱۶۹» نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله عليه است. امامی که رسول خدا حضرت محمد علیه السلام در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آنها و عده داده که آن حضرت در آخرالزمان ظهور می‌کند.

محمد بن رهبان دبیلی روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سکری و او از عباد بن محمد مداینی نقل کرد که: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، آن حضرت دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می‌گفت:

یا سامع کل صوت، یا جامع (کل فوت)، یا بارئ کل نفس بعد

ای شنونده هر صدا؛ ای گردآورنده (هر ناید)؛ ای آفریننده هر جان و روان بعد از المَوْتِ، یا بَاعِثُ، یا وَارِثُ، یا سَيِّدَ السَّادَةِ، یا إِلَهَ الْآلَهَةِ، یا

مرگ؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث؛ ای آقا و سور و آقایان؛ ای معبد معبدوها؛ ای جَبَارَ الْجَبَابِرَةِ، یا مَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، یا رَبَّ الْأَرْبَابِ، یا مَلِكَ

چیره و متسا ط بر چیره‌شوندگان؛ ای پادشاه دنیا و آخرت؛ ای پورش‌دهنگان، ای پادشاه المُلُوِّکِ، یا بَطَاشُ، یا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِیدِ، یا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، یا

پادشاهان؛ ای بسیار سخت‌گیر؛ ای صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، یا مَنِ السُّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَّةُ،

شارشگر تعداد نفس‌ها و حرکت و جایگاهی قدم‌ها؛ ای کسی که پنهان در نزد او آشکار است؛

یا مُبِدِّیُ، یا مُعِيدُ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می‌خواهم به حق خودت بر بندگان برگزیدهات از میان آفریدگان،

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ
 و به حقی که برای ایشان بر خودت لازم کردی؛ که بر محمد
وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَنْ تَمْنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ
 و اهل بیت ش درود بفرستی که سلام بر او و بر آنان باد، و در همین ساعت، در همین ساعت بر من منت گذاشته
بِفِكَارِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيْكَ وَابْنِ نَبِيْكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ
 و مرا از آتش، رها کنی؛ و برای ولی خودت و فرزند پیامبر خودت که دعوت کننده به سوی تو
بِإِذْنِكَ، وَأَمِنِيْكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى
 به اجازه تو و امانت دارد در میان خلق تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجت تو بر
خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعَدَهُ. اللَّهُمَّ أَيْدِهِ بِنَصْرِكَ،
 آفریدگان تو است - که درودها و برکات تو بر او باد - وعدهات را انجام بده. خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن،
وَانْصُرْ عَبْدَكَ، وَقُوّ أَصْحَابَهُ وَصَبَرْهُمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
 و بندهات را یاری نما، و اصحابش را قوت بخش و آنان را شکیباً عنایت کن؛ و برای ایشان از نزد خودت
سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمْكِنْهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ
 قدرت یاری کنندهای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن، و او را بر دشمنان و دشمنان
رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 رسولت مکنت و قدرت ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا نمودید؟ حضرت فرمود:

برای نور آل محمد ﷺ و پیشو و جلودار و انتقامگیرنده از دشمنان آل
محمد به امر خدا، دعا کردم.

گفتم: فدایت شوم؛ کی خروج می کند؟

حضرت فرمود: هرگاه آن که آفرینش و امور عالم در دست اوست، بخواهد.

گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ نشانه های مختلفی هست. گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از غرب و فتنه ای که
بر اهل «زوراء» سایه می افکند، و خروج مردی از فرزندان عمومیم زید در یمن، و به

تاراج رفتن پرده بیت الحرام^۱، و خداوند هر چه بخواهد، انجام می‌دهد.^۲

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: از این دعا چند چیز استفاده می‌شود:

اول: مستحب است دعا کردن در حق حضرت حجت صلوات الله علیه و درخواست تعجیل فرج آن حضرت بعد از نماز ظهر.

دوم: مستحب است بالا بردن دست‌ها هنگام دعا برای حضرت حجت ارواحنا فداء.

سوم: مستحب است شفیع گرفتن ائمه و درخواست کردن به حق ایشان، قبل از طلب حاجت.

چهارم: مستحب است حمد و ستایش خدای عزوجل در ابتدای دعا.

پنجم: مستحب است مقدم داشتن صلوات بر محمد و آل محمد^{علیهم السلام} بر طلب حاجت.

ششم: پاک کردن روان از گناهان به وسیله استغفار و مثل آن؛ تا روان پاک و برای اجابت آماده شود. شاهد این مطلب، طلب مغفرت و رهایی از آتش است که امام علی^{علیه السلام} درخواست نموده است.

هفتم: منظور از ولی مطلق که بدون اضافه و قید باشد در گفتار ائمه^{علیهم السلام} و دعای ایشان همان مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء است.

هشتم: مستحب است دعا کردن در حق اصحاب و یاوران حضرت.

نهم: امام صلوات الله علیه در هر حالی شاهد بر اعمال بندگان است، آن‌ها و رفتارشان را می‌نگرد که جمله «چشم تو در میان بندگانت» به آن اشارت و دلالت دارد.

دهم: یکی از القاب حضرت حجت ارواحنا فداء نور آل محمد^{علیهم السلام} است؛ در روایات نیز شاهد بر آن وجود دارد؛ محقق نوری^{علیه السلام} بعضی از آن‌ها را در کتابش بنام «نجم الثاقب» ذکر کرده است.

یازدهم: آن حضرت ارواحنا فداء بعد از امیر مؤمنان علی^{علیه السلام}، امام حسن و امام حسین^{علیهم السلام} افضل و برتر از دیگر ائمه^{علیهم السلام} می‌باشد و روایات دیگری نیز آن را تأیید می‌کند.

۱. بحار الأنوار: ۶۲/۸۶، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸، البلد الأمين: ۲۷.

۲. مکیال المکارم: ۱۱/۲.

۱۴

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالى فرجه پس از نماز عصر

سید بن طاووس در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از اذکار مهم بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولای مان حضرت موسی بن جعفر در دعا نمودن برای مولای مان حضرت مهدی صلوات الله عليه است.

چنان‌که یحیی بن فضل نویلی روایت کرده است که گفت: در بغداد برابر الحسن موسی بن جعفر - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم. دیدم دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می‌گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلَا وَلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ

تو خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، اول و آخر و ظاهر و باطن تویی؛

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَتَقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

خدایی هستی که معبدی جز تو نیست؛ فرونی و کاستی چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعْوَنَةٍ مِّنْ غَيْرِكَ، وَلَا خَاجَةٍ

هستی که معبدی جز تو نیست؛ آفرینش را بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛

إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ. أَنْتَ

تو خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، مشیت از توست و آغاز کردن بستگی به تو دارد. تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، قبل از هر قبلی بودهای و تو آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی

أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَمْحُو مَا

هستی که معبدی جز تو نیست، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، هر چه را

تَشَاءُ وَتُثِبُّ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ

بخواهی محو یا اثبات میکنی و ام الكتاب نزد توست، تو خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، نهایت

كُلٌّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ

وارث هر چیزی؛ تو خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، هیچ چیز کوچک

وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ الْلُّغَاتُ،

و بزرگ از نظرت پنهان نمیماند؛ تو خدایی هستی که معبدی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمیماند

وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ. كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَاءٍ، لَا يَشْغَلُكَ

و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمیانداز. هر روز تو در شآن و کاری هستی که هیچ

شَاءٌ عَنْ شَاءٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،

شآنی تو را از شآن دیگر باز نمیدارد. دنای غیب و پنهانیها، پاداش دهنده کار، تدبیرگر امور،

بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

برانگیزندۀ افرادی که در قبرهایند، زنده کننده استخوان‌ها در حالی که بودرو خاکستر شده‌اند تو هستی؛ از تو

الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيْوَمِ، الَّذِي لَا يَخِبُّ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ،

می‌خواهم به اسم پنهان ذخیره‌شدۀات، که زنده و پاینده است، که هر کس تو را به آن نام بخواند ناامید نمی‌شود؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج و گشایش در کار انتقام گیرندهات از

أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ.

دشمنان را تعجیل فرمایی و آنجه به او وعده دادهای به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت؛

یحیی بن فضل می‌گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید؟ حضرت فرمود:

برای مهدی آل محمد ﷺ.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر، ابروهای به هم پیوسته است؛ ساق باریک؛ شانه‌های پهن و رنگ گندمگون دارد که به خاطر شبزنده‌داری کمی مایل به رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می‌رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد؛ چرا غ فروزنده در تاریکی‌ها است؛ پدرم فدای قیام‌کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می‌کند؟ حضرت فرمود:

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمدند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه‌های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه‌ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکم‌ش را به تأخیر بیندازد.^۱



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی‌الله مقامه می‌گوید: مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز،

این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ وَلَمْ يُسأَلْ مِثْلُكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسَائِلِ الْمُسَائِلِينَ

خداوند؛ همانا من از تو می‌خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سوال شود. تو محل خواسته درخواست کنندگانی

وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ

و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می‌زنم در حالی که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم

وَلَمْ يُرْغَبِ إِلَى مِثْلِكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ

در حالی که کسی چون تو نیست که به او میل شود؛ تو اجابتگر دعای بیچارگانی و مهربان ترین

۱. فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۳۵ و البد الأمين: ۵۱ با تفاوتی.

الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجَحِهَا وَأَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ

مهربانی. از تو می خواهم به برترین خواسته‌ها و کامیاب‌ترین و بزرگ‌ترین خواسته‌ها. ای خدا؛

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى، وَأَمْثَالِكَ الْعُلِيَا، وَنَعَمَكَ

ای بخشندۀ؛ ای مهربان؛ و به نامهای نیکویت و مثلهای بلندمرتبهات و نعمت‌هایت

الَّتِي لَا تُحْصَى. وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَأَقْرَبِهَا

که به شمارش نیاید، و به گرامی‌ترین نامهایت، و محبوب‌ترین آن‌ها نزد تو و نزدیک‌ترین آن‌ها از

مِنْكَ وَسِيلَةً، وَأَشْرَفَهَا عِنْدَكَ مَنْزَلَةً، وَأَجْزَلَهَا لَدَيْكَ شَوَابًا،

نظر وسیله‌بودن به سوی تو، و باشرافت‌ترین آن‌ها نزد تو از نظر قدر و منزلت، و فراوان‌ترین آن‌ها از نظر پاداش،

وَأَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِ الْأَجَلُ

و سریع‌ترین آن‌ها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان بزرگ‌تر، عزیزتر، بزرگوارتر،

الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ، وَتَرْضِي بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ،

عظیم‌تر و گرامی‌تر است که آن را دوست می‌داری و می‌خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود

فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَلَا تُرْدَهُ.

می‌شوی و دعايش را اجابت می‌کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی.

وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ

و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور و قرآن

الْعَظِيمِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتُكَ، وَأَنْبِيَاُوكَ

عظیم؛ و به هر اسمی که حاملان عرش و فرشتگان و پیامبران

وَرْسُلُكَ، وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و فرستادگان و مخلوقات فرمانبردارت تو را به آن اسم می‌خواند؛ که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَتُعَجِّلَ حِزْيَ أَعْدَائِهِ.

محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.

در اینجا هر چه دوست داری دعاکن.^۱

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال الصالحين» اضافه‌ای برای

این دعا یافتم که چنین است: وَتَجْعَلُنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَتَرْزُقَنَا

وَمَا رَا از اصحاب و بارانش قرار بدھی و به

بِهِ رَجَاءَنَا، وَتَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا.^۱

واسطہ او اید ما را برآورده و ارزانی داری، و دعای ما را اجابت کنی.

مرحوم کفعمی گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود.^۲



دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالى فرجه

بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب، دو سجدۀ شکر می‌گذاری و در آن دو سجدۀ صد

مرتبه می‌گویی: «ما شاء الله، ما شاء الله»؛ سپس این دعا را می‌خوانی:

يَا رَبّ، أَنْتَ اللَّهُ، مَا شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای پروردگار من؛ تو خداوندی، هر چه از امور بخواهی انجام می‌شود؛ پس بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِيمَا تَشَاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُحَمَّدٍ،

وآل محمد درود فرست، و برایم در آنچه می‌خواهی این را قرار بده که فرج آل محمد را تعجیل فرمایی

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتَجْعَلَ فَرَجِي وَفَرَجَ إِخْوَانِي مَقْرُونًاً

- که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد - و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با

بِفَرَجِهِمْ، وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. و برای هر چه دوست داری دعا کن.^۳

فرج آل محمد قرار دھی و برای من (چنین و چنان) کنی.

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می‌شود و نیز

دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می‌شود نقل می‌کنیم.

۱. مکیال المکارم: ۱۴/۲. المصباح: ۷۵.

۲. مصباح المتهدج: ۱۴۵.

۳. مصباح المصباح: ۱۴۵.

بخش چهارم

... بعداز دور کمعتاد از ندان زنش بشیب



دعا ہائی ایام ہفتہ

مختصر
دریں بخشان





۱۷

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالى فرجه
در روزهای پنجشنبه

سید بن طاووس رض می‌نویسد: از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار ببر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

خداوند؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۱۸

صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء
از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رض می‌نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این گونه:

. ۱. جمال الأسبوع: ۱۲۱

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ

خداوند: بر محمد و آل محمد درود فrust و فرج ایشان را تعجیل فرما و

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ.

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرين هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگوید فضیلت بسیاری دارد.^۱

کفعمی نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره

«قدر» را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر ﷺ و آل او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که

ذکر کردیم بخواند.^۲



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء

در شب جمعه

شیخ ابو جعفر طوسی در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را
نقل می کند می فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر ﷺ صلوات می فرستی:

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ

خداوند: بر محمد و آل محمد درود فrust و فرج ایشان را تعجیل فرما و

عَدُوَّهُمْ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ.^۳

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرين هلاک گردان.



۱. مصباح المتهجد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

۲. المصباح: ۱۷۷.

۳. مکیال المکارم: ۳۱/۲.

حکایت دعای علوی مصری

سید جلیل القدر رضی الدین علی بن طاووس علیه السلام در «مهج الدعوات» می‌گوید:
دعای علوی مصری را در کتابی قدیمی - که نویسنده‌اش خود را حسین بن علی
بن هند معرفی کرده و گفته آن را در شوال سال سیصد و نود و شش نوشتہام - یافتم،
نویسنده سند دعايش را اين گونه بيان کرده است:

دعایی است که مولای مان امام متظر صفات الله علیه به مردی از شیعیان خود که گرفتار
ظلم و ستم بود در خواب آموخته است و خداوند برای او گشايشی ایجاد کرد و
دشمنش را کشت ...

سید اجل فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت
و بزرگ خوانده می‌شود.

سید بن طاووس علیه السلام به دو طریق این دعا را نقل می‌کند و می‌فرماید: ابوالحسن علی
بن حماد بصری گفت: ابوعبدالله حسین بن محمد علوی به من خبر داد که: محمد بن
علی علوی حسینی مصری برایم گفت: غم و اندوه شدید و پیش آمد ناگواری از طرف
یکی از ملوک دیارم به من رسید به طوری که تمام فکرم را به خود مشغول کرده بود و
بسیار هراسناک بودم و هرگز امیدی برای رهائی خویش نداشتم.

به زیارتگاه سرورانم و پدرانم علیهم السلام در عراق رفتم، و پناهنده به ایشان و قبورشان
گشتم، و از بلای بزرگ کسی که از او می‌ترسیدم به آن جا پناه آوردم و پانزده روز در
حالی که شب و روز دعا و گریه و ناله می‌کردم در آن جا اقامت کردم که قائم زمان و
ولی رحمان علیه وعلی آبائه افضل التحیة والسلام در بین خواب و بیداری نزدم آمده و خود را به
من نشان داد و فرمود: ای فرزندم؛ آیا از فلاں می‌ترسی؟

گفتم: آری، به من چنین و چنان قصدی نموده است و من به سروران و
موالیانم علیهم السلام روی آورده و به ایشان شکایت می‌کنم تا مرا از شر او خلاص کنند.

حضرت فرمود: چرا خدا را که پروردگار تو و پروردگار پدرانت می‌باشد با
دعاهایی که اجدادم پیامبران صفات الله علیهم هنگام شدت و گرفتاری می‌خوانند و رفع

گرفتاری از آن‌ها می‌شد نمی‌خوانی و دعا نمی‌کنی؟

گفتم: آن‌ها چگونه دعا می‌کردند تا من هم دعا کنم؟

حضرت فرمودند: چون شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نمازت را بخوان و چون از سجده شکر فارغ شدی در حالی که بر سر دو زانویت نشسته‌ای، این دعا را با تصریع و ناله بخوان.

محمد بن علی گفت: آن حضرت، پنج شب پیاپی نزد من آمد و این دعا را برايم تکرار کرد تا آن که حفظ کردم و آمدنش را در شب جمعه قطع کرد؛ پس برخاستم و غسل کردم و لباسم را عوض کرده و خود را خوشبو نمودم و آن چه از نماز شب بر من لازم بود بجا آوردم و بر زانوهایم نشسته و خدا را با این دعا خواندم.

شب شنبه نیز به صورت شب‌های گذشته آن حضرت نزد من آمد و به من فرمود: ای محمد؛ دعايت مستجاب شد و دشمنت کشته شد، و چون از دعا فارغ شدی خداوند عزّوجلّ او را هلاک کرد.

محمد بن علی گفت: چون صبح شد هیچ اندوهی نداشتم مگر غم و داع سرو رانم علیه السلام و بازگشتن به سوی منزلی که از آن گریخته بودم. وقتی مقداری از راه را طی کردم فرستاده فرزندانم را دیدم و نامه‌های آنان به دستم رسید که نوشته بودند: مردی که از او گریختی در مجلسی که برقرار کرده بود گروهی را جمع کرد و بعد از آن که همه خوردند و نوشیدند و پراکنده شدند، او با غلامان خود آن جا خوابیدند.

صبح که شد هیچ حسّ و حرکتی از او شنیده نشد؛ پرده از صورتش کنار زدند و دیدند که از پشت سر ذبح شده است و خونش روان است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاده است و نمی‌دانند چه کسی آن کار را کرده است؟ فرزندانم از من خواسته بودند هرچه سریع تر به خانه برگردم.

وقتی به خانه رسیدم درباره زمان این حادثه پرسیدم و دانستم درست هنگام فراغ من از دعا بوده است.^۱

۱. مهج الدعوات: ۳۳۴، جنة المأوى: ۲۲۷.

دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه

که در گرفتاری‌های شدید خوانده می‌شود

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُحِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ،

پروردگار؛ چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو درخواست کرد و به او عطا نکردی؟

وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّمَتْهُ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدَهُ . وَرَبِّ

و چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را نامید ساختی یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من؛

هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ، مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوّهِ وَإِذْعَانِهِ

این فرعون، صاحب قوت‌هاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی‌اش و ادعای

الرُّبُوبِيَّةِ لِنَفْسِهِ، وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يُتُوبُ، وَلَا يَرْجِعُ وَلَا يُؤْتُوبُ،

ربویت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی‌کند و باز نمی‌گردد و نمی‌آید

وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ، إِسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًاً

و ایمان نمی‌آورد و خشوع نمی‌کند، دعاها را اجابت کرده و خواسته‌اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری

مِنْكَ وَجُودًا، وَقِلَّةَ مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ،

و بخششی که داشتی و کم مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛

أَخْذًا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأْكِيدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ، وَاسْتَطَالَ

تا حجت را بر او تمام ساخته و تأکید کرده باشی وقتی که تباھی و فساد کرد و کفر ورزید و

عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ، وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمُ افْتَخَرَ، وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ،

بر فومنش زورگویی کرد و سرکشی نمود و به کفر خود برای شان فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود، تکبر ورزید

وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَحْكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ، أَنَّ

و به سبب برداری تو درباره‌اش سرپیچی و گردنه‌کشی نمود، پس مقرر کرد و بر خود با جرأت حکم کرد که همانا

جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرِقَ فِي الْبَحْرِ، فَجَزِيَّتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ.

کیفر مثل او (در کفر و تکبر) این است که در دریا غرق شود؛ پس او را کیفر دادی به آنچه خود بر خودش حکم کرد.

إِلٰهٖنَا عَبْدُكَ، إِنْ عَبْدٌكَ وَإِنْ أَمْتَكَ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ،

خداي من؛ و من بندۀ تو هستم؛ فرزند بندۀ و فرزند کنیز تو؛ به بندگی تو اعتراف می‌کنم؛

مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقٌ، لَا إِلَهٌ لِي غَيْرُكَ، وَلَا رَبٌّ لِي سِواكَ،

اقرار دارم به این که تو خداي آفریننده من هستي؛ هچ معبودي برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاري برایم غیر از تو نیست؛

مُوقِنٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّيُّ، وَإِلَيْكَ مَرْدِيٌّ وَإِيَابِيٌّ، عَالِمٌ بِأَنَّكَ

یقین دارم که همانا تو خداوندي و پروردگار من هستي و بارگشت و رجوع به سوي توست؛ می‌دانم که

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، لَا مُعَقَّبٌ

بر هر چيزی توانامي و هر چه بخواهي انجام می‌دهي و هر چه اراده کني حکم می‌نمایي؛ به تاخیر اندازنهای نیست

لِحُكْمِكَ، وَلَا رَادَ لِقَضَائِكَ، وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ

حکم تو را، و ردندهای نیست فرمان تو را؛ و می‌دانم همانا تو اول و آخر و ظاهر

وَالْبَاطِنُ، لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ، وَلَمْ تَبِنْ عَنْ شَيْءٍ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ

و باطن هستي؛ از چيزی به وجود نیامدي و از چيزی ساخته نشدي؛ پيش از هر چيزی بودي

شَيْءٍ، وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ، خَلَقْتَ

و تو بعد از هر چيز خواهي بود؛ و ايجادکننده هر چيزی هستي؛

كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. وَأَشَهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ

هر چيزی را به اندازه و مقدار آفريди و تو شنواي ببينامي. و گواهی می‌دهم که تو اين گونه

كُنْتَ وَتَكُونُ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيْوُمٌ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ،

بودي و خواهي بود؛ و تو زنده پايندهاي؛ چرت و خواب تو را فرا نمي‌گيرد؛

وَلَا تُوَصِّفُ بِالْأَوْهَامِ، وَلَا تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ، وَلَا تَقْاسُ بِالْمِقْيَاسِ،

و با خيالات و توهّمها وصف نمي‌گردي؛ و با حواس درک نمي‌شوي؛ و با مقیاسي قیاس نمي‌شوي؛

وَلَا تُشَبِّهُ بِالنَّاسِ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَبْدُكَ وَإِمَاؤُكَ، أَنْتَ الرَّبُّ

و به مردم تشبيه نمي‌گردي؛ و اين که تمام آفريگان، بندگان و کنیزان تو هستند؛ تو پروردگاري

وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ، وَأَنْتَ

و ما پرورش يافتنگان تو، و تو آفرینندهاي و ما آفريده شده؛ و تو

الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ. فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي، إِذْ خَلَقْتَنِي

روزی دهنده‌ای و ما روزی خوار. پس حمد و ستایش توراست ای خدای من؛ چون مرا

بَشَرًا سَوِيًّا، وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا صَبِيًّاً،

بشری درست و بی‌عیب آفریدی و مرا بی‌نیاز و کفایت‌شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودی،

تَقْوُتُنِي مِنَ الشَّدْيِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَغَذَّيْتَنِي غَذَاءً طَيِّبًا هَنِيًّاً،

شیر‌گوارا را از پستان مادر خوارگ من قرار دادی و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی

وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثَالًا سَوِيًّاً. فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ،

و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی. پس حمد مخصوص توست؛ حمدی که اگر شمرده شود به شمارش نیاید

وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَسْعَ لَهُ شَيْءٌ، حَمْدًا يَفْوَقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدٍ

و اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش‌های

الْحَامِدِينَ، وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلَى

ستایشگران باشد و بر ستایش هر چیزی برتری یابد و بر تمام آنها بلندمرتبگی و بزرگی کند؛

ذِلِكَ كُلِّهُ، وَكُلُّمَا حَمَدَ اللَّهَ شَيْءٌ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

و هر گاه چیزی خدا را ستایش کند. و حمد و ستایش خداراست آن‌طور که خدا دوست می‌دارد که

يُحَمَّدَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَزِنَةً أَجَلًا مَا

حمد شود، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم وزن آیچه آفرید و هم وزن بزرگ‌ترین چیزی که

خَلَقَ، وَبِوَزْنِ أَخْفَى مَا خَلَقَ، وَبِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

خلق کرد و به وزن سبک‌ترین چیزی که آفرید و به تعداد کوچک‌ترین مخلوقاتش. و حمد و ستایش خداراست

حَتَّى يَرْضَى رَبِّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ

به قدری که پروردگارمان راضی شود و پس از رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می‌خواهم که بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي، وَيَتُوبَ

و آل محمد درود فرستد و گناهم را ببخشد و کارم را سپاس گزارد، و توبه‌ام را بیندیرد؛

عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ. إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ وَأَسْأَلُكَ

همانا او توبه‌پذیر مهریان است. خدای من؛ همانا من تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم



بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُونَا أَدْمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ

- به آن نامت که (بنده) برگزیدهات پدرمان آدم - که بر او درود باد - تو را به آن نام خواند و در حالی که

مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيْةَ، فَغَفَرَتَ لَهُ خَطِيْتَهُ، وَتُبَتَّ

گناه کار و ستم کننده بر نفس شد وقتی که خطا از او سر زد پس خطاپیش را بخشیدی و توبه اش را پذیرفتی

عَلَيْهِ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ

و دعايش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، - که

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَعْفِرَ لِي خَطِيْتَيِ وَتَرْضِي

بر محمد و آل محمد درود فرستی و خطاپیم را ببخشی و از من راضی و خشنود شوی؛

عَنِّي، فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي، فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ

و اگر از من راضی نمی شوی، پس مرا مورد غفو خود قرار دهی که همانا من گنه کار ظالم، خطاکار

عَاصِ، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ، وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ، وَأَنْ

سرکش هستم؛ و آقا بندهاش را عفو می کند در حالی که از او راضی نیست؛ و (می خواهم) که

تُرْضِي عَنِّي خَلْقَكَ، وَتُمْيِطَ عَنِّي حَقَّكَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

آفریدگانست را از من راضی گردانی و حقت را از من برداری. خدای من؛ و از تو می خواهم به آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلَتَهُ صِدِّيقًا نَبِيًّا،

که به وسیله آن، ادريس - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را تصدیق کننده و پیامبر قرار دادی،

وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و در مرتبه بلندی بالا بردي؛ و دعايش را اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَابِي إِلَى

نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و محل بازگشتم را به سوی

جَنَّتِكَ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ، وَتُسْكِنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ، وَتُرْزُوْجَنِي

بهشت خوش قرار دهی، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت خوش ساکن گردانی، و

مِنْ حُورِهَا، بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

از حوریه اش برایم تزویج کسی، با توانایی ات ای خدای توانا. خدای من؛ و از تو می خواهم به واسطه آن نامت که

دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنَّى مَغْلُوبٌ فَانْتَصَرْ * فَفَتَحْنَا

نوح به آن نام تو را خواند؛ آن هنگام که پروردگارش را ندا داد: «من شکست خورده‌ام پس باری برسان» در این هنگام

أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ * وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَ

درهای آسمان را با آبی فراوان و ریزان گشودیم * و زمین را شکافتیم و چشمدهای زیادی بیرون فرستادیم و این

الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ *، وَنَجَّيْتَهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسْرِ،

آبها به اندازه مقدار یا هم آمختند» و سوار بر جزی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها بود (کشتی) نجاتش دادی،

فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

پس دعايش را اجابت نمودی و تو پیوسته به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِيَنِي مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي،

محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از ستم آن که می‌خواهد به من ستم کند نجات دهی،

وَتَكْفُّ عَنِي بِأَسَ مَنْ يُرِيدُ هَضْمِي، وَتَكْفِيَنِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ

و مرا از شر و عذاب آن که شکستم را می‌خواهد، نگه داری، و مرا کفایت کنی از شر هر سلطان

جَاهِرٍ، وَعَدُوٌّ قَاهِرٍ، وَمُسْتَخِفٌ قَادِرٍ، وَجَبَارٍ عَنِيدٍ، وَكُلُّ شَيْطَانٍ

ستم‌پیشه و منحرف، و دشمن چیره‌شونده، و خوارکننده پرتوان، و زورگوی ستزه‌گر، و هر شیطان

مَرِيدٍ، وَإِنْسِيٌّ شَدِيدٍ، وَكَيْدٌ كُلٌّ مَكِيدٍ، يَا حَلِيمٌ يَا وَدُودٌ. إِلَهِي

سرگش و نافرمان و هر انسان سخت‌گیر، و مکر هر حیله‌گر، ای بربار؛ ای بسیار مهریان؛ خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صَالِحٌ عَلَيْهِ

از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت که به آن نام بنده و پیامبر تو حضرت صالح - که بر او

السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ، وَأَعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ، وَاسْتَجَبْتَ

دروبد باد - تو را خواند؛ پس او را از فرو رفتن (خواری و نقصان) نجات دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی،

دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و دعايش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرٍّ مَا يُرِيدُنِي أَعْذَائِي بِهِ، وَسَعِيَ

محمد درود فرستی، و مرا از شر آنچه دشمنانم نسبت به من می‌خواهد و حسودانم تلاش می‌کنند

بِي حُسْنَادِي، وَتَكْفِينِهِمْ بِكِفَايَتِكَ، وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَائِتِكَ، وَتَهْدِي

رها گردانی، و به کفایت خود مرا از آنان کفایت کنی، و به ولایت خود مرا سرپرستی نمایی،

قَلْبِي بِهُدَاكَ، وَتُؤْيِّدَنِي بِتَقْوَاكَ، وَتُبَصِّرَنِي (وَتَصْرِنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ،

و قلمی را به هدایت خود هدایت سازی، و به تقوای خود مرا نیرو بخشی، و مرا در آنجه رضای توست بینا و آگاه گردانی،

وَتُغْنِينِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ إِلٰهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

و به بینازی خود مرا بیناز سازی، ای بردمبار؛ خدای من؛ از تو می خواهم به واسطه آن استم که به آن اسم،

عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ أَرَادَ نُمْرُودُ

بنده و پیامبر و دوست حضرت ابراهیم - که بر او درود باد - تو را خواند، هنگامی که نمروود

إِلٰهَ النَّارِ، فَجَعَلْتَ لَهُ النَّارَ بَرْدًا وَسَلَاماً، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ

خواست او را در آتش بیندازد؛ پس، آتش را بر او سرد و سلامت قرار دادی، و

دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

دعایش را اجابت کردی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهِبِّيهَا، وَتَكْفِينِي

محمد درود فرستی، و حرارت آتشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی

حَرَّهَا، وَتَجْعَلَ نَائِرَةً أَعْدَائِي فِي شَعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ، وَتَرْدَدُ

واز حرارت ش را کفایت کنی، و آتش فتنه انگیز دشمنانم را در لباس های زیر و روی شان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی،

كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ، وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ

و نیرنگشان را به خودشان بازگردانی، و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که برکت دادی

عَلَيْهِ وَعَلَى أَلِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ إِلٰهِي

بر او و بر دودمانش؛ همانا تو بسیار بخشندۀ، ستوده شده و باشکوه و عظمتی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ

از تو می خواهم به آن نامی که به واسطه آن، اسماعیل - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را

نَبِيًّا وَرَسُولًا، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى،

پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش محل عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی،

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحٍ^۱، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ،
و دعايش را اجابت نمودي، او را از قرباني شدن نجات بخشيدی، و از رحمت و لطف خود وي را مقرب ساختي،

وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
و تو به او نزديک بودي، اي نزديک، (مي خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستي

وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي، وَتَحْطُّ عَنِّي وِزْرِي، وَتَشْدِّدَ لِي أَزْرِي،
و قبرم را وسعت دهي و بار سنگين گناه را از من برداري و بشتم را محكم سازی،

وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَاطٌ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعِفِ
و گناهم را بخششی و توبه را روزيم کني با فور بختن زشتیها و بدیها و افزون خوبیها و

الْحَسَنَاتِ، وَكَشْفِ الْبَلِيلَاتِ، وَرِبْحِ التِّجَارَاتِ، وَدَفعِ مَعَرَّةِ
نيکیها و برطرف کردن بلاها، و سود تجارتها، و دورکردن بدیها و اذیتهای

السَّعْيَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَقَاضِي
سخن چينیها: همانا تو اجابتگر دعاها و فرو فرستنده برکتها، و برآورندۀ

الْحَاجَاتِ، وَمُعْطِي الْخَيْرَاتِ، وَجَبَارُ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ
 حاجتها، و بخشندۀ خیرات و خوبیها، و جبار و حاکم آسمان هاي. خدای من؛ از تو می خواهم

بِمَا سَأَلَكَ بِهِ أَبْنُ خَلِيلَكَ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي نَجَّيْتَهُ
به آنچه که به واسطۀ آن از تو خواست فرزند دوست استماعيل - که بر او درود باد - آن کسی که او را

مِنَ الذَّبْحِ، وَفَدَيْتَهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ، وَقَلَبْتَ لَهُ الْمِشَقَصَ حِينَ (حَتَّى)
از کشته شدن نجات بخشيدی، و قرباني بزرگ را از طرف او فديه قرار دادي و برای او کارد را برگرداندی؛ هنگامی که

نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذِبْحِهِ، رَاضِيًّا بِأَمْرِ وَالِّدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،
با توانی کرد در حالی که یقین به کشته شدن خود داشت و راضی به امر پدرش بود؛ پس دعايش را برای او اجابت نمودي

وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
و تو به او نزديک بودي، اي نزديک، (مي خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستي

وَأَنْ تُنْجِيَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلَيْةٍ، وَتَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَةٍ
و مرا از هر بدی و بلای نجات دهی و هر تاريکی شديد را از من بازگردانی

۱. الذَّبْح - به فتح ذال - يعني کشته شدن، و به کسر ذال: يعني چيزی که کشته می شود.

وَخِيمٌ، وَتَكْفِينِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَا
وَكْفَيْتُمْ كُنِيْ أَنْجَهَ رَا ازْ أَمُورِ دُنْيَا وَآخِرَتِمْ كَهْ مَرَا اندوهگین ساخته است، وَأَنْجَه
أَحَادِرُهُ وَأَحْشَاهُ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، بِحَقِّ الْأَلِ يَسِ . إِلَهِي
از آن پرهیز می‌کنم و می‌ترسم، و از شَرِ هَمَةِ آفریدگانت به حَقِّ الْأَلِ مُحَمَّدَ لَبَّیْلَهُ . خَدَایِ منْ؛
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَجِيْتَهُ
از تو می‌خواهم به آن نامت که به واسطه آن، لوط - که بر او درود باد - تو را خواند، پس او
وَأَهْلُهُ مِنَ الْخَسْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمَثْلَاتِ وَالشَّدَّةِ وَالْجُهْدِ،
و اهلش را از فورقتن (در زمین) و بیان شدن (خانه‌ها) و شکنجه‌ها و سختی و مشقت نجات دادی
وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،
و او و اهلش را از گرفتاری بزرگ رهانیدی، و دعايش را اجابت نمودی،
وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبًا، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی،
وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا شَتَّتَ مِنْ شَمْلِي، وَتُقْرِئَ عَيْنِي بِوَلَدِي
و مرا اجازه دهی به جمع نمودن تمام کارهای پراکنده‌ام، و دیده‌ام را به فرزندم
وَأَهْلِي وَمَالِي، وَتُصْلِحَ لِي أُمُوري، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ
و خانواده‌ام و مالم روشن گردانی، و امورم را اصلاح کنی، و تمام حالاتم را مبارک گردانی،
أَخْوَالِي، وَتَبَلَّغَنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي، وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ،
و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی،
وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُضْطَفِينَ الْأَخْيَارِ، الْأَئْمَةِ الْأَبْرَارِ،
و مرا کفایت کنی از بدکاران، به واسطه برگزیدگان نیکان، (یعنی) امامان نیکوکار
وَنُورِ الْأَنُوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، الْأَئْمَةِ
و روشنی‌بخش روشنی‌ها، محمد و آل او که پاکان و پاکیگان و نیکان‌اند، پیشوایان
الْمَهْدِيَّينَ، وَالصَّفُوةِ الْمُنْتَجَبِينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ،
هدایتگر، و برگزیدگان نجیبان - که درودهای خدا بر تمامشان باد - هستند.

وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ، وَتَمْنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُوَفِّقَ لِي

و همنشینی آنان را روزی من گردانی، و بر من به رفاقت و همراهی آنان مت گذاری، و مرا موفق به

صُحْبَتِهِمْ، مَعَ أَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِكَ

همدمی و همنشینی ایشان نمایی، با پیامبران رسالت داده شده، و فرشتگان مقربت، و بندگان

الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَالْكَرْوَبِينَ.

نیکوکار و صالحت، و تمام فرمادردان تو و حاملان عرشت و فرشتگان کزوپیان.

إِلَهِي وَأَسَالُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَقَدْ كُفَّ بَصَرُهُ

خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامت که به واسطه آن، یعقوب از درخواست کرد، در حالی که چشمش کور شده

وَشَتَّتَ شَمْلَهُ (جَمْعُهُ)، وَفَقِدَ قُرَّةُ عَيْنِهِ ابْنُهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،

و اجتماععش پراکنده شده، و نور چشمش (یعنی) پرسش گم شده بود؛ پس دعایش را اجابت نمودی

وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

و پراکنگی او را جمع نمودی، و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبٌ، أَنْ تَصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْذَنَ لِي

ای نزدیک؛ (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در

بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَتُقْرَرَ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي،

جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن نمایی،

وَتُصْلِحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَتُبَلَّغَنِي

و تمام کارهایم را اصلاح کنی، و همه حالات و تحولات زندگی را برایم مبارک گردانی، و مرا به تمام

فِي نَفْسِي اَمَالِي، وَتُصْلِحَ لِي أَفْعَالِي، وَتَمْنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ، يَا

آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من مت گذاری ای بزرگوار؛ ای

ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

صاحب بزرگی‌ها و برتری‌ها؛ به رحمت تو ای مهریان ترین مهریان؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ،

که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی،

وَنَجَّيْتَهُ مِنْ غَيَّابِ الْجُبٍ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ اخْوَتِهِ،
وَاوْ را از اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت کرده
وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا
و بعد از بندگی و برداشت او را پادشاه قرار دادی، و دعايش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی
يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنِي
ای نزدیک، (می خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و
كَيْدَ كُلَّ كَائِدٍ، وَشَرَّ كُلَّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي
نیزگ هر حیله‌گر، و شتر هر حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛
وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ
از تو می خواهم به آن نامت که به آن نام، بند و پیامبر موسی بن عمران تو را خواند
إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ
آن هنگام که گفتی - ای پاک و بلندمرتبه - «ما او را از طرف راست کوه طور فرا خواندیم
وَقَرَبَنَاهُ نَجِيًّا، وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبْسَأً، وَنَجَّيْتَهُ
و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم و راهی خشک در دریا برایش گشودی،
وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُوْدَهُمَا،
و او و همراهانش از بنی اسرائیل را نجات دادی، و فرعون و هامان و سپاهیانش را غرق کردی،
وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَسْئَلُكَ أَنْ
و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی. ای نزدیک، (می خواهم)
تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعِذِّنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ،
بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از شر افریدگانست در پناه خود نگه داری،
وَتَقْرِبَنِي مِنْ عَفْوِكَ، وَتَنْشِرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِنِي بِهِ عَنْ
و مرا با گذشت مقرب خود گردانی، و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از
جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَّالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ،
تمام خلق بینیاز کند، و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطه آن به آمرزش و رضوان تو برسم،

يَا وَلِيِّي وَوَلِيِّي الْمُؤْمِنِينَ . إِلَهِي وَأَسَالُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
 ای صاحب اختیار من و صاحب اختیار مؤمنان. خدای من؛ از تو می خواهم به آن نامی که به واسطه آن،

عَبْدُكَ وَنَيْشِكَ دَاوُودُ ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَسَخَرْتَ لَهُ الْجِبَالَ ،
 بنده و پیامبرت داود تو را خواند، پس دعايش را اجابت کردی، و کوهها را مسخر و تحت فرمان او ساختی،

يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيٍّ وَالْأَنْكَارِ ، وَالْطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلُّهُ أَوْلَابُ ،
 که با او در شامگاهان و صبحگاهان تسبیح گویند، و پرندگانی که پیرامون او بودند همگی را فرمانبردار او گرداندی،

وَشَدَّدْتَ مُلْكَهُ ، وَأَتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَ الْخِطَابِ ، وَأَنْتَ لَهُ
 و سلطنتش را محکم نمودی، و حکمت و فصل الخطاب (حکم قاطعی که باعث تمام شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی،

الْحَدِيدَ ، وَعَلَمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسِ لَهُمْ ، وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ
 و آهن را برایش نرم گرداندی، و صنعت زرهسازی را به او آموختی، و گناهش را بخشودی، و تو به او نزدیک بودی،

قَرِيبًا يَا قَرِيبَ . أَسَالُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،
 ای نزدیک. از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُوري ، وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي ، وَتَزْرُقَنِي ،
 و تمام أمورم را تحت فرمان قرار دهی، و تقدیرم را برای من آسان سازی،

مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ ، وَتَدْفَعَ عَنِي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ ، وَكَيْدَ الْكَايَدِينَ ،
 و آمرزش و عبادت خود را روزیم کنی، و از من دور کنی ستمگران، و نیرنگ حیله گران،

وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ ، وَسَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ الْجَبَارِينَ ، وَحَسَدَ
 و مکر مکاران، و یورش های فرعون های زورگو، و حسد

الْخَاسِدِينَ ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ ، وَثَقَةَ
 حسودان را. ای ایمنی بخش بیمناکان، و امان دهنده پناهجویان، و محل اطمینان

الْوَاثِقِينَ ، وَذَرِيْعَةَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ ، وَمُعْتَمَدَ
 اعتماد کنندگان، و دستاویز مؤمنان، و آمید توکل کنندگان، و محل اعتماد

الصَّالِحِينَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . إِلَهِي وَأَسَالُكَ اللَّهُمَّ بِالْإِسْمِ
 نیکوکاران، ای مهریان ترین مهریان؛ خدای من؛ از تو می خواهم بار پروردگارا؛ به آن اسمی

الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاؤُودَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

که بند و پیامبر سلیمان فرزند داود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند

إِذْ قَالَ رَبُّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لَأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي

هنگامی که گفت: «بار الهاء، مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد»

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ^١، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءً، وَأَطَعْتَ لَهُ الْخُلْقَ،

که همانا تو بسیار بخشنده‌ای؟ پس دعایش را اجابت نمودی، و آفریدگان را مطیع او ساختی.

وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ ، وَعَلَمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ ، وَسَخَّرْتَ لَهُ

و ا او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی، و

الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَغُواصٍ، وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ،

شیاطین - بنگستنده و فرورونده در آب- را مسخر او ساختی، و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛

هَذَا عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءٌ غَيْرِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ

این، بخشش ثوست نه بخشش عیر ثو؛ و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که

تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِي لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ

لَيْ لَيْ، وَتَكْفِينَى هَمَّى، وَتُؤْمَنَ خَوْفَى، وَتَفْكَ أَسْرَى، وَتَشْدَدَ

گردان، و آندهم با کفایت کن، و قسم با این گردان، و آن ده استقراً ها کن، و ششم با محکم

أَزْرِي، وَتَمْهِلَنِي وَتَنْفَسَنِي، وَتَسْتَجِيبُ دُعَائِي، وَتَسْمَعُ نَدَائِي،

گ دانی، و مرا مهلت دهه، و آسوده خاطر سازی، و دعایم را احابت کنی، و ندایم را شنیو،

وَلَا تَجْعَلْ فِي النَّارِ مَأْوَىً، وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمّي، وَأَنْ تُوَسِّعَ

و جایگاهم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگترین مقصود من قرار ندهی، و روزی ام را برایم وسعت

عَلَى رِزْقِي، وَتُحَسِّنَ خُلُقِي، وَتُعْتَقَ رَقْبَتِي مِنَ النُّارِ، فَإِنَّكَ

دھی، و اخلاقم را نیکو گردانی، و مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤْمَلِي . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي

آقای من و مولای من و نهایت آرزوی من هستی. خدای من؛ از تو می خواهم پروردگار؛ به آن اسمت که به

دَعَاكَ بِهِ آيُوبُ، لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ، وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ

آن اسم، ایوب تو را خواند، هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری

مَنْزِلَ الْعَافِيَةِ، وَالضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةِ، فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ،

جای عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛ پس گرفتاریش را برطرف کردی،

وَرَدَدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، حِينَ نَادَاهُ، دَاعِيًّا لَكَ،

و خانواده‌اش و مثل ایشان راکه با ایشان بودند به او بازگرداندی، هنگامی که تو را ندا داد، در حالی که دعاکنده برای تو و

رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاجِيًّا لِفَضْلِكَ، شَاكِيًّا إِلَيْكَ رَبَّ إِنِّي مَسَنِيَ الضُّرُّ

روی آوردن به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو، و شکوه کننده به سوی تو بود (و گفت): ای پروردگار من؛ «همانا بیچارگی بر من

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۱، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ،

رسیده و تو مهریان ترین مهربانانی؛ پس، دعايش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی

وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرَّيِّ، وَتُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي

و بیچارگی مرا برطرف کنی، و در جان و خانواده و مال و فرزند

وَإِخْوَانِي فِيكَ، عَافِيَةً بِاقِيَّةً شَافِيَّةً كَافِيَّةً، وَافِرَةً هَادِيَّةً نَامِيَّةً،

و برادران دینی‌ام عافیت دهی، عافیت پایدار، شفابخش، کفایتگر، فراوان و فraigیر، هدایتگر، رشد دهنده،

مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْأَطْبَاءِ وَالْأَدْوِيَةِ، وَتَجْعَلُهَا شِعَارِي وَدِلَارِي،

بینیازکننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر و رویم قرار دهی (کتابه از اینکه همواره با من همراه باشد)،

وَتُمَتَّعِنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي، وَتَجْعَلُهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، إِنَّكَ عَلَى

و مرا به چشم و گوشم بهره‌مند سازی، و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر

كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ

هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس

بْنُ مَتَّى فِي بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاهُ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ﴿أَنْ لَا

پسر متی در شکم ماهی تو را خواند، هنگامی که تو را در تاریکی‌های سه‌گانه خواند (و گفت): «هیچ

۱. سوره انبیاء، آیه ۸۳.

إِلَهٌ أَلَا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١﴾ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
 معبودی نیست غیر از تو، تو پاک و مترهی؛ همانا من از ستمگران - بر خویش - هستم» و (حال آنکه) تو مهریان تربین
 الرَّاحِمِينَ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَنْبَتَ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينَ،
 مهربانانی؛ پس دعايش را اجابت نمودی، و بوتهای از کدو برايش رویاندی؛
 وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،
 او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک،
 أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَسْتَجِبَ دُعَائِي،
 (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دعایم را اجابت کنی،
 وَتَدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ، فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي، وَرَكِبْتُنِي
 و با گذشت خود گذشتم را جبان کی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شدهام؛ و
 مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِخَلْقِكَ عَلَيَّ، صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 حق و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است، بر محمد و آل محمد درود فرست،
 وَأَسْتُرْنِي مِنْهُمْ، وَأَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عُتْقَاءِكَ
 و مرا از آنان پنهان دار، و مرا از آتش رهایی بخش، و مرا از آزادشگان
 وَطُلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ، فِي مَقَامِي هَذَا، بِمَنْكَ يَا مَنَانُ. إِلَهِي
 و رهایی یافتنگان از آتش در همین مقام و موقعیتمن قرار بده؛ به خاطر لطف و احسانات - ای بسیار احسان کننده - خدای من؛
 وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ
 از تو می خواهم به آن اسمت که به واسطه آن، بند و پیامبر عیسی پسر مریم تو را خواند
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَيَّدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ،
 که بر هر دو درود باد - در آن هنگام که او را روح القدس نیرو بخشدید، و در گهواره گویا نمودی،
 فَأَخْيِي بِهِ الْمَوْتَىٰ، وَأَبْرَأْ بِهِ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَخَلَقَ
 و به وسیله او، مردگان زنده شدند، به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پیسی گرفته شفا یافت، و
 مِنَ الطَّيْنِ كَهْيَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا
 از گل، شکل پرندهای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پروازکننده گردید؛ و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبٌ، أَنْ تُصلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا

نژدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا برای آنچه

خُلِقتُ لَهُ، وَلَا تَشْغَلَنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفَتُهُ لِي، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ

آفریده شده ام (از مشغولیات) فارغ بداری، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهددار گشته ای، و مرا از عبادت پیشگان

وَزُهْدِكَ فِي الدُّنْيَا، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ، وَهَنَاءَتُهُ بِهَا مَعَ

و زاهدان خود در دنیا قرار دهی، و از آنان که برای عافت و سلامت آنها را آفریده ای، و به

كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

برگواری ات، زندگی را با داشتن عافت برای شان گوارا گرداندی؛ ای بخشیده؛ ای بلند مرتبه؛ ای بزرگ. خدای من؛ از تو می خواهم به

دَعَاكَ بِهِ أَصَفُّ بْنُ بَرْخِيَا عَلَى عَرْشِ مَلَكَةِ سَبَا، فَكَانَ أَقْلَّ مِنْ

خطاط آن است که به واسطه آن، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکة سبا تو را خواند، پس در کمتر از

لَحْظَةِ الطَّرْفِ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَمَّا رَأَتُهُ قَبِيلَ

جسم برهن گذاشتی در پیش چشم حاضر شد، به گونه ای که وقتی ملکه، آن را دید «به او گفته شد:

أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَانَهُ هُوَ^۱ فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ

آیا تخت تو چنین است؟ (بلقیس) گفت: گویا همین است» پس دعايش را اجابت نمودی، و تو

قَرِيبًا يَا قَرِيبٌ، أَنْ تُصلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُكَفِّرَ عَنِّي

به او نژدیک بودی، ای نژدیک، (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهان

سَيِّئَاتِي، وَتَقْبَلَ مِنِّي حَسَنَاتِي، وَتَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَتَتُوبَ عَلَيَّ

و بدی هایم را بپوشانی، و کارهای نیکویم را از من قبیل کنی، و توبه ام را بپذیری، و بر من روی آوری،

وَتَغْنِي فَقْرِي، وَتَجْبِرَ كَسْرِي، وَتُحْيِي فُؤَادِي بِذِكْرِكَ، وَتُحْيِينِي

و فقرم را بطرف سازی، و شکست مرا جبران کنی، و قلیم را با یاد خود زنده کنی، و مرا

فِي عَافِيَةِ، وَتُمْبَتِي فِي عَافِيَةِ إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي

در عافت زنده بداری و در عافت بمیرانی. خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكَرِيَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سَأَلَكَ، دَاعِيًّا

به واسطه آن اسم، بنده و پیامبرت زکریا - که بر او درود باد - تو را خواند، هنگامی که از تو درخواست نمود در حالیکه دعاکننده

۱. سوره نمل، آیه ۴۲.



لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاجِيًّا لِفَضْلِكَ، فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ يُنادِي نِدَاءً
بود، و اشتياق به سوي تو و اميدواری به بخشش تو داشت، پس در محراب عبادت ایستاد در حالی که با ندای
خَفِيًّا، فَقَالَ رَبٌّ ۝هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۝* يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ
پنهانی که می داد گفت: پروردگارا؛ «از نزد خود، جانشین (و فرزندی) به من عطا کن؛ که از من و
الِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبًّا رَضِيًّا ۝* فَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى، وَاسْتَجَبْتَ
آل یعقوب ارت برد، و او را وارثی صالح و پستیده قرار ده پس یحیی را به او بخشیدی، و دعاشی
لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ
را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمد
وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبْقِي لِي أَوْلَادِي، وَأَنْ تُمَتَّعَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي
وآل محمد درود فrustی، و فرزندانم را برایم نگه داری، و مرا از وجود ایشان بهره مند سازی، و من
وَإِلَيْهِمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ، رَاغِبِينَ فِي شَوَّابِكَ، خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ،
و آنان را از ایمان آورندگان به خودت؛ و از مشتاقان ثوابت، بیمناکان از کیفرت،
رَاجِينَ لِمَا عِنْدَكَ، أَيْسِينَ مِمْلَأَ عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحِيَّنَا حَيْوَةً
امیدواران به آچه نزد توست، نامیدان از آنچه نزد غیر توست قرار دهی؛ تا ما را به زندگی پاک و پاکیزه زنده داری
طَيِّبَةً، وَتَمِيتَنَا مِيَتَةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ. إِلَهِي وَأَسَأْلُكَ
و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی؛ همانا تو هر چه خواهی انجام می دهی. خدای من؛ از تو می خواهم
بِالْإِسْمِ الَّذِي سَئَلْتَكَ بِهِ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ، ۝إِذْ قَالَتْ رَبٌّ ابْنِ لَيِ
به آن اسمی که به واسطه آن، همسر فرعون تو را خواند وقتی گفت: بار الها؛ برایم
عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجَّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنْ
در نزد خود خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارگزارانش نجات ده و مرا از
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائَهَا، وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا
گروه ستمکاران رهایی بخش» پس دعايش را اجابت نمودی، در حالی که تو به او نزدیک بودی، ای
قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْرَأَ عَيْنِي بِالنَّظَرِ
نزدیک؛ (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فrustی، و دیده ام را با نظر به

إِلَيْ جَنَّتِكَ، وَوَجْهُكَ الْكَرِيمَ وَأُولَيَائِكَ، وَتَفَرَّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

بپشت خود، و به دیدن لطف کریمانه خود و اولیای خودت روشن کنی، و به واسطه محمد و آل محمد مرا به گشایش و راحتی

وَتُؤْسِنِي بِهِ وَبِالِهِ، وَبِمُصَاحِبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُمْكِنَ لِي فِيهَا،

برسانی، و مرا با او و آل او، و هم صحبتی و همراهی ایشان مأنوس گردانی؛ و مرا در بپشت جای دهی و ممکن سازی؛

وَتَنْجِيَنِي مِنَ النَّارِ، وَمَا أُعِدَ لِأَهْلِهَا مِنَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ،

و از آتش نجاتم بخشی، و از آنجه که برای اهل آتش آمده شده است از زنجیرها و غل‌ها،

وَالشَّدَّادِ وَالْأَنْكَالِ، وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ إِلَهِي

و نیز سختی‌ها و فشارها، و انواع عذاب‌ها رهایی بخشی؛ با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْنَا بِهِ عَبْدَتُكَ وَصِدِّيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ

از تو می‌خواهم به آن اسمی که به واسطه آن اسم، بنده و تصدیق‌کنندهات مریم پاکدامن

وَأُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قُلْتَ ﴿وَمَرِيمَ ابْنَتَ

و مادر مسیح رسول - که بر هر دو درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که گفتی: « باد آر - حال مریم دختر

عِمَرَانَ الَّتِي أَحْصَنْتَ فَرِجَاهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَّقْتَ

عمران را که عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن گاه در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مریم نیز

بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكَتْبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ ﴿١﴾ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا

کلمات و کتاب‌های پروردگارش را با کمال ایمان تصدیق کرد، و از فرمانبرداران خدا بود» پس دعای او را اجابت

دُعَائِهَا، وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

نومدی در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْصِنَي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ، وَتَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ

محمد درود فرسنی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی، و با پوشش بازدارندهات مرا

الْمَنْعِ، وَتُحرِزَنِي بِحِرْزِكَ الْوَثِيقِ، وَتَكْفِيَنِي بِكِفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ،

بپوشانی، و به حرز محکمت مرا حفظ و حراست نمایی، و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛

مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ، وَظُلْمٍ كُلِّ بَاغٍ، وَمَكْرٍ كُلِّ مَا كَرَّ، وَغَدْرٍ كُلِّ

از شر هر سرکش، و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حیله‌گر، و خیانت هر



غَادِرٌ، وَسِخْرٌ كُلٌّ سَاحِرٌ، وَجَوْرٌ كُلٌّ سُلْطَانٌ جَائِرٌ، بِمَنْعِكَ يَا

خیانتکار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛ با بازدارندگی و نگهداری خودت، ای

مَنْيٰعُ. إِلٰهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيْكَ،

بازدارنده؛ خدای من؛ از تو می خواهم به آن اسمی که با آن اسم، بند و پیامبر

وَصَفَّيْكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينُكَ عَلٰى وَحْيِكَ، وَبَعِيشُكَ إِلٰى

و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات، و امین بر وحیت، و برانگیخته شده به

بَرِيَّتِكَ، وَرَسُولُكَ إِلٰى خَلْقِكَ مُحَمَّدُ خَاصُّتِكَ وَخَالِصُّتِكَ، صَلَّى

سوی آفریدگانت، و فرستادهات به سوی خلق، محمد، بندۀ خاص و خالص تو - که درود و سلام

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَالٰهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ، وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودِ لَمْ يَرُوهَا،

خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعا بش را اجابت نمودی و با سپاهیانی که آنها را نمی دیدند، او را تأیید کرده و یاری

وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَكُنْتَ مِنْهُ

رساندی، و کلمه خود را برتر قرار دادی، و کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او

قَرِيبًاً يَا قَرِيبٍ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً

نزدیک بودی، ای نزدیک. (می خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی؛ درودهای

زَاكِيَّةً طَيِّبَةً، نَامِيَّةً بَاقيَةً مُبَارَكَةً، كَمَا صَلَيْتَ عَلٰى أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ

پاک و پاکیزه، رشد کننده پایدار، مبارک، چنان که بر پدرشان ابراهیم و آل

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَسَلَّمْ عَلَيْهِمْ

ابراهیم درود فرستادی؛ و بر آنان مبارک گردان همچنان که بر آل ابراهیم مبارک گرداندی؛ و بر آل محمد سلام برسان

كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ، وَزَدْهُمْ فَوْقَ ذِلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ،

چنان که بر آل ابراهیم سلام رساندی؛ و بهره ایشان را از جانب خودت فوق آنچه گفته شد زیاد کن؛

وَأَخْلُطْنِي بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ

و مرا آمیخته با ایشان و از آنان قرار بده، و با ایشان محشور کن، و در زمرة ایشان قرار بده،

حَتَّى تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَتُدْخِلَنِي فِي جُمْلَتِهِمْ، وَتَجْمَعَنِي

تا از حوض (کوثر) آنان مرا سیراب کنی، و در گروه آنان وارد کنی، و مرا با

وَإِلَيْهِمْ وَتُقْرَرَ عَيْنِي بِهِمْ وَتُعْطِينِي سُؤْلِي وَتُبَلَّغُنِي أَمْالِي فِي

آنان در یکجا جمع نمایی، و چشم مرا به ایشان روشن سازی، و خواستهام را عطا کنی، و مرا به آرزوهايم در

دِينِي وَدُنْيَايِي وَآخِرَتِي وَمَحْيَايِي وَمَمَاتِي وَتُبَلَّغُهُمْ سَلامِي

دین و دنیا و آخرتم و در زندگی و مرگم برسانی؛ و سلام مرا به ایشان برسانی،

وَتَرْدَدَ عَلَيْهِ مِنْهُمُ السَّلَامُ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و پاسخ از آنان به من برگردانی؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

إِلَهِي وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٌ

خدای من؛ تو همانی که در نیمههای هر شب ندا می‌دهی؛ آیا درخواستکنندهای هست

فَاعْطِيهِ، أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَاجِبَيْهِ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرَ فَاغْفِرْ لَهُ،

تا به او عطا کنم؟ آیا دعاکنندهای هست تا او را اجابت نمایم؟ آیا استغفارکنندهای هست تا او را بیامزم؟

أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَابْلَغَهُ رَجَاهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَابْلَغَهُ أَمْلَهُ، هَا

آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک

أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، وَمِسْكِينُكَ بِبِنَائِكَ، وَضَعِيفُكَ بِبِنَائِكَ، وَفَقِيرُكَ

من در درگاهت درخواستکننده از تو هستم، و بیچاره توأم در درب خانه تو، و ناتوان توأم به درب خانهات، و بینوای توأم

بِبِنَائِكَ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ، أَسَالُكَ نَائِلَكَ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ،

به درب خانهات، و آرزومند در درگاه تو هستم؛ از تو عطا و بخشش تو را می‌خواهم؛ و امیدوار رحمت تو

وَأَوْمَلُ عَفْوَكَ، وَأَتَمِسْ غُفرَانَكَ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و آرزومند گذشت تو هستم؛ و آمرزش تو را تمثا می‌نمایم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَعْطِني سُؤْلِي، وَبَلَّغْنِي أَمْلِي، وَاجْبِرْ فَقْرِي، وَارْحَمْ عِصْيَانِي،

و خواستهام را عطاکن؛ و مرا به آرزویم برسان؛ و فقرم را جبران کن، و به عصیان و سرکشیام رحم کن؛

وَاعْفُ عَنْ ذُنُوبِي، وَفُكَّ رَقْبَتِي مِنَ الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتُنِي،

و از گناهاتم درگذر؛ و حق و حقوقی که از بندگانت بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛

وَقَوْ ضَعْفِي، وَأَعِزَّ مَسْكَنَتِي، وَثَبَّتْ وَطَأْتِي، وَأَغْفَرْ جُرْمِي،

و ناتوانیم را قوت بخش؛ و بیچارگیام را عزت بخش؛ و گامهایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛



وَأَنْعَمْ بَالِي، وَأَكْثُر مِنَ الْحَلَالِ مَالِي، وَخِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي
وَفَكِرْ وَذَهَنْ رَا رَشَدَ بَدَهْ؛ وَمَالِمْ رَا ازْ حَلَلْ زِيَادَ كَنْ؛ وَدَرْ تَمَامْ امُورْ وَكَارْهَايِمْ بِرَايِمْ خَيْرْ وَ
وَأَفْعَالِي، وَرَضِّنِي بِهَا، وَأَرْحَمْنِي وَالِدَيْ وَمَا وَلَدَا مِنَ
خَوْيِي مَقْدَرْ فَرْمَا؛ وَمَرَا بِه آنْهَا رَاضِي وَخَشِنَوْدْ گَرْدَانْ؛ وَرَحْمْ كَنْ بِرْ مَنْ وَپَدَرْ وَمَادَرْمْ وَفَرْزَنَدَانْ آنَانْ از
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، أَلَّا حَيَاءَ مِنْهُمْ
مَرْدَانْ وَزَمَانْ مُؤْمِنْ، وَمَرْدَانْ وَزَنَانْ مُسْلِمَانْ، زَنَدَانْ از آنْهَا
وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَوَاتِ، وَالْهَمْنِي مِنْ بِرِّهِمَا مَا أَسْتَحْقُ
وَمَرْدَگَانْ از آنْهَا؛ هَمَانَا تو شَنْوَنَدَه دَعَاهَيِي. بِه مِنَ الْهَامْ كَنْ ازْ نِيْكِي كَرْدَنْ نِسَتْ بِه آنْ دَوْ (پَدَرْ وَمَادَرْمْ) آنِچَه
بِهِ ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ، وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا، وَاغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا، وَاجْزِهِمَا
بَا آنْ شَايِستَگِي ثَوابْ وَبَهْشَتْ تو رَا پِيدَاکِمْ، وَكَارْهَايِنِيکَ آنْهَا رَا قَبُولْ فَرْمَا، وَبَدِيْهَايِي آنْهَا رَا بَهْشَشْ،
بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ. إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِنَّاً إِنَّكَ
وَبِه خَاطِرْ خَوْبِي هَابِي كَه آنْ دَوْ دَرَبَارَهْ مِنْ كَرْدَهَانَدْ پَادَاشْتْ وَبَهْشَتْ رَا نَصِيبْ آنْ دَوْ فَرْمَا. خَدَائِي مِنْ: بِه يَقِنَّ مِي دَانَمْ تو
لَا تَأْمُرْ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ، وَلَا تَمِيلْ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُجْهِهُ
دَسْتُورْ بِه سَتَمْ نَمَى دَهِي، وَبِه آنْ رَاضِي نِيسَتِي، وَمِيلْ بِه آنْ نَمَى نَمَائِي، وَآنْ رَا نَمَى خَوَاهِي وَدُوْسَتِشْ نَمَى دَارِي،
وَلَا تَغْشَاهُ، وَتَعْلَمْ مَا فِيهِ هُؤُلَاءِ الْقَوْمُ مِنْ ظُلْمٍ عِبَادَكَ وَبَغْيِهِمْ
وَنَمَى پُوشَانِي آنْ رَا؛ وَمَى دَانِي آنِچَه رَا كَه اينْ قَوْمْ ازْ ظُلْمِ بِه بَنَدَگَانَتْ وَتَجاوزَگَرِي آنْهَا
عَلَيْنَا، وَتَعَدَّ يِهِمْ بِغَيْرِ حَقٌّ وَلَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظُلْمًا وَعُدُوًا نَا وَزُورًا
بِرْ عَلَيْهِ مَا، وَتَعْدَى وَتَجاوزَ نَاحَقْ وَنَامَعِرْفَشَانْ كَه ازْ روَيْ ظُلْمِ وَدَشْمَنِي وَزُورْ
وَبِهْتَانًاً، فَإِنْ كُنْتَ جَعْلَتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبَتَ
وَتَهْمَتَ آنْ رَا انجَامْ مِي دَهِنَدْ؛ پَسْ اگَرْ بِرِ ايشَانْ مَدَنِي قَرَارْ دَادِي كَه بَایدَ آنْ مَدَنْ بَسَرْ آيِدِي؛ يَا
لَهُمْ أَجَالًاً يَنَالُونَهَا ، فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصَّدْقُ
مَهْلَتِهِي بِرِ ايشَانْ نُوشَتِي وَمعْتَنِي كَه بَایدَ بِه پَایَانْ بِرَسَدْ، پَسْ تو گَفْتَيْ - وَسَخَنَتْ حَقْ وَوَعْدَهَاتْ رَاسَتْ اسْتَ -
﴿يَمْحُوا اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾. فَأَنَا أَسْأَلُكَ
«آنِچَه رَا خَدا بَخَواهِدْ مَحْوَ وَنَابِودْ مِي كَنَدْ وَآنِچَه رَا بَخَواهِدْ ثَابَتْ مِي دَارَدْ؛ وَأَمُّ الْكِتَابِ نَزَدْ اوْسَتْ». پَسْ مَنْ ازْ تو مِي خَواهِمْ،

بِكُلٍّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَنْبِياءُكَ الْمُرْسَلُونَ وَرُسُلُكَ، وَأَسْأَلَكَ بِمَا

به واسطه تمام آن چه به آن، پیامبران مرسل - که رسالت تبلیغ داشتند - و رسولات از تو خواستند، و از تو می خواهم

سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَمَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ، أَنْ تَمْحُو مِنْ

به واسطه آنچه بندگان صالح و شایستهات و فرشتگان مقتبی با آن از تو خواستند، که از

أُمُّ الْكِتَابِ ذَلِكَ، وَتَكْتُبَ لَهُمُ الْإِضْمِحْلَالَ وَالْمَحْقَ، حَتَّىٰ تَقْرِبَ

ام الكتاب (لوح محفوظ)، آن مدت و مهلت را محکمی و نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای شان بنویسی تا

أَجَالَهُمْ، وَتَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ، وَتُذْهِبَ أَيَامَهُمْ، وَتُبَتَّرَ أَعْمَارَهُمْ،

اجلهای شان را نزدیک سازی، و مدت شان را پایان دهی، و روزهای شان را سیری سازی، و رشته عمرشان را پاره کنی،

وَتُهْلِكَ فُجَارَهُمْ، وَتُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ، حَتَّىٰ لَا تُبْقِيَ

و فاسقانشان را هلاک سازی، و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛ تا

مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تُنْجِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ، وَتَكَلَّ

آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدهی از آنان را نجات ندهی، و اجتماعشان را متفرق سازی؛

سِلَاحَهُمْ، وَتَبَدِّدَ شَمَلَهُمْ، وَتُقْطِعَ أَجَالَهُمْ، وَتَقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ،

و سلاحشان را ناتوان و بی اثر، و جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمرشان را کوتاه،

وَتَزَلَّلَ أَقْدَامَهُمْ، وَتَطَهَّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَتَظْهَرَ عِبَادُكَ عَلَيْهِمْ،

و قدمهای شان را متزلزل کنی؛ و سرزمینهای را از وجودشان پاک، و بندگانش را بر آنان مسلط سازی؛

فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ، وَنَقْضُوا عَهْدَكَ، وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ، وَأَتَوْا عَلَىٰ

چرا که آنان سنت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند، و حریمت را هتك کردند،

مَا نَهَيَتُهُمْ عَنْهُ، وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا كَبِيرًا، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا،

و آنچه نهی کردی انجام دادند و (از فرمانهای تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ، و گمراه شدن دگمراهی عمیق،

فَصَلٌّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذْنٌ لِجَمِيعِهِمْ بِالشَّتَّاتِ، وَلِحَيَّهِمْ

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر جمع و اجتماع آنان پراکندگی را، و برای زنده آنان

بِالْمَمَاتِ، وَلَا زَوْاجِهِمْ بِالنَّهَّاياتِ، وَخَلَصٌ عِبَادُكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ،

مرگ را، و برای زوجهایشان غارت و چپاول را اراده کن و فرمان بد؛ و بندگانش را از ستم آنان رهایی ده،



وَأَقْبِضْ أَيْدِيهِمْ عَنْ هَضْمِهِمْ، وَطَهَّرْ أَرْضَكَ مِنْهُمْ، وَأَذْنَ بِحَصَدِ

و با شکستشان دستهای شان را بیند، و زمیت را از آنان پاک گردان، و فرمان بده به درو شدن و نابودی

نباتِهِمْ، وَاسْتِيْضَالِ شَافِتِهِمْ، وَشَتَاتِ شَمْلِهِمْ، وَهَدْمِ بُنْيَانِهِمْ، يَا

زراعتشان و به از بین رفتن اموالشان و پراکندگی امورشان و نابودی اصل و اساسشان؛ ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَرَبِّي

صاحب شکوه و بزرگواری. و از تو می خواهم ای معیود من؛ و ای معیود هر چیز؛ و ای بپروردگار من

وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ،

پروردگار هر چیز؛ تو را می خوانم با آنچه دو بند و دو فرستاده

وَنَبِيَّكَ وَصَفِيَّكَ مُوسَى وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، حِينَ قَالَ،

و دو پیامبر و برگزیدهات موسی و هارون - که بر آنان درود باد - تو را خوانند؛ آن هنگام که گفتند

دَاعِيَيْنِ لَكَ، رَاجِيَيْنِ لِفَضْلِكَ، رَبَّنَا إِنَّكَ أَتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْهُ

- در حالت دعاگویی به درگاهت و امیدواری به فضل - «پروردگارا؛ تو، به فرعون و گروهش

زَيْنَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضْلِلُوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا

در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن بندگان را از راه تو گمراه کنند؛ پروردگارا؛

اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَسْدِدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرُوا

اموال آنان را نابود گردان، و دلهای شان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که

الْعَذَابَ الْأَلِيمَ^۱، فَمَنَّتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْجَاهِ لَهُمَا إِلَى أَنْ

عذاب دردناک تو را مشاهده کنند» پس بر آنان با اجابت دعايشان مت مرت گزارده و نعمت دادی؛ تا این که

قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ، فَقُلْتَ اللّٰهُمَّ رَبَّ^۲ (قَدْ أُجِبَتْ دَعْوَتُكُمَا

فرمات را به گوش آنان رساندی، پس گفتی: - ای خدا و ای پروردگار من؛ «دعای شما را مستجاب کردم؛

فَأَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَبَعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ^۳. أَنْ تُصَلِّي عَلَى

پس هر دو استقامت بورزید، و پیروی از راه مردم جاهل نکنید. (می خواهم) که بر

مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَى أَمْوَالٍ هُوَ لَاءُ الظُّلْمَةِ، وَأَنْ

محمد و آل محمد درود فرستی، و اموال این ستمگران را محو و نابود کنی، و بر

تَشْدُّدَ عَلَيْ قُلُوبِهِمْ، وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَّكَ، وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي

قلوب شان سخت گردانی، و آنان را به بیان خود فرو بری، و در دریای خود آنان را غرق

بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا لَكَ، وَأَرِ الْخَلْقَ

کنی؛ همانا آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست در اختیار توست،

قُدْرَتَكَ فِيهِمْ، وَبَطْشَتَكَ عَلَيْهِمْ، فَاقْعُلْ ذِلِّكَ بِهِمْ، وَعَجِّلْ لَهُمْ

و قدرت خود را در مورد آنان، و سختگیریت را بر ایشان به مردم نشان بده؛ این کار را درباره آنان انجام ده و برای آنان در

ذِلِّكَ، يَا حَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَ لَهُ

این کار شتاب کن؛ ای بهترین کسی که از او درخواست شده؛ و بهترین کسی که خوانده شده؛ و بهترین کسی که برای او

الْوُجُوهُ، وَرَفَعَتِ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِالْأَلْسُنِ، وَشَخَصَتِ إِلَيْهِ

چهره‌ها به خاک مذلت افتاده؛ و دستها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان‌ها خوانده شده؛ و نگاهها به سوی

الْأَبْصَارُ، وَأَمَّتِ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَنَقْلَتِ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَتُحْوِّلَ كَمِ إِلَيْهِ

او دوخته شده؛ و قلبها به سوی او روی آورده؛ و قدمها به سوی او برداشته شده؛ و داوری

فِي الْأَعْمَالِ. إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَاهَا، وَكُلُّ

در کارها به سوی او برده شده است. خدای من؛ من بندهات هستم که از تو می‌خواهم با شکوهمندترین نامهایت؛ البته تمام

أَسْمَائِكَ بَهِيَّ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلُّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

نامهای تو باشکوه است بلکه از تو به واسطه تمام نامهایت می‌خواهم که بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرْكِسَهُمْ عَلَى أُمٌّ رُؤُسِهِمْ فِي زُبُّيْتِهِمْ، وَتُرْدِيْهُمْ

وآل محمد درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده‌اند واژگون کنی، و آنان را در

فِي مَهْوِي حُفَرَتِهِمْ، وَأَرْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ، وَذَكَّهُمْ بِمَشَاقِصِهِمْ،

عمق حفره‌ایشان بینزاری، و با سنگشان آنان را بزنی، و آنان را بکشی با تیرهایشان،

وَأَكْبِيْهُمْ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ، وَأَخْنَقُهُمْ بِوَتَرِهِمْ، وَأَرْدُدْ كَيْدَهُمْ فِي

و با بینی‌شان بر زمین بکویی، و با زه کمان‌هاشان آنان را خفه کنی، و نیزگشان را به خودشان

نُحُورِهِمْ، وَأَوْبِقُهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ، حَتَّى يَسْتَخْذِلُوا وَيَتَضَاءَلُوا بَعْدَ

باز گردانی، و با پشیمانی‌شان آنها را هلاک سازی، تا بعد از غورشان خوار و ذلیل شوند، و پس از این همه



نِخْوَتِهِمْ، وَيَنْقَمِعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ، أَذْلَاءَ مَأْسُورِينَ فِي رِبَقِ

خود بر تربیتی خرد و کوچک شوند و بعد از گردنکشی خوار شوند، در حالی که ذلیل‌های اسیر شده در بند

حَبَائِلِهِمْ، الَّتِي كَانُوا يُؤْمِلُونَ أَنْ يَرَوْنَا فِيهَا، وَتُرِيَنَا قُدْرَتَكَ

طناب‌هایشان باشند - همان طناب‌هایی که آرزو داشتند ما را در آن ببینند - و به ما قدرت خود را

فِيهِمْ، وَسُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ، وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرْبَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ، إِنَّ

در مورد آنان، و سلطنت خود بر آنان را نشان بده، و آنان را مجازات کن همانند مجازات بلدهایی که اهل آن ظالم بودند؛ همانا

أَخْذَكَ الْأَلْپِمُ الشَّدِيدُ، وَتَأْخُذَهُمْ يَارَبُّ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقتَدِرٍ، فَإِنَّكَ

مجازات دردناک و شدید است؛ ای پروردگار من؛ آنان را مجازات کن، مانند مجازات فرد باعتر و مقتندر، زیرا تو

عَزِيزٌ مُقتَدِرٌ، شَدِيدُ الْعِقَابِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

نیرومند غالب و باقتداری، کیفر تو سخت و توانایی تو شدید است. خدای من؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجْلٌ اِيْرَادُهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ

محمد و آل محمد درود فرسن، و در وارد کردن (ظالمان) به عذابت که

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ، وَالظَّاغِنِينَ مِنْ نُظَرَائِهِمْ، وَارْفَعْ حِلْمَكَ

برای ستمکارانی مثل آن‌ها، و سرکشانی نظیر آنان آمده کرده‌ای تعجیل کن؛ و می‌خواهم که بر بدباری خود را

عَنْهُمْ، وَأَخْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُولُ لَهُ شَيْءٌ، وَأَمْرُهُ فِي

از آنان بدباری و بر آنان غضب را روا داری؛ غضبی که چیزی در برابر آن مقاومت و ایستادگی ندارد و در

تَعْجِيلِ ذُلِكَ عَلَيْهِمْ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُوَخَّرُ، فَإِنَّكَ شَاهِدُ

تعجیل غضب بر آنان دستور بده، دستوری که برنمی‌گردد و به تأخیر نمی‌افتد؛ همانا تو شاهد

كُلُّ نَجْوَى، وَعَالِمٌ كُلُّ فَحْوَى، وَلَا تَخْفِي عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ

هر گفتگو و رازی، و آگاه از معنا و مفهوم هر کلامی، و پنهان‌کاری آنان در کارهایشان بر تو

خَافِيَةٌ، وَلَا تَذَهَّبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَائِنَةٌ، وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ،

مخی نمی‌ماند؛ و هیچ یک از اعمال خائنات آنان دور از نظرت نمی‌ماند؛ و تو نسبت به آنچه پنهان است سیار دانایی

عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ. وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ وَأَنْادِيكَ بِمَا

و به آنچه در خاطرها و نهادها و دل‌ها است آگاهی؛ و خدای من؛ از تو می‌خواهم و ندا می‌دهم به آن چه که

نَادَاكَ بِهِ سَيِّدِي، وَسَلَّكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

سرور من تو را به آن ندا داد؛ و به واسطه آن نوح از تو درخواست نمود آن هنگام که گفتی - ای که پاک و متنہ و بلند مرتبه ای :-

***وَلَقَدْ نَادَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيْوُنَ^۱، أَجَلِ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنْتَ**

و به راستی نوح ما را ندا داد پس ما چه خوب احباب کنندگان هستیم»، آری؛ خدای من؛ ای پروردگار من؛ تو

نِعْمَ الْمُجِيْبُ، وَنِعْمَ الْمَدْعُوُ، وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ، وَنِعْمَ الْمُعْطِيُ،

بهترین احباب کنندگان، و بهترین خوانده شده ای، و بهترین درخواست شده هستی و بهترین عطا کنندگان؛

أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ، وَلَا تَرُدُّ رَاجِيَكَ، وَلَا تَطْرُدُ الْمُلْحَّ عَنْ

تو همان کسی هستی که درخواست کنندگات را ناامید نمی کنی، و امیدوار به خودت را رده نمی کنی، و اصرار کنندگان را از

بَابِكَ، وَلَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلَكَ، وَلَا تَمْلِعْ دُعَاءَ مَنْ أَمْلَكَ، وَلَا تَتَبَرَّمُ

دریافت نمی رانی، و دعای سوال کنندگات را رده نمی کنی، و از دعای آرزومند، گرفته و دلگیر نمی شوی،

بِكَثْرَةِ حَوَّائِجِهِمْ إِلَيْكَ، وَلَا بِقَضَائِهِمْ لَهُمْ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَّائِجَ جَمِيعِ

و از زیادی خواسته هایشان، و به خاطر برآوردن خواسته هایشان به ستوه نمی آیی؛ همانا برآوردن حاجات تمام

خَلْقَكَ إِلَيْكَ فِي أَشْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمْحِ الطَّرْفِ، وَأَخْفَ عَلَيْكَ،

آفریدگانست در نزد تو سریع تر است از چشم برهمن زدن، و سیکتر

وَأَهُونُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعْوضَةٍ. وَحَاجَتِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ،

و آسان تر است بر تو از بال پشه. و حاجت من ای آقا و مولای من،

وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي، أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و تکیه گاه و امید من؛ این است که می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ بِعَظِيمٍ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ

گناهم را ببخشی؛ زیرا به درگاهت امدم در حالی که پشتم از بارگناهاتم سنگین شده؛ گناهان بزرگی که به واسطه آنها با تو به

سَيِّئَاتِي، وَرَكِبَنِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكُفِينِي، وَلَا يُخَلِّصُنِي

مبازه برخاستم، و حقوق زیادی از بندگان بر عهده من است که جز تو کفایتم نمی کند، و جز تو مرا

مِنْهَا غَيْرِكَ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ، فَامْحُ يَا سَيِّدي

از آنها رهایی نمی دهد، و بر آن توان ندارد، و در اختیار کسی جز تو نیست، پس از بین ببر ای آقا من؛

۱. سوره صافات، آیه ۷۵.

كَثِرَةَ سَيِّئَاتِي بِيَسِيرٍ عَبَرَاتِي، بَلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي، وَجُمُودِ عَيْنِي،

زيادي گناهانم را با کمی اشک هایم؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشم:

لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَنَا شَيْءٌ، فَلْتَسْعُنِي

نه، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است، و من نیز یکی از آن موجودات هستم، پس

رَحْمَتُكَ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَا تَمْتَحِنِي فِي

رحمت شامل من نیز هست، ای بخشنده؛ ای مهریان؛ ای مهریان ترین مهریانان؛ در

هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمِحَنِ، وَلَا تُسْلِطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي،

این دنیا با محتنها و دشواریها مرا امتحان مکن، و کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن،

وَلَا تُهْلِكْنِي بِذُنُوبِي، وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَادْفَعْ

و به وسیله گناهانم هلاکم مساز، و در رهایم از هر ناپسند و ناخوش آیند تعجیل فرما،

عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ، وَلَا تَهْتِكْ سَتْرِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ جَمِيعِكَ

و هر ستمی را از من دور کن و پردهام را مدر، و در روزی که آفریدگانت را براى

الْخَلَاقِ لِلْحِسَابِ، يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَالثَّوَابِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْلِيَ

حساب گرد می آوری مرا رسوا مکن، ای بسیار عطاکننده و پاداش دهنده؛ از تو می خواهم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْيِنِي حَيْوَةَ السُّعَدَاءِ، وَتُمْبَثِنِي

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا به زندگی سعادتمدان زنده بداری، و به

مِيْتَةَ الشَّهَدَاءِ، وَتَقْبِلَنِي قَبْوَلَ الْأَوْدَاءِ، وَتَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ

مرگ شهیدان بمیرانی، و مانند پذیرش دوستداران مرا بپذیری، و در این

الْدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَفُجُّارِهَا، وَشِرَارِهَا وَمُحِبِّهَا،

دنیای پست، مرا از شر پادشاهان دنیا و بدکاران آن و شوروان و دوستداران آن،

وَالْعَالَمِلِينَ لَهَا وَمَا فِيهَا، وَقِنِي شَرَّ طُغَاتِهَا وَحُسَادِهَا، وَبَاغِي

و عملکنندگان برای دنیا و آن چه در آن است؛ حفظ کنی، و مرا از شر سرکشان دنیا و حسودان آن، و طالب

الشَّرِكِ فِيهَا، حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرُ الْمَكَرَةِ، وَتَفْقَأَ عَنِّي أَعْيُنَ

شرك در آن، نگه داري، تا مرا از مکر مکاران کفایت کنی، و چشم های کفار را نسبت به من کور نمایی،

الْكَفَرَةِ، وَتَفْحِمَ عَنِي أَلْسُنَ الْفَجَرَةِ، وَتَقْبِضَ لِي عَلَىٰ أَيْدِي

و زبان بدکاران را از من کوتاه و لال گردانی، و دستهای ستمگران را برایم بیندی،

الظَّلَمَةِ، وَتُوْهِنَ عَنِي كَيْدَهُمْ، وَتَمْيِتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ، وَتَشْغَلُهُمْ

و نقشه‌ها و مکرایشان را بر من سست و بی‌پایه کنی، و آنان را با خشم درونی‌شان بمیرانی، و آنان را به

بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْئِدَتِهِمْ، وَتَجْعَلُنِي مِنْ ذُلِّكَ كُلِّهِ فِي

گوشها و جسمها و دل‌هایشان مشغول سازی؛ و مرا از تمام آن‌ها در

أَمْنِكَ وَأَمَانِكَ، وَحِرْزِكَ وَسُلْطَانِكَ، وَحِجَابِكَ وَكَنْفِكَ، وَعِيَاذِكَ

امن و امان خودت، و حفظ و سلطنت، و پوشش و حمایت، و پناه

وَجَارِكَ، وَمِنْ جَارِ السُّوءِ وَجَلِيسِ السُّوءِ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

و جوارت قرار دهی؛ و از همسایه بد و همنشین بد نیز در امان داری؛ همانا تو بر هر چیزی

قَدِيرُ، إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّ الصَّالِحِينَ! .

توانایی؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او سرپرست صالحان است».

أَللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ أَلْوَذُ، وَلَكَ أَعْبُدُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو، وَبِكَ

خدای من؛ به تو پناه آوردهام و به تو پناهندهام و برای تو عبادت می‌کنم و فقط امیدوار به لطف تو هستم و از تو

أَسْتَعِينُ، وَبِكَ أَسْتَكْفِي، وَبِكَ أَسْتَغْيِثُ، وَبِكَ أَسْتَنْقِذُ، وَمِنْكَ

کمک می‌جویم و از تو درخواست کفایت می‌کنم و از تو دادخواهی می‌نمایم و به وسیله تو راهی می‌طلبم؛ و از تو

أَسْأَلُ، أَنْ تُصَلِّي عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَرْدَنِي إِلَّا بِذَنبٍ

می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا باز مگردانی مگر با گناه

مَغْفُورٍ، وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَتِجَارَةٍ لَنْ تَبُورَ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ

بخشوده شده و تلاش سپاسگزاری شده و تجاری که هرگز کسد نشود؛ و با من آن‌چه تو

أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ،

اهلش هستی انجام دهی، و با من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل أمرزش

وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ . إِلَهِي وَقَدْ أَطْلَتْ دُعَائِي، وَأَكْثَرْتُ

و اهل فضل و رحمت هستی، خدای من؛ به راستی که دعایم را طول دادم و

خِطَابِيُّ، وَضِيقُ صَدْرِيُّ حَدَانِي عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَحَمَلَنِي عَلَيْهِ،

خطایم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینه‌ام بر تمام این‌ها مرآ کشاند، و مرآ بر آن‌ها وادر کرد،

عِلْمًا مِنِي بِأَنَّهُ يُجْزِيَكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحٍ فِي الْعَجَيْنِ، بَلْ يَكْفِيكَ

با این که می‌دانم از تمام این‌ها فقط به اندازه نمک خمیر، تو را کفايت می‌کند؛ بلکه

عَزْمٌ إِرَادَةٌ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةً صَادِقَةً وَلِسَانٌ صَادِقٌ يَا رَبَّ،

قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان صادق بگوید: ای پیور دگار من، کافی است

فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنٍ عَبْدِكَ بِكَ، وَقَدْ نَاجَكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِيِّ،

که تو در نزد گمان بندهات به تو حضور داری. به راستی که قلیم به قصد خواستن با تو مناجات کرد:

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُثْرِنَ دُعَائِيِّ

پس از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرسنی و دعایم را قرین

بِالْإِجَابَةِ مِنْكَ، وَتُبَلَّغَنِي مَا أَمْلَتُهُ فِيكَ، مِنَّةً مِنْكَ وَطَوْلًا، وَقَوْةً

اجابت خود سازی، و مرآ به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری و قدرت و توانی که در

وَحَوْلًا، لَا تُقْبِلُنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ،

تو هست برسانی، از جایم برمخیزان مگر به براوردن تمام آنچه از تو خواستم؛

فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَخَطْرَهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَثِيرٌ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ،

همانا این کار بر تو آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی

يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ . إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ،

ای شنوا، ای بینا، خدای من؛ این جایگاه پناهندۀ به تو از آتش

وَالْهَارِبُ مِنْكَ إِلَيْكَ، مِنْ ذُنُوبِ تَهَجَّمَتُهُ، وَعُيُوبُ فَضَحَّتُهُ،

و گریزنه از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناهانی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردنده؛

فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً أَفْوُزُ

پس بر محمد و آل محمد درود فرسنی، و بر من نظر کن نظری از روی لطف و رحمت که

بِهَا إِلَى جَتَّتِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ، فَإِنَّ

به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهریانی کن، نوعی مهریانی که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا

الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيْدِكَ، وَمَفَاتِيْحُهُمَا وَمَغَالِيْقُهُمَا إِلَيْكَ، وَأَنْتَ

بِهِشْتَ وَأَنْشَ از آن تو و به دست توست و کلیدها و قفل‌های شان به سوی توست، و تو

عَلَى ذَلِكَ قَادِرُ، وَهُوَ عَلَيْكَ هَيْنٌ يَسِيرٌ، فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ

بر آن توانایی، و آن امر بر تو سهل و آسان است، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛

يَا قَدِيرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَحَسِبْنَا اللَّهُ

ای توانا؛ و هیچ جنیش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ؛ و خدا ما را کافی است،

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و خوب پشتیبانی است؛ خوب سرور، و خوب باری‌کننده‌ای است. و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ . ۱

پروردگار جهان است. و خداوند بر سورمان محمد و آل پاکش درود فرستد.

علی بن حمّاد می‌گوید: این دعا را از ابوالحسن علی علوی عربی‌گرفتم و او با من شرط کرد که آن را به مخالف ندهم و به هیچ کس ندهم مگر آن که مذهبش را بدانم، و بدانم که او از دوست‌داران آل محمد ﷺ است؛ این دعا پیش من و برادران دینی‌ام (شیعیان) بود تا آن که یک قاضی اهوازی که مخالف مذهب بود در بصره نزد من آمد. او در گذشته به من احسان کرده بود و در شهرش به او احتیاج پیدا کرده بودم و در خانه‌اش بودم. شاه او را گرفته و بیست هزار درهم از او خواسته بود.

دلم به حالت سوخت، بر او رحم نموده و این دعا را به او دادم. او دعا را خواند، هنوز یک هفتۀ تمام نشده بود که شاه او را بخسید و بیست هزار درهم را از او نخواست و با احترام، او را به شهرش باز گردانید و من او را تا «ابله» مشایعت نمودم و به بصره بازگشتم.

بعد از چند روزی دعا را نیاز داشتم اماً نیافتیم، و تمام کتاب‌هایم را جستجو نمودم ولی هیچ اثری از آن ندیدم. پس، دعا را از ابو مختار حسینی خواستم که او نیز نسخه‌ای از دعا داشت اماً در کتاب‌های او نیز نیافتیم؛ تا بیست سال دنبال دعا می‌گشتیم اماً نمی‌یافتیم؛ فهمیدم که این مجازاتی است از طرف خداوند عز و جل؛ چون دعا را به مخالف مذهب داده بودم؛

بیست سال که گذشت، دعا را در کتاب‌های خود یافتیم در حالی که بارها به دنبال دعا گشته بودیم؛ لذا، با خود عهد کردم جز به کسی که اطمینان به دینش داشته باشم - که از معتقدان به ولایت آل رسول ﷺ است - دعا را ندهم بعد از این که از او هم عهد بگیرم که این دعا را جز به کسی که لا یق آن است ندهد و از خدا کمک می‌جوییم و بر او توکل می‌کنیم.^۱

در کتاب «جواهر المنشوره» سید عبدالحسیب علوی، جملاتی بیش از آنچه در «مهج الدعوات» است وارد شده که چنین است:

وَصَلَ اللَّهُمَّ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاِ، وَأَفْضَلِ الْأَصْفَيَاِ،
 وَأَعْلَى الْأَزْكِيَاِ، وَأَكْمَلِ الْأَتْقِيَاِ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًاً وَتَذِيرًاً،
 وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ، وَسِرَاجًا مُنِيرًاً، مُحَمَّدٌ الْمُصْطَفَى وَالْهِ
 مَفَاتِيحُ أَسْرَارِ الْعُلَى، وَمَصَابِيحُ أَنْوَارِ التَّقْىٰ. وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ
 اتَّبَعَ الْهُدَى، وَصَلَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ
 طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَأَخْصُصْ
 مُحَمَّدًا بِأَفْضَلِ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ. اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا فِيهِمْ، وَاغْفِرْ
 لَنَا مَعَهُمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدای من؛ بر سرور انبیا و پهترین اولیا و برترین برگزیدگان
 و والترین پاکان و کامل ترین پرهیزکاران که او را به حقیقت بشارت دهنده و ترساننده فرستاده؛
 و دعوت کننده به سوی خدا به اذن خدا، و چراغ روشنگر، یعنی حضرت محمد ﷺ برگزیده و آل او
 کلیدهای اسرار بلندمرتبه و چراغ‌های پرنور پرهیزکاری هستند - درود فرست. و سلام بر کسی که
 از هدایت پیروی نماید، و درود فرست بر تمام انبیا و رسولان، و بر تمام
 فرمانبردارانت اعم از آسمانیان و زمینیان؛ و محمد ﷺ را مخصوص گردان
 به برترین درودها و سلامها. خدای؛ ما را در میان ایشان رحمت رسان، و ما را با آنان بیامز؛

به خاطر رحمت خودت، ای مهریان ترین مهریانان؛

نویسنده کتاب «جواهر المنشورة» می‌گوید: دعاایی را که بعد از این ذکر می‌شود به خط جدّم محقق داماد علیه السلام یافتم و در آخر دعای علوی مصری خوانده می‌شود:

أَللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ، وَبِقُدْرَتِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ، وَلَا حَوْلَ

خدای من؛ حمله کننده به کمک تو حمله می‌کند؛ و به کمک قدرت تو غلبه کننده غلبه می‌کند؛ و هیچ جنبش و توانی

لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ، وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا ذُو الْقُوَّةِ إِلَّا مِنْكَ،

برای هیچ جنبنده و توانائی نیست، مگر به کمک تو؛ و هیچ قویی نیست که قدرت داری را ممتاز کند، مگر آن که از توست؛

بِصَفَوْتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخِيرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٌ نَّبِيُّكَ وَعَتْرَتِهِ

تو را به حق برگزیده خلقت، و انتخاب شده از آفریدگانیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر و خاندان

وَسُلَالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، صَلَّى عَلَيْهِمْ، وَأَكْفِنِي شَرَّ هَذَا

و دودمانش - که بر او و آنان درود باد - بر آنان درود فرست، و مرا از شر این

الْيَوْمَ وَضُرَّهُ، وَأَرْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ، وَأَفْضِلِي فِي مُتَصَرَّفَاتِي

روز و سختی آن کفایت کن، و خیر و خوبی آن را روزیم گردان، و در تمام تصرفات من و کارهایی که انجام می‌دهم

بِحُسْنِ الْعَافِيَةِ، وَبِلُوعِ الْمَحَبَّةِ، وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ، وَكِفَايَةِ

عافیت نیکو مرحمت فرما و محبت و دستیابی به آرزو و کفایت

الْطَّاغِيَةِ الْمُغْوِيَةِ، وَكُلِّ ذِي قُدْرَةِ لِي عَلَى أَذِيَّةِ، حَتَّى أَكُونَ فِي

از سرکشان فریبدهنده، و هر صاحب قدرتی که قصد اذیت و آزار مرا دارد؛ مرحمت کن تا در

جُنَاحِ وَعِصْمَةِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةِ، وَأَبْدِلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَاوِفِ

حفظ و پوشش و پناه باشم، از هر بلا و عذابی، و در کارهایم، هر چیز ترسناکی را

أَمْنًا، وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْرًا، حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادًّا عَنِ الْمُرَادِ،

به امن و امنیت مبدل کن، و مواعن را آسان گردان تا هیچ بازدارندهای مرا از آن چه تصمیم گرفتم باز ندارد،

وَلَا يَحِلُّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَذَى الْبِلَادِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

و هیچ پیش آمد ناگواری از اذیت و آزار شهرها بر من وارد نشود؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی

وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ

و همه کارها و امور مخلوقات به سوی تو بازمی‌گردد. ای کسی که چیزی همانند او نیست، و او شنوای

الْبَصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .^۱

بیانات، و حمد و ستایش شایسته خداوند است که پروردگار جهانیان است.

روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء است

ابو سلیمان بن اورمه می‌گوید: در روزگار متوكّل به سامرا رفتم و بر سعید حاجب (دربان) وارد شدم، و متوكّل ابا الحسن علیه السلام را به او سپرده بود تا آن حضرت را به قتل برساند. چون بر او داخل شدم، گفت: آیا دوست داری به سوی خدایت نظر کنی؟ گفتم: پاک و منزه است خدا؛ خدای من را چشم‌ها درک نمی‌کنند و دیدگان از دیدنش عاجزند.

گفت: همان که گمان می‌کنید او امام شما است. گفتم: از این دیدن بدم نمی‌آید.

گفت: دستور قتل او را داده‌ام و فردا او را می‌کشم؛ و در نزد او اکنون پیام‌رسانی است چون خارج شد نزد او برو. کمی که گذشت و آن پیام‌رسان از نزد امام علیه السلام خارج شد رفت، سعید حاجب به من گفت: نزد او (امام علیه السلام) برو.

داخل خانه‌ای که امام در آن زندانی بود شدم، آن حضرت را دیدم که در کنار قبر حفر شده‌ای هستند؛ داخل شدم و سلام کردم و سلام و به شدت گریستم.

حضرت فرمود:

چرا گریه می‌کنی؟

گفتم: به خاطر آن چه می‌بینم.

فرمود: به خاطر آن گریه مکن؛ زیرا این کار به دست آنان انجام نمی‌گیرد.

با فرمایش آن حضرت، اندوههم تسکین یافت. و بعد فرمود:

او بیش از دوروز زنده نمی‌ماند تا این که خدا، خون او و دوستش را که دیدی بریزد.

سلیمان می‌گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشت که کشته شد.

به ابو الحسن علیه السلام گفتم: این حدیث پیغمبر ﷺ است:



لَا تَعْدُوا الْأَيَّامَ فَتَعْدِيْكُمْ.

با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی می‌کنند.

حضرت فرمودند:

آری؛ ولی این گفتار رسول خدا ﷺ تأویلی دارد:

شنبه: رسول خدا ﷺ است.

یکشنبه: امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

دوشنبه: امام حسن و امام حسین علیهم السلام است.

سه شنبه: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام است.

چهارشنبه: موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السلام و من (علی بن محمد) هستیم.

پنجشنبه: فرزندم حسن علیه السلام است.

جمعه: قائم (قیام کننده) ما اهل بیت است.^۱

فضیلت دعای ندب



صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می‌گوید: از خواص دعای ندبه این است که هرگاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت و توجه امام زمان ارواحناfade را به آن مکان جلب می‌کند بلکه باعث حضور حضرت علی علیه السلام در آنجا می‌گردد؛ چنان‌که در بعضی جاها اتفاق افتاده است.^۲

آیة الله شیخ علی اکبر نهادنی علیه السلام در کتاب «العقربی الحسان» می‌گوید: در نوشته‌های حجت الإسلام حاج شیخ مهدی -که از کتاب سید جواد نقل کرده بود و او یکی از امام جماعت‌های مورد اطمینان در اصفهان و دارای مقامات عالی معنوی بود «و آسمان بر راستگو تراز او سایه نیفکنده بود» -دیدم که چنین نگاشته بود: روستای «صالح آباد» متعلق به من و چند شریکم بود. عده‌ای تصمیم گرفتند

۱. جمال الأسبوع: ۲۶.

۲. تکالیف الأنام في غيبة الإمام: ۱۹۷.

روستا را از ما به زور بگیرند و گروهی را به سوی ما فرستادند و هر چه صحبت کردیم سودی نداشت. عریضه‌ای برای امام ارواحنا فداء نوشتم و آن رادر جوی آبی رها کردم و به «تحت فولاد» رفتم و دعای ندبه را با تصریع و گریه خواندم و چند بار تکرار کردم «هل إلیک یا بن أَحْمَد سَبِيل فَتَلْقَى؟»؛ «ای فرزند احمد؛ آیا به سوی تو راهی هست که ملاقات شوی؟»، یک دفعه صدای پای اسبی را شنیدم و عرب اسب‌سواری را دیدم که به من نظری کرد و از دیده‌ام پنهان شد و قلبم با آن مشاهده آرام گرفت و راحت شد و اطمینان پیدا کردم که کارم درست می‌شود. شب بعد کارم به بهترین شکل درست شد؛ من، آن حضرت صلوات‌الله‌علیه را بارها در خواب دیده‌ام و او به همین اوصاف بوده است.^۱

سید رضا - که از علمای مورد اطمینان و اعتماد اصفهان است - می‌گوید: به خاطر قرض و فقر فراوان، به اموات متولّ شدم و از خداوند برای دویست نفر از آنان طلب مغفرت نمودم و آن‌ها را با اسم خاطرنشان ساختم؛ سپس به امام زمان صلوات‌الله‌علیه متولّ شدم و بعضی از عبارت‌های دعای ندبه مثل «هل إلیک یا بن أَحْمَد سَبِيل فَتَلْقَى؟» را خواندم؛ هنگام خواندن آن، نور خاصی حجره‌ام را روشن کرد که روشن‌تر از نور خورشید بود و در همان روز برایم گشایش کاملی حاصل شد.^۲

محمد نوری عليه السلام می‌گوید: آغا محمد که شخصی مورد اطمینان و عادل و امین و مجاور حرم عسکریین عليه السلام است؛ از زبان مادرش - که از زنان صالحه و اهل عبادت بود - برایم چنین نقل کرد: روزی به همراه خانواده مولا سلماسی در سردارب شریف بودم و آقا عليه السلام دعای ندبه می‌خواند و ما نیز به دنبال او می‌خواندیم. او همچون فرد آشفته و حیران و محزون گریه می‌کرد و مانند گرفتاران ضعّه می‌زد و ما نیز با گریه او گریه می‌کردیم و کسی غیر از ما آن جا نبود.

در همین حال بودیم که بوی مشک در سردارب منتشر شد و فضا و هوای سردارب را معطر کرد و چنان شدید شد که آن حالت از همه ما رفت و سکوت کردیم. «گویا بر سر ما پرنده‌ای است» و نمی‌توانیم حرکت کنیم، یا حرفی بزنیم. حیران و متحیر

۱. العبری الحسان: ۱۰۱/۲ الياقوت الأحمر.

۲. العبری الحسان: ۱۹۸/۲ الياقوت الأحمر.

ماندیم تا این که زمان اندکی گذشت و آن بوی خوش رفت و به حال اوّل برگشتم و به باقی مانده دعا مشغول شدیم. وقتی به خانه بازگشتم از آقا^{علیه السلام} علّت آن بوی خوش را پرسیدم، امتناع ورزید و گفت: تو را چه به این سؤال؟ و به من جواب نداد.

برادر برگزیده‌ام، عالم باوفا، و چراغ راه سالکین و عبادت پیشه‌گان آقا علی رضا اصفهانی^{علیه السلام} چنین به من گفت: از همین آقای بزرگوار روزی درباره دیدارش با حضرت حجّت عجل الله تعالى فرجه سئوال کردم - و اعتقاد داشتم که او هم مانند استادش سید بحرالعلوم خدمت امام زمان ارواحنا فاده شرفیاب شده است - ایشان همین جریان را حرف به حرف برایم تعریف کرد والحمد لله أولاً وآخرأ.^۱



دعای ندبه

علامه مجلسی^{علیه السلام} در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق^{علیه السلام} روایت می‌کند: خواندن دعای ندبه در اعياد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است.^۲

علامه مجلسی^{علیه السلام} در «مزار بخار» از سید بن طاووس^{علیه السلام} از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمد بن علی بن ابی قرّة گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سفیان بزوفری» نقل کرده‌ام و افزوده است که: آن، دعای امام زمان صفات الله علیه است که خواندنش در اعياد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری^{علیه السلام} در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس^{علیه السلام} و «مزار» محمد بن مشهدی با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعياد اربعه استحباب دارد.^۳ و دعا این است:

۱. دار السلام: ۲۲۴/۲.

۲. زاد المعاد: ۴۹۱.

۳. مکیال المکارم: ۹۳/۲.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سید و سرور ما (حضرت) محمد، پیامبر خدا

وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا . أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ

و بر آل او سلام و تحبیتی کامل. بار پروردگار؛ سپاس از آن توست در مورد آن چه که از قضا و قدرت

فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذَا خَرَتَ

در مورد دوستانت، جاری گشت؛ آن هایی که وجودشان را برای حضرت و برای دین خالص گردانیدی؛ زیرا که برگزیدی

لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقْبِمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

برای آن ها چیزهای بالرزشی که نزد تو است؛ از نعمت های پایدار که نایابی و زوال برای آن ها

اَضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا

نیست. البته پس از آن که زهد و رزیدن و بی رغبتی را در مورد این دنیا

الدَّنِيَّةِ، وَزُخْرُوفِهَا وَزِبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ

پست و زر و زیور آن با آن ها شرط نمودی؛ آنان نیز متعهد شدند و تو نیز

الْوَفَاءَ بِهِ . فَقَيْلَتْهُمْ وَقَرَبَتْهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ، وَالثَّنَاءَ

وفادری ایشان را دانستی. پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیکشان ساختی و نامی بلند و ستایشی

الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ

ارجمند به آنها دادی. و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و آن ها با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره مند ساختی

بِعْلِمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيْعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيْلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی.

فَبَعْضُ أَسْكَنَتَهُ جَنَّتَكَ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي

پس بعضی از آن ها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را در

فُلْكِكَ وَنَجَيَتَهُ وَمَنْ أَمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ

کشتنیات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهابی بخشیدی.

اَتَخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا ، وَسَأَلَكَ لِسَانَ صِدقٍ فِي الْآخِرِينَ

و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو لسان صدق و خوش نامی بین دیگران را درخواست کرد،

فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلْمَتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا،

اجابت نمودی و او را بلند آوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم کلام شدی

وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخْيَهِ رِدْءًا وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَادَتَهُ مِنْ غَيْرِ

و برادرش را وزیر و بارورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی

أَبٌ وَأَتَيْتَهُ الْبَيْنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقَدْسِ. وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ

و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح القدس تأییدش کردی. و برای هر کدام (از پیامبران) شرعیتی را عنایت

شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَأً، وَتَحْيَرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفَظًا

کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ

بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقْامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى

شرعیت باشد؛ در زمان‌های معین برای بربا داشتن دین تو و حجت بودن بر

عِبَادِكَ، وَلَئِلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقْرِرٍ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

بندگان تو تا این که حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود.

وَلَا يَقُولَ أَحَدُ لَوْلَا أَرَسْلَتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقْمَتَ لَنَا عِلْمًا

و تا این که کسی نگوید: (خدایا): اگر به سوی ما رسولی می‌فرستادی تا ما را بیم دهد

هَادِيًّا، فَتَتَّبِعَ أَيَّاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزِي. إِلَى أَنَّ انْتَهَيَتَ

و برای ما رهبری هدایت‌کننده می‌گماشتی ما پیش از خذلان و رسایی‌مان، از آیات پیروی می‌کردیم. تا این که

بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ

امر رسالت به حبیبت و رسول برگزیدهات، محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او

كَمَا انتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً مَنِ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنِ

همچنان که او را انتخاب کردی، سوره بندگان و زیده بندگان و برتر از همه برگزیدگان

اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَا إِنْكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى

و گرامی‌تر از همه معتقدان تو بود. او را بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر

الشَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأَتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ

جن و انس از بندگان مبعوث نمودی و شرق و غرب را زیرپای او و فرمان او قرار دادی و



الْبَرَاقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ إِلٰى سَمَاءِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا

بُراق را برایش مسخر کردی و او را به آسمان بالا برده و دانش آنچه بوده و خواهد

يَكُونُ، إِلٰى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّغْبِ، وَحَفَقْتَهُ بِجَبَرَيْلَ

بود را تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او بر دل دشمنانش اندختی، یاریش کردی و گردآورد او را به جبرئیل،

وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوْمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ

میکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند - احاطه نمودی و بدو وعده پیروزی دینش را

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَأْتَهُ مُبَوَّأً

بر تمامی ادیان دادی؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه

صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ

صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «اولین خانه‌ای را که برای (عبدت) مردم قرار داده شد،

لَّذِي بِكَثَّةِ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ

که در مکه است با برکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در آن است نشانه‌های آشکار مانند مقام

إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ أَمِنًا * ۚ وَقُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ

ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان خواهد بود. و گفتی: «خدواند اراده فرموده که

۱. در «مکیال المکارم» آورده است که «عرجت به» موافق نسخه‌ای است که آن را عالم ربیانی حاج میرزا حسین نوری رض در کتاب «تحییة الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمد بن المشهدی و «مصباح الزائر» سید بن طاووس رض نقل فرموده است و همه آن‌ها برگرفته شده از کتاب «محمد بن علی بن ابی قرۃ» است. ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده است و ظاهرآ بر اثر اشتباہی است که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبیه برخی کوتاه‌نظران و دشمنان گشته است؛ با این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می‌باشد و روایات ائمه علیهم السلام در آن متواتر و قرآن به آن گویا است.

تذکر ارزشمند: هنگام تأثیل در این عبارت، ملهم شدم که خود دعا، شهادت می‌دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به)، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده که بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است: این که کلمه «سخّرت له البراق» مترن به «عرجت به» شده است، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می‌گردد که همان صحیح است که گفتیم. چراکه عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد، واضح است.

اگر گفته شود: «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و عطف با «واو» اقضای ندارد که به طور قطع، عروج به آسمان با براق بوده باشد». در پاسخ می‌گوییم: «اگر هم پذیریم که «بروحه» صحیح است، این، معراج جسمانی را نفی نمی‌کند؛ زیرا اثبات فضیلاتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد. (مکیال المکارم: ۱۰۰/۲).

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۶، ۹۷.

عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُظَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا^۱. ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ

هر پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت پیامبر، ببرد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند. آن گاه پاداش رسالت

مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَالِهِ مَوَدَّتُهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لَا

حضرت محمد را - که درودهای تو بر او و آل او باد - دوستی آنان مقرر نموده و در کتابت فرمودی: «بگو

أَسَأْلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى^۲، وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ

من از شما پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم را». و فرمودی: (بگو) پاداشی که از شما خواستم

مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ^۳، وَقُلْتَ مَا أَسَأْلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ

آن هم برای خودتان و به نفع شما است» و فرمودی: (بگو) «من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم مگر آن که

شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا^۴، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلُ إِلَيْكَ،

هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش گیرد پس آنها همان راه به سوی تو هستند

وَالْمَسْلَكُ إِلَى رِضْوَانِكَ. فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيَهُ عَلَيَّ بَنَ

و طریق برای خشنودی تو می‌باشدند. پس وقتی مدت عمر پیامبر سپری شد، وصی و جانشین خود علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَالِهِمَا هَادِيًّا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ

ابی طالب - درودهای تو بر آن دو و آل آن دو باد - را برای هدایت امتحن برگزید؛ زیرا که خود او بیمدهنده بود،

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَائِكَةُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّ مَوْلَاهُ،

و برای هر قومی هدایتگری است. پس در حالی که همه در حضور او بودند چنین گفت: هر آن که من مولای اویم، پس علی مولای

أَللَّهُمَّ وَالِّي مَنْ وَالَّهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاحْذُلْ

اوست؛ پیوردها؛ دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن، یاری نما هر که او را یاری نماید و خارگردان

مَنْ خَذَلَهُ . وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلَيَّ أَمِيرُهُ . وَقَالَ أَنَا وَعَلِيُّ

هر که او را مخدول نماید. و گفت: هر که را من پیامبر او هستم، پس علی امیر و فرمانروای اوست. و فرمود: من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَاءِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتِّيٍّ، وَأَحَلَهُ مَحَلَّ

از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند. و او را قرارداد

هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى

در جایگاه هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: تو نسبت به من، همانند هارون برای موسی هستی،

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. سوره شوری، آیه ۴۷.

۳. سوره سباء، آیه ۵۷.



إِلٰهٌ أَنَّهُ لَا نَبِيٌّ بَعْدِي، وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ

جز این که پس از من پیامبری نیست. و دخترش را - که سرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود. و حلال کرد

لَهُ مِنْ مَسْجِدٍ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلٰلاً بَابَهُ. ثُمَّ أَوْدَعَهُ

از مسجدش برای او، آن چه برای خودش حلال بود. و همه درها (مسجد) را نیز جز در خانه علی بست. آن گاه

عِلْمَهُ وَحِكْمَتُهُ قَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ

علم و حکمتش را نزد او و دیده نهاد و فرمود: من شهر علم و علی درب آن، پس هر که می خواهد به

الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلَيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي

شهر علم و حکمت قدم نهاد، باید از دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصی من

وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من؛ سازش و آشتی تو، سازش و آشتی من

وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ، كَمَا خَالَطَ

و جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است همان گونه که با

لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَّاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي

گوشت و خون من آمیخته است؛ و فردای قیامت) تو خلیفه من بر حوض (کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که

دِينِي، وَتَنْجِزُ عِدَاتِي، وَشَيْعَتِكَ عَلَى مَنَابِرِ مِنْ نُورٍ مُبِيْضَةً

قرض مرا می پردازی و به وعده های من وفا می کنم و پیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره های سفید و نورانی

وْجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِبَرَانِي. وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ

در اطراف من در بهشتاند و آنان همسایه من می باشند. ای علی؛ اگر تو نبودی،

لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدَى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًاً

مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او انت را از گمراهی به هدایت و از تابیانی به

مِنَ الْعَمَى، وَحَبَلَ اللّٰهُ الْمَتَيْنَ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ، لَا يُسْبِقُ

بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه مستقیم او؛ هیچ کس در خوبشاوندی و

بِقَرَابَةٍ فِي رَحْمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ

نزدیکی با رسول خدا (علیه السلام) به اُنْمی رسد و هیچ کس در دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش

مَنَّاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَأَهْمًا. وَيُقَاتِلُ

با او برابری کند؛ زیرا او گام می‌نهاد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد. و پیکار

عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمٍ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ

می‌نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ در راه رضای خدا هیچ ملامتی، او را باز نمی‌داشت؛ به راستی که بزرگان

الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاوَشَ ذُؤْبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا

عرب را ترسانید؛ و شجاعان آنها را به خاک و خون کشید و با گرگ سفتان آنها مقابله کرد؛ به همین جهت دل‌های آنها

بَدْرِيَّةً وَخَيْرِيَّةً وَحَنِينَيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَاضَّبَتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ

پر از کینه شد از جنگ‌های بدرا، خیر، حنین و دیگر جنگ‌ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند

وَأَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ.

و به اختلاف درگیری روی آوردن تا این که پیمان‌شکنان، ستمگران و از دین بیرون رفته‌ان را به درک واصل کرد.

وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْآخِرِينَ، يَتَّبَعُ أَشْقَى الْآَوَّلِينَ،

وقتی آجلش به سر آمد و شقی‌ترین آخرین (امت) که از شقی‌ترین اولین پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛

لَمْ يُمْتَلِّ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ

فرمان رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره هدایت‌گران امت، یکی پس از

الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةَ مُصَرَّةً عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةً عَلَى قَطْبِعَةِ رَحْمِهِ،

دیگری، اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند تا نسل او را قطع کنند

وَإِقْصَاءٌ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ. فَقُتِلَ

و اولاد او را تبعید و آواره نمایند؛ جز اندکی که در رعایت حق فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی

مَنْ قُتِلَ، وَسُبِّيَ مَنْ سُبِّيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ

کشته شدند و گروه دیگری اسیر، جمعی دور از وطن، و حکم قضا و قدر الهی، بر آن‌ها جاری شد

لَهُمْ بِمَا يُرْجِي لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتِ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا

به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می‌رود. زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ

یک از بندگانش که بخواهد، ارت می‌دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است. و منته است پروردگار ما؛ به راستی که

وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

وعده او انجامشده است و هرگز خلف وعده نمی‌کند، و او عزت‌مند حکیم است.

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيٌّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا

پس بر پاکیرگان از آل محمد و علی - درود خدا بر آن‌ها

وَالْهِمَا فَلِيَبِكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلِيَنْدِبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ

و اهل بيت آن‌ها - باستی گریه‌کنندگان اشک برینزند و بر آنان زاری‌کنندگان زاری نمایند و برای امثال آن بزرگواران،

فَلَتُذْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلَيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِّجَ الضَّاجُونَ،

باید سرشك از دیدگان جاری شود و شیون‌کنندگان شیون از دل برکشند و ضجه‌کنندگان فریاد بزنند

وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ. أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ أَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ،

و ناله‌کنندگان ناله جانسوز سر دهنده که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ،

که هر یک شایسته‌ای پس از شایسته‌دیگر، و راست‌گویی بعد از راست‌گویی دیگر بودند؛ کجاست راه راست پس از راه راست دیگر؟

أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْوُسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ

کجایند برگزیدگان یکی پس از دیگری؟ خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماههای

الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الْزَاهِرَةُ، أَيْنَ أَغْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ،

فروزان کجایند؟ ستارگان درخشان کجایند؟ نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های داشت کجایند؟

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللّٰهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتَرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقْطَعِ

باقي‌مانده حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایت‌گر خالی نخواهد بود. کجاست آن که برای قطع

دَابِرِ الظَّلَمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْمَتِ وَالْعِوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى

دبالة‌ستمکاران آمده گشته است؟ کجاست آن که انتظارش را می‌کشند که کج روی‌ها و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که

لَا زَالَةُ الْجَوْرِ وَالْعُدُوانِ، أَيْنَ الْمُدَّخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

برای براندازی ظلم و بیدادگری به او آمید است؟ کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کدن واجبات و سنت‌های الهی؟

أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعْادَةِ الْمِلَةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ

کجاست آن منتخب برای بازگرداندن کیش و آین؟ کجاست آن که آرزو می‌رود بباید



الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ. أَيْنَ قَاصِمُ وَقَرْآنٍ وَ حَدُودَش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه‌های دین و اهل آن؟ کجاست او که شوکت ستمکاران را درهم می‌شکند؟ کجاست آن که بنيادهای شرک و نفاق را ویران می‌کند؟ کجاست او که الفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالْطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ، فاسقان، نافرمان و طغیان‌گران را به هلاکت می‌کشند؟ کجاست آن که شاخه‌ای گمراهی و بدیختی را درو می‌کند؟

أَيْنَ طَامِسُ اثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ. أَيْنَ قَاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ کجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محظوظ می‌نماید؟ کجاست آن که رشته‌های دروغ وَالْأَفْتَرِاءِ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعَتَاهِ وَالْمَرَدَةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ و افترا را قطع می‌کند؟ کجاست نابودکننده سرکشان و تمزدکنندگان؟ کجاست آن که ریشه معاندان،

وَالتَّضْلِيلِ وَالْأَلْحَادِ، أَيْنَ مُعَزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذْلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ گمراهان و کافران را بُرکند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که جامِعُ الْكِلِمَةِ عَلَى التَّقْوَىِ، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ اتحاد کلمه بر اساس تقوا و پرهیزکاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ آن (چهره و) آئینه تمام‌نمایی خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند بین الأرضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاسِرُ رَايَةِ الْهُدَىِ، زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازندۀ پرچم هدایت؟

أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَاِ. أَيْنَ الطَّالِبُ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ کجاست گردآورنده پراکنده‌های درست‌کاری و مصلحت و خشنودی؟ کجاست آن که برای خون پیامبران وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ أَيْنَ الْمَنْصُورُ و فرزندان آن‌ها خونخواهی می‌کند؟ کجاست آن که به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که عَلَى مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُ الَّذِي يُجَاهُ إِذَا بر هر ظالم تجاویر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر

دَعَا، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ دُو الْبِرِّ وَالْتَّقْوَىٰ، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ

دعا کند اجابت می شود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و صاحب تقوا و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر

الْمُصْطَفَىٰ وَابْنُ عَلِيٰ الْمُرْتَضَىٰ وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ

مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه

الْكُبْرَىٰ . بِأَبِي أَنَّتَ وَأَمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَىٰ، يَابْنَ

کبیری؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و سپر و حامی تو باشد ای فرزند

السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَابْنَ النُّجَابَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيَّينَ،

سروران مقرب؛ ای فرزند انسانهای اصلی و تحیب و بزرگوار؛ ای فرزند هدایتگران هدایتشده؛

يَابْنَ الْخِيرَةِ الْمُهَذَّبِينَ، يَابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَابْنَ الْأَطَابِ

ای فرزند برگزیدگان مهدب (خداسخته)؛ ای فرزند سروران شرافتمند؛ ای فرزند نیکوتربین

الْمُطَهَّرِينَ، يَابْنَ الْخَضَارَمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ، يَابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ.

پاکان؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشندۀ، همانند دریاهای پرچود؛ ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی؛

يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُنْبِرَةِ، يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضَيَّةِ، يَابْنَ الشُّهَبِ

ای فرزند ماههای تابان؛ ای فرزند چراغهای تابان؛ ای فرزند شهابهای

الثَّاقِبَةِ، يَابْنَ الْأَنْجُمِ الْزَّاهِرَةِ، يَابْنَ السُّبْلِ الْوَاضِحَةِ، يَابْنَ

تابنده؛ ای فرزند اختران فروزان؛ ای فرزند راههای روشن؛ ای فرزند

الْأَعْلَامِ الْلَّائِحَةِ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ،

نشانههای آشکار؛ ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی؛ ای فرزند سنن و روش‌های پسندیده مشهور (آسمانی)؛

يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَابْنَ الدَّلَالِلِ

ای فرزند نشانههای برجای مانده؛ ای فرزند معجزات پایان نیافته و موجود، ای فرزند دلیلهای

الْمَشْهُودَةِ، يَابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَابْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، يَابْنَ مَنْ

دیده شده؛ ای فرزند راه راست؛ ای فرزند خبر بزرگ؛ ای فرزند کسی که

هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللّٰهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَابْنَ الْأَيَّاتِ وَالْبَيِّنَاتِ،

در آم الكتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است. ای فرزند نشانهها و بیتات (حجت‌های آشکار خداوند)،

يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ،

ای فرزند دلایل آشکارا، ای فرزند برهان‌های نمایان و روش،

يَابْنَ الْحُجَّاجِ الْبَالِغَاتِ، يَابْنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَابْنَ طَهِ

ای فرزند حجت‌های رسا، ای فرزند نعمت‌های فراوان و فراخ، ای فرزند طه

وَالْمُحْكَمَاتِ، يَابْنَ يَسَّ وَالذَّارِيَاتِ، يَابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ،

و آیات محكم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات،

يَابْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنْوًا وَاقْتِرَابًاً

ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و در اویخت (به مقام قرب حق تعالی) به اندازه فاصله دو سرکمان و یا نزدیکتر، نزدیک

مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوْىِ، بَلْ أَيْ

به خدای علی اعلی. ای کاش می‌دانستم کجا اقامت گزیده‌ای؛ بلکه کدام

أَرْضٌ تُقْلِكَ أَوْ ثَرَى، أَبِرَضْوَى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوى، عَزِيزُ

سرزمین یا منطقه‌ای اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟ بسیار

عَلَيَّ أَنْ أَرِي الْخَلْقَ وَلَا تُرُى، وَلَا أَسْمَعَ لَكَ حَسِيبًا وَلَا نَجْوَى،

بر من سخت است که همه را می‌بینم و تو دیده‌نمی‌شوی؛ و از تو هیچ صدا و هیچ رازی را نشنوم؛

عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِيَ الْبَلْوَى وَلَا يَنَالَكَ مِنِي ضَجَيجُ

بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی و از من هیچ ناله

وَلَا شَكْوَى. بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيِّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنْا، بِنَفْسِي أَنْتَ

و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه

مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ

از نظرم دوری ولی از ما جدا نیستی؛ جانم فدایت تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق

مُؤْمِنٌ وَمُؤْمِنَةٌ ذَكَرَا فَحَنَا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامِي،

مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یاد ناله سر دهند. جانم فدایت تو آن سرشته عزی هستی که هم‌طراز از برایت نتوان یافته؛

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نَعْمَ

جانم فدایت تو از ارکان مجد و شرف و بزرگواری هستی که هم‌قطاری نداری؛ جانم فدایت تو از نعمت‌های دیرین خدای



لَا تُضاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُساوِي. إِلَى مَتَى

هُسْتِيَ كَه مانندی نخواهد داشت؛ جانم فدایت، تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی

أَحَارُ فِيكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِلَى مَتَى وَأَيَّ خَطَابٍ أَصِفُّ فِيكَ وَأَيَّ

سَرْگَدانْ تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تو ببردارم؟ و چگونه

نَجْوَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ

رازِ دل بگویم؟ بر من بسی گران است که غیر تو پاسخ را بدده و سخنان فربینده و خوش آیند برايم بگويد؛ بسی مشکل است بر من

أَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا

که بر دوری تو بگریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آن چه (از مشکلات) می گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو

جَرِى. هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلَ مَعْهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزْوعٍ

نَگذرد. آیا کسی هست که مرا کمک تا همراه با او ناله و شیون طولانی سردهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری

فَأُسَاعِدَ حَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتُ عَيْنَ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى

کند و من هم در تنهايی او با زاري و گريه ياريش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاك رفته است تا چشم من در اشك ريختن

الْقَذِيَ، هَلْ إِلَيَّكَ يَابَنَ أَحْمَدَ سَبِيلُ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ

با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا روز جدایي ما

بِغَدِهِ بِعِدَةٍ فَنَحْظَى. مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرْوَى، مَتَى نَنْتَقَعُ

به فردایي می رسد که روز وصال و بهرمندی از جمال مقداست باشد؟ کی می شود که بر چشمه های سیراب کنندات در آییم و

مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نُغَادِيَكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنَقْرَ

سیراب گردیم؟ کی می شود که از آب زلال و گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می شود که با تو صبح و شام کنیم

عَيْنَاً، مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ النَّصْرِ تُرَى. أَتَرَانَا

و چشممان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرجم نصر و ظرفت

نَحْفٌ بِكَ وَأَنْتَ تَامُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ

را گستره باشي؟ آیا خواهی دید ما را که بر گرد تو حلقة زدهایم و تو بر مردم امامت کنی در حالی که زمین را بر از عدل

أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتَ الْعُتَاهَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعَتْ

و داد کردهای، و به دشمنات خواری و عقوبت را چشانده باشي و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشي، و

دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَثَثَ أَصْوَلَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ

ريشه متکبران را قطع نموده و اساس ستم کاران را از بین و بن برکنده باشی و ما آن موقع می‌گوییم: سپاس

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ。 أَللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَافُ الْكُرْبَابِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ

مخصوص پروردگار جهانیان است؟ بار خدایا؛ تو بطرف‌کننده غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درددل و تو را

أَسْتَغْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدُوِيِّ، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا، فَاغْتِ يَا

به فریاد می‌طلیم که یاری رساندن برای انتقام‌گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی؛ پس دریاب ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغْيِثِينَ عَبْيَدَكَ الْمُبْتَلِيِّ، وَأَرِهِ سَيِّدَهِ يَا شَدِيدَ القُوَىِ،

فریادرس فریاد خواهان؛ بندۀ کوچک گرفتار خود را؛ و آقایش را نشانش ده ای نیرومند بسیار مقتدر؛

وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسْيِ وَالْجَوْيِ، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ

وبه این وسیله غم و اندوه و درد سینه‌اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام‌کن؛ ای کسی که بر عرش مسلط هستی

أَسْتَوِيِّ، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَىِ وَالْمُنْتَهَىِ。 أَللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبْيَدُكُ

و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست. خدایا؛ ما بندگان توئیم که

الْتَّائِقُونَ إِلَى وَلِيَّكَ الْمُذَكَّرِ بِكَ وَبِنَيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَادًاً،

شیفتۀ ولی تو هستیم؛ او که یادآور تو و پیامبر است، و تو او را برای حفظ و نگهداری ما و پناه ما آفریدی،

وَأَقْمَتَهُ لَنَا قَوَاماً وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِمَاماً، فَبَلَّغْهُ مِنْ

و او را بربا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما، پیشوا قرار دادی؛ پس

تَحِيَّةً وَسَلَامًاً، وَزِدْنَا بِذِلِّكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا

سلام و تحیت ما را به او برسان، و به وسیله آن، بر کرامت ما بیفرزا؛ ای پروردگار ما؛ و جایگاه او را

مُسْتَقَرًا وَمُقاَمًا، وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْاهُ أَمَانَنا، حَتَّى

جایگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با مقدم داشتن او را پیشاپیش ما، نعمت را بر ما کامل گردان تا

تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشَّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ。 أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

ما را به بهشت خود وارد نمایی و همنشین شهیدان مخلصت قرار دهی. خدایا؛ بر

حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ

حجهت و ولی امرت درود فرست؛ و درود بفرست بر محمد جد او، پیامبر، آن بزرگوارترین



الْأَكْبَرِ، وَصَلَّى عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ، وَحَامِلِ اللَّوَاءِ فِي

آفه؛ و بر پدرش علی، آقای دلیر و سلحشور و شجاع، و برپا دارنده پرچم در صحرا

الْمَحْشِرِ، وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَالْأَمْبَرِ عَلَى سَائِرِ

محشر؛ و سیراب کننده دوستدارنش از نهر کوثر؛ و فرمانروا بر تمام

الْبَشَرِ، الَّذِي مَنْ أَمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ

بشر؛ که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد، به

خَطْرٌ وَكُفَّرٌ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلَهِمَا الْمَيَامِينِ

خطر بزرگ و کفر افندی درود خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان شان که نیک بختان

الْغُرَرِ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ. وَعَلَى جَدَّهِ الصَّدِيقَةِ

و بزرگوارند. مادامی له حورشید می تابد و ماه نور می افشدند. و درود بر مادربزرگ او، صدیقه

الْكَبِيرَىٰ، فاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ بُنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ، وَعَلَيْهِ مَنِ

اصطَفَيْتَ مِنْ أَبَائِهِ الْبَرَّةَ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَّمَ وَأَدْوَمَ

تو برگزیدی از پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل ترین، تمام ترین، بادوام ترین،

وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلِّيْتُ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ اصْفِيَائِكَ ، وَخَيْرِ تِكَ مِنْ بِسْتِرِينَ ، وَ فَرَاوَانَ تِرِينَ دَرُودَ وَ رَحْمَتِي كَهْ بِرْ هَرْ يَكْ ازْ بِرْگَزِيدَگَانْ وَ نِيكَانْ ازْ

خَلْقِكَ، وَصَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهايَةَ لِمَدَدِهَا،

بندگانت فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که بیشمار و پایان ناپذیر و بی انتهایست

وَهُنَّاكُمْ بِهِ مُدْهَىٰ . اللَّهُمَّ وَاقِمْ بِهِ الْحَقِّ ، وَادْجُحْ بِهِ الْبَاطِلِ

۱. این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر» چاپ سنگی بدون شماره صفحه، «زاد المعاد علامہ مجلسی» (ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۲۵۵/۳)، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آیة الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامہ میرزا محمد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامہ سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۹۹/۲)، «منهاج العارفین» علامہ سمنانی (ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقية» (ص ۷۲۸)، «هدایة الزائرين» محدث قمی (ص ۶۴۸) و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر.

وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَائَكَ، وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ

و دوستانت را توسط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما. خدای من؛ بین ما و او

وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَاقَّةٍ سَلْفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزِهِمْ،

پیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده‌اند

وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعْنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْأَجْتِهَادِ

و در سایه آنان زندگی می‌کنند. و ما را یاری کن در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن

فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا

در اطاعت از او، و دوری کردن از نافرمانی او، و بر ما مت بگذار به خشنودی او و

رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدَعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ،

مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدين وسیله به رحمت واسعة تو دست یابیم

وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً،

و نزد تو به کامیابی نایل شویم؛ و قرار بده نماز ما را به واسطه او قبول شده، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده شده

وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا بِهِ

و دعاهای ما را به واسطه او مستجاب شده، و روزی‌های ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوههای ما را به واسطه او

مَكْفِيَةً، وَحَوَّأْجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلَ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

برطرف شده؛ و حوابیج ما را توسط او برآورده شده، و با چهره کریمانهات به ما توجه کن و روی اور.

وَأَقْبِلْ تَقْرَبَنَا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا

و تقرب و توصل ما را به درگاهت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که

الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنْا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ

به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و بزرگواریت نظر لطف خود را از ما باز مگیر و از حوض

جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَائِسِهِ وَبَيَدِهِ رَيَاً رَوِيَاً، هَنَيْئًا سَائِعًاً،

جذش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب کردنی کامل و گووارا و خوش

لَا ظَمَأَ بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۖ ۱

که پس از آن تشنگی نباشد؛ ای مهریان ترین مهریانان؛

۱. تحفة الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و مصباح الزائر: ۴۴۶ (با تفاوت اندک).

دعا در روز جمعه

بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره «توحید» بخوانند، و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

خداوند؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالى فرجه

در روز جمعه

شیخ طوسی رض در «مصاحف المتهجد» فرموده است: هر گاه کسی خواست روز جمعه بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستند چنین بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعِلْ صَلَاتَكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خود را بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

و آل محمد نثارکن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

يا بگويد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ .

بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

وی در جای دیگر می‌گوید: روایت شده است که صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۝

بارالهایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.



دعای دیگری برای ظهرور آن حضرت در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۝

بارالهایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشد ده مرتبه، و بالآخره اگر نتوانست هر چه
توانست بخواند.^۱



۲۵۷

صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداء خواهد بود

از مولای مان جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ۝

بارالهایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم صلوات الله عليه خواهد بود.^۲

۱. مصباح المتهجد: ۳۸۷.

۲. البلد الأمين: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۳۳۱/۸۹ وارد شده است.

۳. بحار الأنوار: ۶۵/۹۰.

دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالى فرجه
در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهِيأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعِدَ لِوْفَادَةِ إِلَى

خدایا؛ هر کس در این روز مهیا گشته یا آمده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته تا نزد

مَخْلُوقٍ، رَجَاءً رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَالْيَكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ

مخلوقی برود و امید پاداش و عطیه و بخششی از او دارد؛ پس ای آقای من؛

وَفَادَتِي وَتَهْيَئَتِي وَاعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ، وَجَوَازِزِكَ

کوچ کردن من و مهیا شدن من و حاضر گشتن من و آمادگی من به سوی تو به امید پاداش و بخشش تو

وَنَوَافِلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِتِكَ

است. بار خدایا؛ بر بنده و فرستادهات و برگزیده

مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيُّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يَا

از بندگانت، محمد صلوات الله عليه وآله وسلام، و بر علی علیه السلام امیر مؤمنان و وصی پیامبر درود فرست، و ای

رَبِّ عَلَى أَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٍ،

پروردگارم؛ درود فرست بر پیشوایان مؤمنان: امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر ...

و امامان را تا آخر نام ببر تابه نام صاحبت (حضرت مهدی ارواحنا فداء) بررسی و بگو:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا. اللَّهُمَّ اظْهِرْ بِهِ

خدایا؛ گشايشی آسان برايش مقرر فرما؛ نصرتی باعرت عنایتش فرما؛ خداوندان؛

دِينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ

دینت را و نیز سنت پیامبر را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی از ترس هیچ کسی

أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ. أَللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بَهَا

پوشیده ندارد. خدایا؛ ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت،

الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتَذَلُّلُ بَهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ

که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلش را خوار و ذلیل کنی، و ما در آن دولت، از فراخوانان

إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادِةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا

به فرمانبرداریت، و از رهیان راه خودت قرار ده؛ و کرامت دنیا

وَالْآخِرَةِ. أَللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقٍّ فَعَرَّفْنَاهُ، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلَغْنَاهُ.

و آخرت را روزیمان فرما. خدایا؛ آنچه از حق و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتنیم، ما را به آن برسان.

در اینجا برای امام عصر صلوات‌الله‌علیه‌دعا کن، و دشمنانش را نفرین نما، و حاجت

را درخواست کن، و سخن آخرت این گونه باشد:

أَللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، أَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرْ فِيهِ فَيَذَكَّرْ.

خدواندا؛ (دعای ما را) به اجابت برسان، خداوندا؛ ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند.

حکایت صلوات ضرّاب اصفهانی

سید بزرگوار علی بن طاووس رض می‌گوید: ذکر صلواتی بر پیامبر و آل او صلوات اللہ علیہ وآلہ وسلم (در عصر جمعه) که از مولای مان حضرت مهدی ارواحنا فداء روایت شده است (و به قدری اهمیت دارد که) اگر تعقیب نماز عصر را به خاطر عذری ترک کردی آن را ترک نکن، به دلیل جریانی که خداوند ما را بدان مطلع نمود.

گروهی که در چند مورد از آنها پیش از این یاد کردم، با سلسله سندشان به جدّم، ابی جعفر طووسی رض به من خبر دادند که گفت: به من خبر داد حسین بن عبیدالله از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلعکبری که گفتند: به ما خبر داد ابوالعباس احمد بن علی رازی در آن چه در کتابش «الشفاء والجلاء» روایت کرده از ابی الحسین محمد بن جعفر الأسدی رض که گفت: حدیث کرد برای من حسین بن

محمد بن عامر اشعری قمی، او گفت: حدیث کرد برای من یعقوب بن یوسف ضرائب غسانی به هنگام بازگشت از اصفهان و گفت:

من در سال ۲۸۱ هـ حجّ گزاردم در حالی که با گروهی از سئی‌های شهرم بودم.
وقتی به مکه رسیدم گروهی از آن‌ها پیش دستی کرده منزلی را در کوچه‌ای میان بازار شب (اسم آن بازار بوده) برای مان اجاره نمودند؛ و آن خانهٔ خدیجه و معروف به «دارالرضا» بود، و پیرزنی گندمگون در آن جا سکونت داشت؛ از او (وقتی دانستم که آن جا «دارالرضا» نام دارد) پرسیدم: با صاحبان این خانه چه نسبتی داری؟ و چرا خانه را بدین نام خوانده‌اند؟

پیرزن گفت: من از خدمتگزاران آن‌ها هستم و این، خانهٔ علیّ بن موسی الرضا علیه السلام بود و امام حسن عسکری علیه السلام مراد راینجا سکونت داده است و من در خدمتش بودم.
وقتی این سخن را از او شنیدم، آن را از همراهان خود پنهان ساختم و با آن پیرزن مأнос شدم. شب‌ها وقتی از طواف بازمی‌گشتم با آن‌ها در رواق خانه می‌خوابیدم، و درب را می‌بستیم و پشت آن، سنگ بزرگی قرار می‌دادیم.

چند شب نور چراغ را - در رواقی که بودیم - شبیه به نور مشعل دیدم. و دیدم که درب باز شد - بدون این که کسی از ما آن را بگشاید - و مردی چهار شانه و گندمگون مایل به زرد که در سیماش اثر سجده بود و پیراهن و شلواری نازک بر تن داشت و خود را پوشانده بود و نعلین قوس‌داری به پا کرده بود به طرف اتاق همان زن بالا رفت؛ همان اتاقی که پیرزن ما را منع می‌کرد و می‌گفت: دخترش آنجاست.

همان نوری را که در رواق دیدم، هنگام بالا رفتن مرد به طرف اتاق بر روی راه پلّه و نیز داخل اتاق مشاهده نمودم، بدون این که چراغی را ببینم! و همانند آنچه را که من دیدم آنها هم که با من بودند مشاهده کردند و گمان می‌کردند که مرد برای متعه (ازدواج مؤقت) با دختر آن زن آمده است.

آنان می‌گفتند: این‌ها علوی هستند و متعه را جایز می‌شمارند (در حالی که در مذهب آن‌ها حرام بود)، به هر حال، آن شخص را می‌دیدم که داخل می‌شد و خارج

می‌گردد در حالی که سنگ، هم‌چنان در جای خود بود. ما، در راهم از خوف اموال مان می‌بستیم و نمی‌دیدیم که کسی آن را باز و بسته کند، ولی آن شخص داخل می‌شد و خارج می‌گشت؛ سنگ هم همان‌گونه بود تا آن که وقت خارج شدن خودمان آن را کنار می‌زدیم.

وقتی این جریان را دیدم، قلبم به طیش افتاد و هیبت آن شخص در دلم واقع شد و با پیروزی مهربانی نمودم و دوست داشتم از حال آن شخص بیشتر بدانم.

به او گفتم: ای زن؛ دوست دارم با تو سخن بگویم ولی دوستانم نباید متوجه شوند؛ بنابراین، اگر مرا در اتفاق تنها دیدی نزد من بیاتا از تو پرسشی نمایم.

زن به سرعت به من گفت: من نیز می‌خواهم رازی را با تو بگویم، ولی به دلیل حضور دوستانت چنین فرصتی پیش نیامد.

گفتم: می‌خواهی چه بگویی؟ گفت: می‌گویند: -ونام کسی را نبرد! -با همراهان و شریکانت خشونت و تندی نکن و با آن‌ها به نزاع و کشمکش مپرداز؛ چرا که آنان دشمنان تو هستند و با آن‌ها مداراکن.

گفتم: چه کسی این‌ها را می‌گوید؟

گفت: من می‌گویم؛ و دیگر هیبتش نگذاشت که بیش از این بپرسم.

گفتم: حالا کدام همراهانم منظور توست؟ (و گمان می‌کردم همین همراهانم را در سفر می‌گوید).

گفت: شریکانی که در وطن داری و در این خانه نیز همراه تو می‌باشند.

در منزل بین من و همراهانم گفتگوهای تند و برخوردهای خشن نسبت به مسائل دینی اتفاق افتاده بود و آنان در مورد من سخن‌چینی کردند تا این که فرار نمودم و از آن‌ها پنهان شدم و این‌گونه بود که فهمیدم مراد او، همان‌هاست.

سپس به او گفتم: تو با «رضاء الله» چه نسبتی داری؟

گفت: من خدمتکار حسن بن علی عسکری بودم. وقتی مطمئن شدم که او راست می‌گوید، با خود گفتم: از او درباره امام غایب ارواحنا فداء بپرسم.

گفتم: تو را به خدا؛ آیا او را با چشمانت دیدی؟

گفت: ای برادرم؛ من او را با چشمانت ندیدم، وقتی من خارج شدم، خواهرم حامله بود. حسن بن علی عسکری علیه السلام به من بشارت داد که امام علی علیه السلام را در آخر عمرم خواهم دید، سپس به من فرمود: برای او همان گونه باش که برای من هستی.

من از آن روز در مصر سکونت داشتم تا این که نامه‌ای همراه پول نزدم رسید و او آن را به دست مردی از اهل خراسان - که عربی فصیح نمی‌دانست - فرستاد؛ پولش سی دینار بود و به من دستور داد که امسال به حجّ بیایم، من هم بدین سوی آمدم به شوق این که او را زیارت نمایم.

در این وقت، به دلم افتاد همان شخصی که او را می‌دیدم آمد و رفت می‌کند، همو باشد؛ من ده درهم که یکی از آن‌ها سکهٔ رضویه بود و با نام امام رضا علیه السلام ضرب شده بود همراه داشتم و آن‌ها را پنهان کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم. این گونه نذر کرده بودم و نیت داشتم، ولی گفتم پول را به زن می‌دهم و ازاو می‌خواهم که به یکی از فرزندان فاطمه علیه السلام بدهد که این بهتر از آن نیت قبلی ام است.

پس به او گفتم: این درهم‌ها را به فرزندی از فرزندان فاطمه علیه السلام که سزاوار باشد، بپرداز؛ چنین می‌اندیشیدم که او پول‌ها را به همان شخص خواهد داد. پول‌ها را گرفت و بالا رفت و بعد از ساعتی پایین آمد و گفت: او می‌گوید: در این درهم‌ها برای ما حقی نیست و آن را در همان جا که نیت کرده‌ای مصرف کن؛ ولکن این سکهٔ رضویه را بدلش را از ما بگیر و در مکانی که نیت کرده‌ای بینداز.

من چنین کردم و با خود گفتم آنچه را پیرزن به من گفت از آن شخص نقل کرده است.

همراه من نسخهٔ توقعی بود که از ناحیهٔ امام علی علیه السلام برای قاسم بن علاء آذربایجانی صادر شده بود؛ آن را به زن نشان داده گفتم: این را به کسی عرضه کن که دستخط و توقعات امام علی علیه السلام را بشناسد.

گفت: به من بده که من می‌شناسم. گمان کردم که او خود می‌تواند آن را بخواند و تشخیص دهد. ولی گفت: من نمی‌توانم آن را در این مکان بخوانم و به طرف اتاق بالا

رفت، سپس بازگشت و گفت: صحیح است.

در توقيع اين گونه بود: شما را بشارت مى دهم به بشارتى که ديگرى را بدان
بشارت نداده‌ام.

زن گفت: او مى گويد: هنگامی که بر پیامبرت صلوٽ می فرستی، چگونه می فرستی؟

گفتم: می گویم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
خدايا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

محمد برکت بده، بهتر از آن چه بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوٽ فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی؛

إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

زيرا؛ همانا تو ستوده و بزرگوار هستي.

گفت: نه؛ در صلوٽ، همه آن‌ها را نام ببر و بر همه آن‌ها درود فرست. گفتم: باشد.

فردا که آن زن از غرفهٔ فوچانی پایین آمد، دفتری کوچک همراش بود و گفت: او
مي گويد: هر گاه خواستی بر پیامبر و بر جانشینانش درود بفرستی، بر طبق اين نسخه
صلوات فرست.

آن را گرفتم و بدان عمل نمودم؛ چند شب او را مى دیدم که از اتاق پایین مى آمد در
حالی که نور چراغ، همچنان بريا بود؛ درب را باز مى کردم و به دنبال آن نور خارج
مى شدم و من آن نور را مى دیدم ولی کسی را نمی دیدم تا اين که داخل مسجد مى شد.
گروهي از اشخاص از کشورهای مختلف را مى دیدم که به درب اين منزل
مى آمدند و بعضی به آن پيرزن، نامه‌هايي مى دادند و او نيز به آن‌ها نامه‌هايي مى داد و با
آنان سخن مى گفت: آن‌ها نيز با پيرزن سخن مى گفتند که من متوجه نمی شدم و بعضی
از آن‌ها را هنگام بازگشت در راه ديدم تا اين که به بغداد رسيدم.^۱

صلوات ضرائب اصفهانی

نسخه دفتری که از مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فدا روایت شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخششده مهریان

أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَحُجَّةَ
خدا؛ بر محمد سید رسولان و خاتم پیامبران و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُنْتَجِبُ فِي الْمِيَاثِقِ، الْمُضْطَفُ فِي الظَّلَالِ،
پوردگار جهانیان درود فرست، او که در روز پیمان الهی، پسندیده شد و در عالم اظلله اختیار شد،

الْمُطَهَّرُ مِنْ كُلِّ أَفَةٍ، الْبَرِّيَّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤْمَلُ لِلنَّجَاةِ،
از هر آفتی پاکیزه است، و از هر عیبی مبزا؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند،

الْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ دِينُ اللهِ. أَللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ،
و امیدوار به شفاعت او هستند؛ دین خداوند بدو و اگذار شده است. خداوند؛ بنای هستی او را شرافت ده،

وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلَحْ حُجَّتَهُ، وَأَرْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِئْ نُورَهُ،
و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز فرما، و مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابند کن،

وَبَيْضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِيهِ الْفَضْلَ وَالْفَضْلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ،
و رویش را سفید نما، و به او فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت

وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَأَبْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبُطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ
و درجه بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیدهای معیوث نما که همکان از اولین و

وَالآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،
آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث رسولان

وَقَائِدِ الْغُرْبِ الْمُحَاجَلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَاصِيَّنَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
و پیشوای سفید رویان و سور همه جانشینان و حجت پوردگار جهانیان.

وَصَلٌّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،
 و درود فرست بر حسن بن على پیشوای مؤمنان و وارث رسولان

وَحُجَّةٌ رَبٌّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيٍّ، إِمَامِ
 و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر حسین بن على پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ رَبٌّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى
 مؤمنان و وارث رسولان و حجت خداوند جهانیان. و درود فرست بر

عَلَيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ رَبٌّ
 على بن الحسين پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ
 جهانیان. و درود فرست بر محمد بن على پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ رَبٌّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ،
 پیامبران و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر جعفر بن محمد

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ رَبٌّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ
 پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست

عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ
 بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت

رَبٌّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى عَلَيٍّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،
 پروردگار جهانیان. و درود فرست بر على بن موسی پیشوای مؤمنان

وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ رَبٌّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ
 و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد بن

عَلَيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةٌ رَبٌّ الْعَالَمِينَ.
 على پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

وَصَلٌّ عَلَى عَلَيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،
 و درود فرست بر على بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان

وَحْجَةٌ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،
وَ حَجَتْ بِپُرُورِدَگارِ جَهَانِيَانَ. وَ درود فَرْسَتْ بِرْ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، پیشوای مؤمنان

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحْجَةٌ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلٌّ عَلَى الْخَلَفِ
وَ وَارِثِ رسُولِانَ وَ حَجَتْ بِپُرُورِدَگارِ جَهَانِيَانَ. وَ درود فَرْسَتْ بِرْ بازمانده

الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحْجَةٌ رَبِّ
هَدَايَتْ گُرْ هَدَايَتْ شَهَدَ، پیشوای مؤمنان وَ وَارِثِ رسُولِانَ وَ حَجَتْ بِپُرُورِدَگار

الْعَالَمِينَ. أَللّٰهُمَّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِيِّينَ،
جَهَانِيَانَ. خَداونَدَ، بِرْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِيِّينَ،

الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَئْبَارِ الْمُتَقِّيِّينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ،
دانِيَانَ رَاسِتَگُو، نِيكُوكارانَ بِرْهِيْکار؛ سُتونَهَايَ دِينَتْ وَ ارْکانَ تَوْحِيدَتْ

وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَّجَكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلْفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،
وَ مُفسِرانَ وَحْيَتْ، وَ حَجَتْهَايَ توَ بِرْ آفَرِیدَگانَتْ وَ جَانْشِيَانَتْ درْ زَمِينَ توَ هَسْتَندَ؛

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَارْتَضَيْتَهُمْ
آنَانَ کَه بِرَای خُودَتْ ایشانَ رَا اختیارَ کردَی وَ بِرْ تَامَ بَنْدَگانَتْ برگزیدَی وَ آنَهَا رَا

لِدِینِكَ، وَخَصَّصَتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلَتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيَتَهُمْ
برای دینَتْ پسندیدَی وَ به شناختِ خُودَتْ آنَهَا رَا مُخْصوصَ گرداَنَدَی، وَ با كَرامَتِ خُودَتْ بر آنانَ شکوهَ وَ بِزَرْگَی بخشیدَی وَ غُرْقَ

بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ
دریایِ رحمَتِ خُودَ کردَی، وَ آنَهَا رَا با نعمَتِ خُودَ پُرورشَ دادَی وَ با حِكْمَتِ خُودَ به آنانَ غَدَایِ روْحِی دادَی

نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَّتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ
وَ به نورِ خویشِ ایشانَ رَا پوشانِیدَی وَ در ملکوتَتْ بالا بِرَدَی، وَ گرداَگردَ وجودِ ایشانَ رَا به فرشتگانَتِ احاطَه نَمُودَی، وَ

بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، صَلُوةً
به واسطَه پیامبرت - کَه درود تو بِر او وَآل او بَاد - به آنَهَا شرافت بخشیدَی. خَدَايَا؛ بِرْ مُحَمَّدٍ وَ بِرْ ایشانَ درود فَرْسَتْ؛ درودی

زَاكِيَّةً نَامِيَّةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسْعُهَا
پاکَ وَ فَرَابِنَدَه وَ فَراوانَ وَ دَائِمَیَ وَ پاکِیزَه کَه جَزِ خُودَتْ کَسَی بِرَ آنَ احاطَه پیدا نَکَیدَ، وَ

إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيْهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. أَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ،

جز در دانش تو نگنجد و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره درآورد. خداوندا؛ بر ولیت درود فرست؛

الْمُحْيِي سُنْتَكَ، الْقَائِم بِأَمْرِكَ، الْدَّاعِي إِلَيْكَ، الْدَّلِيل عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ

او که زنده‌کننده سنت توست و قیام‌کننده به امر تو، و دعوت‌کننده به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو

عَلَىٰ خَلْقِكَ، وَخَلِيقَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَىٰ عِبَادِكَ. أَللَّهُمَّ

بر بندگان و جانشین تو در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدایا؛

أَعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدَّ فِي عُمْرِهِ، وَزَيْنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقَائِهِ. أَللَّهُمَّ

یاری او را تقویت نما و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی شدن ماندنش، زمین را زینت ببخش. خدایا؛

اَكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَأَزْجِرْ عَنْهُ اِرَادَةَ

از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر حیله‌گران پناهش ده و اراده

الظَّالِمِينَ، وَخَلَصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَارِينَ. أَللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ

ستمکاران را از او دور کن، و او را از دست زورگویان رهابی ده. خداوندا؛ دریاره خودش،

وَذْرَيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوِّهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ

ذریه‌اش، پیروانش، رعیتیش، یاران ویژه‌اش، عموم پیروانش، دشمنانش و تمام اهل

الدُّنْيَا، مَا تُقْرِبِهِ عَيْنَهُ، وَتَسْرِبِهِ نَفْسَهُ، وَبَلَغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمْلَهُ

دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی، به او عنایت فرما. و او را به برتر از آنچه آرزو دارد

فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا

در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدایا، آنچه از

امْتَحِنِي مِنْ دِيْنِكَ، وَأَحْيِ بِهِ مَا بُدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غَيْرَ

دینت محو شده به وسیله او تازه کن، و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن، و آنچه

مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّىٰ يَعُودَ دِيْنُكَ بِهِ وَعَلَىٰ يَدِيْهِ غَضَّاً جَدِيدًا حَالِصًاً

از احکامت تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با دست او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص

مُخْلَصًا لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبْهَةَ مَعْهُ، وَلَا باطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ

و بی‌آلایش بوده که نه شکی در آن باشد و نه شبهدای به آن راه باید، و نه باطل و بدعتی کنار آن و

لَدَيْهِ. أَللَّهُمَّ نَوْرِ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدًّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بُدْعَةٍ، وَاهْدِمْ

زند آن باشد. خدایا؛ هر تاریکی را به نور او روشن کن و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوتش ویران نما، و با

بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ،

عزت او هر گونه گمراهی رامنهدم فرما، و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و با مشمیشیش هر آتشی راخاموش کن

وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلَّ جَائِرٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلَّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ

و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز، و

بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ. أَللَّهُمَّ أَذْلَلَ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ

با سلطنتش هر قدر تمدنی را ذلیل و خوار ساز. خدایا؛ هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید

عَادَاهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَاسْتَهَانَ

به هلاکت انداز و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حقش باشد و امرش را سبک شمارد،

بِأَمْرِهِ، وَسَعَىٰ فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ إِحْمَادَ ذِكْرِهِ. أَللَّهُمَّ صَلِّ

و در خاموشی نورش پکوشد و بخواهد نامش و یادش را کمرنگ سازد از ریشه برکن. خدایا؛ درود فrust

عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ، وَعَلَىٰ الْمُرْتَضَىٰ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

بر محمد مصطفی، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا

وَالْحَسَنِ الرِّضا، وَالْحُسَيْنِ الْمُصَفَّىٰ، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِحَ

و حسن صاحب مقام رضا و حسین صاحب مقام برگزیده و خالص بی‌آلایش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت که چراغ‌های

الدُّجَى، وَأَعْلَامِ الْهُدَى، وَمَنَارِ التَّقَىٰ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ، وَالْحَبْلِ

روشن در تاریکی و نشانه‌های هدایت و جلوه‌گاه پرهیزکاری و دستاوبیز مورد اطمینان و رسیمان

الْمَتَّيْنِ، وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ. وَصَلَّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَوَلَّةِ عَهْدِكَ،

محکم و راه راست هستند. و درود فrust بر ولی خود و عهدهداران پیمانت

وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمَدَّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزَدَ فِي أَجَالِهِمْ، وَبَلَغُهُمْ

و امامان از فرزندانش؛ و بر عمرشان بیغزا و مدت آنها را زیاد فرما، و ایشان را

أَفْصَىٰ أَمَالِهِمْ، دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی‌شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

۱. مصباح المتهجد: ۴۰۶، البلد الأمين: ۱۲۰، المصباح: ۷۲۵، دلائل الإمامة: ۵۴۹ و مانند آن در جمال الأسواع: ۳۰۱ آمده است.

این خبر شریف در تعدادی از کتاب‌های معتبر علمای پیشین، و با سندهای متعدد، روایت شده است؛ برخی از این کتاب‌ها نیز در تمام بخش‌های روایت، عبارت را به صورت «اللَّهُمَّ صُلّ عَلَى» آورده‌اند.

و نیز، وقت مشخصی برای خواندن این صلوات و دعا، در هیچ یک از خبرهای مذبور، نیامده است؛ مگر آن که جناب سید بن طاووس ع در کتاب «جمال الأسبوع» پس از بیان تعقیبات وارد شده پس از نماز عصر روز جمعه می‌فرماید: «... اگر زمانی به خاطر عذر و بهانه‌ای تعقیبات نماز عصر روز جمعه را انجام ندادی؛ لیکن، به هیچ وجه این صلوات را ترک مکن. به جهت مطلبی که خدای بزرگ، ما را از آن آگاه فرموده است.» از این کلام شریف استفاده می‌شود که سید بن طاووس، از امام زمان صلوات الله علیه در مورد این صلوات، سفارشی دریافت کرده است. و البته از این بزرگوار بعید نیست؛ چرا که او تصریح می‌کند، راه رسیدن به آن حضرت ارواحنا فداء، باز است.^۱

در «مکیال المکارم» آمده است: این دعای شریف، از دعاهای بزرگی است که شایسته است بر آن مداومت بشود، و در تمام اوقات نسبت به خواندن آن اهمیت داده شود؛ به خصوص، در زمان‌هایی که اختصاص بیشتری به امام عصر صلوات الله علیه دارد؛ همانند: شب نیمة شعبان، روز نیمة شعبان، شب و روز جمعه.

شاید، نویسنده «جمال الصالحين» نیز به همین جهت، این دعا را در اعمال شب نیمة شعبان آورده است؛ با آن که از ظاهر روایتی که ذکر کردیم بر می‌آید که اختصاص به وقت خاصی نداشته باشد، بلکه برای همه اوقات وارد شده است.^۲



صلوات و دعا در عصر روز جمعه

برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

از امام صادق ع روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزهارا بر می‌انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی -

۱. نجم الثاقب: ۷۷۰. ۲. مکیال المکارم: ۷۳/۲.

که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروتمند و دین داری هدیه گردد
- پیشاپیش آنها می آورد، و روز جمعه (در حالی که دیگر روزهادر پشت سرشن
قرار دارند) جلو درب بهشت می ایستد؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل
محمد درود و صلوات بسیار فرستاده اند، شفاعت می کند.

عبدالله بن سنان می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و
صلوات فرستادن در کدام ساعت های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟

حضرت فرمود:

صد مرتبه، پس از عصر.

عبدالله بن سنان پرسید: چگونه باید صلوات بفرستم؟ فرمود: می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بار الها؛ درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن، و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می کنی.^۱



فضیلت خواندن سوره بنی إسرائیل

در هر شب جمعه



در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی^۲» و
«ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می آوریم.
آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام قائم
(حضرت مهدی صلوات الله عليه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد.^۳

۱. جمال الأسبوع: ۲۷۷، الصحيفة الصادقية: ۹۲۹.

۲. مکیال المکارم: ۳۷۸/۲، المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷، تفسیر برهان: ۷/۶ و ۱ و ۲، تفسیر عیاشی: ۲۷۶/۲ ح ۱.

بخش پنجم

دعاهای هرماه

صلوات و دعاء در عصر روز ...



۲۷۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۳۰

دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا

عبدالله بن سنان می‌گوید: در روز عاشورا، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم، و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره‌ای اندوهگین یافتم، و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان، جاری بود. گفت: ای فرزند رسول خدا؛ چرا گریه می‌کنی؟ خدا چشمانت را هرگز نگریاند.

حضرت فرمود:

مگر غافلی؟ مگر نمی‌دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیده است؟

گفت: آقای من، درباره روزه امروز چه می‌فرمایید؟

حضرت فرمود:

امساک کن بدون این که نیت روزه کرده باشی؛ و افطار نما، بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری. تمام روز را روزه مدار و ساعتی پس از نماز عصر با جرعهای از آب، افطار کن. همانا در چنین ساعتی از روز عاشورا جنبش و هیاهوی دشمن تمام و جنگ و خونریزی شدید آن‌ها با خاندان پیامبر خاتمه یافت، و در روی زمین

سی کشته از آن‌ها در میان جسد‌های پاک دوستان و هم‌پیمانانشان به خاک و خون افتاد. بر رسول خدا ﷺ این مصیبت بسیار گران و سخت است؛ اگر آن حضرت اکنون زنده بود خودش صاحب عزای آنان بود.

عبدالله می‌گوید: حضرت چنان گریه کرد که محاسن مبارکش از اشک دیده‌اش آغشته شد؛ سپس چنین فرمود:

خداآوند عز وجل آفرینش نور را در روز جمعه - اولین روز ماه مبارک رمضان - در تقدیرش قرار داد؛ و تاریکی را در روز چهارشنبه (روز عاشورا) دهمین روز محرّم مانند چنین روزی آفرید. و برای هر یک از آن روزها، راه و شیوه‌ای قرار داد. ای عبدالله؛ بهترین کاری که در این روز می‌توانی انجام دهی این است که لباس‌های پاکیزه‌ات را بپوشی و تسلّب نمایی. عرض کردم: تسلّب چیست؟

فرمود: گریبانت را باز کن و همانند عزاداران آستین خود را بالا بزن؛ سپس به بیابان بی‌آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند، یا منزل خلوتی اختیار کن، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب، چهار رکعت نماز بارکو^۱ و سجود نیکو بجای آور، و بین هر دو رکعتی سلام بده؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل يا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، و در رکعت دوّم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان.

سپس دو رکعت دیگر را بجای آور؛ در رکعت اول «حمد» و سوره «احزاب»، و در رکعت دوم «حمد» و «منافقون» را بخوان، یا سوره‌های دیگری را که می‌توانی بخوانی، اختیار کن. سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام رو می‌کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند - از فرزندان و اهل بیت ایشان - و بر او سلام و درود فرست، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهای شان بیزاری بجوی؛ با این عمل، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نایل کند و گناهانت را فرو ریزد. سپس از جایی که در بیابان یا هر محل خلوت دیگری که هستی، چند قدم بردار و بگو:

«إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رَضَا بِقَضَائِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ».

همانا ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم؛ راضی به قضا و حکم اوییم، و تسلیم فرمانش هستیم.

در آن حال، باید حزن و اندوه در چهره‌ات آشکار باشد؛ هر چه می‌توانی یاد خدا کن؛ آیه استرجاع (إِنَّ اللَّهَ ...) را بخوان. وقتی این کار را انجام دادی و این راه را رفتی به جایی که ابتداء در آن نماز گزاردی باز گرد، و چنین بگو:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ، الَّذِينَ شَاقُوا رَسُولَكَ، وَحَارَبُوا أُولَيَائِكَ

خداؤندا؛ فاجران و تبهکاران را به عذاب خود گرفتار کن؛ آنها که با پیامبر دشمنی ورزیدند و با دوستانت به جنگ برخاستند،

وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَحْلُوا مَحَارَمَكَ، وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ، وَمَنْ

و غیر از تو را بندگی کردند، و حرام‌هایت را حلال شمردند. (خدایا؛ سران و پیروان آن‌ها را لعنت کن و هر که

كَانَ مِنْهُمْ، فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِعِلْمِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا.

با آن‌ها بوده پس فریب خورده و با آنان پست گردیدند، یا به کردار آنان راضی گشتدند، بسیار نفرین فرما.

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ الِّمُحَمَّدِ، وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

خدایا؛ در فرج و راحتی آل محمد شتاب بفرما، و درود و رحمت را بر پیامبر و ایشان فرار ده،

وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضَلِّلِينَ، وَالْكُفَّارِ الْجَاهِدِينَ،

و آنان را از دست منافقین گمراه کننده رهایی ده؛ و از شر کافران و منکران خودت نجات بخش،

وَأَفْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتْخَ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجاً قَرِيبًا، وَاجْعَلْ

و برای آنان گشايشی آسان مقدر فرما، و فرج و آسایش نزدیک برای ایشان فراهم نما،

لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

و از جانب خودت بدان‌ها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان، عنایت فرما.

سپس دستانت را بلندکن و با این دعا برای خدا فروتنی کن؛ و در حالی که به

دشمنان خاندان پیامبر ﷺ اشاره می‌کنی، چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصِبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ،

خدایا؛ گروه زیادی از امت، نسبت به امامان - که حافظ دین و شریعت‌اند - عادوت ورزیده‌اند؛

وَكَفَرَتِ بِالْكَلِمَةِ، وَعَكَفَتِ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلْمَةِ، وَهَجَرَتِ الْكِتَابِ

و به کلمه (حق) کافر گشتد؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردن و ملزم گشتد؛ و از کتاب خدا

وَالسُّنَّةَ، وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمْرَتَ بِطَاعَتِهِمَا، وَاتَّمَسَّكَ

و سنت پیامبر دور شدن و کناره گرفتند؛ و از دو ریسمان محکمی که به اطاعت‌شان دستور دادی (معنی: قرآن و عترت

بِهِمَا، فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ، وَجَارَتْ عَنِ الْقَصْدِ، وَمَالَاتِ الْأَخْرَابِ،

پیامبر ﷺ روی گردانند. در نتیجه حق را میراندند و از راه اعتدال و میانه‌روی منحرف شدند؛ و احزاب را یاری کردند؛

وَحَرَّفَتِ الْكِتَابَ، وَكَفَرَتِ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا، وَتَمَسَّكَتِ بِالْبَاطِلِ

کتاب تو را تحریف و دگرگون ساختند، و به آن چه از حق و حقیقت بدان‌ها عرضه شد کفر ورزیدند؛ و به هر باطلی که بر آنان

لَمَّا اعْتَرَضَهَا، وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ

عرضه شد، تمتسک جستند؛ و حق تو را ضایع ساختند، و بندگانت را گمراه نمودند، و فرزندان

نَبِيِّكَ، وَخِيرَةَ عِبَادِكَ، وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

پیامبر، بهترین بندگانت، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمت را کشتند.

اللَّهُمَّ فَزْلِنِلْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ.

خدواندا؛ قدم‌های دشمنان خود و دشمنان پیامبر و دشمنان اهل بیت پیامبر را لرzan فرما،

اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ، وَأَفْلُلْ سِلاَحَهُمْ، وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ،

خدایا؛ سرزمین آنان را ویران کن، و سلاح‌هایشان را از کار بیندار، و اتحاد آن‌ها را از بین ببر،

وَنُفِتَّ فِي أَغْضَادِهِمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَأَسْرِبْهُمْ بِسَيِّفِكَ الْقَاطِعِ،

و در میان مددکاران آن‌ها پراکنده‌گی و پریشانی ایجاد کن، و مکروه‌یهشان را سست گردان، و آن‌ها را به شمشیر بزانت دچار کن،

وَأَرْمِهِمْ بَحَجَرِكَ الدَّاعِمِ، وَطُمِّهِمْ بِالْبَلَاءِ طَمَّاً، وَقُمِّهِمْ بِالْعَذَابِ

و با سنگ هلاک‌کنندهات سنگباران بنما، و آن‌ها را به شدت غرق بلا گردان، و عذاب فرایگیرت را بر آنان مسلط فرما،

قَمَّاً، وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا نُكْرًا، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمُثْلَاتِ الَّتِي

و مجازات‌های زشت و دشوارت را گریبان‌گیر آن‌ها بساز؛ و آن‌ها را با قحطی و عقوبات‌ها گرفتار کن همان گونه که

أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَائَكَ، إِنَّكَ ذُو نِعْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ. أَللَّهُمَّ إِنَّ

دشمنات را با آن‌ها هلاک گرداندی. همانا، تو انتقامی بس شدید از مجرمان خواهی گرفت. خدایا؛

سُنَّتَكَ ضَائِعَةً، وَأَحْكَامَكَ مُعَطَّلَةً، وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ

سنت و طریقت تو از بین رفته است، احکام (حیات بخت) تعطیل گشته است، و عترت پیامبر در زمین

هَآئِمَةُ. أَلَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَأَقْمِ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمُنْ

سرگشته گردیده است. ای خدا؛ حق و اهل آن را یاری کن، و باطل و اهل آن را نابود کن، و با

عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ

رهایی ما از دست آنان بر ما مبت بگذار، و به راه ایمان هدایت مان فرمای؛ و در فرج و گشايش امور ما تعجل نما، و فرج ما را با فرج

أَوْلِيَائِكَ، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدًّا، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا. أَلَّهُمَّ وَأَهْلِكَ

ولیلیت سر و سامان ده، آنان را دوستدار ما قرار ده، و ما را گروه پیامرسان ایشان گردان. بار خدایا؛ هلاک گردان

مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيرَتِكَ عِيدًا، وَاسْتَهَلَ بِهِ فَرَحًا

کسی را که روز شهادت فرزند پیامبر و برگزیدهات را عید قرار داده است، و اظهار شادی و سوره را در آن روز مرسوم

وَمَرَحًا، وَخُذْ أَخْرَهُمْ كَمَا أَخْذَتْ أَوْلَاهُمْ، وَأَضْعِفْ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ

کرده است؛ با دست انتقامت، گریبان آخرشان را بگیر، همان طور که اولشان را گرفتار ساختی، و عذاب و عقوبت را بر آنان

وَالْتَّنَكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ

که بر اهل بیت پیامبر ستم ورزیدند دوچندان بگردان؛ و رهبران و پیروان آنان را هلاک گردان؛

وَقَادَتَهُمْ، وَأَبْرَ حُمَّاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ. أَلَّهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَواتِكَ

و حمایت‌کنندگان و همه جمعیت ایشان را ریشه‌کن نما و نابود فرما. خدایا؛ درود

وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ، الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ

و رحمت و برکات را بر عترت پیامبر، بیش از پیش نازل کن؛ عترتی که حقشان ضایع شد و از شر دشمنان همواره ترسان

الْمُسْتَدَلَّةِ، بَقِيَّةِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَّةِ الْمُبَارَكَةِ. وَأَعْلِ الَّهُمَّ

بوده، و در میان مردم به خواری کشیده شدن؛ و باقی‌مانده درخت پاک و پاکیزه و پربرکت (شجره طیبه) بودند. خدایا؛

كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلَجْ حُجَّتَهُمْ، وَأَكْسِفَ الْبَلَاءَ وَاللَّاؤَاءَ، وَحَنَادِسَ

کلمه آنها را عالی و بلندمرتبه گردان، و حجت‌شان را غالب و پیروز نما؛ و بلا و سختی و تاریکی‌های

الْأَبَاطِيلِ وَالْعَمَى عَنْهُمْ، وَثَبَّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلَى

باطل و ناروا و کوری را از آنان دفع کن؛ و دلهای پیروان آنها و حزب خودت را بر

طَاعَتِهِمْ وَوِلَيَّتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُؤْلَاتِهِمْ، وَأَعِنْهُمْ وَأَمْنَحْهُمْ

فرمان‌بری، دوستی، یاری و موالات آنها ثابت و استوار بدار؛ و آنان را کمک کن و در برابر اذیت‌هایی که در راه تو به آنها می‌رسد

الصَّبَرَ عَلَى الْأَذْيٰ فِيكَ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّامًا مَسْهُودَةً، وَأَوْقَاتًا

صبر و شکیباتی به ایشان عنایت فرما؛ و برای آنان روزهای تاریخی، و اوقاتی

مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً، يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ، وَتُوْجِبُ فِيهَا تَمْكِينُهُمْ

نیک و پستدیده قرار ده که فرج و گشایش امور آنها، بسی نزدیک باشد؛ و قدرت یافتن و پیروزی شان برسد

وَنَصْرَهُمْ، كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ

و آنان را بر امور مسلط نهایی، که این حقیقت را خود در کتاب تضمین فرمودهای و چنین گفتهدی

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ أَمْنَوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و گفتہ تو حق مطلق است : «خداؤند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و عده

لَيَسْتَخْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

داده است که در زمین خلافت دهد، همان گونه که به پیشینیان آنها نیز خلافت روی زمین را بخشید؛

لَهُمْ دِيَنُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيَبْدَلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

و دین و آیینی را که برای آنان پستدیده پایرجا و برقرار سازد و ترس شان را به امنیت و آرامش مبتل کند (آن

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ۱. اللّٰهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ، يَا مَنْ

چنان) که تنها مرا پرسش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند». خداوندا؛ غم و اندوه آنها را برطرف کن؛ ای کسی که

لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلَّا هُوَ، يَا أَحَدُ يَا حَمِّيْ يَا قَيْوُمُ، وَأَنَا يَا

جز او، کس دیگری بیچارگی و سختی را نمی زداید؛ ای خدای یگانه و همواره زنده و پاینده؛ ای خدای من؛

إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ، وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ، السَّائِلُ لَكَ، الْمُقْبِلُ

همانا من بندۀ ترسان از تو هستم و به سوی تو باز می گردم و از تو درخواست می کنم و به درگاه تو

عَلَيْكَ، الْلَّاجِيْنُ إِلَيْكَ فِنَائِكَ، الْعَالَمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ.

رو می اورم و به آستان امن تو پناه می برم و نیک می دانم که از ترس تو، جز به خودت نمی توان پناه برد.

اللّٰهُمَّ فَتَقْبَلْ دُعَائِي، وَاسْمَعْ يَا إِلَهِي عَلَانِيَيِ وَنَجْوَايِ، وَاجْعَلْنِي

خدای؛ دعايم را بپذیر؛ ای خدای من؛ به سخن آشکار و راز پنهان من گوش فراد، و مرا از آنان قرار ده

مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلَهُ، وَقَبِلَتْ نُسْكَهُ، وَنَجَيَتْ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ

که از کردارش خشنود هستی و اعمالش را می پذیری و با رحمت خودت (او را از ورطه های زندگی) نجات می دهی؛

الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ. أَللَّهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلًا وَآخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

همانا تو خدای شکستن‌پذیر بخشنداهی. خداوندا؛ در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ،

و برای محمد و آل محمد برکت و فزونی عطا کن، و بر محمد و آل محمد رحم نما

بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَا إِلَكَ

به نوعی کامل‌تر و برتر از درود و برکت و رحمتی که بر پیامبران

وَرُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. أَللَّهُمَّ

و رسولان و فرشتگان و حاملان عرشت فرستاده‌ای؛ به حرمت این واقعیت که جز تو خدایی نیست. خدایا؛

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

میان من و محمد و آل محمد - که درود تو بر او و ایشان باد - جدایی می‌فکن؛

وَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايِ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ

و ای مولای من؛ مرا از شیعیان و پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن

وَالْحُسَينِ وَذَرِيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةِ الْمُتَّجَبَةِ، وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ

و حسین و اولاد پاک و نیکنژاد و شریف آن‌ها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که به

بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْأَخْذُ بِطَرِيقِهِمْ، إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ.

رسیمان آن‌ها چنگ زنم، و به راهشان خشنود گرد و روش آنان را در پیش گیرم؛ همانا تو بسیار کریم و بخشندۀ هستی.

سپس صورت به خاک بمال و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَقْعُلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ

ای کسی که آنچه می‌خواهد حکم می‌کند، و هر چیزی را که اراده کند انجام می‌دهد؛ حکم از آن توست؛ پس حمد و ستایش سزاوار تو است

مَحْمُودًا مَشْكُورًا، فَعَجَلْ يَا مَوْلَايِ فَرَجَهُمْ، وَفَرَجَنَا بِهِمْ، فَإِنَّكَ

در حالی که ستایش شده و سپاسگزاری شده هستی. ای مولای من؛ در فرج آنان و فرج ما که به سبب آنان تحقق بیدا می‌کند تعجیل کن، همانا

ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الذَّلَّةِ، وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ، وَإِظْهَارَهُمْ

تو عزت آن‌ها را پس از خواری، و فزونی آنان را پس از کمی، و جلوه‌گردن شان را

بَعْدَ الْخُمُولِ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس از گمنامی ضمانت کرده‌ای؛ ای راستگوئین راستگویان؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛



فَأَسْأَلُكَ يٰ إِلٰهِي وَسَيِّدِي ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ،

ای خدای من؛ ای آقای من؛ از تو با تضرع و گریه و زاری به درگاه کرم و بخششت، درخواست می‌کنم

بَسْطَ أَمْلَى وَالْتَّجَاوِزَ عَنِّي ، وَقَبُولَ قَلِيلٍ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ ، وَالْزِيَادَةَ

که آرزوهايم را تحقق بخشی، و از گناهانم درگذری، و کم و زیاد علم را بپذیری؛

فِي أَيَامِي وَتَبَلِّغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى

و در مدت عمرم زیاد مرا بدان حرم مطهر و بارگاه شریف شرفیاب گردانی. مرا از کسانی قرار ده که

فَيُجِيبُ إِلٰي طَاعَتِهِمْ وَمُؤْلَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ ، وَتُرِينِي ذَلِكَ قَرِيبًا

برای یاری، دوستی و فرمانبرداری ایشان خوانده می‌شوند و بیدرنگ پاسخ می‌دهند، و این زمان را هر چه زودتر

سَرِيعًا فِي عَافِيَةٍ ، إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

با عافیت و سریع به من بنمایان که همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الدَّيْنِ لَا يَرْجُونَ أَيَامَكَ ، فَأَعِذْنِي يَا

خدایا؛ به تو پناه می‌برم از این که از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو آمید ندارند؛ پس

إِلٰهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ .

به رحمت مرا از این گرفتاری پناه ده.

ای پسر سنان؛ این دعا از چندین حجّ و عمره مستحبّی که ثروتت را در آن راه

صرف کنی و بدنست را به زحمت بیندازی و از خانوادهات جدا شوی، برتر است.

و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این

دعای خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خداو ائمه علیهم السلام) انجام

دهد، ده ویژگی عطا می‌کند:

از مرگ بد او را حفظ می‌کند؛ از مشکلات و فقر در امانش می‌دارد؛ تازنده است

دشمن را برابر او چیره نمی‌گردد؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از

دیوانگی، جذام و پیسی می‌رهاند؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت، راهی برای

شیطان و همکارانش باقی نمی‌گذارد.

پسر سنان می‌گوید: از نزد امام رفتم در حالی که می‌گفتم: سپاس خدای را که با

معرفت و دوستی شما بر من منّت نهاد، واز او یاری می‌طلبم که با منّت و رحمتش، بر اطاعت شما - که خدا بر من واجب کرده است - موافقم بدارد.^۱



دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می‌کند ثواب دو هزار حجّ و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حجّ و عمره آن مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حجّ و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه‌ای دور دست بود که امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟ فرمود:

اگر آن‌گونه بود، به صحرایی برود و یا به مکان بلندی در خانه‌اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین بر قاتلانش، تلاش کند و پس از آن دورکعت نماز بگزارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز، قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در خانه‌اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می‌کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی‌تابی بر این مصیبت در خانه‌اش عزاداری پیا تماید و به یکدیگر تعزیت بگویند. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می‌کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلند مرتبه، داشته باشد.

گفتم: فدایت گردم، آیا شما برای ایشان این‌گونه ضمانت می‌کنی؟

۱. مصباح المتهجد: ۷۸۲، بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۰۳.

فرمود: آری، من ضامن هستم و عهدهدار برای کسی که آن را انجام دهد.

گفتم: چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم؟ فرمود: بگویید:

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسْيْنِ، وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ

خداؤند اجرهای ما را بر مصیبتمان بر حسین، بزرگ گرداند، و ما و شما را از انتقام جوبان

بِشَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ أَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ!

خوش همراه با ولیش، امام و پیشوای هدایت شده از آل محمد - که سلام بر آنان باد - قرار دهد.



دعای ایام ماه ربیع

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عیاش می‌گوید: از اموری که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه به دست شیخ

ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده، دعا بی است که در هر روز از ماه ربیع

خوانده می‌شود:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعْنَى جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَلَا أَمْرَكَ،

پیوردهارا؛ از تو درخواست می‌کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت، تو را به آن می‌خوانند؛

الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَبِشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِفُونَ

آنان که بر سر تو امین و به امر تو خشنود و مفترند، آنها که

لِقْدَرِ تَكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيتَكَ،

قررت تو را توصیف و عظمت تو را نشان می‌دهند؛ درخواست می‌کنم به آنچه مشیت تو درباره آنها ناطق است،

فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَإِيَّاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ

پس آنها را معدن کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانهها و مقامات خویشتن قرارشان دادی؛

الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ

نشانهها و مقاماتی که تعطیلی برای آنها در هیچ مکانی نیست، هر که تو را شناخت به آن آیات و نشانهها شناخته است؛

۱. مصباح المتهجد: ۷۷۲، المصباح: ۶۴۰، و مانند همین روایت در کامل الزیارات: ۳۲۵ آمده است.



بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقْهُمَا وَرَتْقُهُمَا بِيَدِكَ، بَدْوُهُمَا

میان تو و آنان تقاوی نیست جز آن که آن ها بندگان تو و آفریده تو هستند. باز و بسته شدن امور آن ها در دست تو است، این ترا

مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادُ وَأَشْهَادُ وَمُنَاهَّةٌ وَأَذْوَادُ وَحَفَظَةٌ

و انتهای آن ها از تو و برگشت ایشان به سوی توست. (آن) پشتیبان و یاور تو و گواهان (بر خلق) و حامیان و مدافعان و نگهبانان

وَرُؤُادُ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

و پیشوایان تو هستند. پس از وجود ایشان آسمان و زمین را پر کردی تا آشکار شود که: معبدی جز

أَنْتَ، فَبِذِلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوْاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ

تو نیست. پس به واسطه آن و به جایگاه والای عزت از مهربانی تو، و به واسطه مقامات

وَعَالَمَاتِكَ أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا

و نشانه های از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل او درود فرسنی، و ایمان

وَتَشْبِيَّتاً، يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا

و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین پنهانی؛ ای

مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَالدَّيْجُورِ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهٍ، وَمَعْرُوفًا

جدا کننده میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده ای ولی نه با کنه ذاته؛ و ای آن که شناخته شده ای اما

بِغَيْرِ شِبِيهٍ، حَادَّ كُلًّا مَحْدُودٍ، وَشَاهِدَ كُلًّا مَشْهُودٍ، وَمُوجَدَ كُلًّا

نه به وسیله تشبیه و همانند؛ ای تعیین کننده حد و اندازه هر محدود؛ و ای گواه هر مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر

مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيٌ كُلًّا مَعْدُودٍ، وَفَاقِدٌ كُلًّا مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ

موجود؛ و ای شمارشگر هر شمرده شده؛ و ای نابود کننده هر نابود شده؛ جز تو

مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ، وَلَا يَوْئِنُ

معبدی نیست؛ و تو اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد، و از

بِأَيْنِ، يَا مُحْتَاجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنِ، يَا دَيْمُومًا يَا قَيْوُمًا، وَعَالَمَ كُلًّا

جا و مکان او پرسش نشود؛ ای آن که از جشمها پنهانی؛ ای وجود دائم، ای باینده، ای دانای هر

مَعْلُومٌ، صَلٌّ عَلَى عِبَادِكَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَبَشَرِكَ الْمُحْتَاجِبِينَ،

معلوم، درود فرست بر بندگان برگزیده ای؛ و انسان های پرده دارت؛



وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ، وَأَلْبُهُم الصَّافِينَ الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي
وَبِرِ فِرْشَتَكَ مُقْرَبَتْ؛ وَآنِ خاموشَانَ بِهِ صَفَ اِسْتَادَهُ وَاحاطَهُ كِنْدَگَانَ. وَإِنْ
شَهْرِنَا هَذَا الْمُرْجَبُ الْمُكَرَّمُ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهَرِ الْحُرُمُ، وَأَسْبَعُ
ماهِ گَرامِي رَجَبُ وَنَيْزِ مَاهَهَايِ حِرامُ بَعْدَ آنِ رَا بِرِ ما مَيَارِكَ گَرْدانَ؛
عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقَسْمَ،
وَدَرِ آنِ نَعْمَتَهَايَتْ رَا بِرِ ما فَرُو رِيزَ، وَبِهِرَهَايَ ما رَا دَرِ إِينِ ماهِ بَسِيرَ گَرْدانَ، وَسَوْنَدَ ما رَا دَرِ آنِ صَادِقَ قَرَارَ بَدهَ،
بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ
بِهِ خَاطِرِ بَزَرَگِ تَرِينَ، بَزَرَگِ تَرِينَ، باشِکوهِ تَرِينَ وَ گَرامِي تَرِينَ نَامَتْ؛ نَامِي كَهْ چُونِ بِرِ رُوزِ نَهَادِي
فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا تَعْلَمْ مِنْنَا وَمَا لَانْعَلَمُ،
روشنِ شَدَ وَوقْتِي بِرِ شبِ قَوارِ دَادِيَ، تَارِيكَ گَشَتَ، خَداونَدَا؛ آنِچَه از گَناهَانَ ما رَا كَهْ توْمِي دَانِيَ وَما نَمِي دَانِيَمِ بِرِ ما بِبَخْشَ؛
وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعَصَمِ، وَاكْفِنَا كَوَافِيَ قَدَرِكَ، وَامْنُنْ
وَما رَا بهِتَرِينَ وَجَهَ از گَناهَانَ نَمَهَدَارِيَ وَ حَفْظَ فَرْمَهَ؛ وَما رَا با تَقْدِيرَ كَفَایَتَكَنِنَدَهَ خَودَ بِسَنَدَهَ باشَ؛
عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظَرِكَ، وَلَا تَكْلِنْنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ،
وَبا نَگَاهِ نِيَکُويَتِ بِرِ ما مَتَتْ بَگَذَارَ. وَبهِ غَيْرِ خَودَ وَامْگَذَارَ، وَاز خَيْرِ وَخَوبِيتِ مَحْرُومَمانِ مَفْرَمَا؛
وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلَحْ لَنَا خَبِيَّةَ أَسْرَارِنَا،
وَبِهِ عَمْرِي كَهْ بِرَايِ ما مَقْرَرِ دَاشْتَهَايِ بِرَكَتِ عَنْيَاتِ كَنَ، وَدَرُونَ وَ باطِنَ مَانَ رَا اَصلَحَ فَرْمَهَ،
وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَأَسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْأَيْمَانِ، وَبَلَّغْنَا شَهْرَ
وَبرَايِ ما از سَوِيِ خَودِ اَمَانَ بَدهَ، وَما رَا با اِيمَانِ نِيَکَوِ وَ كَرَدارِ نِيَکِ بَکَارِ گَيِيرَ، وَما رَا بهِ مَاهَ
الصِّيَامَ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ ۱.
مبَارِكِ رَمَضَانَ وَرَوْزَهَا وَسَالَهَايِ پَسَ از آنِ، بِرْسَانَ؛ اَيِ دَارِيِ شَکُوهَ وَبَزَرَگَوارِ.

نَگَارِنَدَهَ كَتَاب «عَمَدةِ الرَّازِير» در مورَدِ دَعَائِي فوقِ، چَنِينْ تَوْضِيْحَ مَى دَهَدَهَ:

صَاحِبَانَ اَمْرَ وَ حَكْمَوتَ الْهَيِّ، مُحَمَّدَ ﷺ وَآلِ مُحَمَّدَ ﷺ هَسْتَنَدَ كَهْ بِدِينِ صَفَاتِ
زَيْبَا، مَوْصُوفَ گَشَتَهَايَدَهَ؛ آنَانَ، دَارِيِ مَقَامَاتِي هَسْتَنَدَ كَهْ در هِيجَ مَكَانِي تَعْطِيلَ

۱. المصباح: ۷۰۱، مصباح المتهدج: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

نخواهد گشت؛ هر گاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است، خدا را بخوانند یا هر دعاکننده دیگری به وسیله آنها خدا را بخواند، و یا خدا را به آن دعاها بی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی خوانده‌اند بخواند، خداوند دعايشان را اجابت می‌کند بدون این که دعای آنها رد شود. زیرا خداوند فیض رسان است و آن عزیزان قابلیت دارند؛ لذا به برکت آن‌هاست که بر هر دعا کننده‌ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می‌شود.

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آنها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسل جست. چراکه هر کس برآنان درود فرستد، درخواستش رد نخواهد شد.^۱

٣٣

دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می‌گوید: این دعائیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنَ فِي رَجَبِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيِّ الثَّانِي،

خدایا: از تو درخواست می‌کنم به حق دو تولدیافته در ماه رجب، یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد علیه السلام)

وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجِبِ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ،

و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می‌جوییم.

يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبَ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغْبَ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ

ای کسی که هر نیکی از او درخواست می‌شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می‌شود. از تو درخواست می‌کنم

مُعْتَرِفٍ مُذِنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَى

همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیوب‌هایش او را در بند کشیده؛ دیر زمانی است

الْخَطَايا دُؤُوبٰهُ، وَمِنَ الرَّزَايا خُطُوبٰهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ

که بر اشتباه کاری‌ها عادت کرده و کارش با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛ از تو درخواست توبه
الْأَوْبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا

و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از گناه می‌کند، و می‌خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش
فِي رِبْقَتِهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمْلِهِ وَثِقَتِهِ. أَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ

از آنچه در بند اوست را نصیش سازی. ای مولای من؛ تو بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا؛ از تو
بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيقَةِ، أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا

به حق درخواست‌های شرافتمندانهات، و دستاویزهای والایت؛ درخواست می‌کنم که مرا در این
الشَّهْرِ بِرَحْمَةِ مِنْكَ وَاسِعَةِ، وَنِعْمَةِ وَازِعَةِ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا

ماه در رحمت بی‌کرانیت غرق گردانی، و بر من نعمت‌های فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که
قَانِعَةٌ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ، وَمَحَلٌ الْآخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ.۱

در قبر فرود آیم و در منزل آخرت سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شتابد، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشد.



دعای سوم در ایام ماه رب

از محمد بن عبدالرحمن (شوشتري) روایت شده است که گفت: روزی از بنی رواس گذشتم، یکی از دوستانم به من گفت: اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا، تا در آنجا نماز بخوانیم، زیرا این ماه، ماه رب است و زیارت این مکان‌های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته‌اند، و آن بزرگواران در آن‌ها نماز گزارده‌اند ثواب دارد؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می‌باشد.

محمد بن عبدالرحمن می‌گوید: باهم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامة‌ای شبیه عمامة آن‌ها به

۱. المصباح: ۷۰۳، مصباح المتهدج: ۸۰۵، بحار الأنوار: ۳۹۳/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۶.

سر داشت و در حالی که نشسته بود این دعا را می خواند؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم، و آن دعا این است:

(شيخ طوسی اعلى الله مقامه می فرماید: در هر روز از ماه رجب مستحب است این دعا خواننده شود:)

أَللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ، وَالْآلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ،

خدايا: اى کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت‌های گسترده، و رحمت فraigir،

وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاحِبِ الْعَظِيمَةِ،

و قدرت جامع و كامل، و نعمت‌های عظیم و بخشش‌های بزرگ،

وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ، وَالْعَطَابِيَا الْجَزِيلَةِ . يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ،

و هدیه‌های زیبا، و عطا‌یای فراوان هستی. اى کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی‌شود، و به هیچ موجودی به عنوان

وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَأَلَّهُمَّ

نطیر مثال زده نمی‌شود، و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی‌شود؛ اى کسی که موجودات را خلق کرد؛ سپس به آنان رزق و روزی داد؛ و به آنان الهام

فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارَتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ

کرد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریع کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلند مرتبه گردید؛ و تقدیر کرد پس نیکوگر دانید؛

فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنَحَ

و تصویر کرد پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال کرد پس زسا گردانید؛ و نعمت داد پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود

فَأَفْضَلَ . يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي

پس آن را بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را فزونی داد. اى کسی که اوچ گرفت در عزت و توانمندی، و به همین خاطر دیدگاه‌های چشمان

الْلَطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نَدَّ

توانست به سوی او راه یابد؛ و آن قادر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می‌کندمی‌گذرد؛ اى کسی که در پادشاهی،

لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْآلَاءِ وَالْكِبِرِيَاءِ، فَلَا ضِدَّ لَهُ

نهایه‌است؛ پس همتایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت‌ها و شکوه و عظمت، یگانه و بی‌مانند هستی؛ پس

فِي جَبْرُوتِ شَائِنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبِرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ

در مقام جبروت و استیلاء ضدی برای او نیست؛ اى کسی که لطایف و دقت‌ها و ریزبینی‌های افکار و

الْأَوْهَامُ، وَأَنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكٍ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ.

تصوّرات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در ادراک کمترین مرتبه بزرگی اودیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده.

يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلتِ

ای کسی که صورت‌ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و ذلیل گردید و از بین رفت، و گردن‌ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع

الْقُلُوبُ مِنْ خِفَتِهِ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ،

گشت، و قلب‌ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این مدح و شایی که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست،

وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ

و به خاطر آنچه برای مؤمنانی که تو را می‌خوانند، بر خودت وعده داده‌ای؛ و به خاطر آنچه برای

الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلْدَّاعِينَ. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ

دعائندگان، اجابت‌کردن را ضامن شده‌ای؛ از تو طلب می‌کنم. ای شنوادگان، و بینارین

النَّاظِرِينَ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، صَلٌّ عَلَى

بینندگان، و سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛ بر

مُحَمَّدٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ [الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ]، وَأَقْسِمْ

پایان‌بخش پیامبران حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او - که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست؛ و

لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرٌ مَا قَسَمْتَ، وَأَخْتِمُ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرٌ

در این ماه، بهترین قسمت‌ها را برای من قرار‌ده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من

مَا حَتَمْتَ، وَأَخْتِمُ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ، وَأَخْبِنِي مَا

حتی‌گردان، و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی، و تا مدامی

أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمْتَثِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ

که مرا زنده نگه می‌داری نعمت را بر من زیاد و فراوان بگرдан؛ و مرا در حالی که شادان و پخشیده شده‌ام، بمیران؛ و خودت

نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبَرَزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرَ

نجات از برسی‌های بزخ مرا بر عده بگیر؛ و نکیر و منکر را از من دور کن؛

عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا

و مبشر و بشیر را به من نشان بده؛ و بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛

وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا.

و زندگی خوش و کامیاب، و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمد و آل او درود فراوان بفرست.

سپس آن مرد سجده‌ای طولانی کرد، و از جایش برخاست و شترش را سوار شد و از آنجا رفت.

دوستم به من گفت: به نظر ما او حضرت خضر علیه السلام بود؛ چه شد که با او صحبت نکردیم؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن بازداشته بودند! از مسجد خارج شدیم و در راه پسرابی رواد رواسی را دیدیم؛ او به ما گفت: از کجا می‌آید؟

گفتیم: از مسجد صعصعه؛ و جریان رانیز برایش بازگو کردیم.

او گفت: این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می‌آید، و هیچ حرف نمی‌زند؛ به او گفتیم که: او کیست؟

گفت: شما فکر می‌کنید چه کسی باشد؟

گفتیم: گمان می‌کنیم حضرت خضر علیه السلام باشد.

گفت: به خدا سوگند، فکر می‌کنم او کسی است که حضرت خضر علیه السلام هم محتاج دیدار است. بروید که سعادتمند شدید.

دوستم به من گفت: به خدا سوگند، آن شخص امام زمان ارواحنافه بود.^۱

نگارنده می‌گوید: سید بزرگوار جناب علی بن طاووس علیه السلام می‌فرماید: این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می‌شود آن را در اینجا (بخش ادعیه ماهها) نقل کردیم.

و در بخش اول (نمازها، ص ۱۳۶) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم، به آنجا مراجعه کنید.

۱. المصباح: ۶۹۹، مزار شهید: ۲۷۷، بحار الانوار: ۴۴۶/۱۰۰، إقبال الأعمال: ۱۴۳.

دعای روز سوم ماه شعبان

عالّامه مجلسی علیہ السلام در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: وکیل امام حسن عسکری علیہ السلام
- قاسم بن علاء همدانی - نامه‌ای از ناحیه مقدسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند:
همانا مولای ما امام حسین علیہ السلام در روز پنج شنبه سوم شعبان به دنیا آمدند؛ آن
روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان.^۱

و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید: امام زمان صلوات الله عليه این دستور را صادر
فرمودند:
روز سوم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز، روز ولادت
امام حسین علیہ السلام است:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعِدِ بِشَهَادَتِهِ
ای خدا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز که پیش از آن که چهره‌اش ظاهر شود و متولد گردد به

قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَلَادَتِهِ، بَكْتَهُ السَّمَاءَ وَمَنْ فِيهَا، وَالْأَرْضُ وَمَنْ

شهادت او وعده داده شده، کسی که بر او آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است بر (مطلوبیت) او گریستند،

عَلَيْهَا وَلَمَا يَطَأْ لَابَتِهَا، قَتِيلُ الْعَبَرَةِ وَسَيِّدُ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ

در حالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود، او کشته‌گریه و سرور خاندان است که با انتقام خون پاکش

بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ، الْمَعَوْضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَعْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ،

در رجعت آل محمد نصرت و ظفر پایدار خواهد یافت، و در عوض شهادتش امامان و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت،

وَالشَّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ

و شفای هر درد و مرضی در تربت اوست، و رستگاری و پیروزی همراه اوست به هنگام رجعتش، و

عِترَتِهِ، بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبِتِهِ، حَتَّىٰ يُدْرِكُوا الْأَوْثَارَ، وَيَشَارُوا

وصیا از عترت او هستند، پس از حضرت مهدی علیہ السلام و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام

الثَّارَ، وَيُرْضُوا الْجَبَارَ، وَيَكُونُوا خَيْرُ الْأَنْصَارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ،

گیرند، و خداوند چتار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان

مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. أَللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَأَسْأَلُ

تا زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند. بار خدایا؛ به حق آنان به درگاه تو توشیل می‌جوییم، و از تو درخواست می‌کنم

سُؤَالٌ مُقتَرِفٍ [وَمُعْتَرِفٍ، مُسْتَيِّءٍ إِلَى نَفْسِهِ، مِمَّا فَرَطَ فِي]

ماند گنه کاری که اعتراف به گناهان خود می‌کند؛ به خود بدی نموده به خاطر این که

يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلٍ رَمْسِهِ. أَللَّهُمَّ صَلِّ

در روز و شب خود کوتاهی کرده است، از تو درخواست می‌کند که او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری. خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَبَوْنَانَا مَعَهُ دَارِ

بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست، و ما را در زمرة آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای

الْكَرَامَةِ، وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ. أَللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْنَا بِمَعْرِفَتِهِ، فَأَكْرِمْنَا

کرامت یعنی بهشت و محل اقامت ابدی، مرا با او همنشین گردان. خدایا؛ همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی داشتی، پس با

بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنَا مِرْأَفَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسْلِمُ لِأَمْرِهِ،

نقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتمن به سوی او را روزی ما بگردان، و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسليم

وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ

است و در هنگام یاد نمودن از او درود بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می‌فرستد،

اصْطِفَائِهِ، الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ، الْنُّجُومُ الزُّهْرِ،

آنان که از طرف تو پیوسته آمداند، و تعدادشان دوازده تن می‌باشد؛ همه آن‌ها ستارگان درخشان،

وَالْحُجَّاجُ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ. أَللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرٌ

و برای تمامی انسان‌ها حجت می‌باشند. خدایا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛

مَوْهِبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلَبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ

و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السلام را به جدش

جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَادَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِذُونَ

حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و فطرس - فرشته الهی - به گهواره اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش

بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشَهُدُ تُرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، أَمِنَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

به قبر او پناه می برمی و در نزد تربت او حاضر می شویم و منتظر بازگشتش می باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

فضیلت ش نیمة شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس علیه السلام می فرماید: سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی ارواحنا فدا نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند - به مقداری که پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم آن را ذکر فرموده‌اند - و سعادت‌مندان از امت پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم آن را شارت داده‌اند؛ باشد.

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان
دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهانشان آنان را احاطه کرد؛ پس
خداآوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و برداشتن آزاد کند و آنان را بر
حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که
مستحق آن هستند، اعطا می کند؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم
می گستراند؛ سفره‌ای که همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می شوند.

کامل کننده الطاف خداوند با او صافی نیکو است. او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهریان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه های سرور و بشارت های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن ها نشان می دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می دهد و دل ها را به سوی اطاعت پروردگار می کشاند.

سید بن طاووس در ادامه می‌افزاید:

تمامی انسان‌ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان مُنت گذاشته و به آنان عطا کرده، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و ایمان، و ریشه کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه‌های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در

دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت بپردازنند.
و آنها رادر خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا ﷺ - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.
همان گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.
پس هر بنده‌ای از بندگان سعادتمند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می‌رسد، باید با قدرت و جدیت به شکرگزاری قیام کند.
از جمله دعاها و سوگنهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:



دعای شب نیمه شعبان

أَللَّهُمَّ بِحَقٍّ لَّيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتَكَ وَمَوْعِدِهَا، الَّتِي

خدایا؛ به حق امشب ما و مولود آن، و حجت تو و وعده داده شده آن، که

قَرَنْتَ إِلَيْيِ فَضْلِهَا فَضْلًا فَتَمَتْ كَلِمَاتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا، لَا مُبَدِّلَ

برتری دیگری بر برتری آن مقومن ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون‌کننده‌ای

لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مَعْقُبَ لِآيَاتِكَ، نُورُكَ الْمُتَّالِقُ، وَضِياؤكَ الْمُشْرِقُ،

برای کلمات تو نیست، و نه پس زنده‌ای بر آیات نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو

وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَهْرٍ مُّكَبِّرٍ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ. جَلَّ مَوْلَدُهُ،

و پرجم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوهمند،

وَكَرَمٌ مَحْتِدٌ، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدٌ، وَاللّٰهُ نَاصِرٌ وَمُؤَيِّدٌ، إِذَا أَنَّ

و نژادش شریف است، و فرشتگان شاهدان اویند، و خداوند یاریکنده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که

مِيعَادُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيِّفُ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذِي

زمان وعدهاش فرا رسد، و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند شود، و نور خداوندی است

لَا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَنَوَامِضُ

که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردبایری است که از جا در نرود. محور و مرکز چرخش روزگار، و ناموس‌های

الْعَصْرِ، وَوُلَادَةُ الْأَمْرِ، وَالْمَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَمَا يَنْزَلُ فِي لَيْلَةِ

زمانه، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب

الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَسْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ، وَوُلَادَةُ أَمْرِهِ

قدر نازل گردد، و صاحبان گردآوری و پراکندگی، بیان کننده پیام آسمانی او؛ و عهدداران امر

وَنَهْيِهِ. أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنْ

و نهی او می‌باشند. بارخدايا؛ بر آخرین، و قیامکننده ایشان درود بفرست که از

عَوَالِمِهِمْ (عَوَالِمِهِمْ)، وَأَدْرِكْ بِنَا أَيَّالِهِ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا

عالیم ایشان پوشیده است؛ و ما را موفق به درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان؛ و ما را

مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِشَارِهِ، وَأَكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ،

از یاران آن حضرت قرار بدده؛ و خونخواهی او پیوسته گردان؛ و ما را در گروه یاران و مخلصان بی‌آلایشانش بنویس؛

وَأَحِنْنا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقَّهِ قَائِمِينَ،

و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار؛ و به همراهی او بهره‌مند، و به ادای حقش پا بر جا،

وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و از بدی نیز برکتار بدار؛ ای مهربان ترین مهربانان؛ و ستایش مخصوص بپروردگار جهانیان است؛

وَصَلَى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلٰى أَهْلِ

و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل

بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النَّاطِقِينَ، وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ،

بیت راستگو و عترت سخنگوی اندیشمند او باد. خدای؛ به همه ستمکاران لعنت کن،

وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ .١

و خودت بین ما و آنها داوری کن؛ ای بهترین داوران.

نگارنده می‌گوید: سزاوار است صلوات ضرّاب اصفهانی که آن رادر صفحه ۲۶۴ این کتاب نقل کردیم، در شب نیمة شعبان و روزش، خوانده شود.

فضیلت (دعای خضر علیہ السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب

کمیل بن زیاد می‌گوید: با مولایم امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»^۱؛ «که در آن شب هر امری با حکمت معین گردد»، چیست؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

مراد، شب نیمة شعبان است؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست، هیچ بندهای نیست مگر این که تمامی خیرو شری که در طول سال تا شب نیمة شعبان آینده بر او می‌گذرد، در آن شب برای او تقسیم می‌شود؛ و هیچ بندهای نیست که این شب را با شب زنده‌داری سپری کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را بخواند مگر این که اجابت شود.

امام علی علیه السلام از مسجد بیرون رفتند، من شب هنگام در پی ایشان به راه افتادم؛ حضرت فرمودند: ای کمیل؛ چه باعث شده که اینجا آمده‌ای؟

گفتم: ای امیر مؤمنان؛ دعای حضرت خضر علیه السلام را می‌خواهم.

حضرت فرمودند:

۱. إقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

۲. سورة دخان، آیه ۴.

٣٧

دعای افتتاح

علّامه مجلسی ؑ می‌گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر ارواحنا فداه
خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به
آن‌گوش فرا می‌دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می‌کنند.

دعا این است:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنَّتَ مُسَدِّدُ الصَّوَابِ بِمَنْكَ

بَارُ الْهَا، مِنْ ثَنَائِيْ تُورَّا بَاسْتَابِشْ وَ حَمْدَتْ آغَازْ مِنْ كِنْمْ؛ وَ تُورَّا بَهْ لَطْفَ وَ احْسَانَتْ هَرْ كَارْ رَاستْ وَ درْسَتْ رَا

وَأَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ

استوارِ کننده‌ای؛ وَ يَقِنَ دَارِمَ كَهْ تُورَّا درْ جَايَگَاهْ بَخَشَشْ وَ مَهْرَبَانِيْ، مَهْرَبَانِ تَرِينْ مَهْرَبَانَ هَسْتِيْ؛



وَأَشَدُ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ

و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز سخت ترین کیفر کننده ای؛ و

فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ。 أَللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ

در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ ترین قدرت و شوکت را دارا هستی. بارالها؛ به من اجازه دادی تو را بخوانم

وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعَوَتِي،

و از تو درخواست نمایم؛ بنارین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بد؛ و ای مهریان؛ دعایم را اجابت کن؛

وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا،

و ای امرزند؛ از لغشم درگذر. خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛

وَهُمُومَ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا،

و چه مصیت هایی که تو کنار زدی؛ و چه لغش هایی که درگذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی؛

وَحَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَكْتَهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

و چه حلقه های بلایی که از هم گستی؛ ستایش ویژه خدایی است که همسر و

وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنْ

فرزندی ندارد، و در فرمان فرمایی او نیز شریکی نیست، و هیچ ولی و سرپرستی از روی

الذُّلُّ وَكَبَرُهُ تَكْبِيرًا. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلُّهَا عَلَى جَمِيع

ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش به تمام انواع آن در مورد

نِعَمِهِ كُلُّهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ

تمام نعمت هایش، مخصوص خداست. ستایش ویژه خدایی است که در فرمان فرمایی او هیچ کس نمی تواند با او ضدیت کند و

فِي أَمْرِهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ

در فرمانش کشمکش کننده ای برای او نیست. ستایش ویژه خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در عظمت و

فِي عَظَمَتِهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظَّاهِرُ

برگیش مانندی ندارد. ستایش ویژه خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین آفریدگان آشکار و شکوهش

بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، وَالْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَرَائِنُهُ،

به واسطه کرامت و بزرگواریش هویدا است، و دستش با سخاوتمندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه هایش کم

وَلَا تَزِيدْهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَابُ.

نمی شود، و بخشش زیادش تنها باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخششده است.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ

بارالها؛ از تو می خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛ و تو از

وَغِنِيَّاًكَ عَنْهُ قَدْيِمٌ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ.

قدیمی بی نیاز از اینها بوده ای و این اندک، نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو (بلوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می باشد.

أَللّٰهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي، وَتَجَاوِزَكَ عَنْ خَطَيْئَتِي، وَصَفْحَكَ

بارالها؛ واقعیت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم پوشی تو

عَنْ ظُلْمِي، وَسَتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي،

از ستم من، و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردازی تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من

عَنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَائِي وَعَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا

چه از روی عمد انجام داده ام، و چه به طور اشتباهی مرتكب شده ام؛ باعث شده است باز هم طمع کنم و اقدام به

أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَرْيَتَنِي مِنْ

درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستم؛ همان چیزی که از رحمت نصیبم ساختی، و از

قُدْرَتِكَ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ، فَصَرِّتُ أَدْعُوكَ أَمِنًاً. وَأَسْأَلُكَ

قدرت نشانم دادی، و از پاسخ گوییت که به من شناساندی؛ بدین سان، با آرامش تو را می خوانم. و نیز از تو می خواهم

مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا، مُدِلَّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ

در حالت آنس با تو، نه با ترس و هراس، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن آهنگ تو کردم،

إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبَتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ

پس اگر دیر پاسخم را دادی، با نادانیم بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با آن که احتمال قوی می رفت چیزی که در دادنش

عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي، لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرَ مَوْلَى كَرِيمًا

به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان همه کارها را می دانی؛ پروردگارا؛ هیچ مولای کریم و بزرگواری را

أَصْبَرَ عَلَى عَبْدِ لَئِمَ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوَّلَيِ

بر بندۀ پستی شکیباتر از تو بر خود ندیدم. پروردگارا؛ تو مرا دعوت می کنی، ولی من روی می گردانم؛

عَنْكَ، وَتَحَبَّبُ إِلَيْهِ فَأَتَبْعَضُ إِلَيْكَ، وَتَوَدَّدُ إِلَيْهِ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ،

تو به من محبت می‌کنی ولی من با تو دشمنی می‌کنم، تو به من مهر می‌ورزی ولی من از تو نمی‌پذیرم؛

كَانَ لِي التَّطْوِيلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي،

گویا من از تو طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی‌شود تو از مهربانی

وَالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَالْتَّفَضْلِ عَلَيْهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ

و احسان و فرونوخشیدن با سخاونمندی و بزرگواریت نسبت به من، دست برداری. بنابراین (خدایا) به این بندۀ

الْجَاهِلَ، وَجُدُّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ

نادانست رحم کن؛ و با فرونوی احسانت بر او بخشش فرما؛ راستی که تو بخشندۀ و بزرگواری. ستایش ویژه خداست

مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ، فَالِّيْلِ الْأَصْبَاحِ،

که صاحب فرمانروایی است، کشتی را در دریا روان می‌سازد، بادها را در اختیار دارد، شکافنده صبح است،

دَيَانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

پاداش دهنده روز جزا است، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژه خداست که با وجود آگاهیش برداری می‌کند،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طُولِ أَنَاتِهِ

و ستایش ویژه خداست که با وجود قدرت و تواناییش عفو و بخشش می‌کند. ستایش ویژه خداست که در حال خشم نیز مهلت

فِي غَضَبِهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقُ الْخَلْقِ،

طولانی می‌دهد، با این که می‌تواند هر کاری که اراده کند انجام بدهد؛ ستایش ویژه خداست که آفریننده مخلوقات است؛

بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِّيْلِ الْأَصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْأِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ

گستراننده روزی است؛ شکافنده صبح است؛ شکوهمند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و

وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَاءِيْرِيْ، وَقَرْبَ فَشَهَدَ النَّجْوَى، تَبَارَكَ

نعمت‌بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی‌آید، و نزدیک است که صحبت‌های درگوشی رانیز می‌شوند؛ پاک و

وَتَعَالَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهُ

بلندمرتبه است. ستایش ویژه خدایی است که برایش ستیزه‌جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد

يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ، قَهَرَ بِعَزَّتِهِ الْأَعِزَّاءَ، وَتَوَاضَعَ

که با او همانندی نماید؛ و کمک‌کاری ندارد که او را یاری برساند، با اقدام خودش بر قدرتمندان چیره گشته؛ و



لِعَظَمَتِهِ الْعَظَمَاءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُجْبِيْنِي

برگان، در برابر عظمت او فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است. ستایش و پژوه خداست که

حِينَ أَنَادِيهِ، وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيْهِ، وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ

وقتی او را صدامی زنم پاسخمن رامی دهد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می کنم تمام عیوب وزشتی هایم را پنهان می دارد؛ و نعمتهاش

عَلَيَّ فَلَا أَجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنْبِيَّةٍ قَدْ أَعْطَانِي، وَعَظِيمَةٍ

را برایم زیاد می کند ولی من جواب خوبی به این نعمت بخشی ها نمی دهم. چه بخشش گوارابی که به من نمود، و چه امور بزرگ

مَحْوَفَةٍ قَدْ كَفَانِي، وَبَهْجَةٍ مُونَقَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأَثْنَيْ عَلَيْهِ حَامِدًاً،

ترساناکی که مرا از آنها کفايت کرد، و چه بسیار خوشی های دوست داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته او را با ستایش خود شناگویی

وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا. الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَهْتَكُ حِجَابَهُ، وَلَا يُعْلَقُ بَابَهُ،

می کنم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می باشم. ستایش و پژوه خدایی است که برده و حجاب او دریده نمی شود؛ درگاهش بسته نمی شود؛

وَلَا يَرِدُ سَائِلَهُ، وَلَا يُخِيبَ أَمْلَهُ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ،

گداش رد نمی شود؛ آرزومندش، ناآمید برنمی گردد. ستایش و پژوه خدایی است که بیمناکان را اینمی می پخشند،

وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَضْعِمُ الْمُسْتَكْبِرِينَ،

صالحان و شایستگان را رها می سازد، ناتوان شمرده شدگان را والا و بالا می برد، و تکبرکنندگان را بر زمین می زند،

وَيُهْلِكُ مُلُوكًا، وَيَسْتَخْلِفُ أَخْرَى، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاصِمُ الْجَبَارِينَ،

و پادشاهانی را نابود می کند و به جای ایشان افراد دیگری را می نشاند. ستایش و پژوه خدایی است که در هم شکننده زورگویان،

مُبِيرُ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكُ الْهَارِبِينَ، نَكَالُ الظَّالِمِينَ، صَرِيخُ

نابود کننده ستمگران، به چنگ آورنده فاریان، کیفر دهنده ستمگران، فریدرس

الْمُسْتَصْرِخِينَ، مَوْضِعُ حَاجَاتِ الْطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدُ الْمُؤْمِنِينَ.

دادخواهان، پاسخگوی حاجت خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مِنْ خَشِيَّتِهِ تَرَعَّدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَتَرَجُّفُ

ستایش و پژوه خدایی است که آسمان و ساکنش از ترس و هراس او می غزند، و

الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا، وَتَمْوِيجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبِحُ فِي غَمَرَاتِهَا.

زمین و آبادگانش به لرزه درمی آیند، و دریاها و هر که در اعماق آن شناور است دچار موج گردد.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلٰا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ.

ستایش ویژه خدایی است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود، و اگر او هدایت مان نمی کرد به هیچ وجه هدایت نمی شدیم.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ

ستایش ویژه خدایی است که می آفریند و خود آفریده نشده است، و روزی می دهد و خود روزی داده نمی شود و می خوراند

وَلَا يُطْعِمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

و خود نمی خورد، و زنده ها را می میراند و مردگان را زنده می کند، و او زنده ای است که هرگز نمی میرد،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

خیر و خوبی، تنها در دست اوست؛ و او بر هر چیزی توانایی دارد. بار الها؛ بر حضرت محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَخِيرِتِكَ مِنْ

- که بندۀ، فرستاده، امانت دار، برگزیده، محبوب، منتخب تو از

خَلْقِكَ، وَحَافِظْ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغْ رِسَالَاتِكَ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ

آفریدگانست، نگهدارنده اسرارت، و رساننده رسالت های نوشته - درودی پیوسته نثار کن؛ برترین، نیکوترین، زیباترین،

وَأَكْمَلَ وَأَرْكَى وَأَنْمَى وَأَطْبَى وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ

کامل ترین، خوب ترین، رشد کننده ترین، پاک ترین و پاکیزه ترین، والاترین و بیشترین از درودها،

وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحْنَتَ وَسَلَّمْتَ، عَلٰى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ

برکت ها، رحمت ها و مهر بانی ها، و سلامت بخشی هایی باشد که بر هر یک از بندگان خاص خود،

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

پیامبران، رسولان، برگزیدگان، و گرامی داشته شدگان در بین مخلوقات تو؛ نثار فرموده باشی.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

بار الها؛ بر حضرت علی علیه السلام فرمانروای مؤمنان، و وصی و جانشین فرستاده پروردگار

الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ،

جهانیان، بندۀ تو، ولی تو، برادر رسول تو، حجت تو بر آفریدگان،

وَأَيْتَكَ الْكُبْرَى، وَالنَّبِيُّ الْعَظِيمُ، وَصَلِّ عَلٰى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ،

آیت و بزرگ ترین نشانه ات، و آن خبر بزرگ؛ درود پیوسته نثار کن. و بر حضرت صدیقه طاهره



فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى عَلَى سَبْطِي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامَيِّ

فاطمة زهراء، سرور زنان جهانیان، درود فrust. و بر دو نواده ارجمند پیامبر رحمت، دو امام

الْهُدَى، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلَّى عَلَى

و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام حسین علیهم السلام که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فrust. و بر

أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنَ عَلَيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنِ

پیشوایان مسلمانان، یعنی: علی بن الحسین (سجاد)، محمد بن علی (باقر)، جعفر بن

مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلَيٍّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلَيٍّ،

محمد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علی بن موسی (رضا)، محمد بن علی (جواد)،

وَعَلَيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ،

علی بن محمد (هادی) حسن بن علی (عسکری) و بازمانده او که راهنمای و راهیافته است (الله علیه السلام)؛

حُجَّاجَ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَمَانَاتِكَ فِي بِلَادِكَ، صَلُوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً.

که همگی حجت‌های تو بر بندگان، و امانتداران تو در شهرهایت می‌باشند؛ صلوات و درودی فراوان و دائمی نثار کن.

اللّٰهُمَّ وَصَلَّى عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ،

خدایا؛ درود فrust بر ولی امرت، قیام‌کننده مورد آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛

وَحْفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُّسِ، يَا رَبَّ

و با فرشتگان مقربت او را در برگیر؛ و با روح القدس تاییدش کن؛ ای پروردگار

الْعَالَمِينَ. اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ،

جهانیان؛ بارالها؛ او را فرا خواننده مردم به سوی قرآن، و برپادارنده دین و آیینت قرار ده؛

إِسْتَخْلَفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ

او را همانند دیگران که در زمین، خلافت بخشیدی و جاشین خودت کردی، جاشین ساز؛ دینی را که برای

دِينِهِ الَّذِي ارْتَضَيْتَ لَهُ، أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ

او بستندهای، قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تادر نتیجه تو را ببرست

لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْهِ، وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ،

و چیزی را با تو شریک نگیرد. خدا؛ او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او

وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ

پیروز فرما؛ و یاری عزتمند را بدو برسان، و برایش گشايش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا。اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنْنَةَ نَبِيِّكَ حَتَّى

جانب خودت برایش قدرت و سلطنتی پیروز مقتر دار. بارالها؛ آینین خودت، و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز؛

لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ。اللَّهُمَّ إِنَا

به گونه‌ای که از ترس یکی از آفریدگانست، هیچ بخشی از حق و حقیقت را پنهان نکند. بارالها؛ واقعیت آن است که

نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذْلِلُ

ما مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستیم که (در سایه حضور پیشوای معصوم مان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند گردانی،

بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادِةِ

و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمایی؛ و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به فرمان برداری از تو فرا بخوانیم، و همه

إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ。اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا

را به راه تو رهبری کنیم، و به واسطه این دولت شکوهمند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بارالها؛ حقیقت‌هایی را که به ما شناساندی،

مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ، وَمَا قَصْرَنَا عَنْهُ فَبَلَغْنَاهُ。اللَّهُمَّ إِنَّمَا بِهِ

توان تحملش رانیز بده تا آنها را باور کنیم؛ و هر چه را به آن دست نیافته‌ایم، خودت ما را بدان‌ها برسان. خدا!؛ به واسطه آن حضرت

شَعَثَنَا، وَأَشَعَبْ بِهِ صَدْعَنَا، وَأَرْتَقْ بِهِ فَتَقَنَا، وَكَثَرْ بِهِ قِلَّتَنا،

پراکندگی ما را سامان بخشن؛ اختلاف میان ما را اصلاح کن؛ گستاخی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛

وَأَعْزِزْ بِهِ ذَلَّتَنَا، وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا، وَأَقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرِبِنَا، وَاجْبِرْ

خواری و ذلت ما را تبدیل به عزت کن؛ فقیران ما را بی نیاز و ثروتمند ساز؛ بدھی و رشکستگان و بدھکاران ما را ادا کن؛ فقر و نیازمندی

بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا، وَبَيْضُ بِهِ وُجُوهَنَا،

ما را جبران فرما؛ نفس و خلل‌های ما را پر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛

وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلَبَتَنَا، وَأَنْجِزْ بِهِ مَوْاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ

اسیرانمان را آزاد ساز؛ خواسته‌های ما را برآور؛ و عده‌های مان را محقق کن؛ دعای ما را

بِهِ دَعَوْتَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا، وَبَلَغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ

پاسخگو باش؛ خواسته‌های ما را عطا کن؛ ما را به آرمان‌ها و آرزوی‌های دنیوی و آخری برسان؛



اَمَّالَنَا، وَأَعْطَنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا. يَا خَيْرَ الْمَسْؤُلِينَ وَأَوْسَعَ

و برتر از آنچه بدان مایلیم به ما عطا کن. ای بهترین کسی که از او درخواست می شود؛ ای دارای فراگیرترین

الْمُعْطِينَ، إِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا

بخشندهای ما را به وسیله او شفا بخش؛ خشم قلبمان را به وسیله او بطرف کن؛ به کمک او و به واسطه حضور او،

بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَأْذِنْكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى

با اذن و خواست خودت ما را در مورد حقیقت هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی و هدایت فرماید؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه

صِرَاطِ مُسْتَقِيمَ، وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوْكَ وَعَدُوْنَا، إِلَهَ الْحَقِّ

راست رهنمون می شوی، ما را به واسطه او بر دشمن خودت و دشمن ما، یاری فرماید؛ ای معیوبد به حق؛ دعای مان را

اَمِينَ. أَللَّهُمَّ إِنَا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

مستجاب گردان. بارالهاء، واقعیت آن است که ما به تو شکایت می کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبرمان - که درودت بر او و آل او باد -؛

وَغَيْبَةَ وَلِيَّنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوْنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشَدَّةَ الْفِتْنَ بِنَا،

وازپنهان بودن سرپرست مهربان مان، و از سیاری دشمنان مان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنهها و آشوب های سختی که دچار شان هستیم؛

وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَا عَلَى ذَلِكَ

و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمد و آل او درودی پیوسته نثار کن، و ما را در این گرفتاری ها کمک کن

بِقْتْحِ مِنْكَ تَعَجَّلُهُ، وَبِضُرِّ تَكْسِفُهُ، وَنَصْرٌ تَعْزَهُ، وَسُلْطَانٌ حَقٌّ

توسط پیروزی و گشاشی که در آن شتاب می کنی؛ و ضرر وزیانی که بطرف می سازی و یاری کردنی که با آن عزت می بخشی و قدرتمند حقی که

تُظْهِرُهُ، وَرَحْمَةً مِنْكَ تُجَلِّلُنَا هَا، وَعَافِيَةً مِنْكَ تُلْبِسُنَا هَا، بِرَحْمَتِكَ

آشکارش می نمایی، و رحمتی که با آن به ما بزرگی و شکوه می دهی، و لباس عافیتی که بر ما می پوشانی، به حق رحمت،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

اَيِ مهربان ترین مهربانی.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

هر کس این دعاء را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند، گناهانش تاروز

قیامت بخشیده می شود:

اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَىٰ أَهْلِ الْقِبْوَرِ السُّرُورَ . اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ .

خداؤندا؛ بر ساکنان گورها، شادمانی و خوشی عطا فرما؛ خداوندا؛ تمام نیازمندان را بینیاز گردان؛

اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ . اللَّهُمَّ اكْسِ كُلَّ عُرْيَانٍ . اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ

خداؤندا؛ تمام گرسنگان را سیر کن؛ خداوندا؛ هر عربانی را بپوشان؛ خداوندا؛ قرض

كُلَّ مَدِينٍ . اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ . اللَّهُمَّ رُدْ كُلَّ غَرِيبٍ .

هر مقروضی را ادا فرما؛ خداوندا؛ اندوه هر اندوهناکی را برطرف کن؛ خداوندا؛ هر غریبی را به (وطن) باز گردان؛

اللَّهُمَّ فَكَ كُلَّ أَسِيرٍ . اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ .

خداؤندا؛ هر اسیری را آزاد کن؛ خداوندا؛ هر فاسدی را از امور مسلمانان اصلاح فرما؛

اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ . اللَّهُمَّ سُدَّ فَقْرَنَا بِغُنَاكَ . اللَّهُمَّ غَيْرُ سُوءَ

خداؤندا؛ هر مريضی را شفا مرحتم کن؛ خداوندا؛ فقر و تهدیستی ما را بینیازی خودت برطرف کن؛ خداوندا؛ بدی حال

حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ . اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ ، وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ ،

ما را به خوبی حال خودت تغییر بده؛ خداوندا؛ قرض ما را ادا فرما، و ما را از فقر به توانگری برسان؛

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

همانا تو بر هر چیزی تو نایابی.

بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداء محقق می‌شود، و برای این دعا قضیه و داستانی است که به مناسب بودن دعا در این زمینه دلالت می‌کند؛ ولی در این کتاب مجالی برای ذکر آن نیست.



دعا برای ظهر امام زمان ارواحنا فداء

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاوس علیه السلام برای این روز، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْبُنُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَوِلَايَةُ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ،

بار خدایا؛ همانا من گردن می‌نمهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت حضرت محمد صلوات الله عليه وآله وسالم پیامبر تو،

وَوِلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ، وَوِلَايَةُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی علیه السلام) دوست پیامبرت، و ولایت امام حسن و امام حسین

سِبْطَيْهِ نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ. وَأَدْبُنُكَ يَا رَبَّ بِوْلَايَةَ

دو نوه پیامبرت و دو سور جوانان اهل بهشت. و گردن می‌نمهم (ای پروردگار)؛ به ولایت

عَلِيٌّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى

علی بن حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد (صادق) و موسی

بْنِ جَعْفَرَ وَعَلِيٌّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ بْنِ مُحَمَّدٍ

بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضاء) و محمد بن علی (جواد) و علی بن محمد (هادی)

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدِي وَمَوْلَايِ صَاحِبِ الزَّمَانِ. أَدْبُنُكَ يَا

و حسن بن علی (عسکری) و آقایم و مولایم صاحب زمان علیه السلام. گردن می‌نمهم ای

رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ، وَبِالْتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلَتْهُمْ، رَاضِيًّا غَيْرَ

پروردگار جهان؛ به اطاعت و ولایت آنان و تسليمشدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده‌ای ایشان را؛ در حالی که راضی و



مُنْكِرٌ وَلَا مُسْتَكِبٌ، عَلَىٰ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ . أَللّٰهُمَّ صَلٌّ عَلَىٰ
 خشنود هستم و انکار نمی کنم، و استکبار نمی ورزم بر آنچه که در قرائت نازل کردی. خدایا؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيْكَ وَخَلِيفَتَكَ وَلِسَانِكَ وَالْقَائِمِ
 محمد و آل محمد درود بفرست؛ و دور کن (هر شتری) را از ولیت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام کننده

بِقِسْطِكَ، وَالْمُعَظَّمِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ،
 به عدلت، و بزرگ دارنده حرمت، و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده احکامت،

وَعَيْنِكَ النَّاظِرَةِ، وَأَذْنِكَ السَّامِعَةِ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَىٰ
 و چشم بینایت، و گوش شنایت، و گواه بندگان، و حجت تو بر

خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ، وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ . وَاجْعَلْهُ
 آفریدگان، و جهاد کننده در راهت، و کوشش کننده در اطاعت و پیرویت. او را در جمله

فِي وَدِيَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَأَيْدِهِ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَأَعْنَهُ وَأَعِنْ
 امانت های خودت که ضایع نمی شود قرار بده، او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ او را یاری کن و از او حمایت

عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ وَمَا وَلَدَا وَوَلْدِيِّ مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ،
 کن؛ و من و پدر و مادر و فرزندان شان و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که آن حضرت را یاری می کنند،

وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، إِشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقْ بِهِ
 و به وسیله او در دنیا و آخرت یاری می شوند؛ و پراکنده می کنند، و گستاخی ما را به وسیله او تبدیل به

فَتَقَنا . أَللّٰهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَدَمِدِمْ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَاقْصِمْ
 پیوستگی فرما. باز خدایا؛ به وسیله آن حضرت، ستم و جور را بمیران؛ و غصب کن بر کسانی که علیه ایشان هستند، و

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتَّىٰ لَا تَدَعَ عَلَىٰ الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيْلَارًا .
 سران گمراهی را درهم بشکن نا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند.

دعای دیگر

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رض دعای دیگری را برای این روز نقل کرده است:

أَللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلْمَةَ جَحَدُوا أَيَّاتِكَ، وَكَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَكَذَبُوا

خدا؛ همانا ستمگران آیات و نشانه‌های تو را انکار کردند، و به کتابت یعنی قرآن کفر ورزیدند، و

رُسُلَكَ، وَاسْتَنْكَفُوا عَنْ عِبَادَتِكَ، وَرَغَبُوا عَنْ مِلَّةِ خَلِيلِكَ،

فرستادگانت را تکذیب کردند، و از بندگی تو سرباز زدند، و از آیین خلیل تو روی گردانند،

وَبَدَّلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَّعُوا غَيْرَ دِينِكَ، وَاقْتَدَوْا بِغَيْرِ

و آن چه را که فرستادهات آورده است دگرگون ساختند، و غیر از دین تو را تشريع نمودند، و به غیر از راه

هُدَاكَ، وَاسْتَنْتَوْا بِغَيْرِ سُنْنَتِكَ، وَتَعَدَّوْا حُدُودَكَ، وَسَعَوْا مُعَاجِزِينَ

هدایت تو اقتدا کردن، و به غیر ازست و آین تو عمل کردند، و از حد و مرزهای تو تجاوز کردند، و با آیات تو به مقابله برخاستند و سعی

فِي أَيَّاتِكَ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ،

کردند آنها را ناتوان جلوه دهنند. برای خاموشی نور تو با یکدیگر همکاری کردند، و از پیمودن راه تو جلوگیری نمودند، و

وَكَفَرُوا نَعْمَاءَكَ، وَشَاقُوا وُلَاهَ أَمْرِكَ، وَوَالَّهُ أَعْدَاءَكَ، وَعَادُوا

و نعمت‌هایت را ناسپاسی کردند، و با اولیای امور تو به سختی دشمنی کردند، و با دشمنان دوستی و هم‌عهدی کردند، و با

أَوْلِيَائِكَ، وَعَرَفُوا ثُمَّ أَنْكَرُوا نِعْمَتَكَ، وَلَمْ يَذْكُرُوا أَلَاءَكَ، وَأَمِنُوا

دوستانت دشمنی ورزیدند؛ با این‌که نعمت‌هایت را شناختند، آنها را انکار کردند، و خوبی‌هایت را یادآور نشدند، و خودشان

مَكْرَكَ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِكَ، وَاسْتَحْلَوا حَرَامَكَ، وَحَرَّمُوا

را از مکر و حیله تو این دانستند، و دل‌هایشان نسبت به یاد تو سخت و محکم شد، و حرام تو را حلال شمردند، و

حَلَالَكَ، وَاجْتَرَأُوا عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَلَمْ يَخَافُوا مَقْتَكَ، وَنَسُوا

حلال تو را حرام کردند، و در انجام نافرمانی تو جرأت پیدا کردند، و از دشمنی و نفرت تو هراسی نداشتند، و انتقام تو را فراموش

نِقْمَتَكَ وَلَمْ يَحْذِرُوا بِأَسْكَ، وَأَغْتَرُوا بِنِعْمَتِكَ . اللَّهُمَّ فَاصْبِبْ

کردند و از سختی‌ها و عذاب خود را بر حذر نداشتند، و به وسیله نعمت‌هایی که تو به آنان داده‌ای مغور شدند. خدایا؛

مِنْهُمْ، وَاصْبِبْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ شَافَتَهُمْ، وَاقْطَعْ

نعمت‌هایت را برای آنان از بین ببر، و عذابت را بر آنان فرود آور، و آن‌ها را ریشه‌کن نما، و

دَابِرَهُمْ، وَضَعْ عِزَّهُمْ وَجَبَرُو تَهُمْ، وَانْزَعْ أَوْتَارَهُمْ، وَزَلْزِلْ

دبیله آنان را قطع کن، و عرت و بزرگی آنان را خوار و پست کن، و ستم‌های آن‌ها را بکن، و قدم‌هایشان را متزلزل کن،

أَفْدَامَهُمْ، وَأَرْعِبْ قُلُوبَهُمْ . اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغَلًا،

و در دل‌های آن‌ها ترس و وحشت بینداز. خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیله گول‌زدن و جیله‌گری گرفتند،

وَمَالِكَ دُولَةً، وَعِبَادَكَ حَوْلًا . اللَّهُمَّ اكْفُهُمْ بِأَسَهْمٍ، وَأَفْلُلْ حَدَّهُمْ،

و اموال تو را وسیله چیرگی و استیلای خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بینده و برده خود کردند. خدایا؛ بندگان را از عذاب و شکنجه آنها

وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَأَشْمِتْ عَدُوَّهُمْ، وَاسْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ .

باز بدار، و شمشیر تیز آنان را بشکن و نابود کن، و مکروه‌هایشان را سست و بی‌اثر کن، و دشمنان شان را شاد کن، و سینه مؤمنان را شفا بد

الَّهُمَّ افْتُتْ أَعْضَادَهُمْ، وَأَقْهَرْ جَبَابِرَتَهُمْ، وَاجْعَلْ الدَّائِرَةَ عَلَيْهِمْ،

نیرو و توان بازو‌هایشان (دشمنان) را از بین ببر، و شوکت و قدرت‌شان را مورد قهر و غلبه قرار بده، و آنان را در حلقة محاصره قرار بده،

وَاقْضُضْ بُنْيَانَهُمْ، وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفَرَقْ جَمَعَهُمْ، وَشَتَّ

و بنيان و ریشه آن‌ها را درهم بکوب، و اتحاد کلمه ایشان را بر هم بزن، و اجتماع ایشان را پراکنده ساز، و

أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فُوْقِهِمْ،

کارهایشان را آشفته و پراکنده کن، و سختی و عذاب ایشان را بین خودشان قرار بده؛ از بالای سرشاران

وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَاسْفِكْ بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ، وَأَوْرِثْ

و از زیر پایشان عذابت را بر ایشان بفرست؛ خون ایشان را به دست مؤمنان بربیز، و

الْمُؤْمِنِينَ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ . اللَّهُمَّ أَضِلْ أَعْمَالَهُمْ،

مؤمنان را وارت زمین‌ها و خانه‌ها و اموال آنان قرار بده. خدایا؛ اعمال ایشان را تیاه کن؛

وَاقْطَعْ رَجَاءَهُمْ، وَأَدْحِضْ حُجَّتَهُمْ، وَاسْتَدْرِجْهُمْ مِنْ حَيْثُ

امید ایشان را قطع کن، و حجت و برهان ایشان را باطل کن، و آنان را به تدریج و از

لَا يَعْلَمُونَ، وَأَتَهُمْ بِالْعَذَابِ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ، وَأَنْزَلْ

جایی که نمی‌دانند در هم بییجان، و بر ایشان عذاب بفرست به طوری که نفهمند که از کجا آمده است؛

بِسَاحَتِهِمْ مَا يَحْذِرُونَ، وَحَاسِبُهُمْ حِسَابًا شَدِيدًا، وَعَذَابُهُمْ

و آن چیزی را که از آن بیم دارند، به سرای آنها نازل کن؛ و به حساب آنان با سختگیری رسیدگی کن، و آنان را به

عَذَابًا نُكْرًا، وَاجْعَلْ عَاقِبَةً أَمْرِهِمْ خُسْرًا. أَللّٰهُمَّ إِنَّهُمْ أَشْتَرَوْا

عذاب سخت گرفتار کن، و عاقبت آنان را زیان قرار بده. بار خدایا؛ همانا، ایشان

بِإِيمَاتِكَ ثَمَنًا قَلِيلًا، وَعَتَوًا عُتُوا كَبِيرًا. أَللّٰهُمَّ فَخَذْهُمْ أَخْذًا وَبِيلًا،

آیات را به قیمت کمی فروختند؛ و گردنشی‌های بسیار کردند. خدایا؛ به شدت گرفتارشان کن،

وَدَمْرُهُمْ تَدْمِيرًا، وَتَبَرُّهُمْ تَتَبِيرًا، وَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ

و آنان را درهم کوب و نایودشان فرما، و برای آنان در روی زمین یاور،

نَاصِرًا، وَلَا فِي السَّمَاءِ عَاذِرًا، وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا. أَللّٰهُمَّ فَخَذْهُمْ

و در آسمان عذرخواهende قرار مده، و بر ایشان نفرین فراوان بفرست. خدایا؛ آنها را به شدت

أَخْذًا وَبِيلًا. أَللّٰهُمَّ إِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ،

در چنگ خود گرفتارشان کن. بار خدایا؛ همانا ایشان نماز را ضایع و تباہ کردند، و از شهوت‌ها پیروی کردند،

وَعَمِلُوا السَّيِّئَاتِ. أَللّٰهُمَّ فَخَذْهُمْ بِالْبَلِيَّاتِ، وَأَخْلُلْ بِهِمُ الْوَيْلَاتِ،

و انواع گناهان را مرتکب شدند. خدایا؛ آنان را دچار بلaha کرده، و مصیبت‌ها و هلاکت‌ها به ایشان وارد کن،

وَأَرِهِمُ الْحَسَرَاتِ، يَا أَللّٰهُ إِلٰهَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ

و حسرت و افسوس خوردن را بر آنان حاکم فرما. ای خدا؛ ای پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها. خدایا؛

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْحَمَنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به رحمت مورد ترحم قرار بده؛ ای مهریان تربیت مهریان؛

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْبُنُكَ يَا رَبَّ بِطَاعَتِكَ، وَلَا نُنْكِرُ وَلَا يَةَ مُحَمَّدٍ

بار خدایا؛ من به اطاعت تو گردن می‌نهم، و ولایت حضرت محمد ﷺ

رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَوَلَا يَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

فرستاده تو را - که درود تو بر او و اهل بیت او باد - انکار نمی‌کنم؛ هم‌چنین ولایت امیر مؤمنان

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوِلَايَةُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

(حضرت) علی بن ابی طالب - که سلام بر او باد - و امام حسن و امام حسین علیهم السلام

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَوَلَدَيْ رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

- که بر آن دو سلام باد - دو نواده پیامبر و دو فرزند رسولت را - که بر آن دو سلام باد - انکار نمیکنم،

وَوِلَايَةُ الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ، عَلِيٌّ بْنِ

همچین، ولایت پاکان معصوم از نسل امام حسین علیهم السلام؛ یعنی حضرت علی بن

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

حسین (امام سجاد علیهم السلام)، محمد بن علی (امام باقر علیهم السلام)، جعفر بن محمد (امام صادق علیهم السلام)، موسی بن جعفر (امام کاظم علیهم السلام)،

وَعَلِيٌّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ

علی بن موسی (امام رضا علیهم السلام)، محمد بن علی (امام جواد علیهم السلام)، علی بن محمد (امام هادی علیهم السلام)، حسن بن

عَلِيٌّ سَلَامُ اللَّهِ وَبَرَّ كَاتِهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَوِلَايَةُ الْقَائِمِ، الْسَّابِقِ

علی (امام حسن عسکری علیهم السلام) - که سلام و برکت‌های الهی نثارشان باد - و ولایت قائم (حضرت مهدی علیهم السلام) که پیشی‌گیرنده است

مِنْهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، الْمُفْتَرِضِ الطَّاعَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامُ اللَّهِ

به خوبی‌ها از ایشان، و اطاعت‌ش واجب بوده و صاحب عصر و زمان می‌باشد را می‌پذیرم که سلام خدا

عَلَيْهِ. أَدِينُكَ يَا رَبَّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ، وَالْتَّسْلِيمُ لِفَرَضِهِمْ،

بر او باد. بار پروردگارا؛ من با اطاعت از آنان و قبول ولایتشان و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی ایشان، تو را پرستش می‌کنم؛

رَاضِيًّا غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلَا مُسْتَكِبِرٍ وَلَا مُسْتَكِفٍ، عَلَىٰ مَعْنَىٰ مَا

در حالی که از این امر راضی هستم، نه انکار می‌کنم و نه استکبار می‌ورزم و نه آن را ننگ می‌دانم؛ بر معانی و مفاهیمی که

أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ، عَلَىٰ مَوْجُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ، رَاضِيًّا مَا رَضِيَتْ

در کتابت نازل کردی و طبق آن موجودی که به من رسیده. به آنچه تو را راضی می‌کند من نیز راضی هستم،

بِهِ، مُسَلِّمًا مُقِرًّا بِذِلِكَ يَا رَبَّ، رَاهِبًا لَّكَ، رَاغِبًا فِيمَا لَدَيْكَ.

و در برابر آنان تسلیم بوده و به آن اقرار می‌کنم؛ بار پروردگارا؛ در حالی که من از تو ترسان هستم، و به آنچه نزد توست مشتاقم.

أَللَّهُمَّ ادْفِعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَىٰ

بار خدایا؛ از ولایت و فرزند پیامبرت، و جانشین و حجتت بر

خَلْقِكَ، وَالشَّاهِدِ عَلٰى عِبادِكَ، الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ،

بندگان، وَ گواهِ بَرَ آثَان؛ تلاشِ کننده‌ای کوشَا در اطاعتِ از تو،

وَوَلِيْكَ وَأَمِينَكَ فِي أَرْضِكَ، فَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ،

ولی و امانتدار تو بر روی زمینت؛ بلا را دور کن. او را از شر آن چه که آفریده‌ای و به وجود آورده‌ای، پنهان بده؛

وَاجْعَلْهُ فِي وَدَائِعَكَ الَّتِي لَا يَضِيعُ مَنْ كَانَ فِيهَا، وَفِي جَوَارِكَ

او را از جمله سپرده‌های ضایع‌شدنیت قرار بده؛ او را در جوار خود

الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمِنْهُ بِأَمَانِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ، وَانْصُرْهُ

که شکست نمی‌خورد قرار بده؛ او را به امان خود اینم گردان و در گنف حمایت خود قرار ده، و او را

بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، يَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ. أَللّٰهُمَّ اغْصِمْهُ بِالسَّكِينَةِ،

به نصرت قوى و نیرومندت یاری ده؛ ای پروردگار جهانیان. بار خدایا؛ او را با وقار و آرامش حفظ کن؛

وَأَلِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَأَعِنْهُ وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ نَصْرًا

و به او زره محکم خود را بپوشان؛ او را مدد کن و به نصرت قوى و نیرومندت به نوعی مقدرانه یاری فرما؛

عَزِيزًاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًاً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًاً

و گشایش آسان برایش مقرر فرما؛ و از نزد خودت برای او قدرت و نیروی یاری‌شده‌ای قرار بده.

نَصِيرًاً. أَللّٰهُمَّ وَالِّيْ مِنْ وَالاَهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

خدایا؛ دوست بدار هرکسی او را دوست‌می‌دارد، و دشمن بدار هرکسی را که با او دشمنی‌می‌ورزد، و یاری کن هر که او را یاری می‌کند

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ . أَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا، وَأَرْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا،

و هر کس قصد خوارکنش را دارد خوار و ذلیلش کن. بار خدایا؛ جدایی بین ما را به وسیله او اصلاح کن، و گستاخی ما را به وسیله او پیوسته فرما

وَأَلْمُمْ بِهِ شَعَثَنَا، وَكَثُرْ بِهِ قَلَّتَنَا، وَأَعْزِزْ بِهِ دَلَّتَنَا، وَاقْضِ بِهِ عَنْ

و پراکندگی و نابسامانی ما را به وسیله او سامان بخش، و کمی ما را به وسیله او زیاد فرما، و دلت و خواری ما را به وسیله او به عزت و آبرومندی مبدل فرما و

مَغْرِمَنَا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقَرَنَا، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا، وَأَغْنِ بِهِ فَاقَتَنَا، وَيَسِّرْ

بدهکاری‌های ما را به وسیله او ادا فرما، و فقر و نادرای ما را به وسیله او جیران فرما، و نیازمندی و حاجتمندی ما را به وسیله او بطریف کن، و تنگستی ما را به

بِهِ عُسْرَتَنَا، وَكُفَّ بِهِ وُجُوهَنَا، وَأَنْجُحْ بِهِ طَلَبَتَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ

وسیله او تبدیل به دارایی و ثروت کن، و مشکلات ما را به وسیله او آسان فرما؛ آبروی ما را به وسیله او نگاه دار، و خواسته‌های ما را به وسیله او برآورده فرما، و

دُعَائِنَا، وَأَعْطَنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، وَأَشْفَ بِهِ صُدُورَنَا، وَاهْدِنَا لِمَا

دعای ما را به وسیله او مستجاب فرما، و برای ما به وسیله او بیشتر از آن چه که میل و رغبت ماست، عطا فرما؛ سینه های ما را به وسیله او شفاید، و در اموری

اخْتِلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

که در آن اختلاف وجود دارد ما را به حق هدایت فرما. ای پروردگار؛ همانا، تو هر که را بخواهی به راه

مُسْتَقِيمٍ. أَللَّهُمَّ أَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَقَوْ نَاصِرَهُ،

راست هدایت می کنی. خدایا؛ به وسیله او ظلم و ستم را بسیران، و عدل و داد را ظاهر کن، و یاری کننده او را قدرت بد،

وَاحْذُلْ خَادِلَهُ، وَدَمِرْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَهْلِكْ مَنْ غَشَّهُ، وَاقْتُلْ بِهِ

و خوارکننده او را خوار و ذلیل فرما، و هر کسی که دشمنی یابدی را برای او آشکار کند نابود فرما، و هر کسی به او خیانت می کند هلاک فرما؛ و به وسیله آن

جَبَابِرَةَ الْكُفَرِ، وَاقْصِمْ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَسَائِرَ أَهْلِ الْبِدَعِ،

حضرت، سران کفر را نابود فرما، و رؤسای ضلالت و گمراهی و تمام بدعت گذاران و

وَمُقْوِيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأَبْرِزْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

تقویت کنندگان باطل و نادرستی را درهم بشکن، وزور گویان را به ذلت و خواری بیفکن؛ و به واسطه او کافران و منافقان

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

و منحرفان از دین را در شرق و غرب زمین، و در خشکی و دریای آن،

وَسَهْلِهَا وَجَبِلِهَا، لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيَارًا، وَلَا تُبْقِ لَهُمْ

و در کوه و بیان آن؛ هلاک فرما، و هیچ یک از ایشان را بر روی زمین باقی مگذار و اثری از آنها بجا مگذار.

اَثَارًا. أَللَّهُمَّ أَظْهِرْهُ، وَأَفْتَحْ عَلَى يَدِيهِ الْخَيْرَاتِ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا

بار خدایا؛ او را ظاهر فرما و درهای خیر و برکت را به دست او بگشای، و گشایش امور ما را

مَعْهُ وَبِهِ. أَللَّهُمَّ أَعِنَا عَلَى سُلُوكِ الْمَنَاهِجِ، مِنْهَاجِ الْهُدَىِ،

به وسیله او و با فرج او قرار بده. بار خدایا؛ ما را یاری کن تا راههای روشن و واضح را بپیامیم، راه هدایت و راه روشن

وَالْمَحَاجَةُ الْعَظِيمُ، وَالطَّرِيقَةُ الْوُسْطَىِ، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهِ الْغَالِيِ،

واضح عظیم تری که راه میانه و معتدل می باشد و هیچ کجی در آن نیست؛ راهی که هر افراط گری دویاره به سوی آن برمی گردد،

وَيَلْحَقُ بِهِ التَّالِيِ، وَوَفَقَنَا لِمُتَابَعَتِهِ، وَأَدَاءِ حَقَّهِ. وَامْنُنْ عَلَيْنَا

و هر عقب ماندهای به آن ملحق می شود. ما را موفق به تبعیت و پیروی و ادائی حق آن حضرت بفرما. بر ما منت بگذار

بِمُتَابَعَتِهِ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ
 به پیروی از آن حضرت در سختی‌ها و رنج‌ها؛ و ما را از جویندگان رضایت خودت
بِمُنَاصَحَّتِهِ، حَتَّى تَحْشِرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ،
 با خیرخواهی برای آن حضرت، قرار بده؛ تا این که ما را روز قیامت در زمرة کمکرسانان و یاران
وَمَعْوَنَةِ سُلْطَانِهِ. وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُّهَةٍ،
 و مددکاران حکومتیش محشور فرمایی. آن‌چه گفتیم را برای ما خالص از هر شک و شبیه‌ای
وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ لَا نَطْلُبُ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نُرِيدُ بِهِ سِوَاكَ، وَتُحِلَّنَا
 و خالی از خودنمایی و شهرت‌گردان؛ که به وسیله آن کسی غیر از تو را طلب نکنیم، و جز تو را اراده نکنیم، و ما را در نزد او
مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْخَيْرِ مَعَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا فِي أَمْرِهِ السَّامَةَ
 جای بده، و ما را در بهره و خیرها همراه او قرار بده؛ در انجام اوامر آن حضرت، تنبیلی و
وَالْكَسَلَ وَالْفَتْرَةَ، وَلَا تَسْتَبِدْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا
 و سستی و سهل‌انگاری کردن را از ما دور کن، کسی را نیز به جای ما جایگزین مفرما؛ زیرا عوض کردن جای ما با دیگران
عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَعَلَيْنَا عَسِيرٌ، وَقَدْ عَلِمْنَا بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ يَا
 برای تو آسان است ولی برای ما مشکل و دشوار می‌باشد؛ با وجودی که ما نسبت به فضل و احسان تو آگاه هستیم؛ ای
كَرِيمُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .
 بزرگوار؛ درود و سلام خدا به طور دائم بر آقای ما حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت نثار باد.

دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان

از ابن مسعود روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند:

وقتی در ماه مبارک رمضان، صدایی به گوش مردم رسید، همانا فتنه در ماه
شوال است، و در ماه ذیقعده نیز قبیله‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند، و در ماه‌های

ذیحجه و محرم خونریزی‌های زیادی صورت می‌پذیرد؛ چه محرمی؛ خدا می‌داند که مردم بسیار زیادی در آن به قتل می‌رسند.

گفته شد: ای رسول خدا؛ صیحه چیست؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

صدایی^۱ است که در نیمه ماه مبارک رمضان، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید خواهد شد. در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود. این صدا به قدری مهیب است که هر کس را که خواب باشد بیدار می‌کند، و کسانی را که ایستاده‌اند می‌نشاند و عروسان را از حجله‌هایشان ناخودآگاه به بیرون می‌کشد. این جریانات در شب جمعه اتفاق می‌افتد و در آن سال زلزله‌ها و سرمای شدید زیاد پدیدار خواهد شد.

بدین سان، هرگاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود، وقتی که نماز صبح روز جمعه نیمه ماه مبارک رمضان را به جای آوردید به خانه‌های خود بروید، و در بهارا بیندید و قفل کنید، و پنچره‌هارا نیز بیندید، و خودتان را پنهان داشته و گوش‌های تان را نیز بیندید. پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال به سجده بیفتید و بگویید:

سُبْحَانَ الْقَدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَدُّوسِ رَبِّنَا.

خدای قدوس و پاک، ستوده و منزه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست.

زیرا، هر کس این کارها را انجام دهد رهایی می‌یابد، و هر که انجام ندهد به هلاکت می‌رسد.^۲

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده می‌شود؛ هر چند در تمام ماه‌های رمضان خوانده نمی‌شود.

۱. در روایت «الهَدَى» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!

۲. التشریف بالمن معرف به ملاحم و فتن: ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سید بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه
در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس ع برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلْمَةَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَجَحَدُوا أَيَّاتِكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ،

بار خدایا؛ همانا ستم کاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیات را انکار کردند، و فرستادگان را تکذیب نمودند.

وَبَدَّلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَعُوا غَيْرَ دِينِكَ، وَسَعَوا بِالْفَسَادِ

و آن چه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و غیر دین تو را قانون نهادند، و در روی زمین فساد را

فِي أَرْضِكَ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ، وَشَاقُوا وُلَّةَ أَمْرِكَ،

رواج دادند، و برای خاموش کردن نور هدایت تو با یکدیگر هم کاری کردند، و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند.

وَوَالَّوْا أَعْدَاءَكَ، وَعَادُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَظَلَّمُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ

و با دشمنات دوستی و هم‌عهدی نمودند، و با دوستان دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبر ظلم و ستم کردند. بار خدایا؛

فَانتَقِمْ مِنْهُمْ، وَاصْبِبْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُمْ. اللَّهُمَّ

از آنان انتقام بگیر و عذاب را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه برکن. خدایا؛ همانا ایشان

إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغْلًا، وَمَالِكَ دُوَلًا، وَعِبَادَكَ خَوْلًا، فَاكْفُ

دین تو را وسیله گول زدن و حیله گرفتند، و اموال تو را وسیله چیرگی و غلبه خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و بربده خود کردند.

بَأْسَهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَالِفْ

پس بندگان را از عذاب و شکنجه آنان باز بدار، و مکروهیهایشان را سست و بی اثر کن، و سینه مؤمنان را از آنان شفایده و

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَشَتَّتْ أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، وَاسْفِكْ

بین دلهای آنان (دشمنان) اختلاف ایجاد کن، و کارهایشان را آشفته و پراکنده ساز، و سختیهایشان را بین خودشان قرار ده.

بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ، وَخَذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. اللَّهُمَّ

و خونشان را به دست مؤمنان بربیز، و آنها را گرفتار کن؛ به طوری که نتوانند بفهمند از کجا گرفتار شدند. بار خدایا؛

صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ。اللَّهُمَّ إِنَا نَشَهُدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ

بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا: ما در روز قیامت و روز

حُلُولِ الطَّامَّةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُوا لَكَ ذَنْبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبُوا لَكَ مَعْصِيَةً،

فرا رسیدن بلای بزرگ، گواهی می دهیم که ایشان هرگز گناهی انجام نداده اند، و نافرمانی تو را مرتکب نشندند،

وَلَمْ يُضِيعُوا لَكَ طَاعَةً، وَأَنَّ مَوْلَانَا وَسَيِّدَنَا صَاحِبُ الزَّمَانِ،

و هرگز طاعتی از تو را ضایع نکرده اند؛ و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما،

الْهَادِيُّ الْمُهْتَدِيُّ، التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّكِيُّ الرَّضِيُّ، فَاسْلُكْ بِنَا عَلَى

هدایت کننده هدایت شده، و پرهیزکار، پاک و آراسته، صالح و پسندیده می باشد. پس، ما را به وسیلهٔ

يَدِيهِ مِنْهَاجَ الْهُدَىِ، وَالْمَحَجَّةَ الْعَظِيمِ، وَقَوْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ،

آن حضرت در راه هدایت، و راه آشکار بزرگ ببر؛ و ما را قدرت به تا از آن حضرت پیروی کنیم،

وَأَدَاءِ حَقَّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ^۱।

و حقش را ادا کنیم؛ و ما را در زمرة یاران و مددکاران و یاوران آن حضرت محشور فرما؛ همانا تو شنونده دعا هستی.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در بعضی از کتابها
وارد شده است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَاذِخِ، صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بار خدایا: ای صاحب شکوه و عظمت رفیع و سلطنت والا؛ بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لِوَلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيَّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ،

و آل محمد درود فرست، و برای ولی و فرزند ولی خود محمد بن حسن، حضرت مهدی علیه السلام

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيَا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعُونَانًا،

در این ساعت سریست و محافظ و پیشوایا و راهنمای مددکار و دیدهبان و

وَعَيْنًا وَمُعِينًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتَّعَهُ فِيهَا طَوْيَالًا.

کمکرسان باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهرهمندی او را طولانی گردانی.

يَا مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا

ای تدبیرکننده کارها؛ ای برانگیراندۀ هر که در قبرهاست؛ ای جاری کننده دریاهای؛ ای

مُلِئَنَ الْحَدِيدِ لِدَأْوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نم کننده آهن برای حضرت داود - که درود بر او باد -؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست،

وَأَفْعُلْ بِي كَذَا وَكَذَا. و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خدا بخواه.^۱

و برای من انجام بده چنین و چنان.



۴۴

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

عالّامه مجلسی علیه السلام فرموده است که محمد بن عیسیٰ بن عبید با سند خود از یکی از

معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا

نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و

مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و

بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

أَللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيَكَ الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيٌّ، عَلَيْهِ

بار خدایا؛ برای ولی خودت - او که برای اجرای اوامر تو قیام می‌کند - حضرت محمد بن الحسن المهدی که بر او

۱. منهاج العارفین: ۲۷۴.

وَعَلَى أَبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ

و بـ بر پدرانش برترین سلامها و درودها بـ این ساعت و در هر

سَاعَةٍ، وَلِيَأَنْجِلَهُ وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيدًا، حَتَّى

ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوای راهنمای و تایید کننده باش؛ تا

تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتَّعَهُ فِيهَا طُولًا وَعَرْضًا، وَتَجْعَلَهُ

او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، او را در طول و عرض زمین بهره‌مند گردانی؛ او

وَذَرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ

و فرزندان او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی. بارخداي؛ او را ياري کن و ما را به وسیله او ياري ده،

النَّصْرَ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ،

و نصرت و پیروزی خود را به دست او فرار بدنه؛ و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او فرار بدنه؛

وَلَا تُوَجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنْنَةَ نَبِيِّكَ،

و حکومت و کار را به غیر او حواله نکن. خدای؛ دین خودت و سنت پیامبر را به وسیله آن حضرت نمودار کن؛

حَتَّى لَا يَسْتَخِفَنِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ

تا این که هیچ حقی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد. بار خدای؛

إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دُولَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُ بَهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذْلِلُ

همانا من مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستم که اسلام و اهلش را به واسطه آن عزیز کنی،

بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ

و نفاق و اهلش را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن از فراخوانان به طاعت خویش و رهبرانی

إِلَى سَبِيلِكَ، وَأَتَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا

به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در دنیا و آخرت به ما خیر و خوبی عطا فرما، و ما را از

عَذَابِ النَّارِ، وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدُّارِينِ، وَاقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا

عذاب جهنم محفوظ بدار، و برای ما خوبی‌های هر دو جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنجه را که

تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخِيرَةِ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْنَكَ فِي

در دو جهان دوست داری، از طرف ما انجام بدنه؛ و برای ما در این چیزها، آنجه خیر است به واسطه مهریانی و متات دیرینه‌ات

عَافِيَةٌ، أَمِنَ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدْكَ الْمَلَأُ،

در عافیت قرار بده، اجابت کن ای پروردگار جهانیان؛ از فضل و فروزنخشی خودت و دست پر خیر و برکت بر ما افزون گردان؛

فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ. ۱

پس همانا هر بخشندای، دارایی و تواناییش، در اثر بخشیدن به تدرج کم می شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می کند.



دعای سوم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

شیخ بزرگوار کفععی رض می نویسد: از ائمّه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که:

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، این دعا رادر حال سجده یا ایستاده یا

نشسته، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک، و هر طور که برایت امکان دارد و در

تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از بزرگداشت و ادائی احترام به خداوند متعال،

و درود بر پیامبر شریف صلوات الله عليه وآله وسلام بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحِجَّةِ بِنِ الْحَسَنِ، (صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ

بار خدایا، برای ولیت حضرت حجّة بن الحسن (که درود تو بر او و

ابَائِهِ)، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيَّاً وَحَافِظًا، وَقَائِدًاً

پدران او باد، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوای

وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتَّعَهُ

و یاور و راهنمای و دیدهبان باش، تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را

فِيهَا طَوْيَالًا ۲.

در زمین طولانی فرما.

۱. بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۷، إقبال الأعمال: ۳۵۷.

۲. مصباح المتهجد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.

از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله تعالى فرجه در روز عید فطر

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس علیه السلام در بخشی از کتابش به عنوان «ادب بنده در روز عید نسبت به کسی که معتقد است که او امام و دارای این مقام والا است»؛ می‌فرماید:

پس می‌گوییم: بدان هنگامی که عید فطر فرا رسید پس اگر صاحب حکومت و امور (امام زمان ارواحنا فداء) در ملت و مملکتش تصریف داشت و رعیت او آن گونه بودند که مولای شان خواسته بود، پس به آن حضرت به خاطر این که خدا به او رو کرده و به خاطر سلطنت و قدرتی که به او احسان نموده تهنیت گو، سپس به خودت و کسی که نزد تو عزیز است و برای دنیا و اهل آن و برای هر کسی که به امامت آن حضرت سعادتمند شده و از وجودش و امامتش و یمن او و هدایتش و بهره‌های دولتش بهره‌مند است تبریک بگو.

و اگر کسی که معتقد به وجوب اطاعت‌ش هستی از تصریف در آنچه مقتضای ریاست او است منع شده باشد باید اثر خشم و غضب الهی بر تو نمودار باشد و بر آنچه از فضل و احسان او از تو فوت شده حسرت و اندوه داشته باشی.

پس همانا روایت کرده‌ایم با سند خود به شیخ صدوق علیه السلام از کتاب «من لا يحضره الفقيه» و غیر آن با سند او به حنان بن سدیر از عبدالله بن دینار از امام باقر علیه السلام؛ که حضرت فرمودند:

ای عبدالله؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر این که در آن روز برای آل محمد علیهم السلام حزن و اندوه تازه می‌شود.

عبدالله گوید: عرض کردم برای چه؟

حضرت فرمودند: برای این که ایشان علیهم السلام حق خودشان را در دست دیگران می‌بینند.

می‌گوییم: اگر احوال زمان ظهور را می‌دانستی و مستحضر بودی که در آن هنگام

چگونه پرچم‌های اسلام به عدل و عدالت باز و احکام مردمان به فضل و دانش آشکار گشته و اموال در راه خدا به بندگان او بذل و بخشش می‌شود و آرزوها شاداب و خندان و برآورده شده، و امنیت و آرامش شامل نقاط دور و نزدیک می‌شود؛ و نصرت و پیروزی، انسان‌های ضعیف و ذلیل و غریب را فراگرفته است، و خورشید خوشبختی در دنیا طلوع کرده است و دنیا را روشن ساخته، و خوشبختی و اقبال در زمین‌های پست و بلند گستردگرده است و دلخواه شادمان و سلطنت نیرومند او چنان ظاهر شده که خردها نشاط یافته و دلها شادمان و همه کرانه‌ها را نور فراگرفته، به راستی عیدی که به فرارسیدنش مسرور گشته‌ای بر تو مکدر می‌گشت و می‌فهمیدی که از کرم خدا و الطاف او چه مقدار از دست داده‌ای و گریه و سوزد ل و آه و حسرت بر تو غالب می‌گشت و این سزاوارتر است و به وفا نسبت به کسی که نزد تو عزیز است نزدیک‌تر است.

با ذکر این مطالب مختصری پرده را برایت کنار زدم ولی آن گونه که باید شرح و توضیح ندادم و آن چه که ما آن را ذکر کردیم به نحو آگاه کردن و اشاره بود؛ به خاطر این که عبارات برای شرح آن چه که ما می‌خواهیم آن را بیان کنیم، عاجز می‌باشد.

و بدان که همانا صفا و صمیمیت و وفاداری برای صاحبان حق هنگام جدایی و دوری نیکوتراست از صفا و صمیمیتی که در حال نزدیکی و حضور باشد؛ پس، صفا و صمیمیت و وفاداری باید شعار قلب تو برای مولایت باشد؛ و پروردگارت بر گشودن و برطرف کردن حزن و اندوه و مشقت تو قادر است.^۱

۱. إقبال الأعمال: ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۶۷۵ می آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن بخش.